

جایگاه مردم در نظام سیاسی ـ دینی
از منظر آیت الله نائینی و شهید صدر
میرزا حسین فاضلی


بسم الله الرحمن الرحيم

جایگاه مردم در نظام سیاسی - دینی از منظر آیت الله نائینی و شهید صدر

نویسنده:

میرزاحسین فاضلی

ناشر چاپی:

جامعة المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیة

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جایگاه مردم در نظام سیاسی - دینی از منظر آیت الله نائینی و شهید صدر

مشخصات کتاب

سرشناسه:فاضلی، میرزاحسین، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور:جایگاه مردم در نظام سیاسی - دینی از منظر آیت الله نائینی و شهید صدر [کتاب]/ میرزاحسین فاضلی.

مشخصات نشر:قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری:۲۰۷ص.

شابک:۳۴۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۵۷۰-۲

وضعیت فهرست نویسی:فاپا

یادداشت:کتابنامه: ص. [۱۹۹] - ۲۰۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع:صدر، سیدمحمدباقر، ۱۹۳۱ - ۱۹۷۹م. -- نظریه درباره دموکراسی

موضوع:نایینی، محمدحسین، ۱۲۳۹ - ۱۳۱۵ -- دیدگاه درباره دموکراسی

موضوع:دموکراسی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع:دموکراسی

رده بندی کنگره:BP۲۳۰/۱۴/ف۲ج۲ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی:۲۹۷/۴۸۳۲

شماره کتابشناسی ملی:۲۶۱۶۸۲۰

ص :۱

تقدیم

معاونت پژوهش

این اثر را تقدیم می کنم به پیشگاه ارواح ملکوتی والدینم که با قبول مرارت های زندگی زمینه تحصیلم را فراهم آورده و بذر معرفت قرآن و محبت اهل بیت علیه السلام را همواره در قلبم افشاندند.

ص:۲

جایگاه مردم در نظام سیاسی - دینی از منظر آیت الله نائینی و شهید صدر

مؤلف: میرزا حسین فاضلی

چاپ اول: ۱۳۹۰ش / ۱۴۳۳ق

ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله

چاپ: فاضل قیمت: ۳۴۰۰۰ ریال شمارگان: ۲۰۰۰

مراکز فروش:

قم، میدان شهدا، خیابان حجتیه، روبه روی مدرسه حجتیه، فروشگاه مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله . تلفن: ۹ - ۰۲۵۳۷۸۳۹۳۰۵

قم، بلوار محمدامین، سه راه سالاریه، جنب جامعه العلوم، فروشگاه مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله . تلفن: ۰۲۵۳۲۱۳۳۱۰۶ - فکس: ۰۲۵۳۲۱۳۳۱۴۶

www.pub.miu.ac.ir

ص:۴

سخن ناشر

اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی أَنْزَلَ عَلی عَبْدِهِ الْکِتابَ وَ لَمْ یَجْعَلْ لَهُ عِوَجاً والصلوه والسلام علی النبی الأمین محمدٍ وآله الهداه المهدیّین وعترته المنتجبین واللعنه علی اعداء الدین، إلی قیام یوم الدین .

حوزه کهن علوم اسلامی در زمینه علوم پایه، مانند: فقه، کلام، فلسفه و اخلاق و علوم ابزاری، مانند: رجال، درایه و حقوق در طول چهارده قرن فرازها و فرودهای بسیاری داشته است.

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش ها و چالش های جدیدی، به ویژه در حوزه علوم انسانی، فراروی اندیشمندان اسلامی قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پایبندی به دین و سنت، در مدیریت همه جانبه کشورها بسیار چالش برانگیز می نماید.

ازاین رو، پژوهش های به روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، براساس سنجه های معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه های ناب، بایسته است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت بنیان گذاران این شجره طیّبه، به ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی (رحمه الله) و مقام معظم رهبری دام ظله العالی است.

ص:5

در این راستا، « جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه » برای انجام این رسالت خطیر و در

مسیر نشر معارف ناب محمّدی صلی الله علیه و آله ، « مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله » را بنیان نهاده است.

نوشتار پیشِ رو به همت فاضل ارجمند، جناب آقای میرزاحسین فاضلی ، برآیندی از این تلاش در به ثمر رساندن گوشه ای از این اهداف متعالیه است.

در پایان، از بزرگوارانی که در نشر این اثر یاریگرمان بوده اند، سپاسگزاریم و چشم به راه نقد و نظر اربابان فضل و معرفت هستیم.

مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله

فهرست

بخش سوم: جایگاه مردم در مرکز تصمیم گیری

پیشگفتار

بررسی شأن و جایگاه مردم در نظام های مردم سالار از اهمیتی ویژه برخوردار است. ازاین روست که نظام های مردم سالار امروزه در افکار عمومی جایگاه ویژه ای یافته اند. رژیم های استبدادی و دیکتاتوری در سراسر جهان با چالش های غیر قابل علاج روبه رو هستند. رژیم های استبدادی ناگزیرند، دیر یا زود تسلیم خواسته های بر حق مردم خویش گردند. تأمین حقوق اساسی مردم، تسلیم رأی اکثریت شدن، فراهم ساختن زمینه مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش، کمترین مؤلفه هایی است که این رژیم ها باید به مردم خویش اعطا کنند.

در نظام های دموکراسی که «مردم» محور تصمیم گیری ها بوده و دولتمردان تنها وظیفه اجرای بی کم و کاست آرای شهروندان را دارند، نقش مردم بسیار پررنگ و فراگیر گردیده است که البته این فرایند نیز در جای خود نقض و ابرام های بسیاری دارد. مردم در بسیاری از شرایط، مصالح راستین خویش را درک نکرده و بیشترین نگاهشان معطوف به امور مادی است. نگاه «انسان محورانه» که امروزه در فرایند شکل گیری و تداوم نظام سیاسی مبتنی بر اندیشه دموکراسی لیبرال مطرح است، پیامدهای منفی خود را همواره به دنبال داشته است؛ مصالح معنوی انسان، آموزه های متعالی دینی، امور وحیانی و نگاه به فراسوی جهان مادیت در آن هیچ جایگاهی ندارد؛ در یک کلام، در این نظام انسان سرچشمه و محور تصمیم گیری هاست. بنابراین، همان سان که رژیم های استبدادی از نظر منطق رفتاری محکوم به فنایند، رژیم های

ص:۱۳

مردم سالار، به مفهوم دموکراسی لیبرال غربی، نیز با وجود برخورداری از مؤلفه های مثبت، با چالش های فراوانی روبه رو هستند.

در این میان، نظام مردم سالاری دینی بر پایه تعاملی دوسویه بین دین و مردم استوار است و نقش جامعه در نظام سیاسی در بیشتر فرایندها مانند به دست گیری، اجرا و نظارت بر قدرت سیاسی انکارناپذیر است. این گونه نظام، بر محور عدالت و بر اساس امانتداری حاکمان، صداقت و خدمت به مردم شکل می گیرد. بنابراین، نقش مردم در این نظام بسیار برجسته است؛ هرچند، آموزه های دینی محور و اساس نظام است؛ بدین معنا که اصول و ارزش های نظام سیاسی و راهکارهای دولت و رهبران بر پایه تعالیم دینی، استوار است.

در نظام مردم سالاری دینی از یک سو، رعایت اصول شریعت و از سوی دیگر، ارج گزاری به جایگاه مردم دارای اهمیت است. در نظام های سیاسی اسلام مردم از موقعیت شایسته و بی بدیلی برخوردارند؛ رفتار معصومان علیهم السلام به ویژه شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام در فرصت هایی که قدرت را در اختیار داشته اند گویای این حقیقت است.

هرچند به دلیل نبود حکومت های مردم سالار دینی در دوران غیبت حضرت ولی عصر(عج) سیره و سنت پیشوایان دینی مغفول و متروک مانده است، اما بسی خوش بختی است که در سال های اخیر، فرایند توجه به منابع دینی و سیره معصومان علیهم السلام از این زاویه به صورت بسیار جدی مورد توجه واقع شده است؛ فقیهان خوش فکر و نواندیش، افق های جدیدی را فراروی امت اسلامی پدیدار ساخته اند.

در این میان، دو تن از فقیهان نواندیش و آگاه به مسائل سیاسی - اجتماعی که دغدغه حکومت دینیشان زبانزد است، آیت الله نائینی و شهید سید محمدباقر صدر هستند. این دو عالم به صورت بسیار ممتاز و برجسته، به نقش و جایگاه مردم در حکومت دینی پرداخته و به زیبایی، زوایای مختلف بحث را با تکیه بر منابع دینی و سیره معصومان علیهم السلام تبیین و تشریح کرده اند.

در این نوشتار، به بررسی جایگاه مردم در نظام مردم سالاری دینی از منظر این دو اندیشمند فرزانه پرداخته ایم. از آنجا که تئوری پیروی شده در این تحقیق، «تئوری سیستم»

است، ازاین رو، مباحث ساختاری تئوری همانند، فرایند قدرت، مرکز تصمیم گیری و قلمرو دخالت دولت، با تکیه بر آرای این دو فقیه مورد توجه قرار گرفته است.

بدون تردید، پیدایش این اثر، ثمره علم آموزی از اساتید فرهیخته و دلسوز است. ازاین رو، از سرورانی که در این تحقیق بنده را یاری کرده اند، به ویژه استادان فرزانه حجت الاسلام دکتر نجف لک زایی و حجت الاسلام روح الله شریعتی که فروتنانه با رهنمودهای عالمانه خویش بر غنای این اثر افزودند و نیز ریاست محترم جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، حضرت آیت الله اعرافی که با تدبیر، زمینه پژوهش را برای دانش پژوهان فراهم آورده اند و همچنین اداره امور محققان مجتمع آموزش عالی فقه و مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله که به حسن نیت به نشر این اثر مبادرت ورزیدند و نیز برخود می دانم که از مشورت های عالمانه جناب آقای دکتر محمداکرم عارفی، عصمت الله شریفی و محمداسماعیل عمار که هر کدام در غنامندی کتاب نقش داشته اند و همین طور از ویراستاران محترم سید علی سجادی و عبدالحکیم رحیمی که زحمت ویراستاری اثر را به عهده داشتند و برادران محترم سید محسن عمادی مجد و سبحان پرهیزگار که به صفحه آرایی اثر پرداختند و برادر عزیز سید مهدی عمادی مجد که موشکافانه در رفع کاستی های فنی اثر کوشیدند و برادر محترم علی سلیمانی که زحمت تطبیق و نمونه خوانی کتاب را برعهده داشتند و برادر فرهیخته جناب آقای سید علی شاه چراغ که با نظارت کارشناسانه خویش بر همه مراحل تولید، به ارتقای این اثر افزودند و از خانواده ام که با ایجاد فضای مناسب مرا در دوران تحصیل و نگارش این پژوهش همراهی کرده اند، صمیمانه سپاسگزارم و از خداوند منّان برای این بزرگواران پاداشی نیک و فراخور شأنشان آرزو می کنم.

میرزاحسین فاضلی

بهار ۱۳۹۰

ص:۱۵

بخش اول-مفاهیم و کلیات

اشاره

ص:۱۷

۱ –مفاهیم

اشاره

پیش از ورود به اصل بحث، به شرح برخی از مفاهیم کلیدی این تحقیق می پردازیم:

الف) نظام سیاسی – دینی

۱. نظام : برای نظام تعریف های مختلفی ارائه شده است همانند اینکه نظام:

مجموعه اجزا و عناصری است که روابط معین و مشخص میان آنها برقرار است و با تغییر هریک از این عناصر یا نوع روابط مقرر، بازده و محصول نظام نیز تغییر خواهد کرد. (۱)

نظام (۲) به سازمان و تشکیلاتی گفته می شود که با محیط خود در کنش و واکنش متقابل است... به عبارت دیگر، نظام عبارت است از اجزای وابسته به یکدیگر که برای نایل آمدن به هدفی باهم ترکیب شده اند. (۳)

۲. سیاسی : در معنای عام، هرگونه راهبرد و روش و منش برای اداره یا بهکرد هر امری از امور، چه شخصی چه اجتماعی، «سیاست» گفته می شود. (۴)

به معنای خاص، هر امری که مربوط به دولت و مدیریت و تعیین شکل، مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد، از مقوله امور «سیاسی» است. (۵)

۱- (۱) . علی رضا طیب، سیاست تطبیقی، ص ۴ و ۵.

۲- (۲) . System.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، ص ۲۱۲.

۵- (۵) . همان.

۳. نظام سیاسی : (۱) به مجموعه مهمی از نهادهای اجتماعی که با صورت بندی منظم به اجرای اهداف جمعی یک جامعه می پردازد، گفته می شود. در حالت معمولی، نوع «اجباری مشروع»، پشتیبان نظام سیاسی است. (۲)

به عقیده بسیاری، نظام سیاسی همان دولت است که از ویژگی های جمعیت، حکومت، سرزمین و حاکمیت (قدرت انحصاری) برخوردار است؛ زیرا اگر گروهی به طور مستقل در سرزمینی معین سازمانی به وجود آورند و بتوانند با اعمال اقتدار، اطاعت مردم را به دست آورند، می توان گفت دولت به وجود آمده است. (۳) بر این اساس است که رابرت دال (۱۹۱۵) نظریه پرداز علوم سیاسی ایالات متحده در سده بیستم، گفته است:

به نظام سیاسی متشکل از ساکنان یک سرزمین و حکومت آن سرزمین، دولت گفته می شود. (۴)

البته اصطلاح دولت در علوم سیاسی، معمولاً ـ به دو مفهوم متمایز، ولی مرتبط به هم، اطلاق می شود؛ چه اینکه گاهی مراد از دولت، افراد خاص (حاکمان) است و چه گاهی به مجموعه خاصی از نهادهای برتر (قانون گذاران و مجریان)، دولت گفته می شود؛ ازاین رو، در تعریف مورد نظر از دولت هر دو مفهوم مورد توجه است:

دولت مجموعه ای از افراد و نهادها است که قوانین فائقه در یک جامعه را وضع و با پشتوانه قدرت برتری که در اختیار دارند، اجرا می کنند. (۵)

۴. نظام سیاسی دینی

مراد از نظام سیاسی و دولت دینی، نظام و دولتی است که خطوط اصلی عملکرد آن را دین تعیین می کند و در مقام عمل، حفظ ارزش های دینی را همواره وظیفه خود می داند. البته مراد ما در اینجا از دولت دینی، دولت اسلامی است که ارزش ها و اصول خود را از دین اسلام می گیرد. بنابراین، معیار دینی بودن یک نظام و دولت به معنای «استناد» به دین و پذیرش مرجعیت دین در زندگی سیاسی است.

۱- (۱) . political system.

۲- (۲) . درآمدی بر اندیشه امام خمینی، ص ۲۹.

۳- (۳) . عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، ص ۱۳۷.

۴- (۴) . همان.

۵- (۵) . ر.ک: داود فیرحی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، ص ۸.

نظام سیاسی اسلام به مجموعه ای به هم پیوسته از فعالیت های سیاسی گفته می شود که شمار بزرگی از کارگزاران با هدفی خاص به آن متعهد شده و انجام می دهند. این سیستم که از عناصری به هم آمیخته تشکیل شده که هرکدام به تنهایی بخشی از نظام سیاسی اسلام را تشکیل داده، «نهادها» و «گروه ها» معینی را شامل می شود. (۱)

بنابراین، می توان گفت نظام سیاسی اسلام و یا حکومت دینی حکومتی است که در آن، اداره امور جامعه و رسیدگی به مسائل سیاسی اجتماعی بر اساس قوانین اسلام انجام می گردد.

با دقت در معنای نظام سیاسی دینی، مشخص می شود که آنچه امروزه با عنوان «مردم سالاری دینی» مطرح می شود، همان نظام سیاسی دینی است.

در این نوشتار، این دو اصطلاح به یک معنا مورد نظر ماست. ازاین رو، لازم است مفهوم «دموکراسی»، پیشینه، خاستگاه اولیه، انواع دموکراسی (مستقیم و غیرمستقیم) و سیر این تفکر در جهان اسلام مورد بررسی قرار گیرد.

ب) مفهوم دموکراسی

(۲)

دموکراسی، یکی از رایج ترین اصطلاحات در علم سیاست است که از دو کلمه یونانی « demos » به معنای مردم و « kratos » به معنای «قدرت» و «حکومت» برآمده و ترکیب این دو کلمه به معنای «حکومت مردم» است. (۳)

دموکراسی همان گونه که ریشه لغوی یونانی دارد، نخستین بار در یونان تجربه گردیده است. حدود پانصد سال قبل از میلاد مسیح، یعنی نزدیک بیست و پنج قرن پیش از این، در شهر آتن به محک آزمایش گذاشته شد. روش اداره این شهر، که بعدها به دموکراسی آتنی معروف شد، بدین سان بود که مردم در دوره های معین زمانی،گرد هم می آمدند و نمایندگانی از میان خود برای اداره شهر، قضاوت و دادرسی انتخاب می کردند. (۴) در همین اجتماعات، اتخاذ تصمیم درباره مسائل مهم شهر به رأی عمومی گذاشته می شد.

۱- (۱) . همان، ص ۱۵.

۲- (۲) . Democracies.

۳- (۳) . محمود طلوعی، فرهنگ جامع سیاسی ذیل مدخل «دموکراسی».

۴- (۴) . همان.

با توجه به ریشه لغوی واژه دموکراسی، معلوم می شود که این کلمه، یک واژه یونانی است که در قرن شانزدهم به صورت واژه فرانسوی دموکراتی (۱) وارد زبان انگلیسی شد. بر اساس این ترکیب اشتقاقی، دموکراسی به معنای نوعی از حکومت است که در آن، بر خلاف حکومت های مونارشی و اشرافی، مردم حکومت می کنند. بنابراین، «حکومت مردم بر مردم» یا «حکومت به وسیله مردم» که مفهوم اصلی دموکراسی تلقی گردیده است، هرچند در ظاهر، مفهوم روشنی دارد، ولی تاریخ این نظریه، به ویژه در قرن بیستم، نشان می دهد که این اصطلاح یکی از بحث برانگیزترین مباحث چالش دار، در حوزه علوم سیاسی - اجتماعی بوده است.

ج) مفهوم مردم سالاری دینی

مردم سالاری دینی، به معنای روش و شیوه زندگی سیاسی مردمی است که نظام دینی را برگزیده اند و این نظام، تضمین کننده آزادی، استقلال، رضایت مندی، مشارکت سیاسی و اجرای عدالت اجتماعی - سیاسی مردم و پذیرش حاکمیت شریعت در زندگی سیاسی آنان باشد. (۲) در نظام مردم سالار دینی، دو جنبه مورد توجه است: ۱) مشروعیت نظام؛ ۲) مقبولیت و رضایت مردم. گردآمدن این دو مؤلفه اساسی، نظام مردم سالار دینی را تشکیل می دهد و مشروعیت ذاتی حاکمیت در نظام مردم سالاری دینی، برخاسته از اراده الهی است.

د) مفهوم مشروعیت و مقبولیت

مشروعیت به معنای قانونی بودن و یا طبق قانون بودن است. در اروپای سده میانه هم به همین معنا به کار رفته است. بعدها عنصر «رضایت» هم بدان افزوده شد. در عصر کنونی، «مشروعیت» عمل دولت، به معنای باور عمومی جامعه مبنی بر به حق بودن قدرت دولت برای وضع و اجرای قوانین است بدین سان دولت، بالاترین

۱- (۱) . democratia.

۲- (۲) . مسعود پورفرد، مردم سالاری دینی، ص ۵۳.

مرجع قدرت و مدعی سلطه انحصاری در قلمرو خویش است. در نتیجه، مشروعیت دربردارنده دو چیز است:

نخست اینکه درون قلمرو خویش رقیبی ندارد و بر همه گروه ها مسلط است؛ دوم آنکه دولت های دیگر آن را دولتی مجزا و مستقل می دانند. (۱)

با افزوده شدن عنصر «رضایت» به معنای «مشروعیت»، در واقع، رضایت پایه و اساس فرمانروایی مشروع دانسته شد. تا جایی که امروزه مشروعیت «روح دموکراسی» تلقی می شود. بر همین اساس است که بنیاد مشروعیت حکومت را در سطح مجامع بین المللی به «مقبولیت» تفسیر می کنند.

در اندیشه سیاسی اسلام، به ویژه اندیشه سیاسی تشیع، ازیک سو، به دلیل اینکه مشروعیت حکومت، الهی بوده و تنها کسی حق فرمانروایی دارد که از سوی خداوند متعال برگزیده شده باشد و از سوی دیگر، به دلیل وابستگی حکومت به مردم و فرمانبران و کرامتی که خداوند و مکتب اسلام برای انسان ها قائل است، مقبولیت مردمی در کارایی و کارآمدی نظام بسیار تأثیرگذار است. بر این اساس است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام توصیه می فرماید که تنها در صورت رضایت همگانی مردم به حکومت آن حضرت، زمام امورشان را در دست بگیرد؛ چنان که علی علیه السلام خود در این زمینه می فرماید:

رسول خدا مرا متعهد به پیمانی کرده و فرموده بود: پسر ابوطالب! ولایت امتم حق توست. اگر به دوستی و عافیت (نهایت رضایت مندی)، تو را ولی خود قرار دادند و با رضایت درباره تو به وحدت نظر رسیدند، امرشان را به عهده گیر و بپذیر؛ اما اگر درباره تو به اختلاف افتادند، آنان را به خواست خود واگذار؛ زیرا خدا راه گشایشی به روی تو باز خواهد کرد. (۲)

ص:۲۳

۱- (۱) . نظام سیاسی و دولت در اسلام، ص ۱۱.

۲- (۲) . «وقدکان رسول الله صلی الله علیه و آله عهد الی عهداً فقال: یابن أبی طالب! لک ولاء امتی فان ولوک فی عافیته واجمعوا علیک بالرضا فقم بأمرهم، وان اختلفوا علیک فدعهم، ومافیه فان الله سیجعل لک مخرجاً». ابوجعفر، محمد بن جریر بن رستم، طبری الامامی، المسترشد فی إمامته امیرالمؤمنین علی بن ابی طالبعلیه السلام، تحقیق: احمد محمودی، ص ۴۱۷؛ و نیز ر.ک: رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی ابن طاووس، کشف المحجه، لثمرالمهجه، تحقیق: محمد الحسون، ص۲۴۸ و ۲۴۹؛ محمدباقر محمودی، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، ص۲۱۸ و ۲۱۹ (با اندک تفاوتی).

در همین راستا امام علی علیه السلام وصیت دیگری مانند این از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند:

اگر مردمان برتو گرد آمدند، آنچه به تو فرمان داده ام بجا آر و امرشان را به عهده گیر وگرنه خود را به کناری فرود آر و آنان را واگذار. پس چون مردمان از گردم پراکنده شدند، به ناچار دست فروهشتم و خار در چشم، دیده فرو بستم و خود را به کناری کشیدم. (۱)

۱- (۱) . قال لی رسول الله صلی الله علیه و آله : ان اجتمعوا علیک فاضع ما امرتک والا فالصق کلکک بالارض، فلمّا تفرقوا عنّی، حبروت علی المکروه ذیلی اغضیت علی القذی جفنی والصقت بالارض کلکی.» ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۲۶.

۲ –کلیات

پیشینه مردم سالاری

۱– چگونگی پیدایش نخستین نهادهای دموکراتیک

درباره پیدایی نخستین نهادهای دموکراتیک و نحوه شکل گیری آنها نظریات متفاوتی وجود دارد که می توان آنها را به طور عمده در سه نظریه خلاصه کرد:

یکم) روم باستان : اولین نهادهای دموکراتیک در یونان و روم باستان پیدا شد که امروزه به دموکراسی آتنی (۱) معروف است. دولت شهرهای آتن از ۵۰۰ تا ۳۲۱ قبل از میلاد، دموکراسی مستقیم داشتند که از همه شهروندان دارای روحیه عمومی انتظار می رفت که تا در مجمعِ حاکم حضور یابند. حکومت روزانه شهر توسط شورا کنترل می شد؛ کارکردها و وظایف قضایی و بازرسی توسط هیئت های منطقه بزرگ صورت می گرفت. عضویت در شورا و هیئت منصفه با قید قرعه بود و هر شهروند فرصت همیشگی داشت تا یک روز رئیس آتن و روز دیگر قاضی القضات شهر شود. (۲)

دوم) ایران باستان : دومین نظریه در مورد شکل گیری نهادهای اولیه دموکراتیک این است که ۵۲۱ سال قبل از میلاد مسیح، زمانی که داریوش اول با یارانش، «بردیا» را که

ص:۲۵

۱– (۱) . Athenian-democracy.

۲– (۲) . ایان مک لین، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه: دکتر حمید احمدی ذیل مدخل «دموکراسی».

غاصب می نامیدند، کشتند، در مورد چگونگی نظام سیاسی که می خواستند برپا دارند، به گفت وگو پرداختند.

سوم) جوامع غیر اروپایی : سومین نظریه در باب شکل گیری اولین نهادهای دموکراتیک و مردم سالاری، خاستگاه اصلی آن را در جوامع غیر اروپایی می داند.

به نظر این گروه از دانشمندان، وجود مجامع مشورتی در تمدن «سومر» (۱) در هزاره چهارم پیش از میلاد مسیح مسلم است.

۲- انواع دموکراسی

اشاره

در بررسی پیشینه مردم سالاری و سیر تاریخی آن، می توان آن را از جنبه های مختلفی تقسیم بندی کرده و مورد کاوش قرار داد. چنان که دیوید هلد دموکراسی را ابتدا به دو دسته کلاسیک و مدرن، و دموکراسی کلاسیک را به دموکراسی یونانی و لیبرال کمونیستی، و دموکراسی مدرن را به نخبه گرایی، کثرت گرایی و مشارکتی، تقسیم بندی کرده است. (۲) ولی آنچه ما را بیش از همه، در بررسی سیر تاریخی این اندیشه کمک می کند، تقسیم مردم سالاری به دو نوع مستقیم و غیرمستقیم و بررسی هرکدام به طور جداگانه است.

یکم) دموکراسی مستقیم

حدود شش هزار سال پیش، در سومر، شهرهای مستقل پدید آمد. در این شهرها «مجمع شهر» یا «مجمع همشهریان» تشکیل یافت. در آن دوران، واژه ای که معادل «شهریار» یا «پادشاه» باشد وجود نداشت و اصطلاح «حاکم شهر» معمول بود. قدرت نهایی سیاسی در اختیار «مجمع عمومی شهر» قرار داشته و «مشارکت در امور حکومت، متعلق به بخش وسیع جامعه بوده است». مقام «مجمع شهر» بر پایه مشورت استوار بوده

۱- (۱) . سومر، کشوری باستانی در قسمت سفلی بین النهرین، مجاور خلیج فارس در جنوب کشور آکد است. شهرهای سومر عبارت بودند از: «اور» «اوروک» یا «ارخ» «نیب پور» و «لارسا». سومریان از ۵ هزار سال قبل از میلاد در سومر سکونت داشتند و آنان یکی از تمدن های بسیار کهن را در بین النهرین ایجاد کردند. حکومت آنها در سه هزار سال قبل از میلاد تشکیل شد و در هزاره دوم یعنی ۲۱۱۵ قبل از میلاد منقرض شد و قلمرو آنان ضمیمه آشور و بابل گردید (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه سومر).

۲- (۲) . دیوید هلد، مدل های دموکراسی، ترجمه: عباس مخبر، ص ۱۸-۲۰.

و این بدین معناست که هیچ امر مهم اجتماعی پیش از آنکه به تصویب مجمع شهر برسد قابل اجرا نیست.

این همان چیزی است که امروزه از آن به عنوان دموکراسی مستقیم یاد می کنند. مناظره از عناصر مهم فرهنگ سومری بوده است. قدرت سیاسی در سومر متمرکز نبوده و مجمع می توانسته است قدرت را از حکمران بگیرد و او را عزل کند. (۱)

دوم) مردم سالاری غیرمستقیم

مردم سالاری غیرمستقیم که از آن به سیستم نمایندگی یاد می کنند، در اثر افزایش جمعیت، رشد شهرنشینی و پدید آمدن وسایل ارتباطی جمعی پدید آمد؛ چه اینکه با پدید آمدن شرایط جدید و گسترش جوامع، حاکمیت به صورت مستقیم ناممکن گردید. ازاین رو، سازوکار جدیدی که ارائه شد، سیستم نمایندگی بود. بر اساس این رهیافت، مردم، اراده خود را از طریق نمایندگانی که برای این مقصد گزینش شده اند، اعلام می کنند. محور اساسی این رهیافت، رابطه متقابل مردم و نمایندگان، چگونگی انتخاب و میزان پاسخ گویی آنان در برابر مردم است.

بر این اساس، اراده مردم در این نوع مردم سالاری، تا حدود زیادی محدود به گزینش نمایندگانشان است؛ چه اینکه اراده نمایندگان در اداره کشور و مسائل عمومی نقش اساسی دارد. ازاین رو است که برخی، سیستم نمایندگی را انحراف از مردم سالاری دانسته اند؛ ولی آنچه که در آن تردیدی نیست، این است که سیستم نمایندگی و انتخاب، شیوه اصلی مردم سالاری در جهان امروز است. بنابراین، برخی سیستم نمایندگی را عالی ترین شیوه ممکن برای برپایی مردم سالاری در عصر حاضر دانسته اند؛ زیرا افزون بر تأمین مشارکت مردم، از حاکمیت غوغاسالاری و هرج ومرج نیز جلوگیری می کند. (۲)

به هرحال، از حدود دو سده قبل، سیستم نمایندگی (مردم سالاری غیرمستقیم) رواج

یافت و آرام آرام مورد پذیرش عموم قرار گرفت.

ص:۲۷

۱- (۱) . دکتر مصطفی رحیمی، «اجمالی درباره سیر دموکراسی»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ص ۹۰، شماره ۱۷۰.

۲- (۲) . حسین بشیریه، درس های دموکراسی برای همه، ص ۱۱۰.

سه تن از دانشمندانی که در شکل گیری این رهیافت، نقش اساسی دارند، اسپینوزا، جان لاک و ژان ژاک روسو هستند که بررسی دیدگاهشان دراین باره لازم به نظر می رسد.

۳- پیشاهنگان سیستم نمایندگی

یکم) اسپینوزا

(۱)

اسپینوزا فیلسوف هلندی از نخستین نظریه پردازان دموکراسی در عصر جدید است. رساله نیمه تمام اسپینوزا که با مرگ غم انگیز او به فرجام نرسید، محصول پخته ترین سنین عمر وی است. وی هدف نهایی دولت را تسلط بر مردم و محدودساختن آنان از راه وحشت نمی داند؛ بلکه رسالت دولت را آزادساختن مردم از وحشت می داند تا بتوانند با اطمینان کامل، بدون تحمل زیان بر خود یا بر همسایه زندگی کنند... . (۲) محور

۱- (۱) . بندیکت دو(باروخ) اسپینوزا(۱۶۷۷ - ۱۶۲۳) (Bendictde (Baruach)spinoza) در خانواده ای زاده شد که از تفتیش عقاید در اسپانیا و پرتغال گریخته بودند. اسپینوزا در مدارس خاخامی آموزش دید و از راه تراشیدن عدسی امرار معاش می کرد. بعد از آنکه به خاطر عقاید شکاکانه اش از کنیسه اخراج شد، به جمع گروهی از مسیحیان روشنفکر پیوست و محفل فلسفی تشکیل داد و به زودی رهبر آن محفل شد. وی بعد از ترک آمستردام زندگی منزوی و پارسایانه ای را اختیار کرد. پیشنهاد پذیرش پول و مقامات دانشگاهی را نپذیرفت و حتی از چاپ اثر بزرگ خود به نام اخلاق (Eithics)امتناع ورزید که البته این کار هم از روی عشق به حقیقت و آزادی فکری و هم به علت ترس از سانسور بود. کنجکاوی اسپینوزا باعث شد تا آثار متفکران مسیحی را درباره مسائل مهمی از قبیل ذات خداوند و سرنوشت بشر مطالعه کند. او نزد عالم هلندی به نام وان دن انده، شروع به تحصیل زبان لاتین کرد. او دختر ماه رخساری داشت که عشق او در دل اسپینوزا با عشق به فراگیری زبان لاتین رقابت می کرد. اما سرانجام این دختر ماهرخ، خواستگار سرمایه دار را بر اسپینوزا ترجیح داد. او تحت تأثیر دکارت (۱۵۹۶ - ۱۶۵۰) قرار داشت. رساله کلامی - سیاسی اسپینوزا بخش بیشتر آن اختصاص به بررسی انتقادی کتاب مقدس دارد. این نقد، شالوده هرگونه الهیات آزادمنشانه جدید است. بخش دوم رساله، خطوط کلی اصول علمی جدید عدالت را به دست می دهد. اسپینوزا در رساله سیاسی (۱۶۷۷) بهترین نوع هر یک از سه شکل حکومت را مورد بررسی قرار داد که البته پیش از نوشتن بخش مربوط به دموکراسی درگذشت. اسپینوزا با نظریه خود در باب دموکراسی مبتنی بر قرارداد اجتماعی، تأثیر ژرفی بر ژان ژاک روسو گذاشت. (ر.ک: تاریخ مختصر فلسفه جدید، نوشته و اجراسکتروتن، ترجمه: اسماعیل سعادتی خمسه، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۲؛ دائره المعارف دموکراسی، سیمور مارتین لیپست، تاریخ فلسفه ویل دورانت).

۲- (۲) . رساله درباره دین و دولت، فصل ۲۰ به نقل از کتاب تاریخ فلسفه ویل دورانت، ترجمه: عباس زریاب، ص۱۷۴.

اصلی کلام اسپینوزا آزادساختن مردم از وحشت است نه تسلط بر مردم. او برای تحقق این امر، تأکید فراوانی بر آزادی بیان دارد؛ زیرا آزادی بیان که یکی از آزادی های مدنی بنیادین تلقی می شود، دربرگیرنده هر ارتباط گفتاری و نوشتاری است و در بیشترین تعریف ها شامل جلوه های غیر زبانی، مانند لباس بعضی رفتارها، موسیقی و... می شود. آزادی بیان در نخستین نگاه با دموکراسی رابطه آشکار و مستقیم دارد. (۱)

اسپینوزا «آزادی بیان» را یکی از اصلی ترین مؤلفه های دموکراسی دانسته و می گوید:

هرچه دولت در منع آزادی گفتار سعی کند، لجاجت و پافشاری مردم در مقاومت بیشتر می گردد. به طور کلی طبیعت مردم چنان است که اگر چیزی را حق دانستند، ولی دولت آن را مخالف قانون شمرد، با بی صبری و سرسختی در برابر دولت مقاومت می کنند. در چنین حالتی بی احترامی به قانون را زشت نمی شمارند... . (۲)

از نظر باستانیان خردورزی، نشانه این بود که آدمی در سلسله مراتب طبیعت اشرف مخلوقات است؛ اما از نظر متأخران، خردورزی نشانه آزادی انسان و مستقل بودن او از قوانین طبیعت است. اساس آزادی انسان، آزادی بیان است. اسپینوزا می گوید:

در کشور آزاد هرکس می تواند به آنچه دولت دارد بیندیشد و آنچه را می اندیشد بر زبان آورد. (۳)

در مجموع، اسپینوزا تا حدودی برتری برای دموکراسی قائل است. او با اینکه بر لزوم دولت و حکومت اعتراف دارد، ولی درعین حال، اعتقاد دارد که هرچه تسلط بر افکار کمتر باشد به حال دولت مفیدتر خواهد بود. از نظر ایشان، مردم سالاری معقول ترین شکل حکومت است؛ زیرا در این نوع حکومت هرکس حاضر است که دولت بر اعمال او نظارت کند، ولی اجازه نمی دهد که دولت بر افکار و اندیشه او مسلط شود؛ یعنی چون همه، یکسان فکر می کنند، رأی اکثریت (در اعمال نه در افکار) قدرت قانونی پیدا می کند. (۴)

۱- (۱) . مارتین لیپست، دائره المعارف دموکراسی، ذیل مدخل «آزادی بیان»، ج ۱، ص ۱۷.

۲- (۲) . رساله درباره دین و دولت، فصل ۲۰، به نقل از کتاب تاریخ فلسفه ویل دورانت، ترجمه: عباس زریاب، ص ۱۷۴.

۳- (۳) . دائره المعارف دموکراسی، ذیل مدخل«آزادی بیان»، ج ۱، ص ۱۹.

۴- (۴) . رساله دین و دولت، فصل ۲۰، به نقل از کتاب تاریخ فلسفه ویل دورانت، ترجمه: عباس زریاب، ص ۱۱۷.

دوم) جان لاک

(۱)

جان لاک، فیلسوف پرآوازه انگلیسـی، یکی از بنیان گذاران دموکراسی لیبرال شمرده شده است. چه اینکه نوشته های لاک به شکل گیری پایه حکومت دموکراسی آزادی خواهانه (لیبرال دموکراسی) جدید کمک کرد. مهم ترین اثر لاک در باب نظریه سیاسی، دو رساله ایشان درباره حکومت بود که در ۱۶۸۹ به حمایت از انقلاب ۱۶۸۸ «و یک» انتشار یافت؛ انقلابی که در آن، پارلمان انگلسـتان، ویلیام و ماری را به جای جیمز دوم نشاند. (۲) لاک در رساله اول، نظریه حق الهی شاهان را که سـر رابرت فیلمیر (۱۵۸۸ - ۱۶۵۳) مطرح کرده بود، ردّ کرد. (۳) لاک در

ص:۳۰

۱- (۱) . جان لاک در ۲۹ اوت ۱۶۳۲، ۴۴ سال پس از تولد هابز در ورینگتنف سامرت شایر، به دنیا آمد. پدربزرگ او پارچه فروش بود و در کارخانه ریسـندگی و بافنـدگی او عـده زیادی کار می کردند. پدرش حقوقدان، کارمند دادگاه های صـلح و محضـردار نـاحیه بود که به کار پـدر خود (پارچه فروشـی) علاقه نـداشت. جان لاک با نفوذ خانواده در سن پانزده سالگی در مـدرسه دست مینستر پـذیرفته شـد. در این زمان، رئیس این مـدرسه، ریچارباسبی، مهندسـی شاه دوست بود که نفوذ زیادی بر لاک گذاشت، در ۱۶۵۲ که لاک ۱۹ سال داشت، دانشجوی کلیسای مسیح در آکسفورد شد. لاک گفتار درباره قانون طبیعی (۱۶۶۰) را در همین دوره نوشت. پدر لاک در ۱۶۶۰ درگذشت و دارایی ها به صورت زمین و خانه برای او به جای گذاشت. لاک مالک سـخت گیری بود. در این زمان، لاک در انتخاب شـغل دچار مشـکل بود. لاک تحصـیلات پزشکی را ادامه داد و نیز تحت نظر رابرت بایـل به تحقیق و مطـالعه پرداخت. در ۱۶۶۵ برای مدتی کوتاهی با سـمت منشی هیئت دیپلماتیک، همراه سروالتسـتروس به برانـدنبورگ رفت. این گردش بسـیار سودمنـد بود؛ زیرا لاـک تاحـدی مـدارای مـذهبی را در برانـدنبورگ مشاهده کرد و درباره آن به فکر فرو رفت. نتیجه این تعمق، نوشـته شدن نامه درباره مدارای مذهبی در ۱۶۶۷ بود. در این سال لاک دعوت ارل شافتسبوری را به عنوان پزشک شخصی این نجیب زاده پذیرفت و این گونه بود که لاک در ۳۵ سالگی وارد حوادث و امواج سـیاست پیچیده دوره حساس تاریخ انگلستان شد. ارل شافستبوری، لاک را واداشت به مطالعه در امور مذهبی و کشور و هر آنچه به وظـایف رئیس حکومت مربوط می شـد، همت گمارد. لاک دو رساله حکومت در ۱۶۸۹ برای توجیه و تبیین انقلاب با شکوه ۱۶۸۸ نوشته است. او در سال ۱۶۸۳ به هلند رفت و پنج سال در آنجا ماند. پس از بازگشت به انگلستان، دو رساله حکومت در ۱۶۸۹ را بدون نام نویسـنده منتشـر کرد. نوشـته دیگر او که آن هم بدون نام در همان سال انتشار یافت، نامه ای درباره مدارای مذهبی بود؛ اما گفتار درباره فهم بشـر ۱۶۹۰ با نام خود او منتشر شد. این کتاب که برگزیده بحث کلی و عمومی درباره ویژگی ها و محدودیت های فهم انسان است، به نام خود او منتشـر شد. از دیگر نوشـته های لاک می توان به انـدیشه هـایی دربـاره تعلیـم و تربیت که در ۱۶۹۳ انتشـار یـافت اشـاره کرد و سـرانجام در ۲۸ اکتبر ۱۷۰۴ در او آتس آرام، درگذشت (ر.ک: عبدالرحمن عالم، تاریخ فلسـفه سیاسـی غرب، تهران، دفتر مطالعات سیاسـی و بین المللی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۸-۲۷۲، سیمور، مارتین لیپست، دائره المعارف دموکراسی.

۲- (۲) . سیمور، مارتین لیپست، دائره المعارف دموکراسی، ج ۳، ص ۱۱۴۵.

۳– (۳) . همان.

این رساله، روش فیلمیر را که اصولی سیاسی را از عبارات مبهم کتاب مقدس استنتاج کرده بود مبنی بر این که، شکل خاصی از حکومت و حتی شخص حاکمان و دولتمردان، از سوی خداوند تعیین و مقرر شده اند به چالش گرفته و مردود شمرده. (۱) نظر موافق او را با کسانی که خانواده مردسالار را به عنوان الگوی سیاست معرفی کرده بودند، قاطعانه رد کرد و بدین سان لاک، زمینه را برای نگارش رساله دوم خود فراهم کرد.

راهکاری که لاک در رساله دوم خود ارائه کرد، اصولی است که از عقل به دست آورده بود. برایند کاری اصولی استخراجی لاک این بود که شکل های حکومت و انواع حکمرانان را به انتخاب انسان برگرداند، بدین سان، دموکراسی را جایگزین حکومت مطلقه کرد. (۲)

فرضیه بنیادین لاک در رساله دوم آن چیزی است که او آن را حالت طبیعی می نامد. منظور وی از وضع طبیعی این است که همه انسان ها در حالت طبیعی آزاد و برابرند:

وضعیت طبیعی و همچنین وضعیت مساوات و برابری، وضعیتی است که در آن همه قدرت و اختیارهای قانونی دوسویه است و هیچ کس نسبت به دیگری برتری ندارد. (۳)

سوم) ژان ژاک روسو

(۴)

ژان ژاک روسو یکی از دانشمندانی است که در قرون اخیر نظریه های وی منشأ

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . جان، لاک، رساله ای درباره حکومت، ترجمه: حمید عضدانلو، ص ۷۳.

۴- (۴) . ژان ژاک روسو در سال ۱۷۱۲ در شهر ژنو به دنیا آمد. تحصیلات رسمی اندکی داشت. وی در سال ۱۷۲۸ زادگاه خود را ترک کرد و در فرانسه، ایتالیا، انگلستان و سوییس اقامت گزید. در سال ۱۷۵۰ وقتی اولین کتاب او تحت عنوان «گفتار درباره علوم و فنون» انتشار یافت – که در آن به این نتیجه رسیده بود که با پیشرفت فرهنگ، اخلاق رو به زوال گذاشته است – ناگهان شخصیت روسو اهمیت شایانی یافت. دومین کتاب او تحت عنوان «گفتار درباره منشأ نابرابری افراد بشر» در سال ۱۷۵۵ نوشته شد که پدیده مالکیت خصوصی را به همان روال قبلی اش مورد حمله قرار داد. کتاب قرار داد اجتماعی او درسال ۱۷۶۲ الگوی سیاسی برای بشر ارائه داد. در همان سال مهم ترین کتاب از نظر محتوا به نام «امیل» در زمینه تعلیم و تربیت منتشر شد. وی بقیه عمرش را در فرار و اضطراب سپری کرد و از سوی دولت فرانسه و سوییس تحت تعقیب قرار داشت. سرانجام در سال ۱۷۷۹ در ارمون ویل در حوالی پاریس درگذشت. در اواخر قرن هجدهم، افکار او که در زمان حیاتش به

شـدت مورد حمله و بی اعتباری قرار گرفته بود، الهام بخش و مشوق بسـیاری از عقایـد انقلابی فرانسه شـد. انـدیشه سیاسـی از افلاطون تا شاتو برایان، ترجمه: مرتضی کافی، اکبر افسری، ص ۲۰۱.

تحولات و انقلاب های گسترده در جهان شده است و بیشترین تأثیر را در فرایند مردم سالاری شدن، داشته است.

به عقیده بسیاری از صاحب نظران «ژان ژاک روسو»، تأثیرگذارترین متفکر سیاسی قرن هیجدهم است. حدود سال ۱۷۴۳، هنگامی که او به سی و یک سالگی رسیده بود، به عنوان منشی معتبر فرانسه، در حکومت «ونیز» منصوب شد و در همان زمان به این نتیجه رسید که که انسان در تمامی کارهایش وابسته به «سیاست» است. به نظر او چنان می رسید که انحطاط یک جامعه سیاسی وابسته به کژی های نظام قانونی آن است. وی در حکومت «ونیز» در صدد برآمد تا طرح یک رساله سیاسی را بپروراند. روسو در این طرح، از این طرز تفکر الهام می گرفت که خصایص هر ملتی از حکومت آن ملت شکل می پذیرد. از این رساله که «روسو» سال ها روی آن کار کرد، تنها یک بخش خاصی باقی مانده است و آن کتاب «قرار اجتماعی» است که در سال ۱۷۶۲ منتشر شد و خِشت اول تمام افکار سیاسی او را در زندگی آینده وی شکل می دهد. (۱)

ص:۳۲

۱- (۱) . همان، ص ۲۰۴.

۳- نگاهی به زندگی نامه علمی آیت الله نائینی و آیت الله شهید سید محمدباقر صدر

الف) زندگی نامه علمی آیت الله نائینی

اشاره

شیخ میرزا محمدحسین غروی نائینی از عالمان برجسته و فقهای تراز اول عصر خود است که در سال ۱۲۷۳ قمری (۱) در خانواده روحانی در نائین به دنیا آمد. پدر و جدش هردو شیخ الاسلام عصر خود بودند. (۲) نائینی دروس مقدماتی را در نائین خوانده در ۱۷ سالگی برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه اصفهان شد. اصول، فلسفه و کلام را نزد میرزا جهان گیرخان قشقایی و شیخ محمدحسین هزار جریبی و آقا نجفی اصفهانی و فقه را نزد شیخ محمدباقر اصفهانی آموخت. (۳)

نائینی در سال ۱۳۰۳ برای ادامه تحصیلات عازم عتبات عالیات گردید و به ترتیب در سامرا، نجف اشراف و کربلا اقامت گزید. نائینی پس از مسافرت به شهرهای متعدد عراق سرانجام در نجف رحل اقامت افکند و یکی از بزرگ ترین کرسی های تدریس را به خود اختصاص داد؛ به گونه ای که درس او بعد از درس آخوند خراسانی (صاحب کفایه) از

۱- (۱) . میرزاحسین و یقال محمدحسین بن الشیخ عبدالرحیم الملقب به شیخ الإسلام النائینی النجفی، ولد فی حدود ۱۲۷۳ وتوفّی بالنجف ظهریوم السبت، ۲۶ جمادی الاولی سنه ۱۳۵۵ عن نحو ۸۵ سنه و دفن فی بعض حجرات الصحن الشریف. الامام السید محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۵۴.

۲- (۲) . محمدحسن رجبی، علمای مجاهد، ص ۵۰۴.

۳- (۳) . همان، ص ۵۰۵.

دروس کم نظیر محسوب می شد. (۱) در کمترین زمان نائینی از یاران خاص آخونـد خراسانی به حساب آمد. ارتباط نائینی و آخونـد خراسانی به حـدی نزدیک شد که نائینی را نزدیک ترین و تنها مشاور سیاسـی اجتماعی آخوند گفته اند. (۲) بر همین اساس است که احتمال داده اند که متن تلگراف ها و بیانیه های سیاسـی مراجع بزرگ مشـروطه خواه - آخوند خراسانی، حاج میرزاحسین خلیلی و شیخ عبدالله مازندرانی - را او انشاء کرده است. (۳)

۱- شخصیت علمی نائینی

دربـاره شخصـیت علمی نائینی همین بس که در زمان حیات آخونـد خراسانی به صورت رسـمی در کنار آخونـد، تـدریس را آغاز کرد و حدود سـیصد تن در این درس حاضـر شدند. (۴) دقت، نـوآوری و تبحر او در علم اصول به حـدی است که او را «مجدد الاصول» خوانده اند. (۵) افزون بر آن در رشـته های دیگر علمی هماننـد فقه، کلام، حکمت، ریاضـی، اخلاق و عرفان نیز صـاحب نظر بوده است. (۶) علامه سید محسن امین (۱۹۸۶) او را این گونه توصـیف می کنـد: «عـالم جلیل، فقیه، اصولی حکیم، عارف، ادیب، عابد و مدرس». (۷)

صاحب کتاب ریحانه الادب او را از فحول علما و فقهای امامیه عصـر حاضـر که به کثرت تحقیق و زیادت تدقیق شهرت دارد، معرفی کرده است. (۸)

۲- برخی از آثار نائینی

علامه نـائینی آثـار و تألیفـات زیـادی از خود به یادگار گذاشـته است که برخی از این آثار به قلم خود نائینی است و برخی را شاگردان او به رشته تحریر در آورده اند که

۱- (۱) . مجله حوزه، شماره ۳۰، سال ۱۳۷۶.

۲- (۲) . نورالدین علی لو، میرزای نائینی، نوای بیداری، ص ۵۰.

۳- (۳) . محمدحسن رجبی، علمای مجاهد، ص ۵۰۵.

۴- (۴) . سیدجواد ورعی، پژوهش در اندیشه سیاسی نائینی، ص ۱۸.

۵- (۵) . همان.

۶- (۶) . همان.

۷- (۷) . علامه سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۵۴.

۸- (۸) . محمدعلی مدرس تبریزی، ریحانه الادب، ج۴، ص ۱۶۲.

عمده ترین آنها را صاحب اعیان الشیعه این گونه برشمرده است: «وسیله النجاه، رساله عملیه، حواشی علی العروه الوثقی، رساله الصلوه فی اللباس المشکوک، رساله فی نفی الضرر، رساله فی التعبدی والتوصلی، رساله فی احکام الخلل فی الصلوه، تنبیه الامه، و تنزیه المله اجوبه المسائل المستفتین. علاوه بر آنچه ذکر شد، قسمت دیگری از آثار او را شاگردان علامه نائینی تدوین کرده اند که به «تقریرات» مشهور است:

۱. منیه الطالب فی شرح المکاسب (موسی خوانساری نجفی).

۲. کتاب الصلوه (شیخ محمدعلی کاظمی خراسانی).

۳. المکاسب والبیع (محمدتقی آملی).

۴. اجود التقریرات (سید ابوالقاسم خویی).

۵. فوائدالاصول (شیخ محمدعلی کاظمی خراسانی) (۱)

۳- نگاهی به کتاب تنبیه الامه و تنزیه الملّه

اشاره

بدون شک، آنچه که در شهرت نائینی - به ویژه در عصر کنونی - فوق العاده مؤثر بوده است، کتاب تنبیه الامه و تنزیه الملّه است. تاریخ دقیق نگارش این کتاب معلوم نیست؛ ولی بدون شک باید پس از مهاجرت به نجف اشرف و همزمان با نهضت مشروطه (۲) تألیف شده باشد. مرحوم نائینی در این کتاب با رهیافت جدیدی نسبت به حکومت و سیاست پرداخته است که در نوع خود از نظر نوآوری، دقت، ارائه راه حل برای هموارشدن زمینه حاکمیت کامل اسلام، بی نظیر است. او در این کتاب، الگوی پیشرفته ای از حکومت را ارائه داده است که با دین مطابقت دارد. او در این کتاب قصد ندارد دین را با افکار سیاسی روز تطبیق دهد (۳) بلکه تلاش می کند مفاهیم سیاسی و پدیده های نوظهور، همانند رأی اکثریت، آزادی، مساوات عملکرد مطبوعات را به گونه ای تفسیر و تحلیل کند که با دین مطابقت داشته باشد.

نائینی در این رهیافت از چند منبع الهام گرفته است. (۴)

۱- (۱) . سیدجوادورعی، پژوهشی در اندیشه سیاسی نائینی، ص ۲۴.

۲- (۲) . دکتر احمد بهشتی، اندیشه سیاسی نائینی، ص ۱۶.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . ر.ک: اندیشه سیاسی نائینی، ص ۲۰ و ۲۱.

یکم) منابع الهام گیری نائینی

۱. انسان شناسی و جهان بینی جدید: تسلط نائینی بر مبانی دینی و احکام الهی، گستردگی اطلاعات، زیرکی و هوشمندی وی، مجموعه عواملی بود که دست به دست هم داد تا نظریه ای ارائه گردد که هم با مردم سالاری قابل تطبیق باشد و هم مبانی دینی نادیده گرفته نشود.

۲. اندیشه فقهی و کلامی: نائینی به صورت هوشمندانه و ژرف نگرانه، مؤلفه های اساسی دینی را مورد توجه و بازبینی قرار داد؛ به گونه ای که با استفاده از این عناصر، امت اسلامی به حداقل حقوق خویش در شرایط حاکمیت استبداد، برسد. او با یادآوری اصولی همانند امربه معروف و نهی ازمنکر، مقوله شورا، نظارت و وظیفه حسبیّه فقها در هرشرایط، آموزه های دینی را در متن اجتماع قرار داده و برای تحدید غاصب، راه حل های اساسی ارائه داد. نائینی در این کتاب ارزشمند از مقوله هایی همانند آزادی مطبوعات، انتقاد و اعتراض و حقوق اساسی مردم در چارچوب شریعت و فقاهت دفاع می کند و به خوبی از عهده این کار برمی آید. (۱)

دوم) ترتیب کتاب تنبیه الامه و تنزیه الملّه

مرحوم نائینی این کتاب را با قلم فقیهانه و متانتِ وصف ناپذیر نگاشته است و در قالب یک مقدمه و پنج فصل آن را ترتیب داده است که اینک به صورت اجمال به فصول کتاب اشاره می کنیم:

۱. در مقدمه کتاب ابتدا به انگیزه تألیف، نامگذاری و تشریح مفاهیم می پردازد و آنگاه بحث ضرورت برپایی حکومت مردمی را مطرح کرده با تقسیم سلطنت به تملیکیّه و ولایتیه و بر شماری ویژگی هرکدام یکی از دل نشین ترین مباحث سیاسی اجتماعی را مورد بررسی قرار می دهد. بحث نظارت، مؤلفه های نظارتی، آزادی در اسلام، مساوات همگان در برابر قانون، مباحث بعدی مقدمه کتاب را تشکیل می دهد. به طور خلاصه می توان گفت یکی از ارزشمندترین قسمت های کتاب و در واقع همه مطالب کتاب در این مقدمه اشاره گردیده است که پس از آن در طی فصولی مورد بازکاوی قرار می گیرد.

۱- (۱) . همان.

۲. فصل اول کتاب: در این فصل نائینی در دو مقام سخن می گوید؛

مقام اول : درباره امانتداری و اینکه حقیقت سلطنت چیست؟ می پردازد و اثبات می کند که حقیقت سلطنت عبارت از امانتداری نوع و ولایت بر نظم و حفظ اقامه سائر وظائف مربوط به نگهبانی و امانتداری است:

پس لامحاله سلطنت مجعوله در هر شریعت و بلکه نزد هر عاقل چه به حق تصدی شود یا به اغتصاب، عبارت از امانتداری نوع و ولایت بر نظم و حفظ و اقامه سائر وظائف راجعه به نگهبانی، خواهد بود. (۱)

مقام دوم: در این مقام یکی از زیباترین راهکارهای خود را در شرایطی که مردم مسلمان مجبور باشند تن به حاکمیت جائر بدهند، ارائه می دهد. راه حلی را که نائینی ارائه می دهد، تحدید سلطنت جائره است.

۳. فصل دوم: در این فصل به تحدید و محدودکردن، سلطنت در عصر غیبت پرداخته است که با سه مقدمه مطالب را بیان می کند. این سه مقدمه عبارت اند از: ۱. وجوب امربه معروف و نهی ازمنکر؛ ۲. نیابت فقها در عصر غیبت؛ ۳. لزوم تحدید غاصب. آیت الله نائینی از این مقدمه ها نتیجه می گیرد که باید سلطنت تحدید و تبدیل به مشروطه گردد.

۴. فصل سوم: درباره مشروطه و تحدید سلطنت است که در این فصل راهکارهایی درباره تبدیل سلطنت به مشروطه با استفاده از آیات قرآن مجید، احادیث و سیره ائمه ارائه می دهد و مقولاتی همانند شورا، نظارت، اقسام نظارت و ضرورت تدوین قانون اساسی را به عنوان راهکارهای مورد نظر مطرح می کند.

۵. فصل چهارم: این فصل را به پاسخ گویی به شبهات، بحث آزادی، مساوات، قانون اساسی نمایندگان مجلس و شبهاتی را که در این موارد مطرح بوده است اختصاص

می دهد و به ترتیب به آنها پاسخ گفته است.

۶. فصل پنجم: در این فصل به بیان صحت و مشروعیت مداخله نمایندگان مجلس، شرایط و وظایف آنان می پردازد. یکی از نکته های اصلی و برجسته این قسمت از سخن نائینی این است که مجتهدبودن به فن سیاست را مورد توجه قرار داده و بحث فقاهت هیئت مجتهدین از باب تطبیق مسائل به شرع را مطرح کرده است.

۱- (۱) . میرزاحسین نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، تصحیح سید جواد ورعی، ص ۶۹ و ۷۰.

۷. خاتمه: در خاتمه این کتاب، نائینی قوای استبداد را این گونه برمی شمارد: ۱.جهل؛ ۲. استبداد دینی؛ ۳. شاه پرستی؛ ۴. اختلاف کلمه مردم؛ ۵. آزار و اذیت آزادی خواهان از طریق ایجاد رعب و وحشت. و سرانجام راه حل هایی دراین باره ارائه می دهد که عبارت اند از: ۱. آگاهی دادن به ملت؛ ۲. علاج استبداد دینی با تهذیب نفس؛ ۳. علاج شاه پرستی با تکیه بر شایسته سالاری و برجسته کردن مقوله امربه معروف و نهی ازمنکر؛ ۴. وحدت کلمه داشتن.

ب) زندگی نامه علمی آیت الله شهید سید محمدباقر صدر (رحمه الله)

اشاره

آیت الله شهید سید محمدباقر صدر از مراجع شیعه و متفکران برجسته جهان اسلام است که افتخار شهادت در سنگر فقاهت را از آن خود کرد. او فرزند سید حیدر و نوه مجاهد سید اسماعیل صدر از مراجع معظّم عراق است. شهید صدر در ۲۵ ذی قعده ۱۳۵۳ در شهر کاظمین به دنیا آمد. در ۴۷ سالگی در سال ۱۴۰۰ق. به دست رژیم سفاک عراق، پس از شکنجه های زیاد به شهادت رسید. (۱)

نسب شهید صدر با سی ویک واسطه به حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام منتهی می شود. (۲)

شهید صدر در سه سالگی پدرش را از دست داد. در پنج سالگی به مدرسه رفت و به سفارش دایی های خود به تحصیل علوم حوزوی روی آورد. (۳)منطق و معالم را در دوازده سالگی نزد برادرش خواند. بسیاری از کتب درسی دوره عالی فقه و اصول را بدون استاد مطالعه کرد. درس های معمولی دوره سطح را در مدت بسیار کوتاهی گذراند و آنگاه تصمیم گرفت کاظمین را به قصد نجف اشرف ترک کند. از مهم ترین اساتید او شیخ محمدرضا آل یاسین، آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی بودند. او مورد توجه خاص آیت الله العظمی سید محسن حکیم بود و کتاب ارزشمند «فلسفتنا» را به سفارش او نوشت. (۴) معروف است که آیت الله سید محمدباقر صدر قبل از سن تکلیف به اجتهاد رسید و در پانزده سالگی صاحب فتوا گردید. او علاوه بر درس های معمول

ص:۳۸

۱- (۱) . مقدمه کتاب تئوری شناخت، نوشته شهید صدر، ترجمه: سیدحسین حسینی، ص ۱۳.

۲- (۲) . رضا استادی، نوزده ستاره و یک ماه، ص ۴۵۵.

۳- (۳) . محمدحسن رجبی، علمای مجاهد، ص ۲۹۳.

۴- (۴) . همان.

حوزوی، درس فلسفه اسلامی را نزد شیخ صدرا بادکوبه ای آموخت و فلسفه های متأخر (فلسفه غرب) را نیز به دقت مورد مطالعه و تحقیق قرار داد.

۱– مقام علمی شهید صدر

آیت الله سید محمدباقر صدر در بیست سالگی به تدریس کتاب کفایه الاصول پرداخت و در بیست وپنج سالگی بر کرسی تدریس خارج اصول تکیه زد و در بیست وهشت سالگی تدریس درس خارج فقه را بر اساس متن کتاب عروه الوثقی آغاز کرد و نوآوری هایی را در این حوزه پدید آورد. شهید صدر شاگردان زیادی را تربیت کرد که هر کدام از جایگاه علمی بلندی برخوردار هستند که ممتازترین آنان عبارت اند از:

۱. سید محمدباقر حکیم؛ ۲. سید محمود هاشمی شاهرودی؛ ۳. سیدکاظم حسینی حائری؛ ۴. شیخ محمدمهدی آصفی؛ ۵. سید عبدالغنی اردبیلی؛ ۶. شیخ غلامرضا عرفانیان؛ ۷. سید ابوالحسن فاضل بهسودی.

پس از رحلت آیت الله حکیم در ۱۳۴۹ بسیاری از مردم عراق از او تقلید کردند. بدین سان در دوران جوانی افتخار مرجعیت تقلید را نیز کسب کرد.

شهید صدر علاوه بر تدریس، تألیفات بسیار ارزنده ای را نیز از خود به یادگار گذاشت که عمده ترین این آثار را یاد آور می شویم: ۱. فدک فی التاریخ ؛ ۲. غایه الفکر فی الاصول ؛ ۳. فلسفتنا ؛ ۴. اقتصادنا؛ ۵. المعالم الجدیده للاصول؛ ۶. الاسس المنطقیه فی الاستقراء ؛ ۷. بحوث فی شرح عروه الوثقی ؛ ۸. المدرسه الإسلامیه ؛ ۹. بحث حول المهدی؛ ۱۰. بحث حول الولایه ؛ ۱۱. الاسلام یقود الحیاه ؛ ۱۲. دورالائمه فی الحیاه الإسلامیه ؛ ۱۳. نظام العبادات فی الاسلام ؛ ۱۴. نشأه الشیعه والتشّیع . (۱)

برخی از کتاب های شهید صدر به فارسی نیز برگردانده شده است. شایسته است تا نهاد و یا ارگانی برای نظارت بر ترجمه و نشر آثار آیت الله العظمی شهید سیدمحمدباقر صدر (رحمه الله) تأسیس شود.

۲– شخصیت اجتماعی سیاسی شهید محمدباقر صدر

آیت الله شهید صدر یکی از فقهای مبارز و بی بدیلی است که نسبت به ظلم هایی که در

۱– (۱) . مقدمه کتاب، تئوری شناخت در فلسفه ما، ترجمه: حسین حسینی، ج۲، ص ۸۳۳، ص ۱۵ – ۲۰.

جامعه اسلامی و در عصر او جریان داشت، فوق العاده حساس بود. شرایط اجتماعی سیاسی عالم اسلام از نگاه او غیر قابل تحمل بود. از این روست که آثار شهید از گفته هایی درباره تغییر و تحول اجتماعی امت اسلام موج می زند.

اندیشه بلند شهید صدر ظلم و استبداد را در اشکال مختلف برنمی تابد و به قیام امت تحت ستم معتقد است. بر همین اساس در سال ۱۳۷۷ق، با همکاری جمعی از علمای دردمند و مجاهد عراق حزب الدعوه الإسلامیه را بنیان نهاد. اساسنامه این حزب پرافتخار را این مرجع تقلید تنظیم می کند. (۱) یکی از فتاوای تاریخی او که منجر به شهادتش نیز گردید، «تکفیر حزب بعث عراق» است که متن ترجمه شده فتوا این گونه است:

به اطلاع عموم مسلمانان می رساند که پیوستن به حزب بعث، تحت هر عنوان، شرعاً حرام است و هرگونه همکاری با آن به منزله یاری ظالم و کافر و دشمنی با اسلام و مسلمین است. (۲)

در ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ و یک روز پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، آیت الله صدر که فوق العاده اظهار شادمانی می کرد، در مسجد جواهری نجف سخنرانی کرد و طی پیامی این پیروزی عظیم را به محضر امام خمینی (رحمه الله) تبریک گفت. (۳) او در سال ۱۳۵۸ رساله الاسلام یقود الحیاه را به عنوان مقدمه ای برقانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نوشت. در همان سال طی فتوای تکان دهنده ای مردم عراق را به براندازی رژیم عراق دعوت کرد. سرانجام در ۱۹ جمادی الاول ۱۴۰۰ق – ۱۶ فروردین ۱۳۵۹ برای دومین بار آیت الله العظمی محمدباقر صدر دستگیر و به بغداد منتقل شد و پس از سه روز شکنجه های وحشیانه در ۲۲ جمادی الاول ۱۴۰۰ق – ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ به شهادت رسید و در آرامگاه خانوادگی شرف الدین و با تدابیر شدید امنیتی مأموران رژیم عراق، به خاک سپرده شد. (۴) روحش شاد و یادش گرامی باد.

۱- (۱) . مصاحبه علامه سید مرتضی عسکری با شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران که در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۲۵ به مناسبت سومین سالگرد رحلت علامه پخش شد.

۲- (۲) . حسن رجبی، ص ۲۹۴.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . همان، ص ۲۹۴.

آیت الله سید محمدباقر صدر، درباره نقش مردم در نظام مردم سالاری دینی، در کتاب های متعددی، نظریه های راهگشایی ارائه داده است. او همواره از تغییر و تحول در «امت» اسلام سخن رانده است. بدین معنا که تا دگرگونی عمیق در جامعه اسلامی تحت ظلم پدید نیاید، این ظلم شکننده ادامه خواهد یافت. او بر اساس آموزه های بلند اسلامی، اصل احترام به حقوق مردم و رعایت این حقوق را بر محور شریعت مسلم دانسته است؛ اما تا زمانی که ظالمان بر اریکه قدرت تکیه زده اند، امت اسلامی هیچ گاه به این جایگاه نخواهد رسید. ازاین رو در آثار متعدد خود از دگرگونی و تحول سخن گفته است؛ باید دگرگونی عمیق و فراگیر در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در امت ایجاد شود تا مردم تحت حاکمیت اسلام با مدیریت مرجعیت دینی و شریعت به حقوق پایمال شده خود برسند.

۳- نگاهی به کتاب الاسلام یقود الحیاه (شهید محمدباقر صدر (۲۰۰۳/ ۱۴۲۴ق)

اشاره

این کتاب در بردارنده جزوات متعددی است، تحت این عناوین: ۱. لمهه فقهیه تمهدیه ، عن مشروع دستور الجمهوریه الإسلامیه فی ایران ؛ ۲. صوره عن اقتصاد المجتمع الاسلامی ؛ ۳. خطوط تفصیله عن اقتصاد المجتمع الاسلامی ؛ ۴. خلافه الانسان و شهاده الانبیاء ؛ ۵. منابع القدره

فی الدوله الإسلامیه ؛ ۶. الاسس العامه للبنک فی المجتمع الاسلامی .

آنچه در بعد سیاسی - اجتماعی از آثار شهید - به ویژه کتاب فوق - به دست می آید، به قرار ذیل است:

یکم) نگاه سیاسی – دینی شهید صدر

شهید صدر بر اساس اصول زیر حاکمیت سیاسی اسلام را به زیبایی ترسیم می کند:

۱. ولایت فقط از آن خداوند متعال است؛

۲. مجتهد عادل در عصر غیبت نیابت عام دارد و در مسائل مربوط به حیات اجتماعی امت اسلامی باید به مرجعیت (رشیده) دینی مراجعه کرد؛

۳. امت اسلامی دارای خلافت عامه هستند. (۱)

۱- (۱) . محمدباقرصدر، الإسلام یقود الحیاه، ص ۲۴.

هدف اساسی نظام مردم سالاری در اندیشه شهید صدر تحقق نقش خلافت الهی انسان در زمین است. از نظر شهید صدر، اساس نظام سیاسی - دینی، نوع و ماهیت آن الهی است و شکل آن را شرع تعیین نمی کند بلکه با رأی و نظر مردم و با نظارت فقیه تعیین می شود. (۱)

عناصر عمومی نظام مردم سالاری در اندیشه شهید صدر:

۱. امت؛ ۲. مرجعیت؛ ۳. وطن اسلامی؛ ۴. خلافت انسان. (۲)

شهید صدر در تعریف حکومت از واژه های متعددی همانند السیاده، السلطه، ولایت، حکم، خلافت و استخلاف استفاده کرده است و در یک استفاده کلان تمام حوزه های حیات فردی و اجتماعی انسان را مدنظر قرار داده است. (۳)

شهید صدر از «امت» نیز تعریفی خاص ارائه می دهد: امت: یعنی وجود جمعی مردم، یعنی گروهی که بین افراد آن روابط و پیوندهایی براساس مجموعه ای از افکار و آرمان ها و مبانی برقرار است. این پیوندهای مشترک آنها را در برخی از این نیروها و استعدادها به هم مربوط می سازد، جامعه ای است که قرآن از آن تعبیر به «امت» کرده است. (۴)

از نظر شهید صدر مؤلفه های اساسی، مشارکت سیاسی مردم را در «حکومت اسلامی» «شورا» و «بیعت» تشکیل می دهد. (۵) بر اساس دیدگاه شهید صدر، نظام های اسلامی بر اساس باورها و اعتقادات به دسته های زیر تقسیم می شود:

الف) حکومت های کامله یا معصومیه یا به تعبیر دیگر ولایی؛

ب) حکومت های غیرکامله که خود، شامل سه زیر مجموعه ذیل می گردد: ۱. شوارِیی؛ ۲. مشروطه دینی؛ ۳. ولایت فقیه؛

ج) حکومت های غاصبه و استبدادی. (۶)

۱- (۱) . همان، ص ۲۵.

۲- (۲) . همان، ص ۱۵۷ - ۱۶۲.

۳- (۳) . همان، ص ۱۸ - ۲۲.

۴- (۴) . محمدباقر صدر، سنت های تاریخ در قرآن، ترجمه: سید جمال موسوی، ص ۱۲۲.

۵- (۵) . الإسلام یقود الحیاه، ص ۲۴.

۶- (۶) . ر.ک: همان، ص ۲۴ و ۲۵.

دوم) نظریه های سه گانه شهید صدر در باب حکومت دینی

شهید صدر بر اساس مبانی خود به ترتیب به سه نظریه ذیل در دوره غیبت رسیده است:

۱. حکومت شورایی که در کتاب الاسس الاسلامیه آن را مطرح کرده است؛

۲. نظریه حکومت بر اساس نظام ولایت فقیه (مرجعیت رشیده) که در مباحث فقهی الفتاوی الواضحه آن را عنوان کرده است؛ (۱)

۳. نظریه حکومت ترکیبی (شورایی امت به همراه نظارت و گواهی مرجع) که نظریه معروف او است و در کتاب الاسلام یقود الحیاه (کتاب مورد نظر) آن را مطرح کرده است. (۲)

شهید صدر احکام و قوانین را به سه دسته تقسیم می کند:

۱. احکام ثابت؛ ۲. احکام اجتهادی؛ ۳. احکام تصویبی.

منظور از احکام ثابت منصوصات و مراد از احکام اجتهادی، آرای مراجع است چنان که منظور وی از احکام تصویبی مصوبات نمایندگان مردم هستند که از این

حوزه به « منطقه الفراغ من التشریع » یاد می کند.

۱- (۱) . محمدباقر صدر، الفتاوی الواضحه، وفقاً لمذهب اهل البیت علیهم السلام ، ص ۸۹.

۲- (۲) . سنت های تاریخ در قرآن، ترجمه: دکتر جمال موسوی، ص ۲۷۹ و ۲۸۰.

بخش دوم-جایگاه مردم در فرایند قدرت و بررسی انواع حکومت ها

اشاره

ص:۴۵

مقدمه

پرسش اساسی که در این فصل مطرح است این است که از منظر آیت الله نائینی و آیت الله شهید سید محمدباقر صدر در نظام سیاسی - دینی، جایگاه مردم در فرایند قدرت چگونه است؟

این فصل شامل چهار مبحث است: مبحث اول، به بررسی انواع حکومت ها پرداخته است. ازاین رو، بحث فرایند قدرت در انواع حکومت ها، استبدادی، مردم سالار غربی و حکومت های مردم سالار دینی مورد بررسی قرار گرفته است.

مبحث دوم، اختصاص به نظریه نائینی که حکومت را به دو دسته ولایتیه و تملیکیه تقسیم کرده است، دارد و برای هرکدام ویژگی هایی را بیان می کند.

مبحث سوم، نظریه شهید صدر را به بحث گرفته است که او ضمن تعریف حکومت، به مباحثی چون انواع حکومت، شکل حکومت، حکومت مطلوب، ارکان، مبانی و ویژگی های حکومت اسلامی پرداخته است. مبحث چهارم، به بررسی و مقایسه بین دو نظریه، اختصاص یافته است.

ص:۴۶

۱ -بررسی انواع حکومت ها

الف) رژیم های دیکتاتور

اشاره

فراینـد قـدرت در رژیم هـای دیکتاتور و سـرکوب گر، یک طرفه و همواره از بالا به پایین است؛ بـدین معنا که آنچه به عنوان دسـتورات (قـدرت مطلقه دیکتاتوری) صادر می شود، بی چون وچرا بایـد اجرا شود. مردم در چنین حکومتی تنها وظیفه دارند گوش کنند و عمل کنند و همواره دم فروبندند تا زنده بمانند. در این نوع رژیم، آنچه اهمیت ندارد مردم است. سخن گفتن از حقوق مردم در حکومت دیکتاتوری به یک شوخی شبیه تر است چه اینکه دیکتاتور مردم را به سان ابزار و وسیله برای رسیدن به هـدف و خودکامگی های خود می انگارد و کوچک ترین مخالفت با این مرام منجر به نابودی آنان خواهـد شد و در دنیای سرکوبگری هیـچ گونه قاعده و قانونی وجود ندارد و قدرت مطلقه دیکتاتور، هم قاعده است و هم قانون. بر همین اساس گفته شده است که دیکتاتوری نوعی قدرت مداری با ویژگی های زیر است:

درکارنبودن هیچ قانون یا سـنتی که عمل فرمانروا را محدود کند؛ به دست آوردن قدرت با شکسـتن تمام هنجارها و سنت ها؛ نبود دسـتورالعملی برای جانشینی؛ به کاربردن قدرت برای تثبیت قدرت و تأمین منافع گروه اندک؛ فرمانبری مردم تنها به دلیل ترس از آن؛ انحصار قدرت در دست یک فرد؛ به کاربردن وسائل و ابزارهای غیرمشروع برای براندازی مخالفان. (۱)

ص:۴۷

۱- (۱) . ر.ک: داریوش، آشوری، دانشنامه سیاسی، ذیل مدخل «دیکتاتوری».

بنابراین، می توان گفت یکی از اصلی ترین شاخصه های رژیم دیکتاتور و سرکوبگر - در هر شکل و شمائلی که باشد - این است که فرمانروا آنچه از ملک و مملکت را که در اختیار خویش دارد، به منزله ملک طلق خصوصی و شخصی خویش قلمداد می کند، به هر شکلی که خواسته باشد تصمیم می گیرد و اجرا می کند تا بر اریکه قدرت باقی بماند. در هر دو مورد دیکتاتوری های باستانی و نوین، حرص به تصاحب دولت به منزله دارایی خصوصی فرد حاکم می تواند به درجات گوناگون با استعداد در مدیریت و خواست علنی حفظ ثبات همراه شود. (۱)

۱- دیکتاتوری سنتی

دیکتاتوری را این گونه تعریف کرده اند: « به دست گرفتن اقتدار فوق قانون توسط رئیس دولت» (۲)

آلفرد کوبان گفته است:

دیکتاتوری حکومت یک نفر است که مقام خود را نه از راه ارث بلکه با زور یا رضایت، یا ترکیبی از آنها به دست آورده است. یعنی هم قدرت های سیاسی در نهایت از اراده او بر می آید و گستره آن هم نامحدود است. همچنین دیکتاتوری طبق دلخواه با صدور فرمان و نه بر معیار قانون به اجرا در می آید.

البته مشخص است که گفته کوبان درباره ویژگی های دیکتاتوری فردی و سنتی است که این گونه می توان آن را تحلیل کرد:

۱. در دیکتاتوری فردی، فرمانروا یک نفر است؛ ۲. براساس رضایت یا زور یا هردو است؛ ۳. این قدرت مطلقه در مقابل هیچ اقتدار دیگری پاسخ گو نیست؛ ۴. قدرت و محدوده اختیارات او محدود به هیچ حدی نیست؛ ۵. او بر اساس فرمان و بدون هیچ قانونی حکم می راند؛ ۶. دوره فرمانروایی دیکتاتور مطلق است. (۳)

توجه به این نکته بسیار ضروری است که میان دیکتاتوری های تمامیت خواه (رهبر بزرگ + ایدئولوژی) از یک سو و دیکتاتوری های باستانی و دیکتاتوری اقتدارگرا از سوی

۱- (۱) . دائره المعارف و دموکراسی، ذیل مدخل، دیکتاتوری».
۲- (۲) . بنیادهای علم سیاست، ص ۲۸۴ و ۲۸۵.
۳- (۳) . همان، ص ۲۸۵.

دیگر تفاوت بنیادین وجود دارد. (۱) دیکتاتوری های تمامیت خواه، قدرت را به منظور گسترش و تعمیق فعالیت انقلابی به دست گرفته اند. نه برای مهار آن بر همین اساس به قدرت رسیدن هیتلر در آلمان در دهه ۱۹۳۰ گاهی اوقات «انقلابی قانونی» نامیده می شد؛ (۲) اما دیکتاتوری باستانی مقامی در جمهوری دوم باستان بود که برای هنگام بحران به کسی واگذار می شد (فردی در چنین شرایطی) برای مدت محدودی قدرت را به دست می گرفت و ازاین رو در قرن بیستم اصطلاح دیکتاتوری به دو حکومت غیردموکراتیک و حکومت تمامیت خواه و حکومت اقتدارگرا اطلاق شده است.

۲- دیکتاتوری جدید

همان طور که گفته شد، در قرن بیستم اصطلاح دیکتاتوری به دو حکومت غیردموکراتیک تمامیت خواه و حکومت اقتدارگرا اطلاق شده است.

نوع اول که حکومت نازیسم در آلمان هیتلری و استالینیسم در اتحاد شوروی عصر یوسیف استالین نمونه های اصلی آن محسوب می شوند، هدف های هزاره ای را دنبال می کردند؛ به عبارت دیگر این نوع دیکتاتوری ها جویای آن بودند که با ابزارهای انقلابی آنچه را که خودشان جامعه آرمانی می دانستند، ایجاد کنند. (۳)

نوع دوم را تحت عنوان «فاشیسم» به بحث خواهیم گرفت.

تفاوت دیکتاتوری قدیم و جدید

آنچه دیکتاتوری جدید را از دیکتاتوری های قدیم متمایز می سازد، استفاده از فناوری جدید و بهره بری از «ایدئولوژی» به عنوان یک «راهبرد» برای رسیدن به مقاصدی از سوی دیکتاتوران جدید است که آنان ارتش، فناوری و ایدئولوژی را به خدمت گرفتند تا از طریق توده ها به اهدافشان برسند. ایدئولوژی تا جایی برای آنان ارزشمند است که آنان را برای نیل به مقاصدشان کمک کند؛ ولی اگر مقدس ترین چیز همانند ایدئولوژی، آنان را در رسیدن به مقصد کمک نکند، به راحتی می شود آن را کنار گذاشت.

۱- (۱) . دائره المعارف دموکراسی، ذیل مدخل «دیکتاتوری» ص ۷۴۵.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . همان.

امّا دیکتاتوری رومی، نوعی قدرت قانونی به حساب می آید. (۱) در اواخر دوره جمهوی، سردارانی که قدرت حکومت را از راه های غیر قانونی در دست گرفتند و این عنوان را به خود بستند و این گونه بود که از این پس دیکتاتوری صورت غیر قانونی به خود گرفت. (۲)

آنچه که می توان به عنوان ویژ گی های منحصر به فرد دیکتاتوری سنتی بیان کرد، حرص و خشونت های بولهوسانه مقطعی است که عاری از هرگونه تفکر و ایدئولوژی در ورای آن است. برخلاف رژیم تمامیت خواه که در آن «رهبر بزرگ» تمامیت خواه - که از سوی دستگاه تبلیغاتی رژیم به منزله دانا و قادر مطلق معرفی می شود - و ایدئولوژی در کنار هم مطرح گردیده است که هیچ یک از آن دو - رهبری مطلق و ایدئولوژی - ، بدون دیگری به شکوفایی کامل نمی رسند. (۳)

به عبارت دیگر در نظام تمامیت خواه دیکتاتوری و ایدئولوژی هردو مؤلفه های اصلی نظام به حساب می آید که همدیگر را تقویت و تکمیل می کنند. ایدئولوژی به دلیل بروز خصوصیات شخصی نظیر قدرت طلبی و عزم متعصبانه و خوی تجاوز که از مشخصات روان شناختی این گونه رهبران است، عاملی حیاتی و محوری برای دوام و بقای رژیم به حساب می آید. آنچه دیکتاتوری های جدید همچون هیتلر و استالین را از دیکتاتوران سنتی همچون هیسرون اول حاکم سیراکوز در قرن پنجم پیش از میلاد متمایز می سازد، تنها وجود ارتش و فناوری جدید نیست - هرچند به نوبه خود عامل مهمی است - بلکه عنصر اصلی و بنیادین که باعث این تمایز می شود، همان طرح دگرگونی اجتماعی است که دربردارنده توجیه اعمال روشمندانه ترور و ایجاد رعب و وحشت در میان توده مردم از سوی این دیکتاتوران است. بر همین اساس، در رژیم سرکوبگر کمونیستی، «هیئت اسطوره دهقان ثروتمند» به موضوعی عینی و خارجی که باید نابود شود، مبدل می شود و برای توجیه اشتراکی کردن اجباری قحطی های ویرانگری که دولت باعث و بانی آن بود، مورد استفاده قرار می گرفت و بدین سان بسیاری از اعمال ضدانسانی و شرم آور استالین توجیه و تفسیر می شد. (۴) رژیم سرکوب گر آلمان نازی نیز عمل مشابه را

۱- (۱) . داریوش آشوری، همان، ص ۱۷۰.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . دائره المعارف دموکراسی، ذیل مدخل «دیکتاتوری».

۴- (۴) . همان.

در مورد یهودیان انجام می دادند. نازی ها مدعی بودند که یهودیان علت اصلی رنج ها و آوارگی های آنان بوده است. بر این اساس مدعی بودند که آلمان با غلبه بر یهودیان می تواند بر همه شرور نهفته در مدرنیته آزادی خواه و سرمایه دارغلبه کند و هزاره مبتنی بر «سعادت جهانی» را تحقق بخشد. (۱)

۳- فاشیسم

فاشیسم (۲) از کلمه ایتالیایی« fascio » به معنای دسته و مجموعه گرفته شده است. ریشه لاتینی آن« fasces » به تبری گفته می شد که به دور دسته آن میله هایی بسته شده بود و به عنوان سمبل قدرت حکام در برابر آنان حرکت داده می شد. (۳)

این تعبیر در اصطلاح خاص آن در توصیف حکومت موسولینی در ایتالیا (۱۹۴۴ - ۱۹۱۹) به کار می رود؛ اما در اصطلاح عام، به عنوان اسم جنس نیز برای همه نظام های دیکتاتوری و جنبش های قدرت باور مانند نازیسم آلمان، فلانژیسم اسپانیا، گارد آهنی رومانی و... استفاده می شود. (۴) به دلیل اینکه فاشیسم پدیده ای همراه با جامعه های سرمایه داری است، پایه مادی آن با پایه ای که نظام بورژوایی، دموکراتیک پارلمانی را تعیین می کند یکسان است. (۵) موسولینی عناصر اصلی فاشیسم را مخالفت با صلح و سوسیالیسم و دموکراسی و تقدیس دولت معرفی می کند. (۶)

مؤلفه ها و مبانی فاشیسم

۱. فاشیسم بر ناسیونالیسم (۷) (ملت گرایی) و ملت به عنوان موتور حرکت تاریخ تأکید می کرد؛

۲. نژادباوری، خصیصه دیگری است که فاشیسم برآن پای می فشارد؛

۳. تحسین روحیه زور، خشونت، جنگ جویی و فرمان گرایی؛

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . Fascism.

۳- (۳) . عبدالرسول بیات و همکاران، فرهنگ واژه ها، ذیل مدخل «فاشیسم».

۴- (۴) . همان.

۵- (۵) . بنیادهای علم سیاست، ص ۲۸۶.

۶- (۶) . عبدالرسول بیات و همکاران، فرهنگ واژه ها، ذیل مدخل «فاشیسم».

۷- (۷) . Nationalism.

۴. نگاه نخبه گرایانه به جامعه و پذیرفتن سلسله مراتب اجتماعی؛

۵. تأکید به اقتدارگرایی شخصی و رهبری فرهمندانه (کاریزماتیک)؛

۶. تأکید برنمادها و اسطوره ها در تبلیغات و حرکت توده ها از این طریق؛

۷. تحقیر عقل و تأکید و تمجید نسبت به احساسات و غرائز؛

۸. تحسین قدرت مطلق، جست وجوی دولت قدرتمند و اطاعت از پیشوای مقتدر و فرهمند در هر شرایطی؛

۹. توسعه طلبی امپریالیستی و ایجاد یک حکومت ترسناك پلیسی و تک حزبی. (۱)

در هرصورت فاشیسم نیز نوعی دیکتاتوری است که در نظام سرمایه داری به کار گرفته می شود و بر سرکوب سیاسی و پلیس مخفی تأکید دارد و آنچه فاشیسم را از دیکتاتوری نظامی ممتاز می سازد، بسیج کردن توده هاست. (۲)

نتیجه : آنچه در دیکتاتوری مطرح نیست و اهمیتی ندارد «مردم» است. در حکومت های دیکتاتورانه به هر شکلی که باشد، از دیکتاتوری کهن گرفته تا نو دیکتاتوری ها، نوع نگاه به مردم، نگاهی ابزاری است و آنان باید دیکتاتور را در رسیدن به قدرت و اعمال قدرت یاری کنند. آنان وظیفه دارند تا فرمان آنها را بدون کم ترین تأخیر اجرا کنند و این همان چیزی است که علامه نائینی آن را «حکومت تملیکیه» نام نهاده است که در این نوع حکومت «شاه» و فرمانروا «فعال مایشاء» و «حاکم مایرید» است.

ب) حکومت های مردم سالار

اشاره

نوع دوم حکومت ها، رژیم های مردم سالار هستند. بدین معنا که آنچه در این نوع از حکومت ها حرف اول را می زند، مردم است. ملاك رأی اکثریت است و مهم آن است که اکثریت مردم بر سر آن توافق داشته و بدان رأی دهند؛ اما اینکه این رأی چقدر به خیر و صلاح جامعه است اصلاً موضوعیت ندارد. حاکمان و کارگزاران در این شکل از حکومت، مجریان تصمیم گیری مردم هستند. عقلانیت، تدبیر و خردورزی در این مدل از حکومت چندان جایی ندارد و به تعبیر علامه طباطبایی، لازمه حکومت های دموکراسی،

۱- (۱) . ر.ك: عبدالرسول بیات، فرهنگ واژه ها، ص ۳۹۰ و ۳۹۱.

۲- (۲) . بنیادهای علم و سیاست، ص ۲۹۱.

دوری از عقلانیت و رویکرد به سوی احساسات و عواطف است که نزدیک ترین اثر آن، شیوع فسق و فجور و دوری از اخلاقیات در جوامع غربی است. (۱)

بنابراین، ابتدا لازم است درباره واژه مردم سالاری، اصول، مؤلفه ها و انواع آن به اجمال توضیح داده شود و سرانجام جایگاه مردم را در آن، مورد بازکاوی و ارزیابی قرار دهیم.

دموکراسی یا مردم سالاری (۲) کلمه ای یونانی است که خود درواقع ترکیبی است از مردم و حکومت کردن (۳) که معنای لغوی آن حکومت به وسیله مردم است. گذشته از ناهمنوایی ها، ناهمگونی ها و اضطراب هایی که در تعریف دموکراسی وجود دارد، به طور کلی در تعریف آن می توان گفت: فرصت شهروندان کشور برای مشارکت آزادانه، در تصمیم های سیاسی . (۴)

با این توضیح که دموکراسی در مقام فلسفه سیاسی مردم را ناظر بر حکومت دانسته و حاکمیت و دولت را برخاسته از اراده عمومی می داند. (۵)

هستند کسانی که همانند کارل پوپر حاکمیت اراده عمومی را در دموکراسی منکرند؛ زیرا او دموکراسی را تنها در حد یک سازوکار پذیرفته است که به وسیله آن رژیم های سرکوبگر و دیکتاتور را از رژیم های مردم سالار متمایز کرده و حکومت های نوع اول را با استفاده از دموکراسی ساقط کرد. امروزه برای دموکراسی، معنای بسیار عامی را قائل شده و آن را از عالم سیاست عبور داده اند، سازمان ها، احزاب و... را نیز مشمول آن دانسته اند. بر این اساس گفته شده است، دموکراسی در وسیع ترین معنای خود عبارت است از شیوه زندگی جمع یا جامعه ای که در آن به افراد، حق داده می شود تا برای مشارکت آزادانه، از فرصت های مساوی برخوردار باشند. (۶)

۱- اصول و مؤلفه های اساسی مردم سالاری

با توجه به معنای لغزان و سیالی که از دموکراسی ارائه کرده اند و تفسیرهای گوناگون که از آن شده است، اصول و مؤلفه های آن نیز از این گزند مصون نمانده است. (۷)

۱- (۱) . تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۱۰۲ و ص ۱۲۳ -۱۲۴.

۲- (۲) . Demokratia kratein.

۳- (۳) . Demos.

۴- (۴) . عبدالرسول بیات با همکاری جمعی از نویسندگان، فرهنگ واژه ها، ص ۲۷۰.

۵- (۵) . همان.

۶- (۶) . همان ، ص ۲۷۱.

۷- (۷) . همان، ص ۲۷۳.

یکم: اصل رضایت و مقبولیت عامه: مفهوم رضایت شهروندان در انتخاب و پیروی از حکومت، از عناصر اساسی دموکراسی به حساب می آید. (۱) امروزه مشروعیت حکومت ها دررژیم های مردم سالار، به همین مقبولیت همگانی تفسیر شده است.

دوم: اصل مشارکت: نظارت و مشارکت انتخاب گرانه شهروندان، در تصمیم گیری ها، از انحصاری شدن روند تصمیم سازی و حاکمیت دائمی گروه و تفکر خاص جلوگیری می کند. (۲)

سوم: اصل برابری: (۳)برابری شهروندان در برابر قانون و یا برابری فرصت ها برای همگان را مؤلفه دیگر دموکراسی دانسته اند.

چهارم: آزادی: آزادی گفتار، نوشتار، اجتماع، دادخواهی، آزادی عقیده و ایمنی از تجاوز خودسرانه دولت صورت های مختلف از آزادی هستند که در حکومت مردم سالاری در نظر گرفته شده است.

پنجم: قانون: این اصل، نگهدارنده و پاسدار آزادی های حقوق فردی است. (۴) چه اینکه بدون قانون آزادی نیز همواره در معرض تهدید و زوال خواهد بود.

ششم: حاکمیت مردم: (حاکمیت اکثریت) حاکمیت مردم از اصول اساسی دموکراسی است (۵) و حکومت های مردم سالار، اصل حاکمیت، به عنوان یکی از اصول مادر مطرح است و در واقع مؤلفه های دیگر، جلوه های جزئی تری از آن هستند. (۶)

هفتم: شهروندی: شهروند فردی است که در رابطه با یک دولت در نظر گرفته می شود که از سویی برخوردار از حقوق مدنی است و از سوی دیگر مکلف به انجام تکالیف در برابر دولت است. (۷) شأن شهروند یکی از اصلی ترین مفاهیم اساسی حکومت های مردم سالار شمرده می شود.

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . همان، ص ۲۷۴.

۳- (۳) . Eguality.

۴- (۴) . همان.

۵- (۵) . حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی، ص ۳۴۱.

۶- (۶) . عبدالرسول بیات، ص ۲۷۴.

۷- (۷) . همان، ص ۲۷۵.

هشتم: سیستم نمایندگی: اصل نمایندگی مبنای مشارکت غیرمستقیم مردم در حکومت های مردم سالار است. (۱) در سیستم نمایندگی، مردم از طریق نمایندگان خود، در تصمیم سازی ها مشارکت دارند که شامل، حق نظارت بر دولت، حق قانون گذاری، حق رأی در مورد مالیات ها و حق استیضاح از دولت می شود. (۲) افزون بر مؤلفه ها و اصول پیش گفته برای تحقق رشد و بالندگی یک حکومت دموکراتیک، لوازم و پیش شرطهای دیگری را نیز گفته اند که عمده ترین آنها وجود «ساز واره حقوقی» و قانون اساسی مناسب است که تفکیک قوا، جمهوریت، وجود دولت شفاف و پاسخ گو، آمادگی فکری و روانی شهروندان، نگرش انتقادی به متولیان، انعطاف پذیری، رفق و مدارا، اعتماد به قدرت جمعی، آگاهی و مسئولیت پذیری، از جمله این لوازم و پیش شرطها ذکر شده است. (۳)

۲- مردم سالاری؛ ارزش یا روش

دموکراسی را از جنبه های مختلفی بر اساس مبانی و ملاک های متفاوتی تقسیم کرده اند؛ گاه از جنبه مشارکت و نقش آفرینی اراده مردم به دو شیوه «مستقیم» و «غیرمستقیم» تقسیم کرده اند و گاه از جهت در نظر داشتن سیر تاریخی آن به دموکراسی کلاسیک و معاصر تقسیم شده است.

در یک تقسیم بندی کلی، تمامی مدل های مختلف دموکراسی را می توان به دو گروه کلی زیر تقسیم کرد:

یکم: رویکردها و رهیافت هایی که دموکراسی را به مثابه یک «روش» برای توزیع قدرت سیاسی قلمداد می کنند چنان که تلقی شومپر از دموکراسی همین است.

دوم: رهیافت دوم نسبت به دموکراسی این است که آن را نوعی هدف و ارزش

می داند؛ بر اساس این رویکرد انتخاب اکثریت، درست، عقلانی و نشان دهنده خیر و مصلحت واقعی است.

اما آنچه که بیشتر به بحث ما ارتباط پیدا می کند، تقسیم مردم سالاری با معیار و مبنای هدف است؛ چه اینکه هدف از آن تأمین آزادی فرد و گاه تأمین فضیلت مدنی

۱- (۱) . آموزش دانش سیاسی، ص ۳۴۱.

۲- (۲) . عبدالرسول بیات، فرهنگ واژه ها، ص ۲۷۵.

۳- (۳) . ر.ک: همان، ص ۲۷۵ و ۲۷۶.

است. زمانی تنها نسبت به برابری سیاسی و گاهی به برابری اقتصادی به عنوان پایه و اساس تأکید می شود.

۳- انواع دموکراسی

یکم: دموکراسی لیبرال: لیبرال ها، آزادی را از برابری فضیلت مدنی، رفاه و... بالاتر می دانند. قانون نیز در این تفکر، در خدمت حفظ آزادی های فردی است. قانون تا زمانی مطلوب است که به آزادی فردی آسیب نرساند و این نوع از دموکراسی هیچ ایدئولوژی و فرایندی جز اراده آزادی افراد را تحمل نمی کند. (۱)

دوم: دموکراسی مشارکتی: این مدل از مردم سالاری، ترکیبی از دموکراسی مستقیم و دموکراسی مبتنی بر نمایندگی است. حضور و مشارکت هرچه بیشتر و گسترده مردم، مورد تأکید این نوع دموکراسی است.

سوم: دموکراسی سوسیالیستی: این روش از دموکراسی، نگران تأثیر نامطلوب نابرابری های اقتصادی، نسبت برابری سیاسی است. ازاین روست که بر دخالت جدی دولت در امور اقتصادی تأکید می کند. بنابراین دموکراسی سوسیالیستی بیش از آنکه بر آزادی تأکید کند، طرفدار برابری است.

چهارم: دموکراسی نخبه گرایانه: این الگو را پررنگ ترین و اصلی ترین جلوه دموکراسی نمایندگی خوانده اند. این گونه از مردم سالاری، عبارت است از یک «سازوکار» و روشی برای انتخاب کارگزارانی که باهم باید به رقابت برخیزند.

پیش فرض پیشگامان این مدل از دموکراسی این است که مردم عادی، از فراغت و تخصص کافی برای تصمیم گیری و تصمیم سازی بهره مند نیستند. ازاین رو، مشارکت آنان در حیات سیاسی و حاکمیت با انتخاب گروه نخبه تجلی پیدا می کند تا آنان در معرض یک رقابت جدّی قرار بگیرند و گروه برنده در واقع انتخاب نخبه ترین است.

پنجم: دموکراسی پلورالیستی: هدف این مدل از دموکراسی جست وجوی سازوکاری برای نابودی یک قدرت قاهر و متمرکز و توزیع قدرت در میان اقلیت هاست. طرفداران دموکراسی تکثرگرایانه، خواهان آزادی سیاسی و وجود گرایش ها و افکار متعدد در بالاترین سطح آن هستند.

۱- (۱) . همان.

بنـابراین، برخلاـف انواع دموکراسـی های پیش گفته، این نوع از دموکراسـی خواهان یک نظام حکومتی است که ایـدئولوژی خاصی بر آن حاکم نباشد. (۱)

همان گونه که گفته شد، دموکراسـی در شـکل ها و مدل های مختلف بر رأی اکثریت و مقبولیت همگانی تأکید فراوان دارد. ملاک و مبنای دموکراسـی رأی مردم است. در این شکل از حکومت، تأمین رأی و نظر مردم، مدینه فاضله تلقی گردیده است و این چیزی است که از جنبه هـای مختلفی قابـل نقـد است؛ زیرا مردم در بسـیاری از موارد تحت تأثیر فضای عمومی کاذب و احساسات قرار گرفته، مصالـح را زیر پا می گذارنـد. علاوه بر اینکه در بسـیاری از موارد، توان درک مصالـح فراتر را ندارنـد. گذشـته از همه اینها سودجویی، هواهای نفسانی، زدوبندهای سیاسـی، خرید رأی ها و فریب آرای عمومی، همه و همه مسائلی است که بارها و بارها اتفاق افتاده است. به تعبیر علامه طباطبایی دوری از عقلانیت و رویکرد به احساسات، شیوع فساد، فسق و فجور و دوری از اخلاـق، رهاورد همین آرای عمومی است که جوامع غربی برای بشـریت به ارمغان آورده است. (۲) بر همین اساس اشکال های زیر را برای حکومت های دموکراتیک برشمرده اند:

۱. دموکراسـی معمولاًـ از پهنه سیاسـی عبور نکرده و حوزه اقتصـادی را در بر نمی گیرد و بـدون برابری اقتصادی و تساوی در فرصت های اقتصادی، برابری سیاسی امکان پذیر نیست؛

۲. در بسیاری از تصمیم های سیاسی، با اراده اصیل روبه رو نیستیم؛ بلکه چه بسا این «اراده مصنوعی» است که تعیین کننده می باشد؛ زیرا تبلیغات، اراده کاذب به وجود می آورد؛

۳. علی رغم تأکید فراوان دموکراسی بر مشارکت و رضایت، بسیاری از افراد و گروه ها،

تشکل سازمانی و یا تشکلی با پشتوانه ندارند و به هرحال فاقد «ندای سیاسی» هستند؛

۴. دموکراسـی های رایج، حکومت اکثریت – و گاه نصف به اضافه یک – بر اقلیت است نه حکومت مردم بر مردم که بعضـی از آن به دیکتاتوری اکثریت تعبیر کرده اند. (۳)

ص:۵۷

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . تفسیرالمیزان، ص ۱۰۲.

۳- (۳) . ر.ک: عبدالرسول بیات، فرهنگ واژه ها، ص ۲۸۱ – ۲۸۳.

بنـابراین، این نظر که دموکراسـی، حکومت مردم بر مردم است، یـک فریب اجتماعی است؛ زیرا اگر این دموکراسـی به خوبی تحلیل شود، مردم ابزاری برای رسیدن جمعی قدرت طلب به مقاصد سیاسی خود می شوند؛ آنان گاه رأی مردم را می خرند و گـاه بـا تبلیغـات کـاذب مسـیر اصـلی آنـان را منحرف می سازنـد. دموکراسـی حتی در بهترین شـکل خود نیز تبلور اراده مردم نیست؛ زیرا اکثریت نسبی را نمی توان حکومت همه مردم خواند.

ج) حکومت های مردم سالار دینی

۱- تعریف حکومت مردم سالار دینی

مردم سالاـری دینی، به معنـای روش و شـیوه زنـدگی سیاسـی مردمی است که نظام دینی را برای اداره اجتماع، برگزیـده انـد؛ نظـامی که تضـمین کننـده آزادی، اسـتقلال، رضـایت منـدی، مشـارکت سیاسـی و اجرای عـدالت اجتمـاعی - سیاسـی مردم و پذیرش حاکمیت شریعت در زندگی سیاسی آنان باشد. (۱)

در نظام مردم سالار دینی، دو ویژگی مورد توجه است: یک: مشروعیت نظام؛ دو: مقبولیت و رضایت مردم.

حاصـل جمع این دو مؤلفه اساسـی، نظام مردم سالار است. مشـروعیت ذاتی حاکمیت در نظام مردم سالاری دینی، برخاسـته از اراده الهی است؛ امـا ساختـار حکومت مردم سالاـر، متکی به مقبولیت و پـذیرش مردمی است. (۲)بر این اساس فراینـد «حق و تکلیف دوسویه» میان زمامـداران و مردم پدیـد می آید؛ زیرا فرمانداری و فرمانبری در حکومت سیاسـی - دینی در صورتی به وجود می آید که دسـتورات زمامداران مبتنی بر شـریعت و اراده تشـریعی خداوند باشد؛ بر همین اساس گفته شده است مؤلفه های ذیل در نظام مردم سالار دینی ضروری است:

۱. تفکیک قوا به عنوان یک روش موفق عقلایی که موفقیت آن در جای جای دنیا در حد قابل قبولی به اثبات رسیده است؛

۲. مشارکت عموم مردم در تعیین سازوکار، تصمیم سازی ها و گزینش کارگزاران نظام؛

۳. نظارت مردم بر دولت مردان و قوای مختلف در تمام مراحل تصمیم گیری و اجرا؛

۱- (۱) . مسعود پورفرد، مردم سالاری دینی، ص ۵۳.

۲- (۲) . علی اکبررشاد، دموکراسی قدسی، ص ۹۲.

۴. تشکیل احزاب و انجمن های سیاسی؛

۵. قانون مداری و برابری عموم جامعه – حتی شخص رهبری – و سران قوا در برابر قانون؛

۶. حفظ حریم و حقوق اقلیت ها و مخالفان؛

۷. اقتصاد آزاد و مشروع؛

۸. دولت مسئول و پاسخ گو و... . (۱)

۲– اهداف مردم سالاری دینی

اشاره

اهـداف بلنـد مردم سالاـری در منشور فرمـانروایی امام امیرالمؤمنین علیه السـلام به کارگزار لایق و برجسـته او مالک اشتر بیان شده است؛ (۲) چنان که در مقدمه و طلیعه آن به چهار مؤلفه اساسی اشاره کرده است. آنجا که می فرماید:

«جبایه خراجها وجهاد عدوّها واستصلاح اهلها وعماره بلادها»؛ (۳)

تأمین منابع مالی دولت اسلامی، تأمین امنیت، فراگیری آموزش و پرورش، پیگیری فرایند توسعه و عمران به عنوان اهداف بلند دولت دینی بیان شده است که هرکدام را به طور اجمال مورد بررسی قرار می دهیم.

یکم) تأمین منابع مالی دولت اسلامی

دولت دینی نیز هماننـد هر دولت و حکومت دیگر نیازمنـد تـأمین منـابع مـالی است. حکومتی که از منابع قابل قبولی مالی بهره منـد نیست در واقع دولت خنثی و فلجی است که کـاری را از پیش نخواهـد برد. ازاین رو، تـأمین منابع مالی در حکومت دینی ارزش فراوان دارد. تفـاوتی که حکومت مردم سالاـر دینی بـا سایر حکومت ها دارد، این است که در بسـیاری از حکومت ها، درآمدهای دولت در خدمت مقاصد خاصـی به کار می رود. در رژیم دیکتاتوری، تنها در اختیار دستگاه حاکم و برای تقویت بنیان حاکمیت قرار می گیرد؛ اما در حکومت مردم سالار دینی تأمین منابع

۱– (۱) . همان، ص ۹۲.

۲– (۲) . دکتر نجف لک زایی، جلسه درس فقه سیاست داخلی، مدرسه عالی فقه و معارف اسلام، تاریخ۲۶/ ۱۳۷۸/۸.

۳– (۳) . نهج البلاغه، «عهدنامه مالک اشتر»، نامه ۵۳.

مالی از آن نظر ارزشمند است که در خدمت اهداف سه گانه ذیل درآید:

۱. تأمین امنیت فراگیر؛

۲. گسترش آموزش و پرورش؛

۳. توسعه و عمران.

دوم) تأمین امنیت فراگیر

حاکمیت دینی آنگاه می تواند مقتدرانه احکام دینی و شریعت را با در نظر داشتن شأن، جایگاه و حقوق مردم در سطوح مختلف زندگی اجرا کند که از امنیت فراگیر برخوردار باشد. امنیت حاکمیت دولت دینی از سویه ها و جنبه های مختلفی باید تأمین گردد؛ در بُعد خارجی، استقلال و تمامیت ارضی مورد نظر است و در بُعد داخلی، در جنبه شخصی حریم خصوصی افراد همواره باید پاس داشته شود همان طوری که در قسمت امنیت اجتماعی، آنچه حافظ آرامش اجتماع در جنبه های مادی و معنوی است، حکومت اسلامی موظف به تأمین آنها است.

سوم) گسترش تعلیم و تربیت

یکی از اهداف اصلی حکومت مردم سالار دینی، آموزش و تربیت فراگیر است؛ به گونه ای که افراد اجتماع در تمامی ابعاد به رشد طبیعی، اخلاقی، معنوی و یادگیری مهارت های لازم برسد. ازاین رو، در گام اول رشد اخلاقی مورد نظر است و این رشد اخلاقی و تربیت باید از عالی ترین مقام تا آخرین فرد عادی اجتماع را در بر گیرد. امیرالمؤمنین علیه السلام در بیان زیبایی، زمامداران و معلمان جامعه را این گونه مورد خطاب قرار می دهد: « من نَصبَ نفسه للناس اماماً فلیبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره ... » (۱) آنکه خود را در مقام پیشوایی و امام مردم قرار می دهد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد، به تعلیم خویشتن بپردازد.

چهارم) توسعه و عمران

عمران و آبادانی، بخشی از وظایف حکومت دینی است؛ زیرا یکی از اصلی ترین حقوق مردم، آبادانی شهرو دیار آنان است. در حکومت های استبدادی تمامی دارایی ها صرف

۱- (۱) . نهج البلاغه،«کلمات قصار»، کلمه ۷۳.

مخارج قصرها و عمارت های شاهانه می گردد؛ اما در حکومت مردم سالار دینی هزینه ها باید تقسیم و یک توسعه متوازن فراگیر پدید آید.

وقتی این چهار مؤلفه اساسی در دستور کار حاکمیت دینی قرار بگیرد، توان گسترش عدالت در تمامی ابعاد در چنین حکومتی پدید خواهد آمد؛ زیرا هدف اصلی ایجاد حکومت اسلامی و مؤلفه های اساسی پیش گفته، برقراری و ایجاد یک عدالت فراگیر و همه جانبه است. تأمین عدالت در سطح کارگزاران، قوانین، رفتارها و ساختارها، آن هم در تمامی زمینه های سیاسی، اقتصادی، قضایی، فرهنگی، نظامی و امنیتی و... .

آنچه که اهمیت فوق العاده دارد، برقراری عدالت در سطح نظام سیاسی است. برقراری عدالت در سطح نظام سیاسی با محوریت انتخاب یک حاکم عادل در عصر غیبت امکان پذیر است؛ زیرا یکی از زیباترین معانی عدالت، قرارگرفتن هر چیزی در جایگاه شایسته خویش است.

قرار گرفتن امام معصوم علیهم السلام در عصر حضور و ولی فقیه در عصر غیبت، در رأس هرم حاکمیت اسلامی، برداشتن اساسی ترین گام در مسیر عدالت و تحقق هدف بعثت انبیا است.

منشأ مشروعیت نظام مردم سالار دینی نیز همین مسئله است؛ زیرا مشروعیت نظام دینی تنها از سوی خداوند است و از آنجا که ولی فقیه نیز مفسر شریعت الهی است، مشروعیت بخشی نظام نیز در عصر غیبت در گرو این است که مرجعیت رشیده - به قول شهید صدر - در رأس نظام دینی قرار بگیرد.

۳- عناصر و مؤلفه های مردم سالاری دینی

برای مردم سالاری دینی عناصر و مؤلفه هایی ذکر شده است که باید مورد توجه قرار گیرد. با مطالعه حکومت مردم سالار دینی، عناصر شورا، انتخاب، بیعت، اصل امربه معروف و نهی ازمنکر و نصیحت، به زیبایی در آنها قابل مشاهده و بازیابی است. وجود این عناصر در حکومت های دینی دلیل بر مردمی بودن آنها است؛ زیرا اصل شورا، یعنی مشارکت همگانی و جمعی و انتخاب یعنی در شرع مقدس، رأی مردم دارای احترام است. اصل امربه معروف و نهی ازمنکر و یا نصیحت نیز بیانگر نظارت مستمر همگانی است.

د) نمونه های حکومت های مردم سالار دینی در صدر اسلام

۱– حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله

یکم) بیعت

در فرایند شکل گیری حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه، «بیعت مردم» تبلور حقیقی پذیرش مردم و آزادی سیاسی آنان است. رهبری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همان گون که با نصب الهی موضوعیت یافت با انتخاب امت به وسیله «بیعت» متعین گردید. (۱) ازاین رو، به منظور شناخت بیشتر، به خاستگاه حکومت نبوی، آزادی و حضور و مشارکت مردمی در حکومت پیامبر به فرازهای مهم و حساس این حضور و اقبال مردمی اشاره می کنیم. چه اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله بنیان گذار اولین حکومت اسلامی مردمی بر مبنای حضور گسترده مردم، آزادی سیاسی و ارج نهادن به مقام والای مردم در حکومت سیاسی دینی شمرده می شود. در واقع از آغازین لحظات زمینه سازی و شکل یابی حکومت اسلامی، اقبال و حضور مردم بسیار قابل توجه است. حکومتی را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأسیس و بنیان نهاد، اساس و بنیاد راستین آن از «وحی» سرچشمه می گیرد چنان که آیات زیادی از قرآن مجید بدین نکته اشاره دارد. آیه شریفه اَلنَّبِیُّ أَوْلی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ۲ امام باقر علیه السلام (در تفسیر آیه شریفه) می فرماید: «این آیه درباره حکومت از سوی خداوند نازل شده است». (۲) و نیز آیه شریفه أَطِیعُوا اللّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ . اما آنچه مورد بحث ماست، این است که این حکومت الهی با رضایت مردمی همراه بوده است و به همین دلیل مورد استقبال پرشور و رضایت قلبی مردمی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از «محکوم» مکه به «حاکم» مدینه تبدیل می کند و این رضایت و مشارکت در شکل گیری حکومت حضرت در قالب «بیعت» تجلی پیدا می کند. (۳)

می توان گفت «بیعت» از اساسی ترین مفاهیم سیاسی حکومت اسلامی است.

۱– (۱) . حسین علی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه: محمود صلواتی، ص۳۲.

۲– (۳) . فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج۱، ص ۵۵۹.

۳– (۴) . علی محسنی، مبانی و گستره آزادی سیاسی در اندیشه و رفتار حضرت علی علیه السلام، ص ۱۴۹، پایان نامه دوره دکتری علوم سیاسی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۲.

باقر شریف القرشی می نویسد:

این مفهوم همچون پلی منطقی است که جامعه و حاکم اسلامی را به یکدیگر پیوند می دهد و حدود و ثغور روابط و تعهدات آنان را با همدیگر مشخص می سازد. (۱)

این بیعت در حکومت نبوی همواره متبلور است که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

عقبه اولی

شیوه پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه بود که هرسال در مراسم حج، قبیله هایی را که برای زیارت آمده بودند، به اسلام فرا می خواندند. در سال یازدهم بعثت، شش نفر از قبیله خزرج حضرت را دیدند و آن حضرت نیز رسالت خویش را برای آنان ابلاغ فرمود. وقتی این گروه به یثرب بازگشتند دیگران را به آیین پیامبر دعوت کردند. با توجه به اینکه مردم مدینه نوید ظهور حضرتش را شنیده بودند، از این فرایند به گرمی استقبال کردند. در سال دوازدهم بعثت دوازده نفر از مردم مدینه در عقبه، با حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیعت کردند که این بیعت، به بیعت «عقبه اولی» مشهور است. (۲)

آنان بر اساس این بیعت متعهد شدند:

برای خدا شریکی قایل نشوند؛ دزدی نکنند؛ مرتکب زنا نشوند؛ فرزندان خود را نکشند؛ بهتان و افترا نزنند؛ در کارهای نیک نا فرمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله را نکنند. (۳)

پس از همین بیعت و اقبال مردمی بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تصمیم گرفت تا مصعب بن عمیر را

همراه آن مردم، برای تعلیم دستورات اسلامی اعزام کند. (۴) فرستادن معصب برای انجام این مأموریت تبلیغی و با افتخار از منظر پیامبر صلی الله علیه و آله راز و رمز زیادی دارد؛ چه اینکه حضرت ضمن اینکه مردم تازه مسمان را به تعلیم آموزه های دینی وا می دارد، می خواهد از میزان اقبال مردم نیز آگاهی کامل پیدا کند تا زمینه تشکیل حکومت اسلامی به صورت رسمی فراهم آید.

عقبه ثانیه

مصعب بن عمیر در انجام مأموریت خود بسیار موفق بود. او توانست با اخلاق متعالی و

۱- (۱) . باقرشریف القرشی، النظام السیاسی فی الاسلام، ص ۳۲۱.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . ابن هشام، سیرت رسول الله صلی الله علیه و آله ، ج ۱، ص ۲۸۱.

۴– (۴) . علی، محسنی، مبانی و گستره آزادی سیاسی، ص ۱۵۱.

متأثر از اخلاق کریمه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زمینه اقبال مردمی را در حد بسیار گسترده ای فراهم سازد؛ به گونه ای که در سال سیزدهم بعثت، حدود پانصد نفر از مردم یثرب در مراسم حج شرکت کردند. در این میان هفتاد تن از آنان به آیین اسلام گرویدند که در دیدار مجدد این گروه با حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله عقبه ثانیه شکل می گیرد. (۱)

اهالی یثرب که به حج آمده بودند، از پیامدهای مثبت و منفی این بیعت آگاهی داشتند و به خوبی می دانستند که پیوستن به آیین اسلام و بیعت با رسول گرامی اسلام چه پیامدهایی خواهد داشت. به همین دلیل عباس بن عباده از میان جمعیت برخاست و عواقب بیعت را برای آنان گوشزد کرد و گفت:

آیا می دانید چگونه و به چه چیزی با این مرد - حضرت رسول صلی الله علیه و آله - بیعت می کنید؟ جواب دادند: آری! عباس دوباره گفت: «شما برای جنگ و نبرد با سرخ و سیاه (همه فرقه ها و قومیت ها) با او بیعت می کنید، از هم اکنون عواقب کار خود را به نیکی بنگرید و در آن بیندیشید.

همراهان در پاسخ گفتند: «به خدا سوگند با تمام این پیشامدها - که بر شمردی - نیز از او حمایت کرده و با او بیعت می کنیم.» (۲)

آنگاه به رسول خدا گفتند: دست خود را بازکن تا با تو بیعت کنیم، رسول خدا دست خود را بازکرد و آنان این گونه با حضرت بیعت کردند.

اگر درست دقت کنیم این بیعت در نهایت رضایت مندی و از صمیم قلب صورت

می گیرد؛ زیرا زمانی که عباس بن عباده مشکلاتی را برشمرد و پیامدهای بیعت را بیان کرد، آنان بر انجام این بیعت پای فشردند. این پافشاری برگرفته از اعتقاد قلبی آنان نسبت به آموزه های دینی ای بود که تا آن زمان فرا گرفته بودند و درست به همین دلیل است که آنان خطاب به حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: با وجود این مشکلات اگر ما به پیمان خود با شما وفا کنیم، پاداش ما چیست؟ حضرت در جواب آنان فرمود: بهشت! آن زمان بود که بیعت ثانیه شکل گرفت. (۳)

۱- (۱) . همان، ص ۱۵۱.

۲- (۲) . ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۰۹.

۳- (۳) . همان.

دوم) شورا

اعتقاد همه مسلمانان بر پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و برخورداری حضرت از ملکه عصمت در تمامی امور و تأکید قرآن بر مشورت پیامبر با مردم، دلیل دیگری بر وجود آزادی سیاسی و مردم سالاری در اسلام است. مشورت، نوعی مشارکت همگانی و دست به دست هم دادن در امور خطیر و سرنوشت ساز همانند جنگ و شرایط خاص است. (۱)

این معنا با ریشه لغوی واژه نیز همنوایی دارد چه اینکه در معنای ریشه «شور» مفهوم استخراج، اعانه و کمک وجود دارد. (۲) شورا، مشورت و تشاور به معنای استخراج با رجوع بعضی به بعضی دیگر تعریف شده است. (۳)

برای اثبات و تأکید بر نقش تعیین کننده شورا به عنوان بستر مردم سالاری دینی به آیاتی از قرآن مجید استدلال شده است که دو آیه سوره مبارکه شورا ...وَ أَمْرُهُمْ شُورى بَيْنَهُمْ ۴ و سوره آل عمران ...وَ شاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ۵ محور اصلی استدلال را تشکیل می دهد. در سوره مبارکه شورا آنجا که واجبات عمده و خلقیات و شیوه رفتار و عمل را برمی شمارد، مشاوره در امور خطیر و سرنوشت ساز مورد تأکید و ترغیب خداوند قرار گرفته است.

آیه دوم که بعد از جنگ احد نازل شده است، به صراحت دستور مشورت را داده است. جالب است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علی رغم میل شخصی خود که بر ماندن در شهر مدینه اصرار داشتند، تسلیم رأی اکثریت گردیده و جنگ در بیرون از شهر را پذیرفتند و چون در این جنگ مسلمانان (البته در اثر تخلف گروهی از آنان از فرمان حضرت) شکست خوردند، زمزمه میان مسلمانان پدید آمد که پیامبر صلی الله علیه و آله نباید با دیگر مسلمانان مشورت می کردند و باید طبق رأی شخصی خود عمل می کردند. در واکنش این عمل آیه شریفه نازل شد که به صراحت به حضرت دستور می دهد که بازهم با آنان مشورت کن.

بر اساس این آیه شریفه مشورت کردن بر پیامبر صلی الله علیه و آله واجب است. (۴)

۱- (۱) . دکتر نجف لک زایی، درس فقه سیاست داخلی، مدرسه فقه و معارف اسلامی، تاریخ ۸۷/۹/۲۴.

۲- (۲) . ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، معجم مفردات القرآن، ص ۲۷۷.

۳- (۳) . جمال الدین محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ذیل مدخل «شاور».

۴- (۶) . ابوعلی الفضل بن حسن، طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ص ۳۳.

سوم) حق انتقاد، اعتراض و آزادی بیان

یکی از مؤلفه هـای مردم سالاـری، «آزادی بیان» و آزاد بودن «اعتراض» و «انتقاد» است. این چیزی است که در حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زیبایی جلوه گر است. اصحاب به راحتی به حضرت اعتراض می کردند و نظرهای خود را در قالب شورهـا مشورت هـا و انتقادهـا بیان می کردنـد. پیامبراکرم صـلی الله علیه و آله از این فضای باز سیاسـی به گرمی اسـتقبال می کردند؛ زیرا این خود حضرت است که در قالب « النصحیه لائمه المسلمین » (۱) اصحاب و یاران را بر این اعتراض ها، انتقادها تحریص و ترغیب می فرمودند.

در روایات تاریخی به روشـنی آمده است که برخی از تصـمیم های رسول خدا صلی الله علیه و آله توسط صحابه مورد انتقاد و اعتراض قرار می گرفت که برخی از آنها بـدین شـرح است: برخورد با اسـراء جنگی در جنگ بدر، (۲) رفتن به خارج از شهر برای جنگ، در غزوه احد، (۳) صلح حدیبیه، چگونگی تقسیم غنایم جنگی در جنگ حنین، فرماندهی اسامه و تعلل در اعزام، پیـامبر صـلی الله علیه و آله بـا توضـیح و تشـریح دلایـل خویش زمینه اقنـاع اصـحاب و یاران را فراهم می ساخت. (۴) البته این موارد را می توان تحت عنوان « النصیحه لائمه المسلمین »

جای داد که شخص پیامبر بر آن تأکید داشت که یکی از آموزه اساسی در فرایند حاکمیت سیاسی مکتب اسلام به حساب می آید. (۵)

چهارم) میثاق مدینه

پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در همـان سـال نخست هجرت «میثاق مـدینه» را بین اقوام و طوایف مختلف منعقـد ساخت که اولین قانون اساسی مکتوب درجهان تلقی شده است. (۶)

ایـن پیمـان که به منظـور نهـادینه سـازی حقـوق، وظـایف، تکـالیف و تنظیم روابـط فرمـانروایی و فرمـانبری و نیز حـل و فصـل اختلافات و منازعات و بر قراری صلح و

۱- (۱) . محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۰۳.

۲- (۲) . محمدبن جریر، طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۹۹.

۳- (۳) . ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۸۱.

۴- (۴) . همان.

۵- (۵) . همان، ج ۳، ص ۱۱۲۲.

۶- (۶) . علی محسنی، مبانی و گستره آزادی در حکومت امام علی علیه السلام، ص ۱۸۰.

عدالت بین مردم ایجاد شد، یکی از افتخارات مکتب اسلام به شمار می آید. روح و اساس این پیمان تأمین امنیت شهروندان، پیوند اقوام و قبائل مختلف، برقراری صلح و آرامش، حفظ وحدت اسلامی، آزادی و حفظ حرمت و حقوق همه فرمانبران است. (۱) با در نظر داشت محتوا و درون مایه میثاق، به خوبی می توان به شأن، جایگاه، حقوق، وظایف و منزلت مردم به عنوان یکی از اساسی ترین ارکان حکومت اسلامی پی برد. چه اینکه این پیمان اختصاص به مسلمانان ندارد، حقوق و تکالیف اقلیت ها همانند «یهودیان» و دیگر طوایف غیر مسلمان نیز در آن به خوبی در نظر گرفته شده است. آنچه نسبت به طوائف غیر مسلمان آمده است، این است که آنان در انتخاب دین آزادند و آنان نیز از همان مزایای مؤمنان برخوردارند و به آنان ستم نخواهد شد؛ که البته همه اینها در چارچوب حاکمیت اسلام و شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله است.

۲- حکومت علوی

یکم) بیعت

امام علیه السلام تعیین حاکم را حق انحصاری مردم می داند. بر همین اساس هنگام بیعت مردم با آن حضرت، در مسجد مدینه بر منبر رفت و انتخاب حاکم و تشکیل حکومت را حق

انحصاری «مردم» اعلام کرد و اظهار داشت که تنها منتخب مردم حق حکمرانی بر آنها را دارد، لاغیر. (۲)

ای مردم! این امر حکومت امر شما است هیچ کس جز آن که شما او را امیر خود گردانید، حق امارت و حکومت برشما را ندارد. (۳)

امام علیه السلام میزان مشارکت مردمی و حضور پرشور و بی نظیر آنان و اشتیاق وصف ناپذیر و خواسته مصرانه مردم را با تشبیهات و کنایات منحصر به فرد خویش چنین ترسیم می کند:

۱- (۱) . ر.ک: محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، تحقیق: ربانی شیرازی، ج ۱۸، ص ۳۲۴.

۲- (۲) . «ایها الناس عن ملاء و اذن انّ هذا امرکم لیس لاحد فیه، حق الا ما امرتم»، عزالدین، ابوالحسن علی بن محمد، المعروف به ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۱۹۹، تاریخ الرسل والملوک (تاریخ الطبری)، ج ۳، ص ۴۵۶. ابوجعفر محمدبن جریر الطبری، محمد ابوالفضل ابراهیم.

۳- (۳) . نهج البلاغه، خطبه ۱۳۷.

همچون ماده شتری که به طفل خود روی آورد به من روی آوردید و فریاد بیعت، بیعت سردادید، دست خود را باز پس بردم آن را کشیدید، از دستتان کشیدم به خود برگردانیدید. (۱)

در خطبه شقشقیه می فرماید:

بدین ترتیب چیزی مرا به صدمه نینداخت مگر اینکه مردم چون موی گردن کفتار به دورم ریخته و از اطراف به من هجوم آوردند، گویی در اثر ازدحام جمعیت حسنان (حسن و حسین فرزندان امام) در زیر دست و پا رفتند و دوطرف لباس من پاره شد و اطراف مرا چون گله گوسفند گرفتند. (۲)

دوم) نظارت

یکی از مؤلفه های حضور مردمی و ارج نهادن به آنان در حکومت حضرت، مسئله نظارت است. امام تأکید دارد که مردم باید نسبت به حاکمیت سیاسی و حکومت، نظارت مستقیم داشته باشند. امروزه نیز نظارت و کنترل، یکی از اصلی ترین شاخصه های آزادی سیاسی در حاکمیت سیاسی به حساب می آید.

امام علیه السلام به کارگزارانش دستور می دهد تا به طور علنی چگونگی فعالیت های

کارمندان را تحت نظر قرار بدهند تا از این طریق حقی از مردم ضایع نگردیده و ظلمی پدید نیاید.

امام علیه السلام برای احترام گذاردن به حقوق مردم و شهروندان، مؤلفه های متعددی را برای نظارت مردم بر عملکرد کارگزاران عنوان کرده است که جای طرح مباحث به صورت گسترده وجود ندارد و به صورت اجمال به بعضی از راهکارهای نظارتی و گفته های حضرت که به صورت صریح و روشن وجود دارد، اشاره می کنیم:

الف) نظارت مستقیم

امام علیه السلام همواره خود را در معرض دید و نظارت مردم قرار داده، می فرماید:

اگر نیکوکار بودم به یاری ام بشتابید و اگر بدکارم یافتید از من انتقاد کنید. (۳)

ص:۶۸

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . نهج البلاغه، خطبه ۳.

۳- (۳) . فان کنت محسنا اعانني و ان کنت مسیئاً استعتبني، نهج البلاغه، نامه ۵۷.

در نامه پنجاه وسوم نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر می فرماید:

مبادا که دور از چشم مردم، دیری در سرا پرده سیاست بمانی که غیبت زمامداران از ملت، منشأ کم آگاهی از جریان های کشور باشد و غیبت از مردم پیوندشان را با آنچه پس برده است، می گسلد و در نتیجه مسائل بزرگ را در چشمشان کوچک و مسائل کوچک را بزرگ می کند، زیبایی ها زشت، و زشتی ها زیبا جلوه می کند و حق و باطل درهم می آمیزد...

تشویق و تنبیه

تشویق در لغت به معنای ایجاد شوق و ترغیب نسبت به کاری است و در مقابل آن تنبیه به معنای آگاه کردن فرد از نتایج رفتار ناشایست اوست که موجبات رنجش و ناراحتی را برای آن فرد به همراه دارد. علی علیه السلام می فرماید:

با دادن پاداش به نیکوکار، بدکار را از بدی باز دار. (۱)

در نامه معروف خود به مالک اشتر می فرماید:

ولا یکوننّ المحسن والمسیء عندک بمنزله سواء فانّ فی ذلک تزهیداًلاهل الاحسان فی الاحسان و تدریبا لاهل الاساءه علی الاساءه؛ نبایستی نیکوکار و بدکار در پیشگاه تو برابر و یکسان باشند؛ زیرا این نگرش نیرومندترین عامل در بی تفاوتی

نیکوکاران نسبت به نیکوکاری بوده و تشویق بدکاران به بدکاری است. (۲)

امام علیه السلام می فرماید: باید نیکوکار و بدکار نزد شما یکسان نباشد .

معنای کلام حضرت این است که همواره بر افراد نظارت داشته باشید تا سره را از ناسره تشخیص بدهید و همان معیار تشویق و تنبیه را عملی کنید.

نصیحت

امام علیه السلام نصیحت حاکم را در کنار اطاعت و وفای بیعت از وظایف و تکالیف اجتماعی مردم در قبال حکومت بر شمرده است:

اما حق من بر شما این است که به بیعت وفا کنید و در نهان و آشکارا حق خیرخواهی را ادا کنید. (۳)

۱- (۱) . ازجرالمسئی بثواب المحسن، نهج البلاغه، حکمت ۱۷۷.

۲- (۲) . نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

۳- (۳) . همان.

در عبارتی دیگر پس از بیان حقوق متقابل حاکم و مردم و آثار مثبت آن و نیز پیامدهای بی اعتنایی به حقوق همدیگر به ادای حقوق اجتماعی توصیه می فرماید:

از جمله حقوق واجب خدا بر بندگان، خیرخواهی به قدرتوان و کمک و یاری به هم برای اجرای حق در بین خود آنها است. (۱)

در ضمن توصیه ها به مالک اشتر می فرماید:

لطف و محبتی را که عهد کردی به مردم نمایی کوچک شمار هرچند، نادر باشد؛ چرا که لطف و محبت، موجب می شود آنان از نصیحت و خیرخواهی برای تو دریغ نورزند». (۲)

ب) نظارت غیرمستقیم

با نگاه گذرا به نهج البلاغه به ویژه عهد نامه مالک اشتر حضور و نقش مردم را در حکومت علوی در ضمن مؤلفه های ذیل می توان مشاهده کرد: لزوم مشورت با مردم؛ پرهیز از ظلم و بی عدالتی و رعایت انصاف؛ جلب رضایت خداوند از طریق رضایت مردمی؛ رازداری و خطا پوشی؛ گره گشایی؛ انتخاب برگزیده ها برای حکمرانی و فرمانروایی؛ ضرورت تشویق و تنبیه؛ لزوم دوستی با مردم؛ رعایت معیارهای قضاوت اسلامی و تساوی همگان در برابر قانون؛ وفای به عهد؛ دوری از فخرفروشی؛ تأمین امنیت اجتماعی در ابعاد مختلف سیاسی اجتماعی، نظامی و اقتصادی؛ تأمین صلح و امنیت و حداکثر رفاه مردم؛ مسئول و پاسخ گوبودن در برابر مردم؛ ایجاد زمینه مشارکت مردمی در حکومت؛ تعلیم و تربیت شهروندان؛ برکناری فرمانروایان نالایق و پاسداشت حقوق اجتماعی مردم؛ مواسات رهبران و رهروان در استفاده از امکانات؛ تأمین آزادی های شخصی و اجتماعی در حیطه قانون؛ عدم جواز دخالت دولت در قلمرو زندگی شخصی افراد؛ انجام امربه معروف و نهی ازمنکر به عنوان یکی از راهکارهای نظارتی نسبت به دولتمردان... که همه این مسائل از یک منبع اصلی سرچشمه می گیرد و آن عبارت است از تکریم و تعظیم انسان و رعایت حقوق انسانی در تمامی زمینه ها. چنین

۱- (۱) . نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

۲- (۲) . همان، نامه ۵۳.

رویکردی نسبت به مردم و حکومت است که حکومت علوی را به یک حکومت آرمانی و مثال زدنی در تاریخ تبدیل ساخته است. چه اینکه در چنین حکومتی دولتمردان، خدمت گذاران مردم به حساب می آیند و مردم در عین اینکه مطیع هستند، مخدوم نیز هستند. در چنین حکومتی تفاوتی میان شهروندان وجود ندارد. جز به اسم و اینکه یکی قاضی است و یکی راهبر و یکی راهرو، و الا در برابر قانون همگان یکسانند و آن انسان است و بس!

ص:۷۱

۲ –نظریه مرحوم نائینی

اشاره

مرحوم نائینی، اصل پذیرش حکومت در عصر غیبت را ضروری می داند و در زمانی که حاکمان غاصب بر اریکه قدرت تکیه زده اند و ما هم جز تسلیم شدن چاره ای نداریم، «تحدید» سلطنت مطلقه را مطرح می کند. وی معتقد است حال که از قبول چنین حکومتی ناگزیر هستیم، باید راهکاری اندیشید که به قدر امکان از طغیان گری حاکمان قلدر جلوگیری شود. تحدید سلطنت ستمگر و تحویل آن به مشروطه امری لازم و ضروری است.

استاد لک زایی در مقام تبیین و تشریح تحدید سلطنت از منظر آیت الله نائینی می گوید: از منظر نائینی آنگاه که حکومت به دست حاکم جایر باشد، سه نوع ظلم اتفاق افتاده است:

۱. ظلم به خداوند؛ ۲. ظلم به امام علیه السلام ؛ ۳. ظلم به مردم.

اما با تحدید سلطنت (به صورت مشروطه) فقط یک ظلم باقی می ماند و آن ظلم به امام است؛ زیرا حکومت که حق امام علیه السلام است، غصب شده است ولی ظلم به خداوند برطرف شده است؛ زیرا احکام خداوند اجرا می شود، ظلم به مردم هم نیست؛ زیرا مردم به صورت عملی حکومت می کنند. (۱)

چه بعد از آنکه دانستی که نحوه اولی هم اغتصاب ردای کبریایی عزه اسمه و ظلم به ساحت اقدس احدیت است (ظلم به خدا) و هم اغتصاب مقام ولایت و ظلم به

۱- (۱) . دکتر نجف لک زایی، جلسه درس نظریه های نظام سیاسی، مدرسه عالی فقه و معارف، تاریخ ۱۳۸۷/۲/۲۹، با اندک تغییر در عبارت استاد.

ناحیه مقدسه امامت - صلوات الله علیه - و هم اغتصاب رقاب و بلاد و ظلم درباره عباد است، به خلاف نحوه ثانیه که ظلم و اغتصابش فقط به مقام مقدس امامت راجع و از آن دو ظلم و غصب دیگر خالی است. (۱)

مرحوم نائینی تصدی حکومت را از باب امانتداری نوع می داند و بنابر نظر وی در این باب فرقی بین اینکه متصدی حکومت بر حق باشد یا از روی غصب آن را تصاحب کرده باشد، نیست.

پس لامحال سلطنت مجعوله در هر شریعت و بلکه نزد هر عاقلی، چه به حق تصدی شود یا به اغتصاب عبارت از امانتداری نوع ولایت بر ظلم و حفظ و اقامه سایر وظایف راجعه به نگهبانی خواهد بود. (۲)

تأکید مرحوم نائینی بر این است که اساس سلطنت حفظ نظم و به منزله شبانی گله است: و هم از روی همین مبنا و اساس آنکه حقیقت سلطنت عبارت از «ولایت بر حفظ نظم و به منزله شبانی گله است.» به همین دلیل است که آن را منصب الهی می داند؛ «ولهذا به نصب الهی - عز اسمه - که مالک حقیقی و ولی بالذات و معطی ولایات است و موقوف و تفصیل مطلب به باب امامت موکول است.» (۳)

وی در عین اینکه حکومت را امر مقدس و الهی می داند، معتقد است که حاکم باید از سوی خداوند متعال منصوب باشد و داشتن این حق را عاری از هرگونه مزیت شخصی برای حاکمان می داند:

و علی کل حال رجوع حقیقت سلطنت اسلامیه بلکه در جمیع شرایع و ادیان به امانت و ولایت احد مشترکین در حقوق مشترکه نوعیه، بدون هیچ مزیتی برای شخص متصدی و محدودیت آن [از تبدل] به مستبدانه تحکم و دل بخواهانه قهر و ارتکاب نداشتن از اظهر ضروریات دین اسلام و بلکه تمام شرایع و ادیان است. (۴)

مرحوم نائینی در یک تقسیم بندی کلی حکومت را به دو دسته تقسیم می کند و برای هرکدام ویژگی هایی را بیان می کند:

حکومت، یا «شخصی» است یا «قانونی». در حکومت شخصی حاکم در تمام شئون

۱- (۱) . محمدحسین نائینی، تنبیه الامه، تصحیح: سید جواد ورعی، ص ۷۶ و ۷۷.

۲- (۲) . همان، ص ۶۹ و ۷۰.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . همان.

مملکت تصرف کرده و آن را همانند ملک طلق شخصی خویش قلمداد کرده و مردم را همانند گوسفند و بردگان خویش می پندارد. مسئولیت، امانتداری، پاسخ گویی در قبال مردم و حقوق شهروندی در این نوع حکومت معنا و مفهومی ندارد برخلاف حکومت قانونی که حاکمان امانتدار مردم و در قبال عموم مردم پاسخ گو هستند.

الف) انواع حکومت از دیدگاه مرحوم نائینی

۱- حکومت تملیکیه

اول آنکه مانند آحاد مالکین نسبت به اموال شخصیه، خود را با مملکت و اهلش معامله فرمایـد؛ مملکت را بما فیها مال خود انگارد و اهلش را مانند عبید و اما بلکه اغنام و احشام برای مراودات و درک شهواتش مسخر و مخلوق پندارد، هرکه را به این غرض وافی و در مقام تحصیلش فانی دید، مقربش کند و هرکه را منافی یافت، از مملکت که ملک شخصی خویش پنداشته تبعیدش کند و یا اعدام و قطعه قطعه به خورد سگانش دهد. (۱)

ویژگی های حکومت تملیکیه

۱. خودکامگی: در این نوع حکومت به دلیل اینکه حاکمان خود را مالک مردم می داننـد، از هیـچ نوع خودکامگی دریغ نمی ورزند. جان، مال و ناموس مردم بازیچه دست آنان به شمار می آید.

۲. عدم پاسخ گویی: حاکمان خودسر هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی خود (۲) را در برابر مردم پاسخ گو نمی دانند.

علامه نـائینی این نـوع حکـومت را به دلایلی که بیـان شـد، حکومت تملیکیه، استبدادیه، استعبادیه، اعتسافیه، (۳) تسلطیه و تملیکیه (۴) می نامد و معتقد است که این نوع حکومت دارای مراتب و درجاتی است:

۱- (۱) . همان، ص ۴۰ و ۴۱.

۲- (۲) . همان، ص ۴۲.

۳- (۳) . عسف و اعتساف در اصل به معنای حرکت بدون راهنما و از بیراهه رفتن است. در ظلم و ستم نیز به کار برده شده است. لسان العرب، ج ۹، ص ۲۰۶، عسف، ستم، بیداد، مرگ، در راه سرگردان شدن و... جبران مسعود، الراید، ج ۲، ص ۱۱۸۷.

۴- (۴) . تنبیه الامه، وتنزیه المله، تصحیح سید جواد ورعی، ص ۴۲.

درجات تحکمیه این قسم از سلطنت به اعتبار اختلاف ملکات نفسانیه و عقول و ادراکات و علم و جهل اهل مملکت به وظایف سلطنت و حقوق خود و درجات موحد یا مشرک بودنشان در فاعلیت مایشاء و حاکمیت مایرید و عدم مسئولیت عمایفعل و مالکیت رقاب الی غیر ذلک از اسما خاصه و بلکه ذات احدیت تعالی شأنه، مختلف و آخرین درجه آن ادعای اولوهیت است. (۱)

۲- حکومت ولایتیه

مقام دوم آن که مقام مالکیت و قاهریت و فاعلیت مایشأ و حاکمیت مایرید در بین نباشد. اساس این حکومت فقط بر اقامه همان وظایف و مصالح نوعیه متوقفه بر وجود سلطنت مبتنی و استیلای سلطان به همان اندازه محدود و تصرفش به عدم تجاوز از آن حد، مقید و مشروط باشد. (۲)

ویژگی های حکومت ولایتیه

۱. امانت بودن حکومت: از آنجا که حکومت نوع دوم به دلیل انجام وظایف به حاکم سپرده شده است پس او را امانتدار در صرف قوای مملکت در مصالح جامعه دانسته اند. (۳)

۲. محدودیت ولایت: اساس قسم دوم که دانستی عبارت است از ولایت بر اقامه مصالح نوعیه و به همان اندازه محدود است. (۴)

۳. تساوی حاکم با مردم: مرحوم نائینی اصل مساوات را از ضروریات دین می شمارد: اساس عدالت و روح تمام قوانین سیاسیه عبارت از این مساوات است و قیام ضرورت دین اسلام بر عدم جواز تخطی از آن، از بدیهیات است.

«از نظر نائینی» (۵) قانون مساوات از اشرف قوانین مبارکه مأخوذه از سیاسات اسلامیه [بوده] و مبنا و اساس عدالت و روح آن قوانین است. (۶)

۱- (۱) . همان، ص ۴۲ و۴۳.

۲- (۲) . همان، ص ۴۳.

۳- (۳) . همان، ص ۴۴ و۴۵.

۴- (۴) . همان، ص ۴۹.

۵- (۵) . همان، ص ۱۱۲.

۶- (۶) . همان، ص ۱۰۱.

اساس قسم دوم که دانستی عبارت از ولایت بر اقامه مصالح نوعیه و به همان اندازه محدود است بر عکس آن، بر آزادی رقاب ملت از این اسارت و رقیت منحوسه ملعونه و مشارکت و مساواتشان با همدیگر و با شخص سلطان در جمیع نوعیات مملکت از مالیه و غیرها مبتنی... (۱) است.

۴. پاسخ گویی دولت در برابر مردم: حق محاسبه و مراقبت داشتن ملت و مسئولیت متصدیان هم از فروع این دو اصل است. (۲)

در جای دیگر در مقام استدلال بر تساوی حقوق عامه مردم حتی با شخص سلطان، به سیره مبارکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأسی می جویند:

و اما مساوات تمام افراد ملت با شخص والی در جمیع حقوق و احکام [و] شدت اهتمام حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله را در استحکام این اساس سعادت امت، از سیره مقدسه حضرتش توان فهمید. (۳)

علامه نائینی به عنوان مثال از مساوات در حقوق، احکام و مجازات یاد می کند.

۵. عمل به رأی اکثریت: مرحوم نائینی افزون بر استدلال عقلی به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام مبنی بر عمل به رأی اکثریت استناد می کند؛ زیرا عمل به رأی اکثریت، أقوی مرجحات نوعیه بوده و اخذ طرف اکثر، ارجح از اخذ به شاذ است.

مرحوم نائینی نیابت فقیه جامع الشرایط در عصر غیبت، در امور حسبیه را برای انجام امور مملکت و برقراری نظم، از اختیارات فقیه می داند. علامه نائینی معتقد است از آنجا که در عصر غیبت، تصاحب کامل حاکمیت امکان ندارد، باید تلاش گردد تا دست کم این حکومت به حکومت مشروطه تبدیل شود که البته این مطلب را در سه مقدمه و نتیجه بیان کرده است.

ب) مقدمات تحدید سلطنت از دیدگاه مرحوم نائینی

۱- وجوب نهی ازمنکر

اول آنکه در باب نهی ازمنکر بالضروره من الدین معلوم است که چنانچه شخص واحد فرضاً در آن واحد منکرات عدیده را مرتکب شود، ردعش از هر یک از آنها تکلیفی است مستقل و غیرمرتبط به تمکن از ردع و منع از سایر آنچه که مرتکب است. (۴)

۱- (۱) . همان، ص ۵.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . همان، ص ۷۵.

۲– نیابت فقها در عصر غیبت

دوم آنکه از جمله قطعیات مـذهب ما طایفه امامیه این است که در عصـر غیبت – علی مغیبه السـلام - آنچه از ولایات نوعیه را که عدم رضای شارع مقدس به اهمال آن، حتی در این زمینه هم معلوم باشد «وظایف حسبیه» نامیده و نیابت فقهای عصر را در آن، قدر متیقن و ثابت دانستیم حتی با عدم ثبوت نیابت عامه «جمیع مناصب». (۱)

۳– لزوم تحدید غاصب

سیم آنکه در ابواب ولایت بر امثال اوقاف عامه و خاصه و... از قطعیات است که چنانچه غاصبی عـدواناً وضع یـد کند و وضـع یـدش رأساً ممکن نباشـد ولکن با ترتیبات عملیه و گماشـتن هیئت نظارت توان تصدیش را تحدید... البته وجوب آن بدیهی و خلاف در آن نه تنها از علمای متشرعین بلکه عقلای دهریین هم به هیچ وجه متصور و محتمل نخواهد بود. (۲)

نتیجه

و چون این سه مطلب مبیّن شـد، مجال شـبهه و تشـکیک در وجوب تحویل سـلطنت جایره غاصـبه نحوه اولی (جایره) به نحوه ثانیه (مشروطه) با عدم مقدوریت ازید، از آن باقی نخواهد بود. (۳)

در مجموع مرحوم نائینی در دوره غیبت از نظام مشـروطه یا ولایتیه جانبداری می کند؛ زیرا موضوع را از امور عقلایی می داند و دراین باره به مثال ید غاصب بر موقوفه تمسک می جوید. (۴)

۱– (۱) . همان، ص ۷۵ و۷۶.

۲– (۲) همان، ص۷۶

۳– (۳) . همان.

۴– (۴) . مسعود پورفرد، مردم سالاری دینی، ص ۹۴.

۳ –نظریه آیت الله شهید صدر

اشاره

شهید صدر در مباحث خود به تعریف حکومت، اشکال حکومت اسلامی، ویژگی ها، ارکان، مبانی و ساختار حکومت اسلامی پرداخته است که ما هرکدام از این مؤلفه ها را بر اساس نظریه او به بحث گرفته و سرانجام حکومت مطلوب و مورد نظر شهید را مورد بررسی قرار می دهیم.

الف) تعریف حکومت

حکومت در لغت به معنای فرمان فرمایی و حکمرانی است و بدین معنا، برای آن وجود رابطه پایدار فرماندهی و فرمان گزاری میان فرمان فرما و فرمان گذار لازم است. (۱)

در سیاست به معنای دستگاه فرمانروا در کشور است و به این معنا «دولت» نیز هم ردیف یا به جای آن به کار برده می شود. در نظام های قانونی جدید که در آنها «تفکیک قوا» و اصل حکومت قانون به رسمیت شناخته شده است، حکومت به معنای قوه اجرایی به کار می رود یعنی مجموع دستگاه اداری سیاسی، انتظامی و نظامی کشور که در رأس آن هیئتی به نام کابینه با هیئت وزیران قرار دارد. معادل انگلیسی این واژه (۲) تشکیلات سیاسی و اداری کشور و تشکیلات دولتی است. (۳)

۱– (۱) . داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، ص ۱۴۱.

۲– (۲) . Government.

۳– (۳) . علی آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۱۱۰.

شهید صدر در تعریف حکومت از دیدگاه اسلام می نویسد:

حکومت در دولت اسلامی عبارت است از رعایت و حفظ شئون امت بر اساس شریعت اسلامی و به همین دلیل بارها بر حاکم (فرمانروا و اسم (راعی) وبر فرمانبرداران (مردم) نام رعیت اطلاق شده است. همان گونه که در حدیث شریف آمده است: « کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته » . (۱)

ب) انواع حکومت

از نظر آیت الله شهید سید محمدباقر صدر حکومت به انواع زیر تقسیم می شود:

۱. حکومت اسلامی؛

۲. حکومت تغلبیه (نظام مبتنی بر زور)؛

۳. حکومت ملکیه (نظام پادشاهی و سلطنتی)؛

۴. حکومت اشرافی؛

۵. حکومت فردی؛

۶. حکومت دموکراسی. (۲)

ج) شکل حکومت در اسلام

منظور از حکومت اسلامی، حکومتی است که در مبنا و عمل، مجری احکام اسلامی بوده و پایبندی خود را نسبت به قوانین اسلام اعلام داشته و به صورت کلی مبنای عملی آن دستورات و آموزه های اسلامی باشد.

اشکال حکومت اسلامی از نظر شهید صدر : (۳)

۱. شکل الهی؛

۲. حکومت شورایی؛

۳. حکومت قانونی.

شهید صدر در مورد شکل الهی حکومت می نویسد:

۱- (۱) . سید محمدباقر صدر، الأسس الإسلامیه، الاساس، رقم، ۶.

۲- (۲) . محمدحسین جمشیدی، اندیشه های سیاسی شهید رابع، ص ۲۸۲.

۳- (۳) . همان، ص ۲۸۳.

شکل حکومت همانا حکومت شخص معصوم است که صلاحیتش را به طور مستقیم از جانب خدا دریافت می کند و با تعیین خاص الهی و بدون مداخله اختیار و آرای مردم حکومت را به دست می گیرد و بدون شک و تردید این شکل از حکومت در اسلام ثابت است و مسلمانان بر آن اجماع دارند. آنچه از این شکل حکومت مورد اتفاق مسلمین است، حاکمیت رسول الله صلی الله علیه و آله است که سخن خداوند « النبی أولی بالمؤمنین من انفسهم » و... بر آن دلالت دارد. (۱)

بر اساس این دیدگاه، بیعت و شورا، بیانگر مشارکت و حضور مردم است. اهل سنت این شکل از حکومت را تنها از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله می دانند؛ اما شیعیان معتقدند که حکومت ائمه دوازده گانه نیز همان حکومت رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

شهید صدر دراین باره می نویسد:

و شیعیان استدلال می کنند که این شکل از حکومت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز برای ائمه دوازده گانه ثابت است و به صورت خاص نص در مورد آنها نیز وارد شده است. (۲) بر این اساس شخص معصوم دارای ولایات چهارگانه است: ۱. حفظ و اجرای شریعت؛ ۲. ولایت و حاکمیت تقنینی؛ ۳. حاکمیت و ولایت سیاسی؛ ۴.ولایت و حاکمیت در قضا. (۳)

شهید صدر در مورد شورا و شکل شورایی حکومت می نویسد:

شورا در عصر غیبت شکل جایز حکومت است. بنابراین، صحیح است که امت بر اساس صلاحیت خود در اجرای احکام شرعی و وضع و تنفیذ تعالیم (احکام ثانوی) حکومت را برپا سازد. (۴)

از نظر شهید صدر حکومت اسلامی علاوه بر اینکه تابع قوانین الهی است، مصالح اسلام و جامعه اسلامی را نیز باید مد نظر قرار بدهد. (۵)

سومین شکل حکومت مورد نظر شهید صدر، ترکیبی از حکومت شورایی مبتنی بر رأی و نظر مردم با نظارت و گواهی مرجع عام – مرجعیت صالحه و رشیده – است.

۱- (۱) . الأسس الإسلامیه، الاساس، رقم ۶.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . اندیشه های سیاسی شهید رابع، ص۲۸۳.

۴- (۴) .الأسس الإسلامیه، الاساس، رقم ۶.

۵- (۵) . اندیشه های سیاسی شهید رابع، ص۲۸۴.

شهید صدر در طرح واره جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۸ می نویسد:

خلافت عمومی امت (مردم) بر اساس شورا که به آنها حق می دهد عهده دار امور خود باشند در ضمن اینکه اشراف و نظارت قانونی نایب امام (مرجع عام) نیز وجود دارد. (۱)

شهید صدر این شکل از حکومت را حکومت قانونی و بهترین شکل حکومت می داند؛ زیرا در آن قانون حاکم است و حاکم و محکوم در برابر قانون برابرند.

حکومت اسلامی از نظر شکل، حکومتی قانونی است؛ یعنی به بهترین وجه بر قانون متکی است؛ زیرا قانون اسلام بر حاکم و محکوم (رهبر و امت) به طور مساوی سیطره دارد. (۲)

د) حکومت مطلوب شهید صدر

شهید صدر سه نوع حکومت در عصر غیبت را به ترتیب در آثارش بیان کرده اند:

۱. حکومت شورایی که در الاسس الإسلامیه ، در سال ۱۹۵۸ مطرح کرده است؛

۲. نظریه ولایت مرجع (صالح و رشید) که در مباحث فقهی الفتاوی الواضحه آمده است؛

۳. حکومت ترکیبی (حکومت شورایی امت+ نظارت گواهی مراجع) که در مجموعه ای به نام الاسلام یقود الحیاه آمده و یک سال قبل از شهادتش آن را مطرح کرده است.

درباره شکل حکومت مورد نظر شهید صدر در عصر غیبت، نظرهای متفاوتی ارائه شده است؛

برخی از شاگردانش گفته اند که در اوایل حکومت مورد نظر شهید صدر حکومت شورایی بوده ولی بعدها از این نظر عدول کرده و نظریه ولایت مرجع را مطرح کرده است؛

به عقیده تعدادی دیگر در نهایت به ترکیبی از آن دو رسیده است. (۳) با همه این اختلاف برداشت و با توجه به اینکه در مباحث مختلف، شهید نظریه خلافت انسان با گواهی مرجعیت را به زیبایی مطرح کرده است، می توان گفت:

یکی از عمده ترین و اصلی ترین نظریه های شهید صدر، نظریه خلافت انسان با گواهی مرجعیت است. بنابراین، اگر گفته شود که شکل حکومت مورد قبول شهید

«حکومت مردمی با نظارت مرجع منتخب مردم» است. دور از واقعیت نیست.

۱- (۱) . سید محمدباقر صدر، الإسلام یقود الحیاه (لمحه فقهیه)، ص ۲۴.

۲- (۲) . همان، ص ۲۵.

۳- (۳) . ر.ک: اندیشه های سیاسی شهید رابع، ص ۲۸۵.

در تبیین و تشریح حکومت مورد نظر شهید صدر توجه به چند نکته اساسی زیر از اهمیت فراوانی برخوردار است:

یکم : واژه «ولایت» آنگاه که در مورد مرجع عام به کار می رود، به مفهوم گواهی و شهادت (نظارت) است نه به معنای حکومت؛

دوم : برقراری حکومت از وظایف و مسئولیت های امت است؛

سوم : مردم مرجع ناظر را انتخاب می کنند مگر اینکه در زمانی یک مرجع بیشتر وجود نداشته باشد؛

چهارم : حکومت به صورت عقد قراردادی نیست که بین مردم و حاکمان ایجاد شده باشد و یا اینکه به صورت وکالت باشد و حق حاکمیت از آن مردم است؛

پنجم: اگر واژه ولایت را شهید صدر در برخی مباحث خود در مورد مرجع به کار می برد، ناظر به ولایت در اموری چون قضا، تبلیغ و تبیین احکام و... است. (۱)

از نظر شهید صدر اساس نظام سیاسی - دینی، نوع و ماهیت آن الهی است و شکل آن را شرع تعیین نمی کند بلکه این نظر مردم است که تعیین کننده شکل حکومت است که البته با نظارت مرجع دینی و ولی فقیه، بر اساس مقتضیات زمان و مکان تعیین می شود. (۲) از نظر شهید صدر نظام مردم سالاری دینی وظیفه دارد نظریه خلافت عمومی انسان و ایجاد مدینه صالح و شایسته را بر مبنای فضیلت عملی محقق سازد. (۳)

البته دایره اختیارات حکومت مردم سالار ترسیم شده از سوی شهید صدر، تنها منحصر به اجرای احکام ثابت شریعت نیست، بلکه قلمرو دیگری را نیز در نظر دارد که «منطقه الفراغ» (۴) نامیده می شود.

ه) ارکان حکومت اسلامی

از نظر شهید صدر حکومت اسلامی دارای سه رکن اساسی زیر است:

الف) مرجعیت؛

۱- (۱) . همان، ص ۲۸۶ و ۲۸۷.

۲- (۲) . مسعود پورفرد، مردم سالاری دینی، ص ۱۰۰.

۳- (۳) . محمدباقر صدر، الإسلام یقود الحیاه (خلافه الانسان وشهاده الأنبیاء)، ص ۸.

۴- (۴) . الإسلام یقود الحیاه، ص ۱۱.

ب) امت؛

ج) نهادها و ساختار سیاسی قوای سه گانه.

مرجعیت، یکی از ارکان و محورهای حکومت اسلامی را تشکیل می دهد و مرجع به عنوان ناظر و گواه بر حکومت است. (۱)

امت (مردم) مهم ترین رکن حکومت مورد نظر شهید صدر را به خود اختصاص داده و اساس و یکی از مبانی مشروعیت حکومت است؛ زیرا مردم حق خلافت عمومی الهی در زمین را دارند و ایجاد دولت و تشکیل حکومت راهی برای تحقق این خلافت عمومی و اجرای امانت او در زمین است. (۲)

نهاد سیاسی - حکومتی (قوای سه گانه) قوه مجریه مسئولیت اجرا و قوه مقننه به تدوین قوانین در منطقه الفراغ می پردازد و قوه قضاییه مسئولیت حل خصومت را بر عهده دارند.

شهید صدر در جای دیگر می نویسد:

حکومت اسلامی برای پرورش مردم دارای سه عنصر اساسی زیر است:

اول : مربی شایسته و معصوم؛

دوم : مقررات و دستوراتی که از سوی مکتب تغذیه شود؛

سوم : صحنه ای برای اجرای این مقررات که همان امت و جامعه اسلامی باشد. (۳)

و) مبانی حکومت اسلامی

منظور از مبانی، اصول ثابت و غیرقابل تغییری است که حکومت اسلامی بر پایه آن تشکیل می شود.

۱- (۱) . «وهکذا وزع الإسلام فی عصر الغیبه مسئولیات الخطین بین المرجع و الامه، بین الاجتهاد الشرعی و الشوری الزمنیه فلم یشاء ان تمارس الامه خلافتها بدون شهید یضمن عدم انحرافها و یشرف علی سلامه المسیره و یحددلها معالم الطریق من الناحیه الإسلامیه» محمدباقر صدر، الإسلام یقود الحیاه، خلافه الانسان و شهاده الانبیاء، ص ۱۶۱.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . محمدباقر صدر، سی سال پس از پیامبر صلی الله علیه و آله ، ترجمه: سید علی علوی، ص ۱۸۰.

۱. مبانی تکوینی و عقلی حکومت

یکم: اصل حاکمیت مطلقه الهی در جهان؛

دوم: اصل خلافت عامه انسان و نقش امانتداری و مسئولیت پذیری؛

سوم: اصل اراده، انتخاب، آزادی و اختیار انسان.

۲. مبانی تشریعی و فقهی حکومت

یکم: اصل ولایت و حاکمیت مطلقه خداوند بر جهان هستی؛

دوم: اصل توحید عملی یا توحید در عبودیت و پرستش؛

سوم: اصل نیابت عامه مرجع تقلید، به عنوان گواه.

۳. مبانی اعتقادی حکومت

یکم: توحید و خدامحوری: یکی از مهم ترین پایه ها و مبانی حکومت اسلامی توحید و خدامحوری است که اصول حاکمیت الهی و خلافت انسان از آن استنباط می گردد و خلافت عمومی انسان و جانشینی او در زمین بر محور توحید می چرخد.

جامعه انسانی تنها به خداوند متعال و ایمان به حاکم واحد و مالک واحد در کل جهان هستی وابسته است و این توحید خالصی است که اسلام بر اساس آن استوار است و انقلاب های پیامبران نیز با شعار «لااله الا الله» صورت گرفته است... . (۱)

دوم: عدل محوری: عدل، دومین اصل از اصول دین اسلام و از میان صفات دیگر خداوند متمایز است. این امر بیانگر این است که باید در رفتار و عمل خود نسبت به آن اهتمام بیشتری داشته باشیم و نقش آن را در مسیر زندگی خود نشان دهیم. (۲)

سوم: اعتقاد به وحی تشریعی الهی و ارسال رسولان و حفظ گواهی پیامبران؛

چهارم: اعتقاد به معاد و نقش سازنده آن در زندگی انسان؛ (۳)

پنجم: اعتقاد به ارزش و کرامت ذاتی انسان و نقش و مسئولیت خلیفه اللهی او در زمین . (۴)

۱- (۱) . محمدباقر صدر، الإسلام یقود الحیاه، (خلافه الانسان و شهاده الانبیاء)، ص ۱۲۹.

۲- (۲) . همان، ص ۱۳۳.

۳- (۳) . محمدباقر صدر، رسالت ما، ترجمه: محمدتقی رهبر، ص ۲۳.

۴- (۴) . همان، ص ۶۷ و۶۸.

ز) ویژگی های حکومت اسلامی

عمده ترین ویژگی های حکومت اسلامی از نظر شهید صدر به شرح ذیل است:

۱. فطری و تکوینی بودن؛

۲. جهانی بودن؛

۳. قانونی بودن؛

۴. رعایت اصول مشارکت مردمی؛

۵. موازنه میان منافع مادی و مصالح اجتماعی؛

۶. تأکید بر اصل مصلحت عمومی؛

۷. مشروعیت الهی - بشری؛

۸. وجود مرجع و ناظر؛

۹. بر مبنای عدل بودن.

۴ –بررسی و مقایسه بین دو نظریه

الف) نقاط اشتراک دو نظریه

۱. امانت بودن ؛ از مشترکات دو نظریه مسئله «امانت بودن» حکومت است؛ زیرا هم مرحوم نائینی آن را از باب امانتداری نوع می داند و هم شهید صدر تصریح می کند که تصدی حکومت از باب امانتداری و قبول مسئولیت است.

۲. غیر قابل انتقال بودن ؛ دومین نقطه اشتراک دو نظریه، «غیر قابل انتقال بودن» حاکمیت است؛ زیرا هر دو فقیه بر این مطلب اتفاق نظر دارند. به نظر شهید صدر، اصل حاکمیت الهی تنها از آن خداوند است و انسان، تنها مسئول حمل این امانت است و به نظر مرحوم نائینی قیام آن از باب حفظ امور نوعیه است.

۳ .حسبیه بودن حکومت ؛ سومین نقطه اشتراک «حسبیه» بودن حکومت است. مرحوم نائینی می نویسد:

از جمله قطعیات مذهب ما طایفه امامیه این است که در این عصر غیبت – علی مغیبه السلام – چه آن ولایت نوعیه را که عدم رضای شارع مقدس به اهمال آن، حتی در این زمینه معلوم باشد وظایف حسبیه نامیده، نیابت فقهای عصر غیبت را در آن قدر متیقن و ثابت دانستیم، حتی با عدم ثبوت نیابت عامه در جمیع مناصب و چون عدم رضای شارع مقدس به اختلال نظام و ذهاب بیضه اسلام و بلکه اهمیت وظایف راجعه به حفظ و نظم ممالک اسلامیه از تمام امور حسبیه از اوضح قطعیات است... .

شهید صدر نیز تلاش می کند تا مشروعیت مردمی – الهی را از اصل امور حسبیه ثابت کند. وی در تعبیرهای خود از حفظ شئون اسلامی، حفظ نظم و امثال آن استفاده می کند: «حکومت

در دولت عبارت است از رعایت و حفظ شئون امت بر اساس شریعت اسلامی...».

۴. نیابت فقیهان در عصر غیبت: نقطه دیگر اشتراک دو نظریه، نیابت فقیهان در عصر غیبت است؛ با این تفاوت که مرحوم نائینی نیابت فقیهان را از امور حسبیه می داند و حتی در مجلس شورایی که مورد نظر اوست، باید مجتهدان جامع الشرایط در آن حضور داشته باشند. اما شهید صدر محدوده را تحت عنوان منطقه الفراغ که جایگاه عملکرد مردمی است مطرح می کند و خلافت انسان را با نظارت فقیه می پذیرد.

۵ .اشتراک در ویژگی ها : حکومت ولایتی که نائینی آن را بیان می کند، در موارد زیر با حکومت مطلوب و مورد نظر شهید صدر مشترک است:

- قانونی بودن؛

- تساوی حاکمان با عامه مردم در برابر قانون؛

- پاسخ گویی در برابر مردم؛

- محدودیت حکومت؛

- اقامه وظایف از سوی حاکمان؛

- عمل به رأی اکثریت؛

۶. تأکید بر اصول : تأکید بر اصولی همانند شورا، امربه معروف و نهی ازمنکر (نظارت همگانی). نصیحت و نظارت بر قدرت سیاسی نیز ویژگی مشترک دیگری است که هر دو فقیه بر آن تأکید کرده و به عمل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سیره ائمه معصومین علیهم السلام به ویژه امیرالمؤمنین علیه السلام استناد می کنند.

ب) نقاط اختصاصی نظریه نائینی

۱. عدم ارائه تعریف از حکومت : مرحوم نائینی غیر از تقسیمی که انجام می دهد و حکومت را به دو دسته ولایتیه و تملیکیه (یا شخصی وقانونی) تقسیم می کند، تعریف خاصی از حکومت ارائه نمی دهد و حکومت مطلوب و مورد نظر وی تا حدودی مبهم به نظر می رسد؛ حکومت مشروطه ای را که مطرح می کند، حکومت آرمانی و مطلوب نائینی نیست. مرحوم نائینی در حکومت مردم سالاری دینی نیز شأن و جایگاه مردم را مشخص می کند و به بیان حقوق اجتماعی مردم می پردازد؛ اما تعریف مشخصی از حکومت مردم سالار ارائه نمی دهد.

۲. تقسیم حکومت بر معیار ظلم وجور: معیار نائینی در تقسیم حکومت به دو دسته ولایتیه و تملیکیه؛ ظلم و جور است. او ضمن اینکه حاکمیت و ولایت سیاسی را قابل انتقال به فقیه نمی داند، در عصر غیبت نظام تملیکیه را به جای ولایتیه در نظر گرفته و تمهیداتی چون تدوین قانون اساسی و امثال آن را بر آن می افزاید تا از این طریق حکومت حداقلی پدید آید.

۳ .امکان تحقق نظام مردم سالار : مرحوم نائینی معتقد است که نظام مردم سالار با تبیین حکومت ولایتیه در عصر غیبت امکان پذیر است. ازاین رو، می توان گفت، با تبیین، تشریح و تطبیق حکومت ولایتیه و امکان تحقق آن به دست فقها همراه با سایر شرایطی که مرحوم نائینی بیان کرد همانند، رأی اکثریت، تدوین قانون اساسی شورا، نظارت و... امکان تحقق یک نظام مردم سالار از نوع مردم سالاری دینی وجود دارد. بدون شک سیطره حکومت جبار وقت بر نظریه پردازی علامه نائینی مؤثر بوده است گو اینکه به علامه کمتر فرصت می دهد تا تشکیل حکومت در عصر غیبت به دست مؤمنان را نیز در نظر بگیرد.

ج) نقاط اختصاصی نظریه شهید صدر

۱. ارایه تعریف ازحکومت : بر خلاف مرحوم نائینی، شهید صدر تعریفی از حکومت ارائه می دهد و حکومت را مجموعه ای از سازمان های اجتماعی می داند که به منظور تأمین روابط صحیح اجتماعی و حفظ نظم و تأمین مصالح عمومی پدید می آید. شهید صدر اقتدار برتر را معادل حاکمیت دانسته و اعتقاد دارد که حاکمیت انسان، همان حقی است که انسان به حکم انسان بودن برای سرنوشت جمعی و اجتماعی خویش تصمیم بگیرد و زندگی جمعی خود را اداره کند.

۲. نظریه خلافت انسان با گواهی مرجعیت : شاخصه اصلی، ممتاز و منحصر به فرد نظریه شهید صدر نظریه خلافت انسان با گواهی مرجعیت در عصر غیبت است. هرچند زوایای این نظریه خالی از ابهام نیست امّا بااین حال در صورت تبیین و تشریح درست این نظریه، امکان برپایی یک حکومت مردم سالار از نوع مردم سالاری دینی به طور کامل امکان پذیر است.

۳. تشکیل حکومت به دست امت : از نظر شهید صدر، تشکیل حکومت به دست خود «امت» تعیین و تعریف می شود و شرع دراین خصوص اظهار نظر نکرده است بلکه این امت و مردم هستند که با درنظرداشت شرایط و مقتضیات زمان و مکان، شکل دولت و حکومت را تعیین می کند. می توان گفت: یکی از برجسته ترین نکات

اختصاصی نظریه شهید صدر، همین نکته است؛ زیرا در صورتی که امت این آزادی عمل را داشته باشد که معیارهای اصلی اداره حکومت را تنها از شرع گرفته و خود تعیین کننده شکل حکومت باشند، در هیچ عصری با مشکلی مواجه نخواهند شد.

۴. برجستگی نقش مردم : نقش مردم (امت) در نظریه شهید صدر بیشتر مشهود است. شاید بتوان گفت یکی از جوهری ترین تفاوت های نظریه دو فقیه در همین نکته است؛ زیرا مرحوم نائینی حتی مجلس شورا را نیز بدون حضور و اذن مجتهدان جامع الشرایط فاقد صلاحیت می داند؛ این در حالی است که شهید صدر معتقد است: تدوین و تنفیذ قانون به دست امت صورت می گیرد: در حقیقت این امت است که در چارچوب قانون اساسی اسلام و شریعت، عهده دار این دو امر مهم، تدوین و تنفیذ قوانین هستند.

درباره مشارکت مردم در انتخاب مرجع می نویسد:

بنابراین، مسئولیت انتخاب آگاهانه شخص عهده دار مرجعیت عام بر عهده مردم است.

در جای دیگر نقش مردم را برجسته کرده و می نویسد:

در صورتی که مرجع یا هر مقام دیگر، صفات و شرایط رهبری و... را از دست بدهند یا نتوانند به خوبی از عهده مسئولیت خود برآیند، مردم حق عزل آنها را دارند.

برداشت شهید صدر این است که امت در مسائل اجتماعی به طور مستقیم مورد خطاب است: اصولاً ـ قرآن عادت دارد در مسائل اجتماعی و کارهای حکومت به طور مستقیم با امت سخن گوید و آنها را مورد خطاب قرار دهد تا امت پیوسته نسبت به وظیفه خود در خلافت خداوند بر روی زمین هوشیار باشد.

۵. مردم سالاری از نوع مشارکتی : برداشت شهید صدر از ماهیت انسان، انسان شناسی و نظام مردم سالاری دینی این است که وی نظام مردم سالاری مشارکتی را مدنظر قرار داده است نه نخبه گرایی را.

به گفته برخی از نویسندگان (۱) این اولین بار است که یک فقیه نهایت شجاعت و دقت را در نظریه پردازی به کار می برد و معتقد است که نظریه مردم سالاری دینی معطوف به فرایندی است که شهروندان عادی از طریق آن میزانی از نظارت و کنترل را بر رهبران اعمال می کنند.

۱- (۱) . مسعود پورفرد، مردم سالاری دینی.

بخش سوم–جایگاه مردم در مرکز تصمیم گیری

اشاره

ص:۹۱

مقدمه

در این فصل به مشروعیت، مقبولیت جایگاه مرجعیت دینی و نقش مردم از منظر آیت الله نائینی و آیت الله شهید سید محمدباقر صدر می پردازیم.

بنابراین، این فصل دارای پنج مبحث است: مبحث اول، مشروعیت در حوزه های مختلف فلسفه سیاسی، جامعه شناسی سیاسی، و اندیشه سیاسی اسلام، و تفاوت مشروعیت در عرصه بینش اسلامی، جامعه شناسی سیاسی و فلسفه سیاسی واکاوی گردیده است.

در مبحث دوم، مرجعیت دینی در نظام سیاسی اسلام، بر اساس الگوهای سه گانه حسبیه، جواز تصرف و ولایت عامه مطرح شده است.

در مبحث سوم، مشروعیت، مقبولیت، نقش مردم و مؤلفه های مردم سالاری دینی از منظر مرحوم نائینی تبیین و تشریح گردیده است.

در مبحث چهارم، نظریه شهید را در مباحث پیش گفته و خلافت مردم با نظارت مرجعیت، تبیین و تشریح گردیده است.

در مبحث پنجم نیز، بررسی و مقایسه نظریه مرحوم نائینی و آیت الله سید محمدباقر صدر صورت گرفته است.

ص:۹۲

۱ –مشروعیت

اشاره

مشـروعیت به معنـای قانونی بودن یا طبق قانون بودن است. در گذشـته، در اروپای سـده های میانه هم به همین معنا به کار می رفت. (۱)

واژه «مشـروعیت» در اشاره به روش های سـنتی، اصول قانون اساسـی و انطباق با سـنت ها به کار برده می شود. بعـد از آن هم مرحله ای فرا رسید که عنصر «رضایت» نیز به آن افزوده شده و رضایت پایه و اساس فرمانروایی مشروع دانسته شد. (۲)

معنای مشـروعیت در عصـرهای مختلف دچار نوسان و تغییر گردیده است؛ زیرا در سده های میانه برای بیان رضایت و پذیرش و یـا مخـالفت بـا غصب حکومت به کـار برده شـد. امـا امروزه همه انقلاب ها یا کودتاها را می توان نامشـروع نامیـد، بنابراین، اصول جدیـد مشروعیت جای اصول قـدیمی را گرفته است. (۳) در حکومت هـای دموکراتیـک، مشـروعیت از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا دموکراسـی بر پـایه رضـایت مردم اسـتوار است و در صورت نبود مشـروعیت و رضایت، حکومت اعتماد عمومی را از دست خوهد داد (۴) و سر انجام ساقط خواهد شد.

در نظریه هـای دموکراسـی، مشـروعیت را کم و بیش امر بـدیهی تلقی می کننـد که پایـداری دموکراتیـک موجب مشـروعیت است. نخبگان و توده ها باید در این باور مشترک باشند که

ص:۹۳

۱- (۱) . بنیادهای علم سیاست، ص ۱۰۵.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . همان.

نظام - مجموعه و ترتیب های قانونی، نه یک حکومت خاصی - بهترین یا کم زیان ترین شکل حکومت است. (۱) به همین اساس زمامداران منتخب از نظر اخلاقی اجازه دارند که خواهان وفاداری و فرمانبری مردم در زمینه های مختلف از قبیل وضع مالیات، خدمت زیر پرچم، تنظیم مقررات، وضع قوانین و اجرای آنها حتی از سوی کسانی باشند که به آنها رأی نداده اند یا به شدت با سیاست های آنها مخالف باشند. مشروعیت از هر نوع که باشد حاصل اعتقادات مشترک است، چنین وفاقی به تدریج شکل می گیرد.

البته باید در نظر داشت که مشروعیت از سوی دانشمندان در حوزه های مختلف مورد توجه قرار گرفته و تعریف شده است که در ذیل بدان اشاره می کنیم:

الف) کاربرد مشروعیت در حوزه های فلسفه سیاسی، جامعه شناسی سیاسی و اندیشه سیاسی اسلام

۱- مشروعیت در حوزه فلسفه سیاسی

مشروعیت (۲) در اصطلاح فلسفه سیاسی به معنای توجه عقلانی، حق صدور فرمان و اعمال اقتدار است. به بیان دیگر، در فلسفه سیاسی بحث بر سر این است که خاستگاه این حق چیست و حق فرمانروایی و تکلیف اطاعت از کجا ناشی می شود؟

یکم : مشروعیت یعنی توجیه عقلی و یا اعمال عقلانی سلطه و اطاعت، به این معنا که اعمال قدرت و سلطه از سوی حاکم باید توجیه عقلی داشته و در چارچوب عقل مدار، عقلانیت و منطقی باشد. (۳)

دوم : مشروعیت یعنی توجیه عقلی اعمال قدرت حاکم و اینکه حاکم برای اعمال قدرت چه مجوزی دارد، مردم چه توجیه عقلی برای اطاعت از حاکم ارائه می کنند؟ مشروعیت متضمن توانایی نظام سیاسی در ایجاد و حفظ این اعتقاد است که نهادهای سیاسی موجود، متناسب نهادها برای جامعه هستند؛ مشروعیت ارتباط نزدیکی با مفهوم تعهد و التزام به فرمان برداری دارد. (۴)

۱- (۱) . دائره المعارف دموکراسی، ج۳ ص ۱۲۵۰.

۲- (۲) . Legitimacy.

۳- (۳) . آندورروینست، نظریه های دولت، ترجمه: حسین بشیریه، ص ۶۷ و۶۸.

۴- (۴) . محمدجواد لاریجانی، نقد و دینداری مدرنیسم، ص ۵۱.

با توجه به تعاریف فوق مشخص می شود که مشروعیت در اصطلاح فلسفه سیاسی به مفهوم حقانیت در امر حاکمیت است و بر این اساس کسی که از حق حکومت بر مردم برخوردار باشد، مشروعیت حکومتی خواهد داشت (۱) البته پرواضح است که با توجه به رابطه متقابل حکومت و مردم که همواره دو سویه و متقابل بوده است، مردم نیز در قبال این حاکمیت، تکلیفی خواهند داشت و آن اطاعت و پیروی از فرامین حکومت و حاکمیت موجود است. ازاین رو می توان گفت وقتی حاکمی حق دارد فرمان بدهد، بدان معناست که مردم نیز باید از دستورات او اطاعت کنند. بر این اساس شاید بتوان گفت که مشروعیت جز حق حاکمیت و التزام سیاسی نیست. (۲)

بنابراین، مشروعیت در حوزه فلسفه سیاسی به معنای حقانیت در برابر غصب است. اما آنچه که به عنوان پرسش اساسی در این حوزه مطرح است، این است که چه کسی حق حاکمیت بر مردم را دارد و بر آنان باید حکومت کند؟

در گذشته نه چندان دور بین دو واژه حقانیت و مقبولیت تفاوتی قائل نبودند و آنها را معادل یکدیگر می دانستند و چه بسا به جای همدیگر به کار می بردند. اما امروزه اعتقاد بر این است که مشروعیت قانونی و مشروعیت اخلاقی با هم تفاوت دارند. بدین معنا که ممکن است حکومت قانونی باشد اما اخلاقی نبوده و از حقانیت برخوردار نباشد. ازاین رو باید گفت که معادل دانستن واژه «مشروعیت» با «مقبولیت» (۳) با نوعی تسامح همراه است و به همین دلیل برخی از متفکران برای گریز از این مشکل از واژه اعتبار (۴) استفاده می کنند. (۵) این در حالی است که مشروعیت در حوزه جامعه شناسی سیاسی به معنای مقبولیت و رضایت مردم از حکومت است.

پرسش اساسی در این حوزه این است که چگونه یک حکومت، کار آمدی، دوام و مقبولیت پیدا می کند؟ با این توضیح که در حوزه جامعه شناسی به حق یا ناحق بودن حاکم و حکومت کاری ندارد و تنها به مقبولیت مردم و پایگاه اجتماعی نظر دارد. (۶)

۱- (۱) . اندیشه سیاسی، در گفتمان علوی، ص ۵۱.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . Leytimaey.

۴- (۴) . Validity.

۵- (۵) . ر.ک: نشریه عصرما، مقاله مشروعیت چیست، ش۶۴، ص۲.

۶- (۶) . عبدالحسین خسروپناه، مقاله مشروعیت حکومت ولایی کتاب نقد، ش۷، ص ۱۱۱.

نظام هایی که هم مشروع و هم کارآمدند، به طور معمول از اطاعت و رضایت داوطلبانه شهروندان در حد بالایی برخوردارند. نظام هایی که بالعکس نه مشروعیت دارند و نه کارآیی چندانی دارند ممکن است به زودی نابود شوند مگر آنکه به دیکتاتوری روی بیاورند. (۱)

۲- مشروعیت در حوزه جامعه شناسی سیاسی

سؤال اساسی این حوزه این است که چرا مردم از حکومت اطاعت می کنند؟ درحالی که پرسش فلاسفه این بود که چرا، باید اطاعت کرد؟

مشروعیت سیاسی عبارت است از پذیرش قلبی حکومت، حاکمان و نظام سیاسی از طرف حکومت شوندگان. (۲) طبیعی است که این پذیرش زمانی تحقق می یابد که شکل موجود سلطه سیاسی، با ارزش ها و باورهای عمومی جامعه همسویی داشته باشد. در حوزه جامعه شناسی سیاسی، بحث حقانیت مطرح نیست. بنابراین، حتی اگر یک گروه حاکم یا یک فرد هم بتواند مردم را بفریبند و نظر آنها را با خود موافق سازند، مشروعیت سیاسی حاصل شده است. بحث مشروعیت در گذشته به دلیل انتساب قدرت حکام به اراده الهی و خارج بودن مردم از صحنه سیاست، مطرح نمی شد اما از قرن هجدهم به بعد که رابطه حکومت و مردم بر اساس اصل نمایندگی استوار شد، بحث مشروعیت نیز وارد مباحث جامعه شناسی سیاسی شد. ماکس وبر اولین جامعه شناسی سیاسی است که مسئله را به روشن ترین شکل آن مطرح ساخت. (۳)

منابع مشروعیت به عقیده ماکس وبر

به عقید ماکس وبر، مشروعیت سه منشأ دارد:

۱. سنت: ممکن است مشروعیت متکی بر اعتقاد گسترده به سنت های دیرین نیاز به اطاعت از رهبرانی باشد که طبق سنت ها اعمال اقتدار می کنند. (۴)

۱- (۱) . دایره المعارف دموکراسی، ج ۳، ص ۱۲۵۱.

۲- (۲) . دکتر احمد نقیب زاده، درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی، ص ۱۵۴.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . بنیادهای علم سیاست، ص۱۰۷ .

۲. صفات ویژه شخصی: مشروعیت ممکن است مبتنی بر هواخواهی از تقدّس ویژه و استثنایی، با خصلت قابل ستایش یک فرد باشد. (۱)

۳. قانونیت: مشروعیت ممکن است بر این باور متکی باشد که قدرت بنا به قانون واگذار شده است. آنچه به طور قانونی انجام یافته مشروع دانسته می شود. (۲)

گریس جونز، منابع مشروعیت نظام سیاسی انگلستان را بدین شرح گفته است:

۱. تداوم نهادهای سیاسی و اجتماعی؛

۲. سنت و عدم خشونت؛

۳. باورهای دینی؛

۴. باور به ارزش های آن؛

۵. روند آزادی و یکدلی انتخاباتی؛

۶. جامعه هماهنگ و یکپارچه و تداوم سنت های آن؛

۷. فرهنگ سیاسی انطباق پذیر. (۳)

به عقیده فردریک، منابع مشروعیت عبارت اند از: ۱. دینی؛ ۲. فلسفی و حقوقی؛ ۳.سنتی؛ ۴. روشی؛ ۵. تجربی. (۴)

۳- مشروعیت در اندیشه سیاسی اسلام

قبل از آن که مشروعیت در اندیشه سیاسی اسلام را مورد توجه قرار دهیم، لازم است، مراد از دولت اسلامی را مشخص کنیم.

بدون شک دولت اسلامی دولتی است که نه تنها از ارزش های حاکم بر زندگی سیاسی و نیز شرایط رهبران و فرمانروایان آن از جانب دین، تعیین و تعریف می شود بلکه حتی شیوه استقرار حاکم در رأس هرم دولت و به طور کلی ساختارنظام سیاسی و روش های مدیریت امور عمومی جامعه نیز به وسیله دین بیان می گردد. (۵)

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . همان.

۵- (۵) . نظام سیاسی و دولت در اسلام، ص۲۳.

با توجه به مطلب فوق مشخص می شود که تنها دولتی را می توان مصداق واقعی «دولت اسلامی» یا «دولت مشروع» دانست که علاوه بر شرایط خاصی را که برای حاکمان در هر عصری بیان شده است دارا باشد - که عمده ترین این شرایط بر اساس نظریه متأخران شیعه اجتهاد، فقاهت و عدالت است - شیوه استقرار رهبران در مسند قدرت نیز مطابق با الگوی ارائه شده در شریعت باشد. (۱)

نکته دیگر که باید بدان توجه داشت، تفاوت در مشروعیت - جدا از معانی لغوی آن که به معنای مطابقت با موازین شرع است - در راستای حوزه کاربری آن است. بدین معنا که مشروعیت به طور عمده در حوزه فلسفه سیاسی و جامعه شناسی سیاسی به کار برده می شود که در برخی از آنها معادل با حقانیت قلمداد شده است و کسی که از مشروعیت حکومتی برخوردار نباشد، غاصب خوانده می شود؛ در برخی دیگر «مشروعیت» معادل مقبولیت انگاشته شده است بدین صورت که اقبال و رویکرد مردم به نظام حاکم موجب مشروعیت بخشی به آن گردیده است و پشت کردن به یک حکومت، موجب از بین رفتن مشروعیت آن می شود.

آیا مشروعیت در بینش اسلامی همان چیزی است که در حوزه فلسفه سیاسی و جامعه شناسی سیاسی مطرح می گردد و یا بین این حوزه ها تفاوت وجود دارد؟

تفاوت مشروعیت در بینش اسلامی، جامعه شناسی سیاسی و فلسفه سیاسی

این تفاوت ها را در چهار مؤلفه زیر می توان دسته بندی کرد:

۱. مفهوم مشروعیت سیاسی : بر این اساس هرچه شهروندان از دستورات حکومت رضایت مندانه تر اطاعت کنند، مشروعیت آن بیشتر خواهد بود اما مشروعیت در بینش اسلامی بدین معناست که یک حکومت یا مشروع است یا مشروعیت ندارد و حد وسط بین این دو وجود ندارد. (۲)

۲. جامعه شناسی جدید بین مفهوم مشروعیت و بین قانونیت و حقانیت فرق می گذارد: بر این اساس مشروعیت سیاسی امری دوبعدی است و به چگونگی رفتار مردم با اوامر

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . اندیشه سیاسی در گفتمان علوی، ص ۷۹.

حکومت بر می گردد، در حالی که در بینش اسلامی مشروعیت را می توان یک مقوله هنجاری و ارزشی مترادف با حقانیت برشمرد.

۳. مشروعیت سیاسی می تواند منابع مختلف داشته باشد: بر اساس تقسیم بندی ماکس وبر سه نوع مشروعیت سنتی، عقلانی یا قانونی را در نظر گرفت، اما منبع مشروعیت در بینش اسلامی فقط نص و نظر شارع مقدس است که با اجتهاد فقها و کارشناسان اسلامی به دست می آید.

۴. از منظر اسلامی معمولاً مشروعیت یک حکومت، بر تأسیس آن مقدم است : اگر حاکم مشروعیت نداشته باشد، همه افعال او نامشروع و غاصبانه خواهد بود، اگرچه رضایت مردم را پس از تشکیل حکومت جلب کند؛ اما در مشروعیت سیاسی نظر اکثریت مردم – چه در مرحله تأسیس حکومت و چه پس از آن – معیار اساسی است. بنابراین، دیدگاه حکومتی که در مرحله تأسیس هیچ مشروعیتی نداشته باشد می تواند بر اساس کارآمدی و کارایی ناشی از اقدامات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی خویش رضایت مردم را جلب کرده و مشروع گردد. (۱)

با توجه به آنچه گذشت، مشخص می شود که عمده ترین تفاوت بینش اسلامی در حوزه مشروعیت، حقانیت و رابطه دو سویه آن است بدین معنا که در اسلام هر حقی ملازم با تکلیف است، حق حاکمیت و مشروعیت آن، بدان معناست که مردم موظف هستند از آن حاکمیتی اطاعت کنند که از مشروعیت برخوردار باشد. به عبارت دیگر آیا حکومت حق است یا تکلیف و حاکم حق حکومت دارد یا موظف به حکومت کردن است؟

از منظر اسلام حکومت هم حق است و هم تکلیف است (۲) و کسی که واجد شرایط آن باشد، در شرایط خاصی موظف به تأسیس حکومت و یا پذیرش حکومت است و مردم نیز در چنین حکومتی وظیفه دارند از آن اطاعت نمایند. این بدان معناست که مشروعیت حکومت اسلامی ربطی به پذیرش مردم ندارد و مردم تنها در بسط ید حاکم دخیل است و اعلام رضایت مردم، حکومت اسلامی را به فعلیت می رساند؛ اما اصل مشروعیت باید مطابق با نص از سوی شارع باشد.

ص:۹۹

۱- (۱) . مصطفی کواکبیان، مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، ص ۳۸ و۳۹.

۲- (۲) . محمدجواد نوروزی، فلسفه سیاست، ص ۱۱۶.

ب) مشروعیت و حق حاکمیت در اسلام

از مباحث مربوط به مشروعیت حق حاکمیت است؛ زیرا حاکمیت قدرت سیاسی فوق سازمان ها، گروه ها و اشخاص است و به بیان ابن خلدون « ولاتکن فوق یده قاهراً » قدرت قاهره بالاتر از دیگر قدرت هاست که بالاتر از آن قدرتی - چه از نظر داخلی و چه از نظر خارجی - وجود نداشته باشد. (۱)

بنابراین، «حاکمیت» قدرت دولت در امر حکومت است. در حکومت های دموکراسی حق حاکمیت از آن ملت ها است و قدرت حکومت از ملت و نمایندگان منتخب ملت که به نوبه خود دولتی را انتخاب می کنند، گرفته می شود. در رژیم های استبدادی پادشاه و رئیس جمهور بدون اینکه به خواست و رضایت مردم توجه کنند، نظر خود را اعمال و اجرا می کنند. بعضی از سلاطین در گذشته حق حاکمیت را از آن خدا می دانستند و خود به نام اینکه نماینده خداست، حکومت می کردند گاهی این سلاطین عناوین و القابی همانند سایه خداوند و امثال آن را به خود می بستند؛ اینان گاه در عین سلطان بودن، عالی ترین مقام مذهبی نیز به حساب می آمدند که خلفای اموی و عباسی و سلاطین صفوی از جمله آنان به شمار می آیند. (۲)

در فرهنگ اسلامی حق حاکمیت در مرحله اول از آن خدای متعال است (۳) که او انسان ها را بر سرنوشت خود حاکم ساخته و هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از آنان سلب کند.

مبانی حق حاکمیت

همچنان که درباره مشروعیت، مبانی و منابع مختلفی مطرح شده است، درباره حق حاکمیت نیز نظریه های متفاوتی مطرح شده است:

۱. حق طبیعی حاکمیت : برخی حاکمیت را حق طبیعی و موروثی دانسته اند و ازاین رو برخی نژادها را آسمانی می دانند.

۱- (۱) . عبدالرحمن ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه: محمد پروین گنابادی، ص ۶۲.

۲- (۲) . محمود طلوعی، فرهنگ جامع سیاسی، ۱۳۸۵.

۳- (۳) . انعام، ۵۷؛ انعام، ۶۲؛ شوری، ۹ و ۱۰؛ مؤمنون، ۱۲۰.

۲. حق الهی حاکمیت : براساس این نظریه، حاکمیت بالاصاله در همه جنبه ها به خداونـد اختصاص دارد و انسان ها نه به علت خاصیت طبیعی یا وراثتی، بلکه از نظر ملاک هایی مانند عصمت، علم و عدالت در جامعه ولایت پیدا می کنند.

۳. حق اشـرافی حاکمیت : افلاطون و پیروان وی از فلاسـفه بر این باورنـد که حق حاکمیت ویژه طبقه برگزیـده (نخبه) است و دیگران نه حق انتخاب آنان را و نه حق اشتغال به این کار را دارند.

۴. حقعموم : براساس این نظریه، همه مردم به شـکل مساوی آفریـده شـده و مذهب نباید در امر حاکمیت دخالت کرده و برای مردم تعیین تکلیف کند.

۵. حق خـدا و مردم : این نظریه مربوط به مسـلمانان است که حـاکمیت را حق خداونـد دانسته و مردم را نیز در آن دخیـل می دانند. البته در تبیین و تشریح آن تفاوت دیدگاه ها زیاد به چشم می خورد که عمده ترین این تفاوت ها اختلاف نظر بین تشیع و تسنن است که در ذیل بدان اشاره می شود:

الف) نظریه اهـل سـنت : بر اسـاس نظریه اهـل سـنت جعـل و وضع قوانین کلی امری الهی است ولی تعیین حـاکم برای وضع و اجرای قوانین جزئی است.حـاکم بر طبق مصالـح اجتماعی قوانین را جعل می کنـد و سـرانجام آمریت و ولایت، بر عهـده مردم است و این مهم در شورا تحقق می پذیرد و آنان شرط حاکم را عدالت و سیاست می دانند نه فقاهت و فلسفه. قاضی ابی یعلی در کتاب احکام السلطانیه می نویسد:

رهبران باید دارای چهار ویژگی باشـند: ۱. قریشـی باشند از جانب پدر؛ ۲. شـرایط و صـفات کافی را نظیر حریت، بلوغ، عقل، علم و عدالت را دارا باشند؛ ۳. توانایی به عهـده گرفتن فرماندهی جنگ و اداره امور کشور و اقامه حدود را دارا باشـند؛ ۴. در آگاهی و دیانت از همه مردم تحت فرمان خود افضل و برتر باشند.

ب) نظریه شیعه : پیروان مکتب تشـیع بر این باورنـد که مردم در مورد معصومین علیهم السـلام حق اظهار نظر را ندارند باید به نظریه نصب قائل شـد، بخش مهم «نظریه نصب» (۱) عبـارت است از اینکه همه امور انسان ها در اختیار و اراده خداونـد است. مسئله حاکمیت نیز

بنابر همین قانون در انحصار خداوند و نماینده ویژه اوست و هیچ کس، حق حاکمیت

۱- (۱) . ر.ک: محمد مهدی ماندگار، خط مشی های سیاسی نهج البلاغه، ص ۱۸۷ و۱۸۸.

بر دیگری را نـدارد مگر اینکه مطـابق با نص صـریح از سوی خداونـد متعال و به تبع آن منسوب از سوی پیامبر اکرم صـلی الله علیـه و آله و ائمه معصـومین علیهم السـلام باشـد. بنـابراین، حق حـاکمیت از آنِ خداونـد متعـال است که حـاکمیت حضـرات معصومان علیهم السلام نیز در طول حاکمیت خداوند ثابت است.

بر این اسـاس بایـد گفت: در فرهنگ شـیعی حق حاکمیت و اقتـدار مشـروع مختص ذات اقـدس الهی است. واسـطه اشاعه این اقتدار خداوند در زمین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرات اولوالامر هستند. قرآن مجید می فرماید: أَطِیعُوا اللّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ ۱ و نیز درباره اطاعت و حاکمیت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله می فرمایـد: «مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ» (۱) در طول حیـات رسول اکرم مشـروعیت این اقتـدار هیـچ گـاه از سوی احـدی جز بیگانگان (کفار و یهود) مورد تردیـد قرار نگرفت و همچنین در گستردگی و نافـذ بودن آن در همه جنبه هـای حیات فردی و اجتماعی احـدی تشـکیک روا نداشت و مسـلمانان یک صدا می گفتند که اَلنَّبِیُّ أَوْلی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ / ۳ تنها در زمان انتقال این اقتـدار از سوی پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در لحظه رحلت و فراق آن حضـرت، مسئله جانشینی مورد نزاع و افتراق قرار گرفت (۲) و این افتراق و جدایی در آغاز منشأ سیاسی داشت اگرچه به تدریج، در قالب مذاهب و فرقه های مختلف شکل گرفت.

شیعیـان همـان اقتـدار و مشـروعیتی را که برای پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله قائل ا نـد، برای جانشـینان منصوب از سوی آن حضـرت نیز قائـل هسـتند. قوی ترین دلیل آن آیه شـریفه فوق است یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ ۵ شـیعیان معتقدند که براساس این آیه اطاعت بدون قید و شـرط از خداوند متعال واجب است چنان که علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه می نویسد: «جای شکی نیست که آیه أَطِیعُوا اللّهَ... مقدمه ای برای امر به حواله و رجوع در دعوا به خدا

۱- (۲) . همان، ۸۰.

۲- (۴) . حمید عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی، ص ۲۰.

و رسول است... اما رسول وی نیز دارای وظیفه است:

اول: وظیفه تشریع و رساندن آنچه به وی وحی شده است که تفصیل آنچه را که در قرآن مجمل است و هرآنچه بدان مرتبط [است] برای مردم بیان کند همچنان که خود فرموده است: وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ . (۱)

دوم: حکومت و قضاوت : قرآن می فرماید: لِتَحْكُمَ بَيْنَ النّاسِ بِما أَراكَ اللّهُ ۲ این همان رأیی است که حضرت به ظاهر قوانین بین مردم قضاوت می فرمود و در کارهای مشکل حکم می کرد. اینجاست که خداوند وی را به مشاوره امر فرموده وَ شاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ / ۳ که او را در مشورت با مردم شریک ولی در قصد و عزم یکتا ساخته. (۲) در ادامه می فرماید: «جای شک نیست که این اطاعت که در آیه اطیعوا الله به آن امر شده است، اطاعت مطلق و بدون قید و شرط است....» (۳) درباره سایر معصومان اولوالامر می فرماید: «و اما اولوالامر» هرکس [و به هر معنا] باشند از وحی نصیبی ندارند بلکه شأن آنان دادن رأی مقبول است؛ زیرا که مانند پیامبر صلی الله علیه و آله واجب الاطاعه در رأی و قول هستند (۴)... درباره حاکمیت امیرالمؤمنین علیه السلام که سرآغاز حکومت سایر ائمه علیهم السلام است، در جریان غدیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» درباره سند این حدیث که جزئی از خطبه غدیر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، علامه امینی صاحب کتاب الغدیر، آن را از مسلمات و متفق علیه بین شیعه و اهل سنت می داند و می نویسد:

وأما کتب الإمامیه فی الحدیث والتفسیر والتاریخ وعلم الکلام فضع یدک علی أیّ منها تجده مفعماً بإثبات قصه الغدیر والاحتجاج بمو‌داها... حذفوا أسانیدها لتسالم فرق

المسلمین علیها ؛ (۵) اما کتاب امامیه اعم از حدیث، تفسیر، تاریخ و علم کلام، هرکدام را دست بگذاری وافی می بینی برای اثبات داستان غدیر و استدلال به محتوای آن...

۱- (۱) . بر تو وحی نازل کردیم، تا آنچه برتو نازل شده است برای آنها بیان کنی. نحل، ۴۴.

۲- (۴) . محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد خامنه ای، بنیاد فکری علامه طباطبایی، ج۴، ص۵۶۳ و۵۶۴.

۳- (۵) . همان، ص ۵۶۶.

۴- (۶) . همان، ص ۵۶۴.

۵- (۷) . عبدالحسین امینی، الغدیر فی الکتاب و السنه و الآداب، ج ۱، ص ۱۴.

علمای امامیه اسانید این حدیث را حذف کرده اند به دلیل اینکه همه فرق مسلمین درباره آن اتفاق نظر داشته اند.

در ادامه می نویسد:

ولاـ أحسب أن أهـل السـنه يتأخرون بكثير من الإماميّه فی إثبات هـذا الحـديث، والبخوع لصـحته، والركون إليه، والتصـحيح له، والاذعان بتواتره، أللهم إلا شذاذ تنكبت عن الطريقه، وحدت بهم العصبيه العمياء إلى رمى القول على عواهنه... (۱)؛ گمان نمی کنم که اهل سـنت کمتر از امامیه باشند؛ برای اثبات این حدیث و قبول صحت آن، و تسلیم در برابر آن و صحیح دانستن آن و اذعان به تواتر آن مگر عـده ای بسـیار کم که از این طریق راستین رو گردانده و تعصب کور بر آنان چیره شده و باعث شده تا بدون اندیشه و دلیل سخن بگویند... . (۲)

در روایات متعـددی پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله اوصـیای خود را دوازده تن معرفی کرده است. پس بر اساس نظریه نصب، حـاکمیت در مرحله اول فقط از آن خداونـد متعال است و پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السـلام «ائمه دوازده گانه» که جانشـینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و منصوب از سوی خداوند هستند، اطاعت و حاکمیت آنان در طول حاکمیت خداوند مطرح است و وظیفه مردم نیز در برابر این امر الهی و آسمانی تسلیم و اطاعت است:

وَ ما كانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لا مُؤْمِنَهٍ إِذا قَضَی اللّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْراً أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَهُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اللّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً مُبِيناً ؛ (۳) «هیـچ مرد و زن با ایمانی حق نـدارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است».

علی علیه السلام در یک بیان زیبایی حکومت را حق شایستگان دانسته و می فرماید:

اگر زمامداری و اداره امور دست انسان های بی صلاحیت قرار گیرد، جز تباهی چیزی به بار نخواهد آورد.

لا يقاس بآل محمد صـلی الله عليه و آله من هذه الامه أحد، ولا يسوی بهم من جرت نعمتهم عليه أبدا، هم أساس الدين، وعماد اليقين، إليهم يفئ الغـالی، وبهم يلحق التـالی، ولهم خصـائص حق الولاـيه، وفيهم الوصـيه والوراثه، الان إذ رجع الحق الی أهله، ونقل الی منتقله ؛ (۴) کسی را

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . همان، ص ۱۴.

۳- (۳) . احزاب، ۳۶.

۴- (۴) . نهج البلاغه، خطبه ۲.

با خاندان رسالت نتوان مقایسه کرد؛ آنان پرورده نعمت هدایت اهل بیت پیامبراند؛ با آنان برابر نخواهد بود؛ عترت پیامبر صلی الله علیه و آله اساس دین و ستون های استوار یقین اند؛ شتاب کننده – غالیان و افراطگرایان – باید به آنان بازگردند و عقب مانده ها باید به آنان بپیوندد؛ زیرا ویژگی حق ولایت به آنان اختصاص دارد و وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله درباره خلافت مسلمین و میراث رسالت به آنان تعلق دارد هم اکنون که خلافت را به من سپردید (و حاکمیت در جایگاه اصلی خویش استقرار یافت) حق به اصل آن بازگشت و دوباره به جایگاهی که از آن دور مانده بود، بازگردانده شد.

این سخنان امام که در بازگشت از نبرد صفین ایراد شده است، بیانگر این است که انحراف پدید آمده در فرایند حاکمیت سیاسی اسلام چه مشکلاتی را پدید آورده است که تلفات انسانی و اقتصادی نبرد صفین یکی از آنهاست. حاکمیتی که از سوی خداوند تعیین گردیده و توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعلام گردیده بود، دچار انحراف گردیده، حاکمیتی که از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دستور خداوند متعال پی ریزی شده بود «حاکمیت مشروع» دینی و الهی بود اما آنچه در سقیفه پدیدار شد یک انحراف آشکار بود که مشروعیت این حاکمیت و اقتدار را سخت مورد تردید قرار داد. امام علی علیه السلام به همین نکته انحرافی اشاره می کند و می فرماید: «حق تازه به جایگاه اصلی خود بازگشته است».

امام علیه السلام ، در این بیان زیبا و نورانی درباره حاکمیت خود و اوصیای راستین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سه اصل اساسی زیر استدلال فرموده است:

یکم : وصیت و نص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ؛

دوم : شایستگی و لیاقت امام علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ؛

سوم : روابط نزدیک نسبی و روحی آن حضرت با رسول خدا صلی الله علیه و آله .

توضیح سه اصل:

اصل یکم: نصب الهی:

وصیت و نص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همان نظریه «نصب» است که شیعیان بدان اعتقاد دارند که حق حاکمیت فقط از آن خداوند متعال و کسانی است که منصوب از سوی خداوند باشند. این ملاک مشروعیت هرچند در نزد اهل سنت نیز پذیرفته شده است اما

آنان تنها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مصداق آن می دانند بر خلاف شیعیان که معتقدند حاکمیت تمام اهل بیت علیهم السلام بلکه هر حاکمیتی که به هر طریقی (هرچند با واسطه) و اذن عام صورت پذیرد، باید به نصب الهی بازگردد.

اصل دوم: شایسته سالاری:

ابن ابی الحدید در شرح خطبه دوم نهج البلاغه بیان بسیار زیبایی دارد. وی می نویسد:

بی شک حضرت علی علیه السلام از همه برای امر خلافت شایسته تر بود، نه به دلیل اینکه نص از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده باشد بلکه به دلیل برتری؛ چرا که او برترین انسان، بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و شایسته ترین فرد از میان تمام مسلمانان به خلافت بود. (۱)

امام علیه السلام نسبت به شایستگی منحصر به فرد خویش در جای جای نهج البلاغه بیانات ارزشمندی دارد که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

۱. خطبه سوم نهج البلاغه (شقشقیه) آنجا که می فرماید:

به طور قطع او می دانست که من (در گردش حکومت اسلامی) همچون محور (قطب) سنگ آسیاب هستم؛ زیرا سیل علوم و چشمه های علم و حکمت از بلندای کوهسار وجودم سرازیر است و مرغان بلندپرواز، بر فراز بلند قله اندیشه من توان صعود را ندارند.

شایستگی ای که حضرت می فرماید به سان سنگ آسیابی است که بدون قطب و محور، امکان گردش را ندارد، گردش سنگ خلافت نیز تنها به محور شخصیت علی علیه السلام امکان پذیر است. (۲)

۲. در خطبه دوم نهج البلاغه می فرماید:

دیگران را نمی توان با خاندان رسالت مقایسه کرد؛ آنان که پرورده نعمت هدایت اهل بیت علیهم السلام پیامبرند با دیگران برابر نخواهند بود؛ عترت پیامبر صلی الله علیه و آله صدر و اساس دین و ستون های یقین اند؛ شتاب کنندگان (غالیان) باید به آنان باز گردند و وامانده ها باید به آنان بپیوندند؛ زیرا ویژگی ولایت و وصیت به آنان اختصاص دارد؛ میراث رسالت به آنان تعلق دارد و تازه حق به جایگاه خود بازگشته است. (۳)

۳. « ولهم خصایص حق الولایه ؛ ویژگی های ولایت و حکومت، خاص آنان است». (۴) مقدم داشتن (لهم) جار و مجرور بیان گر این مطلب است که این ویژگی اختصاص به آنها دارد.

۴. « بل انتم والله لا حرص و ابعد و انا اخص و اقرب ؛ شما با آنکه از پیامبر صلی الله علیه و آله

۱- (۱) . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، ج ۱، ص ۱۴۰.

۲- (۲) . «و انه یعلم ان محلی منها محل القطب من الرحی تخدر عنی السیل و لایرقی الی الطیر»، نهج البلاغه، خطبه۳.

۳- (۳) . «لاـ یقـاس بآل محمـد صـلی الله علیه و آله من هـذه الامه أحـد ولا یسوی بهم من جرت نعمتهم علیه أبـدا. هم أساس الـدین، وعماد الیقین، إلیهم یفئ الغالی، وبهم یلحق التالی ولهم خصائص حق الولایه وفیهم الوصـیه والوراثه. الآن إذ رجع الحق إلی أهله ونقل إلی منتقله»، نهج البلاغه، خطبه ۲.

۴- (۴) . نهج البلاغه، خطبه ۳.

دورترید، به خلافت حریص ترید من که نسبت به شما قرابت بیشتری دارم». (۱)

ایـن قرابت و نزدیکی، هم از نظر نسب و هم از نظر تربیـتی و تربیت پـذیری اهمیت فراوانی دارد. امـام می خواهـد بفرمایـد هر طوری که حساب کنید، من از لیاقت و شایستگی بیشتری برای خلافت و حکومت برخوردارم.

اصـل سوم: روابـط نزدیـک روحی و نسبی بـا رسول خـدا صـلی الله علیه و آله : در جریـان سـقیفه خلیفه دوم در مقابـل انصـار اسـتدلال کرده بود که مـا چون قریشـی هستیم پس نسـبت به خلافـت حق اولویت داریم. امام علی علیه السـلام به عنوان جـدل منطقی می فرماید: اگر قرار باشد که قریشی بودن قابل استدلال باشد، بدون شک هاشمی بودن بیشتر باید قابل قبول باشد؛ زیرا من از هر کس دیگری به رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک تر هستم و احدی جایگاه من را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد؛ « احتجوا فی الشـجره واضاعوا الثمره ؛ (۲) قریش اسـتدلال کردنـد که ما از درخت رسالتیم اما میوه (درخت رسالت) را ضایع ساختند».

ابن ابی الحدیـد می نویسـد: کلماتی که از علی علیه السـلام نقل شـده است به حد تواتر رسـیده است. امام علی علیه السـلام از دیگران شکایت می کند که حاکمیت مشروع حق مسلّم او است؛ او این گونه ادامه می دهد که این مؤید نظریه امامیه است که می گویند: علی علیه السلام با نص مسلّم تعیین شد و هیچ کس حق نداشت به هیچ عنوان بر مسند خلافت قرار گیرد؛ ولی نظر به اینکه حمـل این کلمـات حضـرت بر آنچه از ظـاهر آن اسـتفاده می شـود، مسـتلزم نسـبت فسق و کفر دادن به دیگران است، ازاین رو، لازم است که مـا ظـاهر این کلمـات را تأویـل کنیم؛ زیرا این کلمات ماننـد آیات متشابه قرآن است که نمی توان به ظاهر آن استناد کرد! (۳)

در هر صورت در عصـر حضور، براساس نظریه شیعه، «نصب» یک امر مسـلّم است که مصداق آن ائمه دوازده گانه هستند که همگان بر اساس نصوص مسلّم منصوب شـده انـد؛ اما در عصـر غیبت بایـد دیـد که مـدعی و دلیل هرکـدام از نظریه ها بر چه اساسی استوار است؟

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . همان، خطبه ۶۶.

۳- (۳) . ر.ک: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱، ص ۱۳۱ به بعد.

۲ –مرجعیت دینی در نظام سیاسی

اشاره

در نظریه های ولایت فقیه دو دیدگاه نصب و انتخاب وجود دارد؛ در نظریه نصب که امروزه به مشروعیت الهی مشهور است، نگاه و نظر بر این است که مشروعیت حکومت اسلامی از سوی خداوند متعال است و آرای مردم در مشروعیت بخشی حکومت دخالتی ندارد.

بنابراین، مهم ترین نهاد تصمیم گیری که ولایت فقیه باشد با انتصاب الهی شکل می گیرد و تنها پشتوانه ولایت فقیه در امور مسلمین نصب و جعل از سوی امام معصوم است. (۱)

نظریه دیگر نظریه انتخاب است، بدین معنا که انتخاب مردم در فرایند شکل گیری حکومت اسلامی نقش تعیین کننده دارد و از دید طرفداران این نظریه انتخاب زمامدار شبیه وکالت بوده و مشروعیت نظام سیاسی، الهی و مردمی است. (۲)

تمام فقیهان شیعه بر این گفتمان اتفاق نظر دارند که فقیه، دارای شئوناتی است و در میان آنان فقیهی را نمی توان یافت که برای فقیه شأنی قائل نباشد. بحثی در محدوده و دایره شئوناتی است که برای فقها قائل شده اند و نگاه ها درباره گستره اختیارات فقیه متفاوت است؛ زیرا دسته ای از آنان برای فقها ولایت عامه را قائل شده اند و عده ای این شأن را از باب امور حسبیه دانسته اند و عده ای دیگر از باب جواز تصرف می دانند.

ما اینک هرکدام را به اجمال مورد بررسی قرار داده و در نهایت نظریه های فقیهان مورد نظر را دراین خصوص به بحث می گیریم:

ص:۱۰۹

۱- (۱) . مصباح یزدی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، ص ۱۶۱.

۲- (۲) . ر.ک: آیت الله منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه: محمود صلواتی، ج ۲، ص ۲۸۵ – ۳۰۱.

الف) ولایت حسبیه

اولین دسته از فقیهان کسانی هستند که اعتقاد دارند، آنان تنها در امور حسبیه ولایت دارند، نه فراتر از آن. البته برخی از افراد از این دسته امور حسبیه را بسیار تعمیم داده اند که تشکیل حکومت اسلامی را نیز شامل می شود. منظور از امور حسبیه، اموری است که یقین داریم شارع مقدس راضی به اهمال آن نیست همانند حفظ نظام، حدود و ثغور مسلمین، حفظ جوانان مسلمین از انحراف، منع تبلیغ مخالف و معارض با اسلام و ابطال آن. امام خمینی (رحمه الله) در کتاب البیع می نویسد:

ثم إن الامور الحسبیه وهی التی علم بعدم رضا الشارع الاقدس باهمالها... ولا یخفی أن حفظ النظام وسد ثغور المسلمین وحفظ شبانهم من الانحراف عن الاسلام ومنع التبلیغات المضاده للاسلام ونحوها من أوضح الحسبیات . (۱)

در مجموع طرفداران الگوی ولایت امور حسبیه، قدرت سیاسی را منصب الهی نمی دانند بلکه تنها آن را تکلیف شرعی از نوع واجب کفایی دانسته اند. آیت الله شیخ عبدالکریم حایری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم، میرزای نائینی و محمدجواد مُغنیه از طرف داران این نظریه هستند. (۲)

ب) جواز تصرف

منظور از الگوی جواز تصرف این است که تصدی اموری همانند ایجاد نظم و حفاظت از مصالح همگانی که شارع مقدس اهمال درباره آن را اجازه نمی دهد و قدر متیقن و دست کم واجب کفایی و وظیفه کارشناسان دین است که باید آن را بر عهده گیرند. ازاین رو در صورتی که عده ای از مؤمنان و افراد شایسته آن را بر عهده بگیرند از عهده دیگران ساقط می گردد. (۳)

این دسته از فقیهان، جواز تصدی امور و تصرف را محدود به حد ضرورت و اضطرار می کنند و اعتقاد دارند که فراتر از آن اثبات نشده است. آیت الله سید ابوالقاسم خویی و آیت الله شیخ جواد تبریزی از طرف داران این نظریه هستند. (۴)

۱- (۱) . امام خمینی (رحمه الله) ، البیع، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲- (۲) . مسعود پورفرد، مردم سارلاری دینی، ص ۲۸۹.

۳- (۳) . همان، ص ۱۸۳.

۴- (۴) . همان.

ج) ولایت عامه

دسته سوم از فقها کسانی هستند که گستره ولایت فقیهان در عرصه سیاسی را بسیار وسیع می دانند و اعتقاد دارند که آنان همانند ائمه معصوم علیهم السلام دارای اختیارات وسیع و گسترده هستند و از این نظر فقیهان با حضرات معصومان علیهم السلام تفاوتی ندارند. منظور از «ولایت عامه» بر اساس روایات و دلایل عقلی در دوره غیبت، تفویض ولایت جامعه بشری از سوی شارع مقدس به کارشناسان دینی عادل است. (۱) در این دیدگاه کارشناسان دین در تدابیر امور سیاسی و مدیریت اجتماعی جامعه اسلامی، دارای امتیازات و توان مندی های شرعی است و دامنه ولایت وسیع تر از حوزه ضرورت و اضطرار است.

آیت الله جوادی آملی می نویسد:

ولی فقیه همه اختیارات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در اداره جامعه را داراست، زیرا او در عصر غیبت امام عصر(عج) متولی دین است و باید اسلام را در همه ابعاد و احکام گوناگون اجتماعی آن را اجرا کند. (۲)

حاکم اسلامی برای اداره جامعه اسلامی و اجرای همه جانبه احکام اسلام باید مسئولان نظام را تعیین کند؛ مقررات لازم برای کشورداری را در محدوده قوانین ثابت اسلام وضع نمایند؛ فرماندهان نظامی و انتظامی را منصوب کند و برای حفظ جان و مال و نوامیس مردم و استقلال و آزادی جامعه اسلامی، فرمان جنگ و صلح را صادر کند؛ کنترل روابط داخلی و خارجی؛ اعزام مرزداران و مدافعان حریم حکومت؛ نصب ائمه جمعه و جماعت؛ تعیین مسئولان اقتصادی برای دریافت زکات و اموال ملی و صدها برنامه اجرایی و مقررات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی، همه از وظایف و مسئولیت های مطلقه فقیه است. (۳)

امام خمینی (رحمه الله) در توضیح گستره ولایت مطلقه فقیه می نویسد:

فللفقیه العادل جمیع ما للرسول والائمه علیهم السلام مما یرجع إلی الحکومه والسیاسه، ولا یعقل الفرق، لان الوالی - أی شخص کان - هو مجری أحکام الشریعه والمقیم للحدود الالهیه والاخذ للخراج وسائر المالیات والمتصرف فیها بما هو

۱- (۱) . همان، ص ۱۴۷.

۲- (۲) . جوادی آملی، ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت، ص ۲۴۸.

۳- (۳) . همان، ص ۲۴۹.

صلاح المسلمین، فالنبی صلی الله علیه و آله یضرب الزانی مأه جلده والامام علیه السلام کذلک والفقیه کذلک .... (۱)

در جای دیگر تصریح می کند فقیهان در جهات مربوط به حکومت، تمام اختیارات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصوم علیهم السلام را دارند. (۲)

آیات عظام امام خمینی (رحمه الله) ، صالحی نجف آبادی، منتظری، سید محمد حسینی شیرازی و محمدتقی مصباح یزدی از طرف داران این الگو هستند.

اما آنچه ما در این رساله در پی تبیین و تشریح آن هستیم، بررسی نظریه های مرحوم نائینی و شهید صدر است که اینک هرکدام را به طور جداگانه بررسی می کنیم.

۱- (۱) . امام خمینی (رحمه الله) ، البیع، ج ۲، ص ۴۶۸.

۲- (۲) . همان، ص ۴۶۷.

۳ –نظریه آیت الله نائینی

الف) مشروعیت

مرحوم نائینی در بحث «مرکز تصمیم گیری» و این که چه شخص و یا نهادی حق تصمیم، تشخیص و تحلیل مسائل سیاسی - اجتماعی را دارند و اصولاً چه اوامری مشروع و مطاع است؟ اصل ثبوت ولایت برای فقیه را مسلّم دانسته است. ازاین رو، بحث در محدوده ولایت را مطرح کرده اند. گذشته از وظیفه قضاوت و شئون مختلف آن، ولایت عامه فقیه در عصر غیبت را مورد توجه قرار داده است. او در مقام تفسیر ولایت عامه فقیه، روشن ترین مصداق آن را ایجاد امنیت مرزها، نظم شهرها، جهاد و دفاع ذکر کرده و مواردی چون اجرای حدود، گرفتن زکات و برپایی نماز جمعه را از موارد مشکوک ولایت قاضی و والی دانسته است. (۱)

مرحوم نائینی در سخن از محدوده اختیارات ولایت فقیه، تصریح می کند که تمامی اختیارات فقیه در سه امر کلی زیر تبیین می گردد:

۱. ولایت بر فتوا و بیان احکام شرع؛

۲. ولایت بر قضاوت و شئون مختلف آن؛

۳. امور عمومی که نظم جامعه بر آن توقف دارد یا هر معروفی که علم به وجوب وجود خارجی آن است. (۲)

ص:۱۱۳

۱- (۱) . میرزا حسین نائینی، منیه الطالب، ج ۲، ص ۲۳۲.

۲- (۲) . محمدکاظم قاضی زاده، مردم سالاری دینی، ج ۱، ص ۱۱۶.

مرحوم نائینی درباره حدود اختیارات فقیه می نویسد:

مقصود از اثبات ولایت برای فقیه، اثبات ولایتی است که مالك اشتر، قیس بن سعد بن عباده و محمد بن ابی بکر و امثال آنها از سوی امام علی علیه السلام داشته اند. بدون اشکال اجرای حدود و گرفتن زکات به زور و گرفتن خراج و جزیه و امثال اینها را که از امور عمومی است، داشته اند. (۱)

مرحوم نائینی در بحث از حدود اختیارات فقیه بر اساس دو مبنای زیر بحث می کند:

۱. بر اساس مبنای اول، هرآنچه که به عنوان وظیفه قاضی یا والی شناخته شود یا به صورت مشکوک بین این دو شخص باشد، در محدوده اختیارات فقیه است. بر این اساس، فقیه حق جمع آوری خراج و مقاسمه و نیز به طریق اولویت حق مطالبه خمس و زکات و نیز حق اقامه نماز جمعه - در صورت ثبوت این حق برای والی - را دارد. افزون بر آن، فقیه حق اجرای حدود و تعزیرات و امثال آنها را دارا است. (۲)

۲. بر اساس مبانی دوم - عدم ثبوت ولایت فقیه یا شک در آن - قدر متیقن از حدود ولایت فقیه را حکم و قضاوت بین مردم و شئون مختلف آن می داند و آن مقدار از وظایف والیان که مشروط به انجام آن توسط شخص والی است مثل حدود و تعزیرات در اختیار فقیه نخواهد بود؛ اما اگر از وظایفی است که مورد نظر شارع هستند و مأمور اجرا و انجام آن والی است و از سوی دیگر شارع به دلیل اختلال نظام و یا عسر و حرج رضایت به ترک آنها ندارد، دراین صورت تصدی فقیه به عنوان قدر متیقن لازم است.

مرحوم نائینی درباره ولایت فقیه در امور حسبیه تصریح و تأکید کرده می نویسد:

دوم آنکه از جمله قطعیات مذهب ما امامیه این است که در این عصر غیبت «علی مغیبه السلام»، آنچه از نوعیه را که عدم رضای شارع مقدس به اهمال آن حتی در این زمینه معلوم باشد، وظایف حسبیه نامیده نیابت فقهای عصر غیبت را در آن قدر متیقن و ثابت دانستیم حتی با عدم ثبوت نیابت عامه در جمیع مناصب. (۳)

در ادامه استدلال می نویسد:

چون عدم رضای شارع مقدس به اختلال نظام و ذهاب بیضه اسلام و بلکه اهمیت

ص:۱۱۴

۱- (۱) . میرزا حسین نائینی، منیه الطالب، ج ۲، ص ۲۴۰.

۲- (۲) . همان، ص ۳۳۸.

۳- (۳) . تنبیه الامه و تنزیه المله، تحقیق و تصحیح: سید جواد ورعی، ص ۷۵ و۷۶.

وظایف راجعه به حفظ و نظم ممالک اسلامیه از تمام امور حسبیه از اوضح قطعیات مذهب خواهد بود. (۱)

همان گونه که برخی از اساتید نیز متذکر شده اند بسیاری عبارات مرحوم نائینی در تنبیه الامه با هر دو مبنا «ولایت عامه و ولایت امور حسبیه» سازگار است. (۲)

اما بنا بر اصول ما طایفه امامیه که این گونه امور نوعیه و سیاست امور امت را از وظایف نواب عام عصر غیبت می دانیم، اشتغال هیئت منتخبه به عده ای از مجتهدین عدول و یا مأذونین از قبل مجتهدین و تصحیح و تنفیذ در آرای صادره برای مشروعیتش کافی است. (۳)

زیرا وظایف نواب عام در امور نوعیه و سیاست امور امت، هم می تواند بر نیابت عامه فقها مبتنی باشد و هم با مبنای حسبیه سازگاری دارد؛ به ویژه با توسعه ای که مرحوم نائینی در امور حسبیه قائل است که تدبیر امور جامعه و ولایت سیاسی را نیز شامل می گردد. (۴)

بااین حال بسیاری از نویسندگان نائینی را در ردیف طرف داران الگوی ولایت حسبیه قرار داده اند، شاید دلیل اصلی آن، ظهور بعضی از عبارات او در کتاب «تنبیه الامه» باشد. وی می نویسد:

...چون عدم رضای شارع مقدس به اختلال نظام و ذهاب بیضه اسلام و بلکه اهمیت وظایف راجعه به حفظ و نظم ممالک اسلامیه از تمام امور حسبیه از اوضح قطعیات است، لهذا ثبوت نیابت فقها و نواب عام عصر غیبت در اقامه وظایف مذکور از قطعیات مذهب خواهد بود.

گرچه مرحوم نائینی در کتاب تنبیه الامه بحث مستقلی تحت عنوان ولایت فقیه و جایگاه مرجعیت ندارد، ولی در بخش های مختلف این کتاب مباحثی وجود دارد که اصل ثبوت ولایت برای فقیه را امر قطعی و مسلم دانسته است. (۵)

در بحث ترکیب مجلس شورای ملی می نویسد:

و اما بر اصول طایفه امامیه که این گونه امور نوعیه و سیاست امور امت را از طریق

وظایف نایب عام عصر غیبت علی مغیبه السلام می دانیم، اشتمال هیأت منتخبه

ص:۱۱۵

۱- (۱) . همان، ص ۷۶.

۲- (۲) . سید جواد ورعی، پژوهشی در اندیشه نائینی، ص ۶۳.

۳- (۳) . تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۴۹.

۴- (۴) . سید جواد ورعی، پژوهشی در اندیشه نائینی، ص ۶۳.

۵- (۵) . کاظم قاضی زاده، مردم سالاری دینی، ص ۱۱۸.

عدول از مجتهدین و یا مأذونین از قبل مجتهدین و تصحیح و تنفیذ در آرای صادره برای مشروعیتش کافی است. (۱)

وی در عصر غیبت نیابت فقیهان را در وظایف حسبیه قدر متیقن و ثابت دانسته می نویسد:

مسئله حکومت در زمان حضور معصوم علیه السلام از آن او است. در زمان غیبت مسئله افتاء، صدور احکام قضایی، استنباط احکام کلیه امور عامه از وظایف نواب عام امام زمان(عج) یعنی فقیهان عادل است و دیگران حق دخالت در این امور را ندارند. (۲)

ب) مقبولیت

اشاره

در بحث مقبولیت و کارآمدی نظام دینی، مرحوم نائینی با هدف مشارکت مردم، عناصر و مؤلفه هایی را مورد توجه قرار داده است که اینک به طور اجمال بدان ها می پردازیم:

مؤلفه های مردم سالاری دینی از دیدگاه مرحوم نائینی

۱- شورا

یکی از عناصر اصلی «حاکمیت مردم» در «حکومت های مردم سالاری دینی» اصل «شورا» است. شورا، شور و مشورت دارای ریشه واحدی هستند؛ هرچند برخی از اساتید معظم، بین مقوله «شورا» و «مشورت» تفکیک قائل شده اند. (۳) ولی ریشه واحد لغوی و معنای واژه را نمی توان نادیده گرفت.

راغب می نویسد:

کلمه شورا به معنای پیشنهاد و امری است که درباره اش مشاوره می شود و این کلمه در قرآن هم آمده است؛ « وَأَمْرُهُمْ شُورى بَيْنَهُم » . (۴)

علامه طباطبایی (رحمه الله) به نقل از بعضی از اهل لغت می نویسد: «بنا به گفته آنان معنا چنین می شود که کار مؤمنان مشاورت در بین خویش است.» (۵)

۱- (۱) . تنبیه الامه و تنزیه المله، تصحیح: سید جواد ورعی، ص ۴۹.

۲- (۲) . تنبیه الامه و تنزیه المله، مقدمه سید محمود طالقانی، ص۴۲.

۳- (۳) . سید جواد ورعی، مجله حکومت اسلامی، سال چهارم مقاله مشورت حق مردم و وظیفه حکومت، شماره ۲۲.

۴- (۴) . مفردات راغب، ذیل واژه شورا.

۵- (۵) . محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۰۰.

در هر صورت مشورت در لغت به معنای رأی، تدبیر، رایزنی و شور (۱) آمده است، چنان که مشورت کردن به معنای رأی دادن و شورکردن آمده است. (۲)

در دین مبین اسلام، نسبت به مشورت تأکید فراوان شده است. ازاین رو، برخی اسلام را اولین نظام قانونی شمرده اند که در حوزه حاکمیت و تدبیر به مشورت ترغیب کرده است. (۳)

در قرآن کریم دو آیه شریفه در مورد مشورت کردن وارد شده است: وَ أَمْرُهُمْ شُورى بَيْنَهُمْ ۴ و وَ شاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ . (۴)

واژه «امر» در قرآن مجید و در مسائل حکومتی و امثال آن به کار رفته است. (۵) اینکه فرموده است: « وَ أَمْرُهُمْ شُورى بَيْنَهُم » ، یعنی مسلمانان در امور حکومتی با یکدیگر مشورت می کنند. منظور از این مشورت، مشارکت است، مشارکت همه مسلمانان. جدیدترین نظریه های مدیریت؛ شبکه ای است، (نه از بالا به پایین). در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: حضرت در جلسات با اصحابش دایره وار می نشستند (شبکه ای) این عمل بیانگر این است که در چگونگی نشستن نیز هر کس خود را صاحب نظر بداند. دکتر نجف لک زایی در بیان و تعریف مشورت می نویسد:

بنابراین، در تعریف و توضیح این مفهوم باید گفت: مشورت، سازوکار افزایش مشارکت شهروندان در اداره امور سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی جامعه است. وقتی مقوله مشورت را در امور حکومتی و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تفسیر می کنیم، مشارکت که نتیجه مشورت است، معنای واقعی خود را بازمی یابد. به همین دلیل مشورت در سیره مبارکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مواردی اتفاق افتاده است که مشارکت همگانی را می طلبد.

مانند جنگ که میزان مشارکت بسیار سطح بالایی را می طلبد. (۶)

بنابراین، شیوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام مشورت در امور مهم، با عقلای امت بوده است. علی علیه السلام به روشنی تمام، از مردم درخواست می کند تا

۱- (۱) . محمد معین، فرهنگ معین، ذیل مدخل مشورت.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . حسین علی، منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی.

۴- (۵) . آل عمران، ۱۵۹.

۵- (۶) . دکتر نجف لک زایی، جلسه درس فقه سیاست داخلی، مدرسه عالی فقه و معارف، تاریخ ۱۳۸۷/۹/۲۴.

۶- (۷) . همان.

مشورت خود را از او دریغ نکنند: « ولاتکفوا عن مقاله بحق او مشوره بعدل ؛ (۱) از گفتن سخن حق و یا ارائه مشورت عادلانه به من خودداری نکنید.»

محدوده مشورت

هیچ شکی نیست که مشورت در امور تشریع و قانون گذاری جایی ندارد؛ زیرا در اسلام تشریع و جعل قانون بر عهده خداوند است و هیچ فردی حق ندارد در عرض خداوند به جعل قانون و احکام پرداخته و تشریع کند. قوانین الهی یا باید به وحی الهی منسوب باشد و یا به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام . ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام در احکام و تشریع مشورت نمی کردند. گویا در عدم صحت مشورت در احکام از سوی پیامبر و ائمه علیهم السلام که عصمت آنان در کتاب الهی مورد تصریح قرار گرفته است، استناد یابد. ازاین رو، در تاریخ زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومان علیهم السلام موردی وجود ندارد که در آن ذوات مقدسه به مشورت در احکام و تشریع پرداخته باشند. شیعه معتقد است که مشورت در احکام از دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام مردود است. (۲)

از مواردی که مشورت در آن جایگاه ممتازی می یابد، مشورت کردن در امور کلان جامعه و نظام سیاسی است. نظریه های جدید اسلامی، بر خلاف نظام سیاسی قدیم که بر دو عنصر، اقتدار و اطاعت تأکید داشت، بیشتر تمایلات مردم گرایانه و مردم سالارانه دارند.

در دنیای اهل سنت مهم ترین متونی که از حاکمیت ملت دفاع کرده اند، سه رساله عمده ذیل است:۱. رساله الخلافه و سلطه الامه که مجلس ملی ترکیه در (۱۹۲۶) منتشر کرده است. ۲. عناوین الاسلام و اصول الحکم ، تألیف عبدالرزاق (۱۹۲۵). ۳. الخلافه و الامامه العظمی به قلم رشیدرضا (۱۹۲۶).

مشابه نظریه های سه گانه فوق در قلمرو تفکر شیعه نیز ظاهر شده است. نظریه دولت

مشروطه، آیت الله نائینی وکالت مشاع نزد حایری و نیز نظریه های مربوط به «ولایت انتخابی» یا «ولایت انتخابی اسلامی» «آرای اندیشمندانی چون آیت الله منتظری، آیت الله شهید سید محمدباقر صدر، جواد مغنیه و شیخ مهدی شمس الدین، (۳) از این دست هستند.

۱- (۱) . نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

۲- (۲) . سید سجاد ایزدهی، نظارت بر قدرت سیاسی، ص ۱۳۳.

۳- (۳) . نظام سیاسی و دولت در اسلام، ص ۵۸.

به نظر محقق نـائینی، اصـل قـدرت در نظـام سیاسـی اسـلامی شورایی است و در امور غیرمنصوص، مشـارکت عمومی از طریق مشورت بـا عقلاـی امت حاصل می شود. (۱) مرحوم نـائینی شورا را یکی از ارکـان و پایه های حکومت اسـلامی می دانـد. او برای اسـتحکام بخشـی نظریه خویش به آیـات قرآن مجیـد و سـیره مبـارکه پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و روش حکومـتی امیرالمؤمنین علیه السـلام و سایر خلفای راشدین، اشاره می کند. مرحوم نائینی شورا را از تعالیم بلند اسـلام دانسـته و با تأسـف بسـیار از غفلت مسـلمین از این اصل اساسـی و مترقی یاد می کنـد. اینکه گروهی «شورای ملی» را مخالف با اسـلام قلمداد می کنند، نائینی آن را بزرگ ترین دلیل بر غفلت مسلمین از این اصل حیاتی می داند.

از نظر آیت الله نائینی «شورا» از مسلمات اسلام است. وی می نویسد:

چنان که دانستی حقیقت سـلطنت اسـلامیه عبارت است از ولایت بر سـیاست امور ملت و به چه انـدازه هم محدود است، همین طور ابتنـا اساسـش هم نظر به مشـارکت تمـام ملت در نوعیـات مملکت، بر مشورت بـا عقلای امت که عبارت از همین شورای عمومی ملی است، نه تنها باالبطانه و خواص شخص والی که شورا درباریش خوانند به نص کلام مجید الهی (عز اسمه) و سیره مقدسه نبویه صلی الله علیه و آله که تا زمان استیلای معاویه محفوظ بود، از مسلمات اسلامیه [است].

محقق نائینی این مطلب را که مشورت با تمام مردم و ملت صورت پذیرد نه با عده خاصـی، از آیه شریفه ...وَ شاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ ۲ استفاده می کند و می نویسد:

و دلاـلت آیه مبـارکه ...وَ شـاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ که عقل کل و نفس عصـمت را بـدان مخاطب و به مشورت با عقلای امت مکلف فرموده اند، بر این مطلب در کمال بداهت و ظهور است، چه بالضروره معلوم است مرجع ضمیر، نوع امت و

قـاطبه مهاجرین و انصار است، نه اشـخاص خاصه و تخصـیص آن به ویژه عقلا و ارباب حل و عقـد از روی مناسـبت حکمیه و قرینه مقامیه خواهد بود، نه از باب صراحت لفظیه و دلالت کلمه مبارکه « فی الامر » که مفرد محلی و مفید عموم اطلاقی است. به اینکه مشورت مقرره در شریعت مطهره، کلیه امور سیاسیه است، هم در غایت وضوح است.

ص:۱۱۹

۱- (۱) . همان، ص ۵۹.

۲- امربه معروف و نهی ازمنکر

یکی دیگر از عناصر اساسی و مؤلفه های مردم سالاری دینی، اصل امربه معروف و نهی ازمنکر است که در متون دینی نیز بر آن تأکید فراوان شده است که امروز از آن به نظارت اجتماعی نیز تعبیر می شود. عنصر اساسی نظارت اجتماعی که به معنای حساسیت، نظارت و اهتمام جامعه اسلامی، نسبت به واجبات و ترک محرمات در سطح عموم مردم است، مفهومی عام و فراگیر داشته ضمن دربرگیری حوزه هایی چون عبادات، سیاسات، معاملات و... و مصادیق جزئی چون نمازخواندن، کمک به فقرا، رعایت انصاف در معاملات، آداب زندگی تا مصادیقی چون جهاد را در بر گرفته و از مرحله قلبی به زبانی و عملی توسعه می یابد. (۱)

این اصل اساسی به حدی از اهمیت فوق العاده برخوردار است که علی علیه السلام فریضه با اهمیت جهاد را در مقابل آن بسیار کوچک می شمارد و می فرماید:

همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا در کنار امربه معروف و نهی ازمنکر، جز دمیدن قطره ای در دریای پهناور نیست . (۲)

بسیاری از فقها فریضه امربه معروف و نهی ازمنکر را، مقوله عقلایی دانسته و قانون گذاری در این زمینه را تأکیدی بر حُکم عقل دانسته اند. (۳)

همان گونه که گفته شد، این اصل تمامی حوزه های زندگی اجتماعی را در بر می گیرد. کارایی این فریضه در حوزه های کلان مدیریت اجتماعی، نیز مورد تأکید بوده و حاکمان نمی توانند برای آن حد و مرزی تعیین کنند. امربه معروف و نهی ازمنکر تنها

فریضه ای است که شکل آن به تعبیر فقها توقیفی نیست بلکه چگونگی اجرای آن برعهده مسلمانان واگذار شده است که در هر زمان می توانند، عاقلانه ترین، کارآمدترین، به روزترین و تأثیرگذارترین روش ها و سازوکارها را به کار گرفته و برای بهبودی اوضاع سیاسی - اجتماعی از آن بهره ببرند. (۴)

۱- (۱) . سید سجاد ایزدهی، نظارت بر قدرت سیاسی، ص ۱۴۵.

۲- (۲) . نهج البلاغه، ک ۳۷۴.

۳- (۳) . محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح الإسلام، ج ۲۱، ص ۳۵۸.

۴- (۴) . کاظم قاضی زاده، مردم سالاری دینی، ج ۲، ص ۳۶۲.

یکی از عناصر اساسی مورد تأکید آیت الله نائینی، اصل امربه معروف و نهی ازمنکر است. وی علت تحکمات خودسرانه حاکمان را مربوط به اهمال فریضه امربه معروف و نهی ازمنکر از سوی عموم ملت دانسته و اظهار آرزومندی می کند که بیش از آن، در این مسیر سبکی از خود نشان ندهند؛ واستنقاذ حریت و حقوق مغصوبه و جلوگیری از تحکمات و ترتیب موجبات حفظ استقلال شان به غیرت دینی و اتفاق ملی و ترک تهاون خود در امر به خود همین معروف و نهی از همین اعظم منکرات منوط و با اندک توانی از رقیت فجره هم ترقی و به عبودیت کفره – العیاذ بالله تعالی – منتقل خواهند بود، لهذا امید است که این آخرین نفس را – بعون الله تعالی و حسن تأییده – از دست ندهند، تهاون این امربه معروف و نهی ازمنکر را بیش از این روا ندارند. (۱)

آیت الله نائینی امربه معروف و نهی ازمنکر را حق عموم مردم می دانند. از نظر وی دایره امور حسبیه این فریضه را نیز شامل می گردد؛ عموم ملت از این جهت (امور حسبیه) و هم از باب منع تجاوزات در باب نهی ازمنکر مندرج و به هر وسیله[ای] که ممکن شود، واجب و تمکن از آن در این باب به انتخاب ملت متوقف است. (۲)

۳– اصل نمایندگی و حقوقی اجتماعی مردم

اشاره

علامه نائینی از اولین نظریه پردازانی است که اعتقاد راسخ به بازنگری در حقوق اساسی مردم در دوره مشروطه داشت (۳). او در مورد حقوق اجتماعی مردم می نویسد: «در موارد مشکوک که فقیهان حق ولایت ندارند، این مردم هستند که در زندگی سیاسی

خویش حق دخالت دارند». (۴) ازاین رو می توان گفت: از نظر نائینی حوزه فعالیت فقها، حوزه امور حسبیه و شرعیات و حوزه فعالیت مردم امور عرفی است و... البته از نظر نائینی امور عرفی به جای سلطان به مردم و مجلس شورا واگذار شده است: (۵) صحت قاعده نمایندگی حقی است که مردم به دلیل پرداخت مالیات به دست می آورند. (۶)

۱– (۱) . تنبیه الامه و تنزیه المله، تصحیح: سید جواد ورعی، ص ۱۶۶ و۱۶۷.

۲– (۲) . همان، ص ۱۱۲.

۳– (۳) . مسعود پورفرد، مردم سالاری دینی، ص ۱۳۱.

۴– (۴) . تنبیه الامه و تنزیه المله، با مقدمه: سید محمود طالقانی، ص ۷۴.

۵– (۵) . مسعود پورفرد، مردم سالاری دینی، ص ۱۳۱.

۶– (۶) . تنبیه الامه و تنزیه المله، با مقدمه: سید محمود طالقانی، ص ۸۹.

اینک در ذیل حقوق اجتماعی که علامه نائینی آنها را بیان کرده است، به اختصار مورد بحث قرار می دهیم:

یکم) حق حکومت

مرحوم نائینی پایه مباحث خود را بر این مقدمه بنیان می نهد که به اتفاق و اجماع عقلای عالم استواری نظام بشری و زندگی بر اساس حکومت است. این امر مسلّم موجب قوام و ثبات استقلال، قومیت، دیانت و هر امر مطلوب و مستحسن دیگر در زندگی اجتماعی بشری است. (۱)

با توجه به نکته پیش گفته، علامه نائینی می نویسد:

شریعت مطهره نیز حفظ بیضه اسلام را از اهم جمیع تکالیف و سلطنت اسلامیه را از وظایف و شئون امامت مقرر فرموده اند. (۲)

از نظر علامه نائینی حکومت در هر شکل و شمایلی که باشد عهده دار دو وظیفه اساسی زیر است:

۱. حفظ نظام داخلی؛ ۲. تحفظ از مداخله بیگانگان.

در تمام جهات راجعه به توقف نظام عالم به اصل سلطنت و توقف حفظ شرف و موقعیت هر قومی که به امارات نوع خودشان منتهی به دو اصل است:

اول: حفظ نظامات داخلیه مملکت و تربیت نوع اهالی و رسانیدن هر ذی حقی به

حق خود و منع از تحدی و تطاول آحاد ملت بعضهم علی بعض الی غیر ذالک از وظایف نوعیه راجعه به مصالح داخلیه مملکت و ملت.

دوم: تحفظ از ملاحظه اجانب و تحذر از حیل معموله در این باب و تهیه قوه دفاعیه و استعداد حربیه و غیر ذالک و این معنا در لسان متشرعین «حفظ بیضه اسلام» و سایر ملل «حفظ وطن» خوانند. (۳)

دوم) حاکمیت مردم و رأی اکثریت

امروزه اصل حاکمیت مردم از اصول مادر مردم سالاری به شمار می آید که تمام اصول و

۱- (۱) . تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۳۹.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . همان، ص ۳۹ و ۴۰.

مؤلفه های دیگر جلوه هایی از آن هستند. البته دموکراسی سیاسی حاکمیت اکثریت یا نصف به علاوه یک خواهد بود. (۱) در نظام های پارلمانی جدید، اصل «حکومت اکثریت» به عنوان اساس تصمیم گیری قانونی پذیرفته شده است و هر امری که بیش از پنجاه درصد رأی دهندگان یا نمایندگان آنها در مورد آن هم رأی باشند، قانونی و لازم الاجرا دانسته می شود و خلاف آن غیرقانونی است. (۲)

در عصر نائینی، این شبهه مطرح بود که رأی اکثریت هیچ مستند شرعی ندارد، ازاین رو، عمل بدان بدعت خواهد بود.

مرحوم نائینی در جواب این شبهه چهار جواب فقیهانه و عالمانه ارائه کرده است که هرکدام به طریقی مبنای فقهی اعتبار رأی اکثریت را از منظر او بیان می کند. (۳)

پاسخ به شبهات چهارگانه از دیدگاه مرحوم نائینی

۱. التزام به چیزی در ساماندهی امور اجتماعی بدون استناد به شرع، بدعت به حساب نمی آید.

۲. لازمه شورایی بودن کارهای حکومت، آن است که در صورت اختلاف نظریه ها یکی از آنها ترجیح داده شود و معلوم است که قوی ترین مرجح همان اکثریت است. (۴)

۳. در صورت اختلاف آرا و عدم مخالفت هیچ کدام با شریعت، دلایل وجوب حفظ نظام، ایجاب می کند که طبق نظریه اکثریت عمل شود. (۵)

۴. امام علیه السلام در پایان روایت مقبوله عمر بن حنظله می فرماید: « فان المجمع علیه لاریب فیه » اجمالاً ـ بر اعتبار رأی اکثریت در امور عرفی دلالت دارد.

سوم) حق نظارت

نظارت به معنای نظر انداختن و تأمل در چیزی، دقت در امری و معاینه کردن است. (۶) برخی دیگر از واژه شناسان و لغت دانان، گفته اند: نظارت واژه ای است که عجم آن را مورد

۱- (۱) . عبدالرسول بیات با همکاری جمعی از نویسندگان، فرهنگ واژه ها، ص ۲۷۴.

۲- (۲) . داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، ص ۳۴.

۳- (۳) . کاظم قاضی زاده، مردم سالاری دینی، ص ۱۴۰.

۴- (۴) . تنبیه الامه، تصحیح: سید جواد ورعی، ص ۱۷.

۵- (۵) . همان، ص ۱۱۵ و۱۱۶.

۶- (۶) . راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ذیل مدخل «نظر».

استفاده قرار داده است و مراد از آن پاکیزه کردن باغ و بستان است. بنابراین، نظارت همان مراقبت و کنترل یک چیز از آفت و بیماری است. (۱)

دکتر محمد معین دراین باره می نویسد: نظارت؛ زیرکی، فراست، نظرانداختن و نگریستن است. (۲)

درباره معنای اصطلاحی نظارت، برخی از صاحب نظران حقوق اساسی معتقدند: نظارت ارزشیابی کارهای انجام شده و انطباق آن با قانون در راستای جلوگیری از انحراف است. (۳)

در هر صورت در مفهوم نظارت، نوع ارزشیابی، کنترل و مقایسه وجود دارد.

بحث نظارت بر قدرت سیاسی به عنوان یک سازوکار برای کنترل قدرت ها، فرایندی است که از دیرباز - به ویژه در قرون اخیر - بسیار مورد توجه دانشمندان حوزه علوم سیاسی قرار گرفته است. از نظر تاریخی طرح این بحث در جوامع غربی به تجربه تلخ آنان از حاکمان قرون وسطی باز می گردد؛ زیرا در این جوامع حاکمان خودسر بدون اینکه خود را مسئول و پاسخ گو بدانند، تحت حمایت و توجیه گری ارباب کلیسا بر مردم حکم می راندند. توجیهات ارباب کلیسا به حاکمیت دیکتاتورانه حاکمان مستبد مشروعیت بخشیده و آنان را برای سوءاستفاده از قدرت، جسورتر و جسورتر می ساخت. آنان با ادعای نمایندگی از سوی

خداوند، این حق حاکمیت را همواره برای خویش محفوظ می داشتند. (۴)

آنچه بسی جای افتخار دارد، طرح این بحث از سوی فقیه عالی مقام، مرحوم نائینی است که به زیبایی بدان پرداخته اند. از دیدگاه آیت الله نائینی، نظارت بر قدرت سیاسی مبتنی بر ادله قوی همانند مسئله امربه معروف و نهی ازمنکر، مشورت، سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام و لزوم تحدید غاصب است. (۵)

مراحل نظارت، بحث زیبای دیگری است که بسیار بدیع و ابتکاری از سوی این فقیه عالی مقام ارائه شده است. مرحوم نائینی برای نظارت چهار مرحله زیر را در نظر گرفته است:

یکم : عصمت که در ائمه معصوم علیهم السلام قابل تحقق است؛

۱- (۱) . احمد فارس، معجم مقاییس اللغه، ذیل مدخل «نظر».

۲- (۲) . فرهنگ فارسی، ذیل مدخل «نظارت».

۳- (۳) . سید سجاد ایزدهی، نظارت بر قدرت سیاسی، ص ۲۵.

۴- (۴) . میرزاحسین فاضلی، مقاله نظارت بر قدرت سیاسی از منظر آیت الله نائینی، ص ۲.

۵- (۵) . همان، ص ۲۵.

دوم : نظارت درونی با عنصر عدالت و تقوا؛

سوم : در مرتبه نظارت معصوم یا فقیه عادل را به امر حاکم اسلامی در نظر گرفته اند. که البته این فرض برکنار بودن از حکومت آنان است؛

چهارم : نظارت نمایندگان و منتخبان ملت بر دولت.

آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، این است که در تمام این مراحل، مردم حق نظارت داشته انتقاد و اعتراض آنان به حکام با استفاده از سیرت و سنت امامان معصوم علیهم السلام مورد تأکید علامه نائینی قرار دارد.

تذکر: در تمام مراحل چهارگانه نظارت مردم به دلائل مختلف از قبیل امر به معروف و نهی از منکر و... وظیفه نظارتی را دارند، عصمت معصوم علیه السلام مانع از نظارت مردمی نیست.

ص:۱۲۵

وی درباره مشروعیت نمایندگان می نویسد:

مشروعیت نظارت هیئت منتخبه مبعوثان بنابر اصول اهل سنت و جماعت که اختیارات اهل حل و عقد امت را در این امور متبع دانسته اند، به نفس انتخاب ملت، متحقق و متوقف بر امر دیگری نخواهد بود و اما بنابر اصول ما طایفه امامیه... اشتمال هیئت منتخبه بر عده ای از مجتهدین عدول یا مأذونین از قبل مجتهد... کافی است. (۱)

درباره حق سؤال و اعتراض و مؤاخذه آحاد ملت می نویسد:

متصدیان امور همگی امین نوع اند نه مالك و مخدوم و مانند سایر اعضا و اجزا در قیام به وظیفه امانتداری خود، مسئول ملت و به اندک تجاوز، مأخوذ خواهند بود و تمام افراد اهل مملکت به اقتضای مشارکت و مساوات شان در قوا و حقوق، بر مؤاخذه و سؤال و اعتراض قادر و ایمن در اظهار اعتراض خود، آزادند. (۲)

در جای دیگر می نویسد:

عموم ملت هم از این جهت و هم از جهت مالیاتی که از برای اقامه مصالح لازمه می دهند، حق مراقبت و نظارت دارند و هم از باب منع از تجاوزات در باب نهی ازمنکر مندرج به هر وسیله ای که ممکن شود، واجب و تمکن از آن در این باب، به انتخاب ملت متوقف است. (۳)

۱- (۱) . تنبیه الامه و تنزیه المله، تصحیح: سید جواد ورعی، ص ۴۹.

۲- (۲) . همان، ص ۴۴ و۴۵.

۳- (۳) . همان، ص ۱۱۲.

۴ –نظریه شهید صدر

الف) مشروعیت

اشاره

همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد آیت الله شهید سید محمدباقر صدر، یکی از فقیهان بی بدیل، ممتاز، مبتکر و نظریه پردازی است که در بُعد حکومت و رهبری دینی در آثار متعدد خود به مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی - دینی پرداخته اند. این فقیه مجاهد و خلاق در رهبری دینی سه نظریه سیاسی زیر را ارائه داده است:

الف) حکومت انتخابی بر اساس شورا؛

ب) ولایت انتصابی عامه فقیهان؛

ج) خلافت مردم با نظارت مرجعیت. (۱)

آخرین نظریه شهید صدر نظریه خلافت مردم با نظارت مرجعیت رشیده است که یک سال قبل از شهادت خویش آن را در پاسخ شش تن از عالمان لبنان بیان کرده است. این نظریه که مترقی ترین و بدیع ترین نظریه شهید صدر به شمار می رود، ترکیبی از دو نظریه پیشین است.

شهید صدر با به کارگیری دو عنصر حق خدادادِ خلافت انسان و نظارت دینی مرجع صالح، جمهوری اسلامی را طراحی کرده است.

ما به صورت اختصار هر سه نظریه شهید صدر را مرور کرده و آخرین نظریه شهید را بیشتر به بحث می گیریم.

۱- (۱) . کاظم قاضی زاده، مردم سالاری دینی، ج ۱، ص ۱۱.

۱- حکومت انتخابی بر اساس شورا

معروف است که شهید صدر در سال های آخر زندگی خویش درباره این نظریه تجدید نظر کرد. ازاین رو، ما هم آن را مورد بحث قرار نمی دهیم.

۲- نظریه ولایت عامه انتصابی فقیه

شهید صدر در کتاب الفتاوی الواضحه درباره ولایت عامه فقیه می نویسد:

المجتهد المطلق اذا توافرت فیه سائر الشروط الشرعیه فی مرجع التقلید... جاز للمکلّف ان یقلد کما تقدم و کانت له الولایه الشرعیه العامه فی شئون المسلمین، شریطه ان یکون کفواً لذلک من الناحیه الدینیه الواقعیه لها و للمجتهد المطلق ایضاً ولایه القضا و یسمی علی هذا الاساس بالحاکم الشرعی... ؛ آنگاه که شرایط شرعی - که در مرجع تقلید معتبر است - در مجتهد مطلق جمع باشد، مکلف مجاز است از وی تقلید کند؛ چنین مجتهدی در همه شئونِ مسلمانان دارای ولایت عامه شرعی است مشروط به اینکه از نظر دینی و واقعیت خارجی کفایت و شایستگی به عهده گرفتن چنین مقامی را داشته باشد. مجتهد مطلق ولایت در امر قضا را نیز به عهده دارد ازاین رو، به وی حاکم شرعی می گویند. (۱)

شهید صدر در باب نقض «حکم حاکم» در حاشیه کتاب منهاج آورده است:

حکم حاکم اگر از واقع کشف کند مانند موارد مرافعات، نقض آن جایز نیست و کسی که علم دارد به مخالفت حکم با واقع، جایز است آثار واقع را بر آن بار کند؛ اما اگر حکم حاکم بر اساس ولایت عامه ای که بر تمام شئون مسلمانان دارد، صادر شده باشد، نقض آن به هیچ وجه جایز نیست حتی با علم به مخالفت و کسی که علم دارد به مخالفت حکم با واقع، مجاز نیست بر طبق علمش عمل کند.

۳- نظریه خلافت مردم با نظارت مرجعیت

یکم) سیر تاریخی خلافت و گواهی انسان

شهید صدر با استناد به آیه شریفه ۲۱۳ بقره (۲) معتقد است: (۳)

ص:۱۲۸

۱- (۱) . محمد باقر صدر، الفتاوی الواضحه و فقا لمذهب اهل البیت، ص ۱۱۵.

۲- (۲) . کَانَ النّاسُ أُمَّةً واحِدَةً فَبَعَثَ اللّهُ النَّبِیِّینَ مُبَشِّرِینَ وَ مُنْذِرِینَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْکِتابَ بِالْحَقِّ لِیَحْکُمَ بَیْنَ النّاسِ فِیمَا اخْتَلَفُوا فِیهِ؛ «مردم امت واحده بودند و چون بین آنان اختلاف رخ داد، خداوند پیامبران را با پیام مژده و تهدید فرستاد و با آنان کتاب، به حق فرود آورد تا در مورد اختلاف حکم خدا را بین آنان جاری کنند» بقره، ۲۱۳.

۳- (۳) . کاظم قاضی زاده، مردم سالاری دینی، ج ۱، ص ۱۸.

خلافت انسان و گواهی پیامبران مراحل زیر را پشت سر گذاشته است:

الف) مرحله فطرت اولیه: در این مرحله انسان خلافت خود را در زمین با تشکیل امت واحد آغاز می کند. پایه های این جامعه الهی را فطرت پاک انسانی تشکیل می داده است.

شهید صدر در تفسیر و توضیح آیه شریفه به روایاتی که تفسیر مجمع البیان نقل می کند، استناد می کند: « ان الناس کانوا امه واحده علی فطره الله فبعث الله النبیین » . (۱)

طبق این آیه بعثت پیامبران به مرحله بعد از مرحله فطرت واحد بودن مربوط است. (۲)

از دیدگاه شهید صدر، دو خط خلافت انسان و گواهی پیامبران با توجه به سیر تاریخی جامعه بشری مراحلی را پشت سر گذاشته است که در بعضی از مراحل دو خط خلافت و گواهی در وجود پیامبران جمع بوده و شخص واحد هم گواه بر امت بوده و هم رهبر جامعه است و در بعضی از مراحل از یکدیگر جدا بوده اند.

ب) مرحله اختلاف: به دنبال یک دوره تحقق خلافت انسان در زمین و با ایجاد جامعه ای مبتنی بر فطرت و وحدت، تعارضات یکی پس از دیگری پدید آمد. (۳)

ج) مرحله خلافت و گواهی پیامبران و امامان: پس از مرحله اختلاف و ناتوانی بشر، پیامبران برای تحقق خلافت عمومی انسان مأموریت یافتند تا بر ضد ستم قیام کنند. نتیجه این قیام تشکیل دولت در زمین به دست پیامبران بود. در این دوره، دو خط خلافت انسان و گواهی در وجود پیامبر جمع می شود و امامت ادامه خط مشترک گواهی و پیامبر صلی الله علیه و آله است. (۴)

د) گواهی و نظارت مراجع تقلید: در این مرحله، بعد از آنکه هر دو خط در شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هم پیوسته بودند و خط خلافت به عهده مردم و خط گواهی به عهده مراجع تقلید گذاشته شده است، خط گواهی از خط خلافت جدا می شود. (۵)

دوم) کارویژه مرجعیت رشیده بر اساس نظریه شهید صدر

در عصرغیبت، مرجعیت وظایف و رسالت های زیر را بر عهده دارد:

۱- (۱) . مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۰۷.
۲- (۲) . الإسلام یقود الحیاه، ص ۱۴۵.
۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . همان، ص ۱۴۶ - ۱۵۲.

۵- (۵) . همان، ص ۱۵۹.

الف) حفظ شریعت و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکر معاندان، شبهات کافران و فتنه فاسقان؛

ب) به کارگیری فن اجتهاد در فهم احکام اسلامی؛

ج) مراقبت دقیق از اجرای احکام اسلام در جامعه اسلامی.

سوم) تبیین نظریه خلافت انسان و شهادت أنبیاء علیهم السلام

شهید صدر این نظریه بدیع را بر دو رکن اساسی زیر استوار کرده است:

رکن یکم: خلافت انسان

شهید صدر در تبیین این رکن به چهار نکته اساسی زیر اشاره دارد:

نکته اول : ارزش و اهمیت خلافت انسان : شهید صدر دراین باره می نویسد:

خداوند انسان را به خلافت خود در روی زمین تشرف داد و او را بر همه عناصر جهان هستی، امتیاز بخشید و بر اثر این خلافت انسان شایستگی آن را یافت که فرشتگان بر او سجده کنند و همه نیروی ظاهری و پنهانی جهان از او اطاعت کنند. (۱)

نکته دوم: خلافت انسان ها: شهید صدر بر این نکته پای فشرده است که این خلافتی که خداوند در آیات قرآن از آن حکایت می کند، تنها به شخص حضرت آدم علیه السلام اختصاص ندارد بلکه همه آدمیان را شامل می شود. (۲)

نکته سوم: گستره خلافت انسان: شهید صدر درباره گستره خلافت انسان نوشته است:

خداوند، پروردگار زمین و همه خیرات آن و پروردگار انسان و هر جنبنده ای است که در پهنه هستی با همه گستردگی اش پراکنده اند. بدین ترتیب خلیفه خدا در زمین، یعنی جانشین خدا در همه این امور است. ازاین رو، مسئله خلافت انسان در قرآن، در حقیقت شالوده حکومت انسان بر هستی است؛ حکومت بین مردم، همه از ریشه همان خلافت سرچشمه می گیرد... و این است مفهوم صحیحی که اسلام

از خلافت انسان در زمین به ما می دهد؛ یعنی خداوند بشر را نایب خود در حکومت قرار داده و رهبری و آبادانی جهان را از نظر اجتماعی و طبیعی به او

۱- (۱) . ان الله سبحانه و تعالی شرف الانسان بالخلافه علی الارض فکان الانسان متمیزاً عن کل عناصر الکون بانه خلیفه الله علی الارض، و بهذا الخلافه استحق ان تسجد له الملائکه تدین له بالطاعه کل قوی الکون المنظور و غیر المنظور، همان، ص

.۱۲۷

۲- (۲) . والخلافه التی تتحدث عنها الآیات الشریفه المذکوره لیست استخلافاً لشخص الآدم علیه السلام، بل للجنس البشری کله، همان.

سپرده است. بـدین ترتیب حکـومت انسـان بر خـود هم بر این مبنـا درست می شـود. چنـان که حکـومت مردم بر مردم، یعنی حاکمیت ملی نیز به عنوان خلیفه خدا بودن انسان ها می تواند مشروع و قانونی باشد. (۱)

نکته چهـارم: نتایـج فهم درست نظریه خلافـت انسان در جامعه: شـهید صـدر اعتقاد دارد فهم درست و صـحیح مفهوم خلافت انسان نتایج زیر را به دنبال دارد:

۱. جامعه انسانی قبل از هرگونه وابسـتگی و تعلقی، وابسـته و منسوب به یک مرکز است و آن مرکز خداوند متعال است که او را جانشین خود در روی زمین قرار داده است. (۲)

۲. روابط اجتماعی باید بر پایه خداپرستی مخلصانه باشد. (۳)

۳. تجسم روح برادری عمومی در همه ابعاد اجتماعی آن پس از محو هرگونه بهره کشـی و سلطه جویی به اشکال مختلف آن. (۴)

معنای خلافت انسان، امین بودن و قابل اعتماد بودن اوست؛ ازاین رو، قرآن کریم از خلافت انسان به «امانت» تعبیر کرده است. به عقیـده شـهید صـدر، امانت مسـئولیت آور است و در این کلمه، احساس درد به نتیجه نهفته است و مسـئولیت یک رابطه دو طرفی است؛ از یـک طرف تقییـد می آرود؛ تقیـد بـه قـانون و عـدالت و همیـن تقیـد امتیـاز خلافـت الهی در مفهـوم قرآنی از حکومت مردم بر مردم است. (۵)

رکن دوم: شهادت گواهان

«شهادت» دومین رکن اساسی نظریه شهید صدر را تشکیل می دهد. این واژه در اندیشه

۱- (۱) . «والله هو رب الارض و خیرات الارض و رب الانسان و الحیوان و کل دابه تنتشـر فی ارجاء الکون الفسـیح و هذا یعنی ان خلیفه الله فی الاـرض مسـتخلف علی کـل هـذا الاشـیاء و من هنـا کـانت الخلاـفه فی القرآن اساساً للحکم و کان الحکم بین الناس متفرعاً علی جعل الخلافه... و هذا یعطی مفهوم الإسـلام و الاساس لمن الخلافه وهو ان الله سـبحانه و تعالی اناب الجماعه البشـریه فی الحکم و قیـاده الکون و اعمـاره اجتماعیـاً و طبیعیـاً، و علی هـذا الاساس تقوم نظریه حکم الناس لانفسـهم و شـرعیه ممارسه الجماعه البشریه حکم نفسها بوصفها خلیفه عن الله»، همان، ص ۱۲۸.

۲- (۲) . «اولاً: انتماء الجماعه البشـریه الی محور واحـد وهو المسـتخلف (الی الله تعالی) الـذی اسـتخلفها علی الارض بـدلاً کل انتمائات الاخری»، همان، ص ۱۲۸.

۳- (۳) . «اقامه العلاقات الاجتماعیه علی اساس العبودیه المخلصه لله»، همان، ص ۱۲۸.

۴- (۴) . «تجسید روح الاخوه العامه فی کل العلاقات الاجتماعیه بعد محو الوان الاستغلال و التسلط»، همان.

۵- (۵) . «ان الخلاـفه استئمـان، و لهـذا عـبر القرآن الکریم عنهـا فی المقطع الاـخیر (احزاب، ۷۲) بالامانه تفترض المسـئولیه و

الاحساس بالواجب...»، همان.

ایشان مفهوم سیاسی به خود می گیرد و از جنبه حقوقی خارج می شود. (۱)

در ذیل مؤلفه های اصلی بحث شهادت از منظر شهید صدر را آورده ایم:

۱. ضرورت وجود گواه:

شهید صدر با توجه به ویژگی های غریزی بشر و امکان خطا، فراموشی، معصیت و ظلم، وجود گواه در کنار خط خلافت را برای انسان ضروری دانسته است:

خدای بزرگ در کنار خط خلافت انسان بر روی زمین، خط گواهی انبیاء علیهم السلام را ترسیم کرده است؛ گواهی که نشان دهنده دخالت خدا برای حفظ خلیفه او از انحراف و رهبری او به سوی کمال است؛... ما این دخالت خدایی در هدایت انسان را، خط شهادت یا گواهی انبیا می نامیم. (۲)

۲. انواع گواهان:

إِنّا أَنْزَلْنَا التَّوْراهَ فِيها هُدىً وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هادُوا وَ الرَّبّانِيُّونَ وَ الْأَحْبارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتابِ اللّهِ وَ كانُوا عَلَيْهِ شُهَداءَ ؛ (۳) «ما تورات را که مایه نور و هدایت است، فرستادم تا پیامبران بنی اسرائیل و ربانیون و احباری که نگهبانان کتاب خدایند، بر اساس آن حکومت کنند و گواه باشند».

شهید صدر می نویسد:

سه دسته ای که آیه متذکر می شود، پیامبران، ربانیان و احبار هستند؛ احبار عالمان دینی و ربانیان دارای درجه ای میان پیامبران و عالمان دینی (یعنی مقام پیشوایان معصوم) هستند؛ پس خط شهادت در سه گروه زیر تحقق پیدا می کند:

۱. پیامبران؛ ۲. امامان که در حقیقت امتداد و گسترش خط ربانی پیامبری هستند؛ ۳.مرجعیت که امتداد خط پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام در امر شهادت و گواهی است. (۴)

۳. مسئولیت های مشترک گواهان:

آیت الله شهید سید محمدباقر صدر درباره مسئولیت های مشترک گواهان، سه مسئولیت همگانی زیر را بیان می کند:

- فراگیری رسالت آسمانی، حفظ وحراست از آن؛

۱- (۱) . کاظم قاضی زاده، مردم سالاری دینی، ج ۱، ص ۱۵.

۲- (۲) . همان، ص ۱۳۵.

۳- (۳) . مائده، ۴۴.

۴- (۴) . الإسلام يقود الحياه، ص ۱۳۶.

- اشراف و مراقبت بر رفتار انسان ها برای ایفای نقش خود در خلافت عمومی...؛

- جلوگیری از انحراف و اتخاذ هرگونه تدبیر ممکن برای سلامت مسیر. (۱)

نتیجه:

فالشهید مرجع فکری و تشریعی من الناحیه الایدئولوجیه و مشرف علی سیر الجماعه و انسجامه ایدئولوجیا مع الرساله الربانیه التی یحملها و مسئول عن التداخل لتعدیل المسیره او اعادتها الی طریقها الصحیح اذا واجه انحرافاً فی مجال التطبیق هذا هو المحتوی المشترک لدور الشهداء باصنافهم الثلاثه. (۲)

۴. تفاوت اساسی گواهی معصوم و مرجع دینی:

از نظر شهید صدر، بین گواهی معصوم علیه السلام و مرجع تفاوت های زیر وجود دارد:

۱. مقام پیامبری و امامت معصوم، غیر اکتسابی و از جانب خداوند افاضه شده است؛ اما رسیدن به مقام مرجعیت اکتسابی است. (۳)

۲. پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام از سوی خداوند با نام و مشخصات تعیین شده اند؛ اما مرجع به شکل نوعی تعیین شده است و تطبیق آن شرایط با شخص واجد شرایط به عهده مردم نهاده شده است. (۴)

۳. پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام دارای عصمت هستند، حال آنکه مرجعیت دارای ویژگی عدالت است. (۵)

شهید صدر در ادامه استدلال مبنی بر اینکه مرجع، معصوم نیست، به آیه شریفه ۷۸

سوره حج (۶) استناد می کند و می نویسد:

از این آیه استفاده می شود که مرجع لازم نیست معصوم باشد و معصوم هم

۱- (۱) . همان، ص ۱۳۶ و۱۳۷.

۲- (۲) . همان، ص ۱۳۷.

۳- (۳) . همان، ص ۱۳۸.

۴- (۴) . شهید صدر به روایت امام عسکری علیه السلام استناد می جوید که می فرماید: «فاما من کان من الفقها صائناً لنفسه، حافظاً لدینه مخالفاً علی هواه، مطیعاً لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه»، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص۱۳۱، باب ۱۰.

۵- (۵) . همان.

۶- (۶) . لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكَمْ وَ تَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النّاسِ.

نیست به همین دلیل مرجع خود نیز گواه و شاهدی به نام امام علیه السلام دارد که اسوه و الگوی او است. (۱)

۵. شرایط و ویژگی لازم برای گواهان:

الف) عدالت؛ شهید صدر در تعریف عدالت نوشته است:

فالعداله هی الوسیطه و الاعتدال فی السلوک الذی عبر عنه القرآن الکریم فی قوله تعالی وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّهً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ ۲

یعنی عدالت رفتار مبتنی بر میانه روی و در نظر داشت حد وسط است همان چیزی که قرآن کریم درباره آن می فرماید:

واین چنین ما شما را امت وسط قرار دادیم تا شما بر سایر مردم به عنوان شاهد باشید. (۲)

ب) علم و جامعیت نسبت به رسالت و شناخت وافی و کافی از کتاب خدا؛ (۳)

ج) آگاهی از اوضاع زمان؛ (۴)

۴. لیاقت و کاردانی. (۵)

شهید صدر تحقق عنی وعملی شایستگی و کاردانی را مبتنی بر داشتن حکمت، تعقل، درایت، صبر و شجاعت دانسته است.

بنابراین، در بحث مرکز تصمیم گیری، در عصر غیبت، شهید صدر بحث گواهی مرجعیت را مطرح می کند؛ اما خلافت از آنِ خود انسان است.

ب) مقبولیت

اشاره

در بحث مقبولیت و کارآمدی نظام سیاسی - دینی و نقش مردم، علامه شهید صدر از فقیهان بی بدیلی است که برای مردم و به تعبیر او «امت» ارزش والایی قائل شده است. با توجه به مبانی فکری شهید صدر او از معدود فقیهانی است که برای مردم نقش

۱- (۱) . الإسلام یقود الحیاه، ص ۱۳۸.

۲- (۳) . الإسلام یقود الحیاه، ص ۱۳۹.

۳- (۴) . «و العلم و استیعاب الرساله هو استحفاظ الکتاب»، همان.

۴- (۵) . «والدعی علی الواقع القائم مستبطن فی الرقابته»، همان.

۵- (۶) . «الکفائه و الجدار النعیه التی ترتبط بالحکمه و التعقل و الصبر و الشجاعه...»، همان.

مستقلی در حوزه حقوق اساسی قائل است. او حقوق اجتماعی را نوعی قدرت عمومی تعیین کننده می داند. منظور از قدرت عمومی همان نظام مردم سالاری دینی از نوع مشارکتی است نه اینکه مردم به مفهوم ابزاری مطرح باشند، زیرا شهید صدر در نظریه پردازی خود نیاز به مشروعیت بخشیدن به قدرت سیاسی حاکم دینی نمی بیند، چون مردم صاحب قدرت هستند. (۱)

در واقع یکی از جوهری ترین تفاوت های نظریه شهید صدر و مرحوم نائینی همین نکته است؛ زیرا علامه نائینی حتی نمایندگان مردم را نیز بی نیاز از اذن مجتهد نمی دانند؛ تصویری که از مجلس ارائه می دهد نیز به گونه ای است که باید چند نفر فقیه تراز اول در آنجا حضور داشته باشند، بر خلاف شهید صدر که با صراحت تمام می گوید:

در حقیقت این «امت» است که در چارچوب قانون اساسی اسلام و شریعت، عهده دار امر مهم تدوین و تنفیذ قوانین هستند. (۲)

شهید صدر در گفته ها و نوشته های خویش نسبت به «امت» حساسیت ویژه ای داشته و سعی کرده است تا از این دانش واژه استفاده کند. ازاین رو لازم است در مقدمه ورود به بحث کارآمدی نظام سیاسی و نقش مردم از دیدگاه شهید صدر ابتدا کلمه «امت» را مورد توجه قرار داده و گفته های او را در این خصوص مورد مطالعه قرار بدهیم.

امت

امت که جمع آن «امم» است به معنای جماعتی از مردم است که با علایق مشترک دینی یا زبانی یا تاریخی در یک سرزمین زندگی می کنند. (۳)

امت در اندیشه سیاسی شهید صدر

الف) مفهوم کلی و موضوعی آن که دربردارنده تمام افراد «الموطن» است که در حوزه دولت اسلامی قرار دارند. امت در این مفهوم (هرچند امکان دارد دارای بعد سیاسی و تلاش برای خلافت اسلامی فعال نباشد) ولی از کلیه حقوق و امتیازات

۱- (۱) . مسعود پورفرد، مردم سالاری دینی، ص ۱۳۵.

۲- (۲) . سید محمدباقر صدر، لمحه فقهیه، ص ۲۳.

۳- (۳) . جبران، مسعود، الرائد، ترجمه دکتر انزابی نژاد، ذیل مدخل «امت».

دینی، اجتماعی، سیاسی و... برخوردار است. (۱)

ب) شـهید صدر در جای دیگر به «امت» از دید مفهومی نگریسته و معنای خاصی را از آن ارائه می دهد؛ زیرا این نگرش، تنها به حضور افراد در جامعه یا پایبندی به عقاید و... بسـنده نمی کند بلکه به کارآیی سیاسـی و در صـحنه بودن و ایفای مسئولیت افراد برای سیر تحقق خلافت عمومی انسان توجه دارد. (۲)

درست به همین دلیل است که شـهید، تعبیر به «امت رشیده» می کند؛ زیرا «امت اسلامی» تنها تجمع شماری از مسلمانان نیست بلکه به مفهوم تجمع آن افرادی (از مسلمانان) است که بار مسئولیت الهی (خلافت) را بر زمین بپذیرند. (۳)

جایگاه، نقش و مسئولیت های امت

اصـلی ترین تجلی مردم، در اندیشه سیاسـی شـهید صدر، در قالب «امت» شـکل می یابد. ازاین رو، از دیدگاه علامه صدر مهم ترین بخش حکومت را «امت» رقم می زند؛ زیرا شاخصه اصلی و منحصر به فرد نظریه او را همین نکته تشکیل می دهد.

ازاین رو، لازم است قبل از ورود به اصل بحث، شأن، جایگاه و مسـئولیت های «امت» را به طور فهرست وار از دیـدگاه شـهید صدر بررسی نماییم.

عمده ترین نقش، جایگاه و مسئولیت های «امت» در اندیشه سیاسی شهید صدر به شرح زیر است:

۱. مشارکت در انتخابات مرجع عام:

بنابراین، مسئولیت انتخاب آگاهانه شخص عهده دار مرجعیت عام، بر عهده

امت است. (۴)

۲. تنفیذ و اجرای قانون:

در حقیقت این امت است که در چارچوب قانون اساسـی اسـلام و شـریعت، عهـده دار دو امر مهم تدوین و تنفیذ قوانین است. (۵)

۱- (۱) . اندیشه های سیاسی شهید رابع، ص ۳۰۱.

۲- (۲) . همان، ص ۳۰۱-۳۰۳.

۳- (۳) . الإسلام یقود الحیاه (منابع القدره)، ص ۱۸۱.

۴- (۴) . لمحه فقهیه (فقیه)، ص ۱۷۰.

٥- (٥) . الإسلام يقود الحياه (لمحه فقهيه)، ص ١٩.

۳. داشتن حق نظارت:

همان گونه که گذشت امت صاحب حق در مراقبت و سیاست و عهده دار حمل امانت الهی است. (۱)

۴. تساوی افراد امت در برابر قانون:

تمام افراد امت در دارابودن حق نظارت و مراقبت در برابر قانون برابرند. (۲)

۵. واگذاری مسئولیت و صلاحیت به امت:

آیه وَ أَمْرُهُمْ شُوری بَیْنَهُمْ / ۳ می گوید: مردم، صلاحیت دارند امور خود را خودشان به دست گیرند. (۳)

بنابراین، از دیدگاه شهید صدر مردم که بخشی از «امت» هستند، نقش فوق العاده و بی بدیلی را در فرایند اداره سیاسی، نظام دینی دارند که این نقش فراتر از کارآمدی نظام بوده، بلکه رأی امت در مشروعیت بخشی نظام نیز مؤثر است.

مؤلفه های مردم سالاری دینی از دیدگاه شهید صدر

۱- شورا

شهید صدر اعتقاد دارد که این حق شرعی و طبیعی مردم است که سهم خود را در امور حکومتی و نظام سیاسی به عهده گیرند. بر همین اساس عصر غیبت را با زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مقایسه می کند و می نویسد:

مردم در حکومت اسلامی، حق تشکیل شورا و تعیین سهام امور حکومتی خود را

از طریق آن دارند. (۴)

در جای دیگر می نویسد:

وقد أوجب الله سبحانه و تعالی علی النبی صلی الله علیه و آله مع انه القائد المعصوم ان یشاور الجماعه و یشعرهم بمسئولیتهم فی الخلافه من خلال التشاور: وَ شاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ ؛ (۵) «خداوند بر پیامبرش واجب کرده است - با آنکه او

۱- (۱) . الإسلام یقود الحیاه (لمحه فقهیه)، ص ۲۲.

۲- (۲) . همان.

٣- (۴) . الإسلام يقود الحياه (خلافه الانسان شهاده الانبياء)، ص ١۶١.

۴- (۵) . همان، ص ١۶٠ و ١۶١.

۵- (۶) . آل عمران، ١۵٩.

رهبر معصوم است – تا با مردم مشورت کند و از این طریق آنان را متوجه مسئولیت های خود کند».

آیت الله شهید سید محمدباقر صدر، ضمن تحلیل فرایند واگذاری خط خلافت به امت در عصر غیبت، می نویسد:

مسئولیت رهبری سیاسی و اجتماعی مردم، به خود مردم واگذار می شود. این مطلب از آیه شریفه وَ أَمْرُهُمْ شُوری بَیْنَهُمْ ۱ استفاده می شود؛ زیرا این آیه می گوید: مردم صلاحیت دارند امور خود را خودشان به دست گیرند و در مواردی که دستور صریحی نرسیده است، کارهای خود را با مشورت انجام بدهند. (۱)

شهید صدر درباره قانون و قانونمندی سخن بلند و معروفی دارند که نقش شورا و قوه مقننه نیز از آن به خوبی روشن می شود. او همواره در پی قانونمندساختن جنبه های مختلف جامعه اسلامی بر اساس دین مبین اسلام بوده است. (۲) شهید صدر معتقد است قانون گذاری به دست مردم، در صورتی درست است که از سوی شارع مقدس حکم ایجابی یا تحریمی در آن وارد نشده است و منطقه الفراغ باشد:

وضع قوانین از منبع شریعت اسلامی

۱. احکام شرعی ثابت که مورد اختلاف فقیهان نیست. این دسته از احکام به اندازه ارتباط آنها با زندگی اجتماعی از (احکام) ثابت قانون اساسی به شمار می روند. چه در متن قانون به آنها تصریح شده باشد و چه تصریح نشده باشد.

۲. احکام شرعی ثابت که نظر مجتهدان مختلف درباره آن متعدد و متفاوت است. ازاین رو، موقف شرعی در آنها واجب نیست بدیل های شرعی در آن متصور است.

۳. منطقه الفراغ، منطقه ای است که از جانب شارع مقدس حکم ایجابی یا تحریمی در آن وارد نشده و شامل همه حالاتی است که انتخاب موضوع در آنها از سوی شارع به مکلفان وانهاده شده است. تعیین احکام الزامی در منطقه الفراغ بر اساس رعایت مصلحت عمومی و بشرط عدم تعارض با قانون اساسی به عهده قوه مقننه است. (۳)

۱- (۲) . الإسلام یقود الحیاه(خلافته الانسان وشهاده الانبیاء)، ص ۱۶۰ و۱۶۱.

۲- (۳) . مسعود پور فرد، مردم سالاری دینی، ص ۲۱۰.

۳- (۴) . الإسلام یقود الحیاه(لمحه فقهیه)، ص ۱۸ و۱۹.

بنـابراین، قوه مقننه که یکی از اساسـی ترین نمادهـای «شورا» است، در منطقه الفراغ کارایی دارد. بنابراین، منطقه الفراغ دارای دو ویژگی اساسی است:

الف) نقش مردم در آن به خوبی آشکار می گردد؛ زیرا قوه مقننه یا مجلس شورا تبلور آرای مردم است.

ب) منطقه الفراغ مربوط به خلاء قانونی یا موقف سکوت شارع است.

۲- بیعت

بیعت را نیز از مولفه ها و عناصـر مردم سالاری برشـمرده اند ولی در فقه شیعه بر اساس گفتمان مشهور، بیعت و اقبال مردمی را در مشروعیت بخشی حاکم دخیل ندانسته اند هرچند در قسمت اعلام وفاداری و تبعیت و بسط ید حاکم دخالت تام دارد.

«بیعت» و «بیع» به معنـای معـامله و از یـک ریشه انـد. در میـان اعراب متـداول بوده است که وقتی در معامله به توافق نهایی می رسیدند، فروشـنده دسـتش را به دست مشتری می زد و بدین سان شیء مورد معامله، به مشتری انتقال پیدا کرده و پایان معامله اعلام می شد. (۱)

معنای بیعت نیز این است که شخصی دست خود را در دست حاکم می گذارد تا اطاعت خود را از اوامر او اعلام کند و حاکم هرگونه تصرفی را بر اساس قوانین مورد توافق دو طرف، در شئون او انجام دهد. (۲)

شهیـد صـدر دربـاره مشـارکت شـهروندان در حکـومت دینی، حـوزه بسیار وسـیعی را مـدنظر قرار داده است هماننـد، بیعت، انتخابات، همه پرسی، نظارت بر قدرت سیاسی،

شورا، نصیحت، امربه معروف و نهی ازمنکر، تغییر و اصلاح.

از دیدگاه شـهید صدر مشارکت در امور اجتماعی - سیاسی نوعی قبول مسئولیت فردی و اجتماعی است که انسان مسئول باید آن را قبول کند؛ به همین دلیل، حکومت یک امانت الهی تلقی شده است. این سـخن مطابق گفته برخی از لغت شناسان است؛ زیرا برخی از واژه شـناسان، بیعت را قرار داد طرفینی به حسـاب آورده انـد، همـان گونه که در بیع، کالاـ در برابر کالاـ یا پول قرار می گیرد. (۳)

۱- (۱) . ابن منظور، لسان العرب، ج۷، ص۳۶۵.

۲- (۲) . المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۸، ص ۲۷۴.

۳- (۳) . ابن اثیر، النهایه، تحقیق: طاهر احمد الزاوی، محمود الطناحی، ج۱، ص ۱۷۴.

در فرایند بیعت نیز اعلام آمادگی برای اطاعت، در مقابل التزام حاکم نسبت به اجرای قوانین، تأمین عدالت و مصالح بیعت کنندگان است.

معنای اصطلاحی بیعت، مصداقی از معنای لغوی این واژه و اعلام آمادگی برای اطاعت از حاکم و پذیرش مسئولیت اداره جامعه از سوی حاکم است. (۱) امام علی علیه السلام در یکی از خطبه ها و به عنوان حاکم اسلامی «پایبندی به بیعت» را از حقوق خویش می شمارد و می فرماید: « اما حقی علیکم فالوفاء بالبیعه... ؛ (۲) اما حق من بر شما وفاداری به بیعت است...».

شهید صدر بیعت را از «ابزار مشارکت امت در سیاست و حکومت» می داند. (۳) بنابراین، طبق نظریه شهید صدر گزینش رهبری از حقوق ملت است. البته رهبر باید مرجع تقلید بوده و شرایط خاصی را که در نصوص دینی بدان توجه شده است، دارا باشد. شهید صدر در کتاب ازرشمند الاسلام یقود الحیاه ، می نویسد:

بنابراین، مسئولیت انتخابات آگاهانه شخص عهده دار مرجعیت عام بر عهده امت است. (۴)

همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، آیت الله شهید صدر از امت تعریف خاصی دارد و مراد او از امت، جمعی افراد است که بر اساس آرمان، اهداف، افکار و پیوندهای مشترک دور هم گرد آمده اند.

امت؛ یعنی وجود جمعی مردم، یعنی گروهی که بین افراد آن روابط و پیوندهایی بر

اساس مجموعه ای از افکار و آرمان ها و مبانی وجود دارد و این پیوندهای مشترک آنها را در برخی از نیروها و استعدادها به هم مربوط می سازد. این جامعه است که قرآن از آن تعبیر به امت کرده است. (۵)

از نظر شهید صدر هرگونه تغییر مطلوب بر اساس سنت های تاریخی قرآن، به دست خود امت، امکان پذیر است و این امت است که با انتخاب آزادانه خویش سرنوشت خود را می تواند به نیکی رقم بزنند.

۱- (۱) . سید جواد ورعی؛ حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان، ص ۱۹۸.

۲- (۲) . نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

۳- (۳) . الإسلام یقود الحیاه(خلافه الانسان و شهاده الانبیاء)، ص ۴۴.

۴- (۴) . همان، ص ۱۷۰.

۵- (۵) . سید محمدباقر صدر، سنت های تاریخ در قرآن، ترجمه: دکتر سید جمال الدین موسوی، ص ۱۲۲؛ الإسلام یقود الحیاه، ص ۱۸۱.

سنت های تاریخی فراتراز دست این انسان نیست، بلکه همه از زیردست انسان می گذرد؛ زیرا خداوند هرگونه تغییر مطلوبی را در زندگی انسان به دست خود او سپرده و هرگاه ملتی از راه راست پیروی کند، خداوند او را از زندگی خویش بهره مند می سازد. اینان موقعیت های مثبتی برای انسان هستند تا آزادی، انتخاب و تصمیم آزاد خود را نشان دهد. (۱)

شهید صدر پس از مقایسه بین مشورت و بیعت می نویسد:

همان گونه که رهبر معصوم علیه السلام ملزم به مشورت است تا از این طریق خلافت امت مورد تأکید قرار گرفته و آمادگی روانی برای مشورت شوندگان برای هماهنگی با رهبر دینی در راستای تثبیت نظام سیاسی پدید آید، اصل بیعت نیز برای پیامبران عظیم الشأن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیای حضرتش در واقع تأکیدی از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر شخصیت دادن به «امت» و توجه دادن به آنان نسبت به اینکه آنان خلیفه خداوند هستند و بیعت تعیین کننده و مشخص کننده مسیر آنان است. انسان آنگاه که بیعت می کند، ضمن سهم گیری و مشارکت در نظام سیاسی، خود را مسئول نگه داری بیعت و حفظ نظام سیاسی می داند.

تأکید اسلام نسبت به بیعت کردن، روشی است که رهبر و امت هم پیمان گردیده و از نظر روحی و روانی مفهوم خلافت تحقق خواهد یافت. (۲)

۳- امربه معروف و نهی ازمنکر

یکی از عناصری که جایگاه مردم را در نظریه مردم سالاری دینی شهید صدر مشخص می کند، اصل امربه معروف و نهی ازمنکر است که وی آن را به مثابه نظارت همگانی و عنصری که از انحراف حاکمان جلوگیری می کند مطرح کرده است.

بر مبنای این اصل (نظارت همگانی) مردم حق نظارت و ولایت نسبت به حکومت را دارند؛ « المؤمنون بعضهم اولیاء بعض » ۳ و همواره با چشمان تیزبین و کنجکاو خود،

ص:۱۴۱

۱- (۱) . همان، ص ۱۴۶ و ۱۴۷.

۲- (۲) . «کما ان التأکید علی البیعه للانبیاء و للرسول الاعظم و اوصیائه تأکید من الرسول علی شخصه الامه و اشعار لها بخلافتها العامه و بانها بالبیعه تحدد مصیرها و ان الانسان حینما یبایع یساهم فی البناء و یکون مسئولاً عن الحفاظ علیه. ولاشک فی ان البیعه للقائد المعصوم واجبه لایمکن التخلف عنها شرعاً ولکن الإسلام اصر علیها و اتخذها اسلوباً من التعاقد بین القائد و الامه لکی یرکز نفسیاً و نظریاً مفهوم الخلافه العامه للامه» محمدباقر صدر، خلافه الانسان وشهاده الانبیاء، ص ۱۵۳.

اعمال حاکمان را زیر ذره بین قرار داده و بر عملکرد آنها نظارت می کنند.

شهید صدر به قرینه همین تفریع امربه معروف و نهی ازمنکر، به صدر آیه شریفه استناد می کند که همه مؤمنان نسبت به همدیگر ولایت دارند. (۱)

در نظریه شهید صدر، امربه معروف و نهی ازمنکر در راستای اصلاح امت اسلامی و حرکت پویایی و تفسیر در سطح کلان قابل تحلیل و بررسی است که هم دولت و دولتمردان و هم افراد عادی را شامل می شود. (۲)

نکته شایان توجه این است که شهید صدر از این عنصر کلیدی استفاده کلان می کنند. بر همین اساس می نویسد:

در صورتی که مرجع یا هر مقام دیگری صفات و شرایط رهبری و... را از دست بدهند یا نتوانند به خوبی انجام وظیفه کرده و از عهده مسئولیت خود برآیند، مردم حق عزل آنها را دارند. (۳)

۴- تغییر

یکی دیگر از مباحثی که شأن و جایگاه مردم را در اندیشه سیاسی شهید صدر، به خوبی مشخص می کند، بحث تغییر و دگرگونی یا به عبارت دیگر «تحوّل» است. به تعبیر مختار الاسدی، نویسنده کتاب ارزشمند الشهید الصدر بین أزمه التاریخ و

ذمه المؤرخین ، شهید صدر همواره دنبال تحقق یکی از دو رویکرد زیر بود:

انتقال حکومت به دست مؤمنان، یا انتقال ایمان در قلب حاکمان . (۴)

معنای این کلام این است که شهید صدر، حرکت دایمی، پیگیر و همه جانبه را برای دگرگونی نظام سیاسی آغاز کرد؛ حرکتی که هرگز توقف نداشت و تا جایی آن را دنبال کرد که شهادت مظلومانه او را در پی داشت.

۱- (۱) . الإسلام یقود الحیاه (خلافه الانسان وشهاده الانبیاء)، ص ۱۶۱.

۲- (۲) . انّ مهمه الحرکه الإسلامیه والعاملین والمصلحین وکل قادر علی الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر أن یتحمل مسؤولیته الاصلاح والتغییر الاجتماعی...، ثقافه الدعوه الإسلامیه، ص ۲۱۱.

۳- (۳) . الإسلام یقود الحیاه (خلافه الانسان وشهاده الانبیاء) ص ۱۷۱.

۴- (۴) . فی المنهج الحرکی و مشاریع التغییر الاسلامی برزت رؤیتان واضحتان لتحکیم الاسلامی فی دنیا الناس و برزت... اما نقل الحکم الی ایدی المؤمنین او نقل الایمان الی قلوب الحکام، مختار اسدی، الشهید الصدر بین ازمه التاریخ و ذمه المؤرخین، بی جا، ۱۹۹۷، ص ۱۹۵.

به همین دلیل در آثار شهید صدر چند عنصر دگرگون سازِ تغییر، اصلاح، تحول، انقلاب، امربه معروف و نهی ازمنکر و... را می بینیم.

حزب الدعوه الاسلامی برای سازماندهی مجاهدان در ابعاد مختلف تشکیل شد. به دلیل اهتمام شهید صدر به دگرگونی و تحول در امت اسلامی، شخصاً اساس نامه این حزب افتخارآمیز را می نویسد. (۱)

شهید صدر از تمام این تلاش ها یک هدف بیشتر ندارد و آن حاکمیت دین خداوند است. در اساسنامه حزب الدعوه می خوانیم:

الاعمال لتصل الی رفع رأیه الاسلام علی هذه الارض و تطبیق شریعه الله فیها ؛ (۲) کارهایی که یاد شده (که دعوت گران باید انجام بدهند) برای به اهتزاز درآمدن پرچم اسلام در این زمین و تطبیق شریعت خداوند در آن است.

در جای دیگر اهداف حرکت های اصلاحی خویش را این گونه بیان می کند:

۱. اعمال اصلاحی راهی است برای دگرگونی وسیع؛

۲. تطبیق شریعت اسلامی به قدر امکان؛

۳. تمرین دعوت گران برای مشخص کردن کارها و پیشبرد آنها و رهبری مجموعه های مردمی برای اهداف از پیش تعیین شده؛

۴. تجمیع توانایی های مردم و رواج روح همکاری و تعاون بین مردم؛

۵. بازگرداندن مردم بر عمل جمعی؛

۶. زنده کردن و رشد دادن روح همکاری و تعاون بین مردم؛

۷. بازگشت پیوندهای اجتماعی و...؛

۸. زنده کردن عرف و عادت اسلامی به زندگی مردم به قدر امکان. (۳)

تذکر و یادآوری این نکته هم بسیار ضروری است که شهید صدر، تغییر و تحول و دگرگونی سازی را در یک قالب خردمندانه و معقول مطرح می کند و در کتاب ارزشمند رسالت ما می نویسد:

این چنین اسلام را تعریف می کنیم که از نظر فکر، انقلابی است اما از نظر عمل و

۱- (۱) . مصاحبه علامه سید مرتضی عسکری، شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران که در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۲۵، پخش شد.

۲- (۲) . ثقافه الدعوه الإسلامیه، ص ۱۳۵.

۳- (۳) . همان.

طریقه اجرا انعطاف پذیر است و باید شعاع شرایط و ظروف و مقتضیات احکام عمومی شرعی در باب جهاد و امربه معروف و نهی ازمنکر و باب تبلیغ و دعوت و تعلیم و تربیت در باب تقیه و ابواب دیگر فقه محدود گردد. (۱)

۵- نصیحت

نصیحت، از مؤلفه های اساسی مردم سالاری دینی است. در منابع دینی، بخشی با نام «النصیحه لائمه المسلمین» و به معنای خیرخواهی برای منصوح (۲) است.

نصیحت به معنای پند، اندرز، وعظ، پند بی آمیخ، موعظت، خیرخواهی و نیکوخواهی (۳) آمده است.

ابن منظور درباره معنای این کلمه می نویسد: « نصح الشیء: خالص شد؛ الناصح المخالص» (۴)

بنابراین، نصیحت در لغت به دو معنای زیر آمده است:

الف) خیرخواهی برای دیگران؛

ب) پاک سازی ارتباط و پالایش آن از هرگونه آلودگی در ظاهر و باطن.

راغب می نویسد:

النصح؛ فعل یا گفته ای است که صلاح را به همراه داشته باشد؛ نَصَحتُ له الوَد؛ در مودت اخلاص ورزیدیم، ناصح العمل به کسی می گوید که عملش خالص است. (۵)

علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه أُبَلِّغُکُمْ رِسالاتِ رَبِّی وَ أَنَا لَکُمْ ناصِحٌ أَمِینٌ ؛ (۶) می نویسد: در رسالت و پیامبری خود هیچ مأموریتی جز تبلیغ خالصانه پروردگارم ندارم. (۷)

یکی از شاخص ترین ابعاد حق حاکمیت مردم، تذکرهای خیرخواهانه عامه مردم به ویژه صاحب نظران دلسوخته در برابر عملکردهای قدرت حاکم است.

۱- (۱) . رسالت ما، ترجمه: محمدتقی رهبر، ص ۸۷.

۲- (۲) . ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث، ج ۵، ص ۶۳.

۳- (۳) . علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، ذیل مدخل «نصح».

۴- (۴) . محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب.

۵- (۵) . راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، ذیل مدخل «نصح».

۶- (۶) . اعراف، ۶۸.

۷- (۷) . المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۷۸.

براساس برخی از متون اسلامی، نصیحت، جزئی از تکالیف اجتماعی است. مفهوم سیاسی این حق یا تکلیف آن است که همه آحاد ملت در رهبری و مسئولیت های کلان اجتماعی، دولت مداری و اعمال اقتدار عالی در جامعه اسلامی سهیم هستند. (۱)

در فرهنگ سیاسی معاصر به این حق یا تکلیف، انتقاد سازنده و حرکت اصلاح طلبانه گفته می شود که از نظر محتوا نمی تواند مطلق باشد. مفاد، انتقاد و اصلاح باید منطبق با موازین اسلامی و سایر حقوق و مسئولیت های شناخته شده باشد. (۲)

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، نصیحت پیشوای مسلمین را از حقوق مسلم مردم می شمارد. (۳) بنابراین، در جامعه ای که رابطه حاکمان با مردم صمیمی و همراه با صداقت باشد، حاکمان نصیحت مردم را خیرخواهانه تلقی کرده و از آن به گرمی استقبال می کنند و این همان چیزی است که در متون دینی بر آن تأکید فراوان گردیده است.

در آثار شهید صدر نیز این عنوان و تعبیرهای مشابه آن، همانند اصلاح - چنان که گذشت - فراوان به چشم می خورد. شهید صدر نیز از عنوان نصیحت، در راستای تغییر و دگرگونی و اصلاح امت، نظام سیاسی و حاکمان بهره برده است. شهید صدر در توضیح اینکه حاکم

اسلامی از رهبر دینی درباره تشریع و قوانین اسلامی استمداد می جوید، می نویسد:

دراین صورت درست نیست که موضع خصمانه اتخاذ گردد، بلکه باید نقش، نصیحت گری، ارشاد و مشورت را در پیش گیرد. (۴)

زیرا شهید صدر اعتقاد دارد که در عصر غیبت خط گواهی از خط خلافت جدا شده و خط خلافت به عهده مردم و خط شهادت به عهده مراجع تقلید است اما آن گاه که مردم محکوم قدرت طاغوت باشند، مراجع مسئولیت خط خلافت را همانند خط شهادت به عهده دارند و آن گاه که مردم به رشد برسند و از زیر سلطه طاغوتیان خود را آزاد کنند، خط خلافت به مردم باز می گردد.

۱- (۱) . عباس علی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۷، ص ۲۹۸ و ۲۹۹.

۲- (۲) . همان، ص ۲۹۹.

۳- (۳) . نهج البلاغه، خطبه ۴۳.

۴- (۴) . ثقافه الدعوه الإسلامیه، (حزب دعوت اسلامی)، ص ۲۱۱ و ۲۱۲.

۵ –بررسی و مقایسه دو نظریه

الف) نقاط اجتماع دو نظریه

۱. اصل ثبوت ولایت برای فقیه : مرحوم نائینی اصل ثبوت ولایت را برای فقیه مسلم دانسته اند و در گستره ولایت فقیه اظهار نظر کرده اند و ولایت بر فتوا در جامعه را یادآور می شوند. شهید صدر می نویسد: «وکانت له الولایه الشرعیه العامه فی شؤون المسلمین...»

۲. حسبیه بودن ولایت : یکی از نکات اجتماع دو نظریه، حسبیه بودن ولایت فقیه است؛ زیرا شهید صدر نیز همانند مرحوم نائینی، مشروعیت مردمی – الهی را از اصل امور حسبیه ثابت می کند، با این تفاوت اساسی که بر طبق نظر مرحوم نائینی مردم با اذن فقیه صاحب ولایت در امور حسبیه به فعالیت سیاسی – اجتماعی می پردازند درحالی که بر اساس نظریه شهید صدر چنین اذنی لزوم ندارد و مردم خود دارای ولایت هستند و یا شاخه ای از ولایت فقیه به حساب می آیند. شاید بر اساس نظریه شهید صدر بتوان گفت که منطقه الفراغ جلوه گاه حکم عقل است که در ولایت مردمی تجلی پیدا می کند. شهید صدر می نویسد:

در حقیقت این امت است که در چارچوب قانون اساسی اسلام و شریعت عهده دار دو امر مهم تدوین و تنفیذ قوانین است.

۳. وظایف فقیه: در قسمت وظایف ولی فقیه در عصر غیبت نیز نظریه های دو فقیه والا مقام به هم نزدیک است. شهید صدر، حفظ شریعت، اجتهاد، مراقبت و نظارت بر اجرای احکام اسلام بین مردم را وظیفه فقیه می داند که با نظریه های مرحوم نائینی قرابت زیادی دارد.

۴. امانت دانستن حکومت : نقطه اشتراک دیگری که نظریه های هر دو فقیه را به هم نزدیک ساخته است، امانت دانستن حکومت است.

۵. نقش برجسته مردم: در بحث کارآمدی نظام، از این نظر که هر دو فقیه در حوزه های مختلف نقش برجسته ای را برای مردم قائل هستند، نقطه اشتراک به حساب می آید. مرحوم نائینی درباره مشورت می نویسد: شورا از مسلّمات اسلام است. مرحوم نائینی تصریح می کند که باید با تمام آحاد ملت مشورت صورت بگیرد و این مطلب را از آیه شریفه ...وَ شاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ استفاده می کند؛ زیرا مرجع ضمیر نوع امت و قاطبه مهاجران و انصار است نه اشخاص خاصی. اما نقطه محوری استدلال شهید صدر در این مورد به آیه شریفه وَ أَمْرُهُمْ شُورى بَيْنَهُمْ است. شهید صدر ضمن تحلیل فرایند واگذاری خط خلافت به امت در عصر غیبت می نویسد:

مسئولیت به خود مردم واگذار شده است؛ زیرا بنابر این آیه شریفه، مردم، صلاحیت دارند امور خود را به عهده بگیرند.

از دیگر نقاط مشترک مباحث هر دو فقیه مورد نظر در فرایند مشارکت مردمی بحث امربه معروف و نهی ازمنکر است که هر دو فقیه از آن به عنوان عنصر نظارت همگانی یاد کرده اند و هر دو فقیه از آن استفاده کلان می کنند با این تفاوت که شهید صدر معتقد است رهبر و یا هر مقامی، اگر صفات و شرایط رهبری را از دست بدهد، مردم حق عزل او را دارند درحالی که چنین تصریحی را در کلام مرحوم نائینی نمی توانیم بیابیم.

ب) نقاط اختصاصی نظریه مرحوم نائینی

۱. پاف شاری نائینی بر نظری هانتصاب و عدم انتقال حاکمیت : مرحوم نائینی مجلس شورا را در صورتی مشروع می داندکه چند نفر مجتهد جامع الشرایط در آن مجلس حضور داشته باشند.

۲. بحث مراحل نظارت نائینی : دربحث کارآمدی نظام سیاسی - دینی دارای نتایج قابل توجهی است که به مباحث نائینی جلوه خاصی بخشیده است.

۳. استدلال برمشروعیت رأی اکثریت : درباره حاکمیت مردم یا رأی اکثریت، به دلیل شبهه ای که در عصر نائینی بوده است و آن را بدعت به حساب آورده اند، علامه نائینی با برجستگی خاص بدان پرداخت و جواب های چهارگانه فقیهانه نائینی دراین خصوص قدرت علمی او را به نمایش می گذارد.

ج) نقاط اختصاصی نظریه شهید صدر

۱. نظریه خلافت : برجستگی نظریه «خلافت انسان و گواهی گواهان» که از سوی شهید صدر ارائه شده است، بسیار مشهود است؛ زیرا تداوم این نظریه در صورتی که مردم خود را از قید طاغوت برهانند و سرنوشت خویش را در دست بگیرند، به نظریه انتخاب می انجامد و می توان گفت، فراتر از نظریه انتخاب رفته قدرت را به طور مستقیم به مردم واگذار می کند؛ چیزی که با نظریه نائینی بسیار متفاوت است؛ زیرا وی بر اذن مجتهدان جامع الشرایط - در هر شرایط - پافشاری زیادی دارد.

همان طور که اشاره شد، عمده ترین نظریه شهید صدر که زبان زد است، نظریه خلافت انسان با گواهی انبیا و در عصر غیبت مرجعیت آگاه است. این نظریه هرچند خالی از ابهامات نیست - زیرا شهید صدر اعتقاد دارد که در عصر غیبت خط گواهی از خط خلافت جدا شده و خط خلافت به عهده مردم و خط شهادت به عهده مراجع تقلید است - اما آنگاه که مردم محکوم قدرت طاغوت باشند، مراجع مسئولیت خط خلافت را همانند خط شهادت به عهده دارند و آن گاه که مردم به رشد برسند و از زیر سلطه طاغوتیان خود را آزاد کنند، خط خلافت به مردم باز می گردد.

در مقام بررسی این نظریه می توان گفت: جای این پرسش ها همچنان باقی است که این افتراق و جدایی را از کجا باید به دست آورد؟ آیا اگر مردم در زمان ها و شرایط متفاوت و مختلف زندگی کنند دچار یک دگرگونی ذاتی می شوند؟ از کجا با چنین قاطعیتی می توان ادعا کرد که خط خلافت در این شرایط به عهده چه کسی است؟ نکته دیگر این است که در بسیاری از اوقات، امت به رشد کافی رسیده است و از حکومت طاغوت نیز انزجار قلبی دارد، تنها چیزی که وجود دارد این است که توان اقدام عملی را ندارند در چنین شرایطی چه باید گفت؟ آیا باز هم خط خلافت و شهادت دوتا است یا اینکه در اینجا به خود امت واگذار شده است؟ اینها سؤالاتی است که ذهن هر خواننده را به خود معطوف می دارد؛ اما تنها می توان گفت اگر دشمنان اسلام اجازه حیات را به شهید صدر می دادند به طور قطع شهید زوایای این بحث را ابهام زدایی کرده و عالم اسلام بیشتر از نظریه های آن فقیه نامدار و شهید سرافراز بهره مند می شدند.

۲. منطقه الفراغ: شهید صدر می نویسد: منطقه الفراغ دارای دو ویژگی زیر است:

ص:۱۴۹

۱. نقش مردم در آن به خوبی آشکار می گردد و قوه مقننه تبلور آرای مردم خواهد بود؛

۲. موقف سکوت شارع است. می توان گفت: منطقه الفراغ از نظر شهید صدر در حقیقت، جلوه گاه حکم عقل است که شارع مقدس آن را در نظرگرفته است و به خود مردم واگذار کرده است که با در نظر داشتن شرایط خاص زمانی و مکانی و به کارگیری قدرت خدادادی عقل تصمیم بگیرند. طرح چنین منطقی از سوی شهید صدر در مقام نظریه پردازی بدیع و ابتکاری بوده و امتیاز بزرگی به حساب می آید.

۳. پرداختن به حوزه های بیشتر : برجستگی دیگری که در مباحث شهید صدر دیده می شود، پرداختن بیشتر به مؤلفه های مردم سالاری همانند، اصلاح، تغییر، انقلاب، تحول و دگرگونی است؛ مؤلفه هایی که در مباحث نائینی جای آنها خالی است و یا اینکه گفته شود عصر مرحوم نائینی اقتضای طرح این مباحث را نداشته است. از دیدگاه شهید صدر، مشارکت در امور اجتماعی نوعی قبول مسئولیت به حساب می آید و حکومت یک امانت الهی است و هرگونه تغییر و تحول باید به دست «امت» پدید می آید. شهید صدر از امت تعریف خاصی ارائه می دهد و امت را تجمع عددی نمی داند بلکه امت را عده ای از افراد که بر اساس پیوندهای فکری، آرمانی و مشترکات انسانی دور هم گردآمده اند و اعتقاد راسخ دارند که هرگونه تحول همانند تغییر، اصلاح، بیعت و... باید به دست خود امت پدید بیاید و این نهایت احترام گذاردن به مردم و نقش مردم را در فرایند حکومت و کارآمدی نظام سیاسی از دیدگاه یک مرجع دینی آشکار می سازد.

۴. نقش برجسته مردم : شهید صدر معتقد است که رهبر و یا هر مقامی اگر صفات را از دست بدهند مردم – از باب امربه معروف و نهی ازمنکر – حق عزل او را دارند و تدوین و تنفیذ قوانین نیز به دست مردم صورت می گیرد.

بخش چهارم-جایگاه مردم در قلمرو دخالت دولت

اشاره

ص:۱۵۱

مقدمه

در این فصل، به این سؤال پاسخ داده خواهد شد که از دیدگاه آیت الله شهید صدر و مرحوم آیت الله نائینی دولت می تواند وارد حریم خصوصی افراد شود؟ اگر جواب مثبت است، در چه شرایطی این کار انجام می شود؟ این فصل دارای پنج مبحث است.

در مبحث اول، مفهوم حوزه های عمومی و خصوصی مورد بازکاوی قرار گرفته و تاریخچه و اهمیت آن به اجمال بررسی می شود.

مبحث دوم، اختصاص به گستره قدرت در نظریه شیعه و اهل سنت دارد؛ بر این اساس فرایند بحث بر اساس نظریه قدیم و جدید اهل سنت و گفتمان انتصاب و انتخاب شیعه پیگیری شده است.

در مبحث سوم نظریه مرحوم نائینی مورد بررسی قرار گرفته است.

مبحث چهارم را نظریه شهید صدر به خود اختصاص داده است.

مبحث پنجم نیز وظیفه تطبیق و بررسی دو نظریه را به عهده دارد.

ص:۱۵۲

۱ -مفهوم حوزه های عمومی و خصوصی

اهمیت بحث

اشاره

امروزه در جوامع مردم سالار و متمدن، وجود حوزه های خصوصی و عمومی از اهمیت فراوان برخوردار بوده و به منزله پیش شرط ضروری برای این جوامع قلمداد می شود:

وجود حوزه های خصوصی و عمومی جدا از دولت، همچون پیش شرط ضروری یک جامعه مردم سالار قلمداد شده است. نبود این دو قلمرو به معنای آن است که همه جامعه یک سره زیر سیطره حکومت استبدادی یا اقتدار دولتی است. (۱)

شهروندان ضمن این که نیازمند تأمین امنیت، رفاه و آزادی های عمومی هستند، به یک فضای صمیمی و دور از هرگونه دغدغه و اضطراب نیاز دارند تا به گفت وگوهای خانوادگی و صمیمانه بپردازند و در این فضای آرام و دور از التهاب بتوانند آزادانه اظهار نظر نمایند.

رحیم نوبهار می نویسد:

در جامعه مردم سالار شهروندان ضمن این که اموری چون تأمین و تضمین امنیت را به دولت می سپارند، قلمروهایی را از مداخلات دولتی دور می کنند. مردم هم به فضایی نیازمندند تا روابط خانوادگی؛ روابط مبتنی بر صمیمیت و دوستانه خود را آسوده خاطر و دور از مداخلات دولتی تنظیم کنند و هم به سپری عمومی نیاز دارند تا فارغ از مداخلات دولتی به گفت وگوی عقلانی - انتقادی درباره خیر عمومی بپردازند. (۲)

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . همان.

در دموکراسی های رایج امروزه عناصر و مؤلفه هایی را به عنوان سازوکار تأمین و تضمین آزادی در نظر گرفته اند که «تقسیم قدرت» و «عدم اطمینان به حکومت» از عناصر اصلی به حساب آمده است. (۱)

با توجه به آنچه گذشت، باید در نظر داشت که حوزه عمومی به معنایی که گذشت یکی از ارکان مهم تولید سیاست است. در واقع باید گفت سیاست به مفهوم گسترده و وسیع آن، تنها توسط اقتدار دولتی به وجود نمی آید بلکه دولت و جامعه طی یک فرایند تعاملی خردمندانه با یکدیگر سیاست را به وجود می آورند. (۲)

یکی از دلایل اهمیت نظرداشت و طرح مباحث مربوط به حوزه عمومی و خصوصی این است که به عقیده بسیاری از مشارکت کنندگان عمده در تدوین نظریه «حوزه عمومی» آن است که حوزه عمومی بیانگر منافع اجتماعی یا منافع عمومی است؛ در نظر آنان پیگیری این منافع مستلزم آزادی جامعه مدنی از مداخله سیاسی و نیز محدود ساختن قلمرو اقتدار دولت به حوزه یا قلمرو اقتدار دولت به حوزه یا قلمرویی از فعالیت ها است که تحت نظارت «عموم» قرار دارد. (۳)

آنچه بر اهمیت بحث می افزاید، این است که امروزه چگونگی مداخلات دولت در زندگی عامه مردم اشکال بسیار پیچیده ای به خود گرفته است. این تنوع و پیچیدگی مداخلات دولتی در زندگی شهروندان، پدیده ای است که بسیاری از دانشمندان را سخت نگران کرده است. هابرماس معتقد است که تهدید اصلی برای بشریت امروزی نه استعمار اقتصادی است، آن گونه که مارکس می پنداشت و نه دیکتاتوری سیاسی و ایدؤلوژی است، آن سان که نظریه انتقادی در عصر تسلط فاشیسم عنوان می شد؛ بلکه تهدید اصلی بیشتر مداخله مقامات اداری و دولتی در روابط اجتماعی است؛ مداخلاتی که ویژگی های خاص انسانی را از روابط اجتماعی دور می سازد و در نتیجه روابط

اجتماعی را شکل رسمی می دهد. او این فرایند را «استعمار دنیای زندگی» می نامد. (۴)

ص:۱۵۴

۱- (۱) . روزنبلم، نانسی، لیبرالیسم، ترجمه: موسی اکرمی دایره المعارف دموکراسی، ج ۳، ص ۱۱۶۴.

۲- (۲) . رحیم نوبهار، حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، ص ۲۷.

۳- (۳) . حسینعلی نوروزی، بازخوانی هابرماس، ص ۴۳۴، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۱. به نقل از منبع پیشین، ص۳۳.

۴- (۴) . همان، ص ۱۶.

آنچه بیشتر بر اهمیت بحث می افزاید، در نظر داشت این نکته است که تهدید آزادی های شـهروندان در حوزه های عمومی و خصوصـی اعمال شـیوه های گوناگون کنترل اجتماعی است که از ویژگی های عصـر مدرن به شـمار می رود. این تهدیدها به جوامعی که دارای دولت اقتدارگرا هستند اختصاص ندارد بلکه این تهدیدها، در دموکراسی های رایج نیز به طور کامل وجود دارد. سازمـان یـافتگی شدیـد که از ویژگی هـای انکارناپـذیر جوامع امروزی است، اوضاع را بیش از پیش وخیم تر می سازد. عمق فاجعه را زمانی درمی یابیم که بدانیم این امر با کنترل بی اندازه ای که مراجع قدرت از طریق دوربین های مداربسـته و از راه دور که بر زمینه های وسیعی از زندگی مردم اعمال می کنند، ارتباط دارد. (۱)

درست به همین دلیـل است که امروزه بـا گسترش نظارت های دوربینی از طریق دوربین های مداربسـته این انـدیشه انتقادی را مطرح سـاخته است که شـهروندان در ساحَت عمومی نیز بایـد حریم داشـته باشـد و نبایـد همه رفتارهای آنان تحت بازرسـی و کنترل اجتماعی قرار گیرد. (۲)

الف) حوزه عمومی

اصطلاح حوزه عمومی امروزه در علوم اجتماعی به دو معنای زیر به کار می رود:

۱. حوزه عمومی به معنای اعم:

در تلقی کلاسـیک و ادبیـات فلسـفه سیاسـی، مقصود از حوزه عمومی، فضایی است که دسترسـی به آن برای همه افراد جامعه آزاد است؛ تصمیم گیری درباره آن نیز حق همگانی است.

در مقابل، حوزه خصوصی قلمرو محرمانه و متعلق به شخص است. حوزه عمومی

همه قلمرو خـارج از محـدوده خصوصـی و قلمرو اقتـدار دولتی را در بر می گیرد. در مقابـل، معنـای فوق حوزه عمومی معنای دیگری دارد که بدان اشاره می کنیم:

۱- (۱) . راسل برتراند، اخلاق فردی و اجتماعی در خرد سیاست، ترجمه: عزت الله فولادوند، ص ۳۱۶، به نقل از منبع پیشین.
۲- (۲) . همان.

۲. حوزه عمومی به معنای اخص:

قلمروی جدا از دولت و متفاوت با قلمرو شخصی و خصوصی است. حوزه عمومی به این معنا خصوصی نیست و نه تنها موضوع آن مصالح شخصی نیست بلکه درباره خیر مشترک بحث و گفت وگو می شود و از مداخلات دولتی رهاست. (۱)

هابر ماس همان کسی که در برجسته نمودن این مفهوم از حوزه عمومی نقش بسیار مؤثری دارد، معتقد است:

حوزه عمومی قبل از هر چیز، قلمروی از زندگی اجتماعی است که در آن چیزی شبیه افکار عمومی می تواند شکل بگیرد. دسترسی به حوزه عمومی در جریان هر گفت وگو و هم سخن شدن افراد با یکدیگر شکل می گیرد. گفت وگوهایی که اشخاص خصوصی گرد هم می آیند تا عموم را ایجاد کنند... در حال حاضر روزنامه ها، فصل نامه ها و تلویزیون ها وسیله های ارتباطی حوزه عمومی هستند. (۲)

البته باید توجه داشت که مفهوم حوزه عمومی به معنایی که ذکر شد، سابقه چندانی ندارد؛ بلکه حدود پنجاه سال قبل توسط هابرماس مطرح گردید. (۳)

می توان گفت، حوزه عمومی به معنایی که ذکر شد، مانع از انحصار قدرت در نهادهای دولتی و موازنه قدرت را در اجتماع پدید می آورد. (۴)

در تقسیم بندی حوزه عمومی و خصوصی گفته شده است: حوزه خصوصی قلمرو روابط شخصی است اما حوزه عمومی دارای دو معنای زیر است:

۱. فضای مصون از مداخلات دولتی برای گفت وگو و مفاهمه؛

۲. حوزه و قلمرو اقتدار دولتی.

نویسنده کتاب حمایت کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، می نویسد:

در تقسیم بندی عمومی - خصوصی، گاه مقصود از حوزه عمومی قلمرو اقتدار دولتی است که بر خلاف قلمرو خصوصی، مشمول نظارت اجتماعی و به دنبال مداخله

۱- (۱) . رحیم نوبهار، حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، ص ۹.

۲- (۲) . همان، ص ۱۰.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . همان.

دولت است اما گاه مقصود از حوزه عمومی قلمرو جدا از دولت است که نه همچون روابط شخصی و خانوادگی خصوصی است و نه قلمرو اقتدار دولت است. (۱)

وی در ادامه می نویسد:

بنابراین، اگر جامعه را همچون کل، به سه قسمت تقسیم کنیم؛ حوزه خصوصی قلمرو روابط شخصی و خانوادگی است؛ حوزه عمومی جدا از دولت و فضایی مصون از مداخلات دولتی برای گفت وگو و مفاهمه میان شهروندان و تصمیم گیری درباره خیر مشترک است. قلمرو اقتدار دولتی نیز حوزه عمومی است؛ به این معنا که اختیاردار آن عموم مردم هستند و متصدیان امور عمومی نمی توانند با آن همچون قلمرو خصوصی و محرمانه رفتار کنند. (۲)

تاریخچه بحث مفهوم حوزه عمومی

آنچه که ضروری به نظر می رسد دانستن تاریخ مباحث علمی درباره حوزه عمومی است و مطالعه تاریخی درباره فرایند شکل گیری و احیاناً فروپاشی حوزه عمومی در دموکراسی غربی است. آنچه که مربوط به پرسش دوم است، باید گفت در سنت غربی تفکیک حوزه عمومی از حوزه خصوصی به یونان باستان باز می گردد. بدین معنا که در آتن، شهر اداری زمانی به شهر سیاسی (۳) تبدیل شد که حوزه عمومی شکل گرفت.

حوزه عمومی دارای دو شاخصه اساسی زیر بود:

یک: مربوط به مصالح عمومی در برابر منافع شخصی بود؛

دو: جریان امور در آن آشکار بود نه پنهان و رمزآلود. (۴)

یونانیان، حوزه عمومی، پولیس یا شهر- دولت را از حوزه خصوصی یا خانواده جدا می کردند. در نظر رومیان نیز امور مربوط به جامعه از امور افراد و خانواده جدا بود.

از نظر یونانیان و رومیان باستان حوزه عمومی قلمرو آزادی سیاسی برای شهروندان به شمار می آمد حوزه عمومی بخشی بود که انسان های آزاد (غیر برده) - که توان مندی اقتصادی به آنها حق شهروندی و حق مشارکت در حکومت جمعی را داده بود - می توانستند در آن رشد کرده و شکوفا شوند. بر عکس قلمرو خصوصی مربوط به

۱- (۱) . همان، ص۲۶.

۲- (۲) . همان، ص۲۷.

۳- (۳) . POLIS.

۴- (۴) . ر.ک: سید جواد طباطبایی، زوال اندیشه سیاسی در ایران، گفتار در مبانی نظری انحطاط ایران، ص۳۰.

ضرورت های اقتصادی و زیستی. زنان، فرزندان و بردگان بود و آنان فرمانبر و خدمت گزار مردان صاحب سرا و خودمختار بودند.

بنابراین، صحیح است که گفته شود: سنت لیبرال غربی در دوران پسا روشن فکری این اصل را که زندگی انسان باید به حوزه های عمومی و خصوصی تفکیک شود، از روم باستان به ارث برده است. (۱)

شواهد متعددی گواهی می دهد که یونانیان با این تقسیم آشنا بودند. ارسطو تدبیر منزل (حوزه خصوصی) را از اشلیسا (حوزه عمومی) جدا می کند. پریکلس (۴۲۹ – ۴۹۵ پیش از میلاد)، در سخنرانی مشهور خود موسوم به «خطابه رثاییه» در سال ۴۳۱ قبل از میلاد ایراد کرد و گفت: ما در زندگی خصوصی آزادیم و به مسامحه گرایش داریم ولی در زندگی اجتماعی پیرو قانونیم. (۲)

بر همین اساس هابرماس برای بررسی تاریخی، حوزه عمومی و خصوصی از یونان باستان شروع می کند. به عقیده او قدیمی ترین تمایز به تمایز میان پلیس، شهر و خانواده بر می گردد. به اعتقاد او در یونان باستان عمومی و خصوصی حوزه های جنسیتی بوده اند. مرد در حوزه عمومی قرار می گرفت و زن که اصولاً ـ امر محرمانه تلقی می شد، در حوزه خصوصی قرار داشت. (۳)

ب) حوزه خصوصی

اشاره

در علوم اجتماعی گاه مقصود از حوزه خصوصی، تنها فضای محدود خانوادگی و دوستانه که گاه از آن به عنوان حریم خصوصی نیز یاد می شود – و باید از مداخلات

دولت محفوظ باشد – نیست؛ بلکه مقصود از آن قلمرو گسترده ای است که دولت حق مداخله در آن را ندارد و حوزه خصوصی، حوزه عمومی را هم در بر می گیرد. از این نظر بسیاری از استدلال هایی که برای لزوم شناسایی قلمرو خصوصی و حوزه مصون از مداخلات دولت صورت گرفته از نظر محتوایی قلمرو حوزه عمومی را نیز در بر

۱– (۱) . رحیم نوبهار، حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، ص ۳۵.

۲– (۲) . همان، ص ۳۶.

۳– (۳) . همان، ص ۳۷.

می گیرد. البته حوزه عمومی بر معیـار جامعه شـناسان چنان که منظور جان لاک (۱۶۳۲ - ۱۷۰۴) و توماس جفرسون (۱۷۴۳ - ۱۸۲۶) که یـک حکومت محـدود و مـداراگرا را شـرط لازم برای برخورداری شـهروندان از حقوق طبیعی می دانسـتند یا جان اسـتوارت میل و آدام اسمیت (۱۷۲۳ - ۱۷۹۰) اقتصاددانان اسـکاتلندی قرن هجـدهم که چنین حکومتی را شـرط بهروزی می دانسـتند، تنها حکومتی که حریم خصوصـی به معنای حریم خانوادگی را به رسـمیت بشـناسد، نبود؛ بلکه بایـد گفت مقصود و منظور این صـاحب نظران از قلمرو خصوصـی افراد و خـانواده هـای خودمختـار و نهاد اجتماعی داوطلب و غیردولتی است. (۱) بـااین حـال، در تعریـف رایـج تر حـوزه خصوصـی قلمروی است که در برابر حوزه عمومی قرار می گیرد. حوزه خصوصـی به مفهومی که ما در این مبحث در صدد تبیین آن هستیم، خود شامل دو قلمرو زیر است:

۱. قلمرو روابط شخصی و خانوادگی که بیشتر با عنوان «حریم خصوصی» شناخته می شود؛

۲. قلمرو خصوصی مبادله کالا و خدمات اجتماعی که در علم اقتصاد با عنوان اقتصاد بخش خصوصی از آن یاد می شود. (۲)

اینک در ذیل مفهوم این دو قلمرو را جداگانه به بحث می گیریم:

۱- حوزه (حریم) خصوصی، به مفهوم قلمرو روابط شخصی و خانوادگی

درباره حریم خصوصـی، تعریفی که با پذیرش عمومی مواجه باشد، وجود ندارد. (۳) حوزه خصوصی در ادبیات حقوق جاری بسیاری از کشورها در معانی گوناگونی به کار

برده می شود که گاه با یکدیگر تداخل دارند.

در ذیل به برخی از این معانی اشاره می کنیم:

-حوزه خصوصـی گاه به معنای فیزیکی آن به کار می رود : حوزه خصوصی به این مفهوم، بیانگر خلوت، تنهایی، پنهان بودن یا تمامیت جسمانی شخص در خانه یا جای دیگر است.

۱- (۱) . همان، ص ۴۸.

۲- (۲) . همان، ص ۴۹.

۳- (۳) . ر.ک: باقر انصاری، حقوق حریم خصوصی، ص ۱۱ - ۱۹.

-حوزه خصوصی به معنای اطلاعاتی : نشانگر محرمانه بودن، پنهان بودن، ناشناخته بودن مکاتبات، مذاکرات و پرونده های مربوط به شخص است.

-حریم خصوصی تصمیم گیری : جلوه ای دیگر از خلوت و حریم خصوص است. به این معنا حوزه خصوصی، ناظر به اموری چون آزادی، رهایی، انتخاب یا استقلال در تصمیم گیری درباره روابط جنسی، تولید مثل، ازدواج، خانواده و مراقبت های بهداشتی است. (۱)

بنابراین، مفهوم حوزه خصوصی و به دنبال آن، حق بر خلوت و محرمیت به جای اشاره به یک مفهوم عینی و مشخص، به یک مفهوم انتزاعی اشاره دارد که به امور متعددی باز می گردد. در واقع حرمت مسکن و محل اقامت شخص، عدم جواز دستیابی به مذاکرات و نامه هایی که شخص مایل است آنها را پنهان نگاه دارد، حق داشتن نسبت به افکار و عقاید واختیار تصمیم گیری درباره امور شخصی، همه و همه جلوه هایی از حق بر خلوت است.

به سختی می توان اثبات کرد که حق بر خلوت همانند یکی از حقوق شهروندی در چه زمانی مطرح شده است. گفته می شود حق بر خلوت، نخستین بار در مقاله ای که در سال ۱۸۹۰ توسط ساموبل وارن و لوییس برانديز، نگارش یافت، مطرح شد. فیلسوفان و انسان شناسان از دیرباز با آگاهی از اهمیت این قلمرو در زندگی انسانی درباره آن سخن گفته اند. (۲)

۲- حوزه خصوصی به معنای مبادله کالا و کار اجتماعی

در طرح هابرماس بخش های حیات انسانی، حوزه خصوصی مبادله کالا و کار اجتماعی نیز گونه ای از قلمرو خصوصی است. این همان بخشی است که اقتصاددانان آن را بخش خصوصی می نامند. باید توجه داشت که اقتصاد بخش خصوصی، به فعالیت

اقتصادی اشخاص به طور فردی محدود نمی شود؛ بلکه فعالیت ها و تلاش های اقتصادی ای که به صورت گروهی در قالب شرکت ها و مؤسسات غیردولتی انجام می شود نیز اقتصاد بخش خصوصی است. (۳)

ص:۱۶۰

۱- (۱) . رحیم نوبهار، حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، ص ۴۹.

۲- (۲) . همان، ص ۵۰.

۳- (۳) . همان، ص ۵۱.

دلایل اهمیت قلمرو خصوصی مبادله، کار و پیوند آن با حوزه عمومی:

۱. شهروندانی می توانند در حوزه عمومی فعالانه مشارکت داشته باشند که از رفاه اقتصادی برخوردار باشند.

۲. از سوی دیگر، میان آزادی های فردی و مالکیت پیوند استواری وجود دارد؛ به نظر همه متفکران کلاسیک لیبرالیسم، پایبندی به آزادی فردی مستلزم تأیید نهادهای مالکیت خصوصی و بازار آزاد است. (۱) آزادی بازار خود از اجزای تفکیک ناپذیر آزادی های شخصی به شمار می آید.

۳. دلیل دیگر اهمیت اقتصاد بخش خصوصی، ارتباط آن با مردم سالاری است. هرچند دموکراسی در اصل ساختاری فکری است اما همبستگی میان برخی از عوامل اقتصادی و اجتماعی و توسعه فرهنگ سیاسی دموکراتیک را نمی توان نادیده گرفت. (۲)

۴. در سیر تحول اندیشه ها نیز ایده جامعه مدنی و حوزه عمومی خارج از کنترل دولت تا حد زیادی به هر دلیل قلمرو اقتصاد خصوصی، خود نیز یک حوزه بااهمیت است و هم در شکل گیری حوزه عمومی جدا از دولت تأثیرگذار است. (۳)

آنچه ما در صدد تبیین و تشریح آن هستیم حوزه خصوصی به مفهوم تمام معانی ذکر شده است؛ به این معنا که وقتی گفته می شود دولت نباید وارد حریم خصوصی افراد شود، هم شامل حریم خصوصی و خانوادگی می شود و هم ناظر به امور پنهانی و مکاتبات و اطلاعات محرمانه است وهم حریم خصوصی تصمیم گیری و مبادله کالا و کار اجتماعی را شامل می شود.

۱- (۱) . همان، ص ۵۲.

۲- (۲) . دایره المعارف دموکراسی، ج۳، ص ۱۴۵۸.

۳- (۳) . رحیم نوبهار، حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، ص ۵۶.

۲ -گستره قدرت در نظریه اهل سنت و شیعه

اشاره

آنچه از قرآن مجید به دست می آید این است که حاکمیت مطلق از آنِ خداوند است: إِنِ الْحُکْمُ إِلاّ لِلّهِ ۱ و در آیات زیر چگونگی داوری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (حاکمان) را بیان می کند:

- إِنّا أَنْزَلْنا إِلَیْکَ الْکِتابَ بِالْحَقِّ لِتَحْکُمَ بَیْنَ النّاسِ بِما أَراکَ اللّهُ ؛ (۱) «ما قرآن را به حق بر تو فرستادیم تا بین مردم بر اساس آنچه خداوند تو را بدان راهبری کرده است، حکومت کنی.»

وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکَ الْکِتابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیْهِ مِنَ الْکِتابِ وَ مُهَیْمِناً عَلَیْهِ فَاحْکُمْ بَیْنَهُمْ بِما أَنْزَلَ اللّهُ وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَهُمْ عَمّا جاءَکَ مِنَ الْحَقِّ ؛ (۲) «ما این کتاب را به حق بر تو فرستادیم در حالی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می کند و گواهی می دهد پس براساس آنچه خداوند فرستاده، بین آنان حکم کن و در اثر خواهش های آنان حکم حق را که به تو فرود آمده است، فرو مگذار».

وَ أَنِ احْکُمْ بَیْنَهُمْ بِما أَنْزَلَ اللّهُ وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَهُمْ وَ احْذَرْهُمْ أَنْ یَفْتِنُوکَ ؛ (۳) «و تو بدانچه خدا فرستاده میان مردم حکم کن و پیرو خواسته های آنان مباش و بیندیش که مبادا تو را در برخی از احکام خدا که بر تو فرستاده فریب دهند».

ص:۱۶۳

۱- (۲) . نساء، ۱۰۵.

۲- (۳) . مائده، ۴۸.

۳- (۴) . همان، ۴۹.

دربـاره قلمرو دخالت دولت و آزادی های مردم، در میان متفکران اسـلامی اختلاف نظرهایی وجود دارد که به صورت اجمال مورد بررسی قرار می دهیم.

الف) اهل سنت

نظریه های اهل سنت درباره گستره قدرت دولت به دو دسته زیر تقسیم می شود:

۱. دسته قـدیم خلافت اهـل سـنت : در کتـاب های سـیاست شـرعی و نظریه های قـدیم اهل سـنت با اسـتناد به تجربه خلافت راشـدین تلاش کرده انـد تا حدود وظایف قدرت خلیفه را در جامعه اسـلامی تبیین نمایند؛ به همین دلیل می توان گفت نظریه های خلافت قـدیم هم به شـمارش وظایف و اختیارات خلیفه پرداخته انـد. کتاب ابویعلای فراء حنبلی به نام احکام السـلطانیه و نیز کتـاب احکـام السـلطانیه مـاوردی، از اولین و معتبرترین منـابع و آرا و انـدیشه های اهل سـنت دراین خصوص به شـمار می روند. ماوردی در «احکام السلطانیه» می نویسد:

وظایف عمومی جامعه که بر حاکم اسلامی واجب است، ده چیز است:

۱. شـریعت مقدس اسـلام را بر اساس اصول پایدار و آنچه گذشتگان امت در مورد آن وحدت نظر داشته اند، حفظ و حراست کند و اگر بدعت گذاری ظهور و یا شبهه افکند، حقیقت را روشن و راه صحیح را به وی بنمایاند... .

۲. اجرای حکم و قضاوت دعاوی و مرافعات جامعه و قطع دشمنی و نزاع بین طرفین دعوا... بنماید.

۳. از حریم و مرزهای کشور اسـلامی حفاظت نمایـد تا مردم به راحتی به کسب و کار خود پرداخته و با امنیت مالی و جانی به مسافرت بپردازند.

۴. حدود را اقامه و اجرا نماید تا حدود الهی از پرده دری مصون... بماند.

۵. مرزها را با تجهیزات و نیروهای نظامی مستحکم نماید تا دشمنان خارجی به کشور اسلامی چنگ نیفکند... .

۶. با دشمنان اسلام - پس از دعوت آنان به پذیرش اسلام - جهاد کند... تا حق خداوند که گسترش دین اسلام در تمام گیتی است، تحقق یابد.

۷. مالیات و وجوهات را که بر اساس نص و اجتهاد از سوی شرع مقدس واجب گردیده، گردآوری کند... .

۸. میزان بودجه و حقوق بیت المال را بدون هیچ افراط و تفریط مشخص کند... .

۹. افراد با کفایت و خیرخواه را برای اجرای امور استخدام کند تا کارهای مردم، با کفایت و کاردانی انجام پذیرد.

۱۰. شخص حاکم اسلامی امور را تحت نظر قرار دهد و احوال جامعه را از نظر بگذراند تا در مواقع لازم به سیاست امت و حراست از ملت بپردازد و تنها به واگذاشتن کار به عهده دیگران بسنده نکند و خود به خوش گذرانی و یا عبادت بپردازد؛ چرا که چه بسا شخص امین نیز در موردی خیانت کند... . (۱)

با دقت در موارد فوق به خوبی آشکار می شود که بر اساس نظریه های خلافت قدیم، جامعه در درون دولت جذب شده است و بدون هیچ تفکیکی بین دو حوزه عمومی و خصوصی در زندگی مؤمنان، دولت در امور خصوصی نیز دخالت می کند و دامنه قدرت خلافت هر دو حوزه عمومی و خصوصی را به طور یکسان شامل می شود. (۲)

۲. دسته جدید خلافت اهل سنت: دامنه قدرت در نظریه های جدید اهل سنت نیز چون خلافت قدیم، در حوزه عمومی محدود نمی شود؛ زیرا خلافت جدید نیز همانند خلافت قدیم مبتنی بر شریعت است و شریعت اسلامی نیز تمام شئون زندگی مردم اعم از حوزه های عمومی و خصوصی را در بر می گیرد بااین حال، نظریه های جدید اهل سنت کمتر از اندیشه های قدیم، اقتدارگرا هستند. (۳)

بر اساس نظریه های جدید، اهل سنت حکومت اسلامی را «حکومت شورایی مردم سالار و مقید به قانون اسلامی» (۴) می داند؛ قانون اساسی و دیگر قوانین مجلس، حقوق و وظایف حاکمان و شهروندان را تعریف کرده و حدود آن را مشخص می کند. طبیعی است که بر اساس قوانین فوق، محدودیت هایی برای دولت در نظر گرفته شود و جایگاه حقوق شهروندان را مشخص کند بر این اساس باید گفت:

۱- (۱) . ابوالحسن ماوردی، آیین حکمرانی، ترجمه: حسین صابری، ص ۴۲؛ ر.ک: همین مطلب را ابویعلی نیز آورده است. مشابهت عبارات بیانگر این است که این مطالب از یکدیگر گرفته شده است؛ حسینعلی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۳، ص ۳۵.

۲- (۲) . نظام سیاسی و دولت اسلامی، ص ۱۳۰.

۳- (۳) . همان، ص ۱۶۱.

۴- (۴) . محمدضیاءالدین الرئیس، الإسلام و الخلافه فی عصر الحدیث، ص ۳۶۹ - ۳۷۱.

دولت جدید دست کم در تئوری و نظر نمی تواند استبدادی و تمامیت خواه باشد. (۱)

ابوالأعلی مودودی پس از تفسیر آیه ۵۹ سوره نساء: (۲)

نکات شش گانه زیر را تحت عنوان «اصول اساسی قانون» ذکر می کند: (۳)

۱. تقدیم اطاعت خدا و پیامبرش بر هر طاعت دیگر؛

۲. اطاعت از اولی الامر، تحت طاعت خداوند و رسول الله صلی الله علیه و آله ؛

۳. اولی الامر باید اهل ایمان باشد؛

۴. مردم حق نزاع و اختلاف در مورد احکام حکومت را دارند؛

۵. در صورت نزاع و اختلاف مرجع نهایی، قانون خدا و پیامبر است؛

۶. در نظام خلافت باید اداره تشکیل شود تا از تهدید أولی الامر و مردم مستقل باشد و بتواند کلیه منازعات را مطابق قانون برتر حل و فصل کند. (۴)

از آخرین نکته ای که مودودی به عنوان پیشنهاد مطرح می کند، مطالب زیر به دست می آید:

الف) مودودی متوجه چالش، حوزه عمومی و خصوصی در دنیای اهل سنت شده و بدون اینکه مشکلات را برشمارد، چنین پیشنهادی را ارائه می دهد که البته در نوع خود بسیار مناسب است؛

ب) پیشنهادی که از سوی مودودی مطرح شده است، سرآغاز یک تحول و نواندیشی در دنیای اهل سنت به شمار می آید؛

ج) این سخن مودودی از تهدید اولی الامر و مردم مستقل باشد، باز هم در فضای اهل سنت قابل تطبیق است؛ زیرا آنان برای «اولی الامر» عدالت را شرط نمی دانند و کلمه تهدید تا حدود زیادی بیانگر روش دیکتاتورانه حاکمان اهل سنت در طول تاریخ است که حکومتی مشابه حکومت های مطلقه دنیای غرب درقرون وسطی را تشکیل داده اند.

مودودی در ادامه تکمیل فرایند محدودساختن قلمرو دخالت دولت می نویسد: «لازم است

۱- (۱) . نظام سیاسی و دولت اسلامی، ص ۱۶۱.

۲- (۲) . یـا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فِی شَیْ ءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ.

۳- (۳) . همان، ص ۱۶۱.

۴- (۴) . ابوالأعلی مودودی، خلافت و ملوکیت، ترجمه: خلیل احمد حامدی، ص ۳۵ - ۳۷.

در حوزه نفوس دستگاه های اجرایی تا مرزهای خداوند و قانون خداوند و پیامبرش محصور بماند» (۱) و تنها سند رسمی شریعت خداوند نه خلیفه بلکه عالمان و اهل شورا هستند.

چنین تحلیلی به صورت طبیعی دامنه قدرت در خلافت جدید را به مرزهای قانون اساسی و دیگر قوانین مصوب مجلس شورا محدود می کند و هرگز آن را به رأی و اختیار حاکم دیگری وا نمی نهد. (۲)

عبدالرحمن این پرسش مهم را مطرح می کند: آیا سلطنت... بر ضمایر مردم سیطره و قدرتی دارد یا وظایف او به حفظ کلیاتی همچون دین، جنسیت، لغت و عادات و آداب عمومی محدود است؟

هرگونه پاسخ به پرسش فوق دامنه قدرت در نظرهای خلافت جدید را ترسیم می کند. (۳)

آنچه قدر مسلم است این است که در نظریه های جدید اهل سنت دامنه قدرت محدودتر است؛ قدرت دولت محدود به حوزه عمومی است و مرزهای خصوصی را تنها شریعت تعیین می کند نه دولت. (۴)

ب) شیعه

اشاره

در مکتب تشیع نیز همانند سایر نظریه های اسلامی، نظریه دامنه اختیارات دولت بر بنیاد شریعت استوار است به همین دلیل گستره قدرت دولت محدود به حوزه عمومی است. این بدان معنا نیست که دولت هیچ دخالتی در حوزه خصوصی نداشته باشد بلکه بر اساس برخی از گفتمان ها، حوزه فعالیت دولت در حوزه عمومی است مگر اینکه مصلحت اسلام یا جامعه اسلامی ایجاب کند؛ همانند جلوگیری از احتکار، تخریب منزل شخصی که در مسیر خیابان واقع شده است و یا اینکه منزل شخصی بر خلاف

رعایت مصلحت محل تولید آلات و اسباب منافی عفت قرار گرفته است و امثال این موارد که دولت باید دخالت کند.

ص:۱۶۷

۱- (۱) . همان، ص ۳۶.

۲- (۲) . عبدالرحمن کواکبی، طبیعت استبداد، ترجمه: عبدالحسین، میرزا قاجار، ص ۵۸ و ۵۹.

۳- (۳) . نظام سیاسی و دولت اسلامی، ص ۱۶۲.

۴- (۴) . همان.

دامنه قـدرت در نظریه های شـیعی بر اساس دو گفتمان انتخاب و انتصاب متفاوت است؛ هرچند نقاط مشترک بسـیاری نیز بین این نظریه وجود دارد.

۱- نظریه انتخاب

براسـاس نظریه «انتخـاب»، نصب حـاکم بـا در نظرداشت ملاـک هـا و شـرایط، بر عهـده مردم است و آنـان ولایت را به کسـی تفویض می کننـد و وی به واسـطه انتخـاب مردم حـاکم بالفعل می شود؛ (۱) بر اسـاس این نظریه، انتخـاب رهبر توسط مردم و واگذاری امور به او و قبول ولایت از سوی وی یک نوع قرارداد و معاهده بین والی و مردم است که بر صـحت و نفوذ آن همه دلایلی که بر صـحت عقود و نفوذ آن دلالت داشته، دلالت دارد و دلایلی نظیر بنای عقلا و آیه شریفه یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ۲ و نیز مضـمون و محتوای قاعده «الناس مسـلّطون علی اموالهم» (۲)ارائه شـده است؛ زیرا خداوند انسان را آزاد آفریده است و انسان صاحب اختیار و مسلط بر ذات خویش است و هیـچ کس نمی توانـد این آزادی را محـدود کند. به همین دلیل، افراد جـامعه حق دارنـد برای حکومت، صالـح ترین افراد را انتخـاب کرده و به حکومت بگمارنـد؛ زیرا به حکم عقـل نظـام و حکومت و تعیین حاکم از واجبات و ضروریات زندگی است. (۳)

براساس نظریه «انتخاب» هرگاه مردم کسـی را بر پایه فرایندی که قانون اساسـی به عنوان مثال در جمهوری اسلامی ایران تعیین کرده به طور مستقیم یا غیرمستقیم به رهبری برگزینند، رهبر را به اجرای قانون اساسی و عمل در چارچوب آن متعهد کرده اند و این تعهدی مشروع و لازم الوفا است. (۴)

بنابراین، اگر «ولایت» محصول و پیمان دو طرف مردم و فقیه واجد الشرایط است، استدلال طرفداران این نظریه بر این است که اصل ۱۱۰ قانون اساسی در مقام استقصای

۱- (۱) . ر ک: مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه: محمود صلواتی، ج ۲، ص ۲۲۳ - ۲۸۵.

۲- (۳) . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۲۲.

۳- (۴) . مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی، ص ۲۸۶.

۴- (۵) . رحیم نوبهـار، ولاـیت فقیه، فراقـانونی یـا چـارچوب قـانون از مجموعه آثـار کنگره امام خمینی (رحمه الله) و اندیشـه حکومت اسلامی، ج ۵، ص ۵۶۹ و ۲۸۹.

وظایف و اختیارات رهبری برآمده و آن را در یازده مورد متعهد کرده است. از نظر عرف حقوقی، استقصای وظایف و اختیارات افاده حصر می کند و ولی فقیه اختیاراتی فراتر از قانون اساسی ندارد. (۱)

بنابراین، مشخص شد که بر اساس نظریه انتخاب دامنه قدرت حاکم و رهبر اسلامی، محدود به قانون اساسی است و فراتر از آن اختیاراتی ندارد.

۲- نظریه انتصاب

نظریه انتصاب بر این باور است که در عصر غیبت، ولی فقیه جانشین امام عصر و دارای تمام اختیارات حکومتی معصوم است.

اگر نمی توان محدوده اختیارات ولی عصر را به یازده بند مذکور در اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی مقید دانست، به طور قطع نباید اختیارات ولی فقیه در عصر غیبت را نیز محدود به اصل مذکور دانست. همچنین اگر ولی فقیه بر اساس اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی دارای ولایت «مطلقه» است، دیگر نباید هیچ قیدی - حتی خود قانون اساسی - آن را مقید کند. (۲)

از طرفداران این نظریه آیت الله مصباح یزدی است. وی معتقد است که امور مندرج در اصل ۱۱۰ قانون اساسی که وظایف و اختیارات رهبر را تعیین می کند، «احصایی» نبوده بلکه «تمثیلی» است. (۳)

بر اساس همین نظریه، احکام حکومتی و مصلحتی امام خمینی (رحمه الله) قابل تفسیر و تبیین است. امام خمینی (رحمه الله) نیز اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه دارند و اختیارات ولی فقیه را همانند اختیارات معصوم دانسته و محدود به هیچ حدی نمی داند مگر قید «مصلحت» و آنجا که مربوط به زندگی شخصی مردم می شود، در صورتی که مربوط به مصالح

اجتماع گردد، در دایره اختیارات ولی فقیه می داند و می نویسد:

باید عرض کنم، حکومت که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله صلی الله علیه و آله است یکی از احکام اولیه اسلام و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است...

۱- (۱) . صالحی نجف آبادی، ولایت فقیه و حکومت صالحان، ص ۱۲۹.

۲- (۲) . مصطفی کواکبیان، مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، ص ۲۴۶.

۳- (۳) . محمدتقی مصباح یزدی، پرسش ها و پاسخ ها، ج ۲، ص ۴۴.

حکومت می تواند قراردادهای شرعی خود را که با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، به طور یک جانبه لغو کند و می تواند هر امری را چه عبادی و یا غیرعبادی که جریان آن مخالف مصالح اسلام است و مادام که چنین است، از آن جلوگیری کند. (۱)

اعطای این اختیارات به دولت نشان گر وسعت دامنه قدرت دولت نسبت به احکام فرعیه و تقدم احکام حکومتی بر احکام فرعیه در صورت تزاحم است. (۲)

براساس گفتمان انتصاب «مصلحت» نقش بسیار عمده ای در صدور حکم دارد. احکام حکومتی و ثانوی به طور معمول بر اساس مصلحت صادر می گردد. ازاین رو، لازم است نخست بعضی از مؤلفه های این مبحث را مورد توجه قرار داده و آنگاه دلایل این احکام و نمونه هایی از این احکام را به اجمال بررسی نماییم:

مؤلفه های اصلی

۱. مصلحت :

اهل لغت مصلحت را در مقابل مفسده و به معنای صلاح، شایستگی، سود و فایده دانسته اند که در نتیجه انجام کاری نصیب انسان می گردد، براین اساس مصلحت نظام نیز به معنای صلاح و فایده ای است که عاید جامعه می شود. ابن منظور در لسان العرب می نویسد: الصلاح، ضد الفساد... الاصلاح نقیض الافساد و المصلحه الصلاح. (۳)

جوهری در الصحاح می نویسد: الصلاح ضد الفساد تقول صلح الشيء صلوحاً. (۴)

مصلحت در فقه شیعه:

شیعه و عدلیه بر اساس اعتقاد به حسن و قبح ذاتی و عقلی و نیز حکمت عدل و عدل الهی بر این باورند که احکام الهی تابع مصالح و مفاسدند؛ یعنی احکام وجوبی و تحریمی بر اساس مصالح و مفاسد جعل می گردند و بر همین اساس احکام به وجوب و حرمت و... تقسیم می شوند. (۵)

۱- (۱) . امام خمینی (رحمه الله) ، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۵۱.

۲- (۲) . داود فیرحی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، ص ۲۹۲.

۳- (۳) . ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۲، ص ۵۱۶ و ۵۱۷.

۴- (۴) . اسماعیل الجوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۳۸۳.

۵- (۵) . کنگره امام خمینی (رحمه الله) و حکومت اسلامی، ص ۲۲۳، ۱۳۷۸.

خواجه نصیرالدین طوسی در تجرید الاعتقاد می نویسد: التکلیف حسن لاشتماله علی مصلحه لا تحصل بدونه.

علامه در شرح تجرید می نویسد: التکلیف حسن لانّ الله تعالی فعله و الله تعالی لا یفعل القبیح و وجه حسنه اشتماله علی مصلحه لاتحصل بدونه وهی التعریض لمنافع عظیم لا تحصل بدون التکلیف. (۱)در روایت های شیعی نیز بر مصلحت تأکید شده است. امام باقر علیه السلام درباره فلسفه حرمت خمر، مردار، خون و گوشت خوک می فرماید:

خداوند چیزی را حلال یا حرام نکرده بدان جهت که آن را خوش یا ناخوش داشته باشد؛ اما هنگامی که خلایق را آفرید بدانچه قوام آنها بدان بستگی دارد و نیز از مصالح آنها آگاهی داشت. ازاین رو، آن را بر آنان حلال و مباح دانست و این تفضّل و لطفی از جانب پروردگار و برای مصلحت خلایق است و همچنین آنچه را مایه زیان آنها می دانست، از آن جلوگیری کرد و آن را حرام فرمود. (۲)

۲. حکم اولی:

حکم مجعولی است که بر افعال و ذوات بدون در نظر گرفتن عناوین ثانوی و استثنایی مترتب می شود. بنابراین، موضوعات آن عناوین اولیه است. به عبارت دیگر، احکام اولیه عبارت است از یک سلسله بعث ها و زجرها و اباحه هایی که بر ذات موضوعات بدون عروض عناوین ثانوی تعلق می گیرد. (۳)

۳. حکم ثانوی:

حکمی است که بر موضوع به وصف اضطرار و اکراه و سایر عناوین ثانوی مترتب می شود و یا به شرایط استثنایی باز می گردد. (۴)

چنان که در توضیح احکام اولیه و ثانویه گفته شده است:

احکام اولی و ثانوی این است که شارع مقدس بر اساس مصالح و مفاسد واقعی که در افعال و ذوات وجود دارد، به جعل اولیه می پردازد تا سعادت انسان ها را در دنیا و آخرت تأمین کند؛ و اما گاهی به دلیل شرایط و ویژگی های خاص، انجام حکم اولی میسر نیست دراین صورت شارع مقدس بدان رو که هیچ موضوعی را در هیچ حالتی و زمانی خالی از

۱- (۱) . علامه حلی، کشف المراد، مصطفوی، ص ۳۴۹.

۲- (۲) . حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاحکام، ج ۴، ص ۱۰۰.

۳- (۳) . عبدالحسین خسروپناه، کنگره امام خمینی (رحمه الله) و حکومت اسلامی، ص ۲۰۴.

۴- (۴) . علی مشکینی، اصطلاحات الاصول، ص ۱۱۱؛ اصول العامه للفقه المقارن، ص ۵۵.

حکم نمی گـذارد، به جعـل احکام ثانویه می پردازد و احکام خاص را بر موضوعات معینی به انضـمام عناوینی چون اضـطرار، ضرر، حرج، تقیّه، خوف، و مانند اینها جعل می کند. (۱)

۴. حکم حکومتی:

علامه طباطبایی در تبیین و توضیح حکم حکومتی می نویسد:

ولی امر می تواند یک سلسـله تصمیمات مقتضی بر حسب وقت گرفته و طبق آن مقرراتی را وضع کند و به موقع اجرا بگذارد، مقررات نـام برده لازم الاجرا بوده وماننـد شـریعت دارای اعتبـار است. بـا تفاوتی که قوانین آسـمانی ثابت و غیر قابل تغییر و مقررات وضـعی قابل تغییر (اند ودر) اثبات و بقا تابع مصـلحتی هسـتند که آنها را به وجود آورده است و چون پیوسـته زندگی جامعه انسانی در تحول و در تکامل است طبعاً این مقررات تـدریجاً تبـدل پیـدا کرده جای خود را به بهتر از خود خواهنـد داد. (۲)

یکی دیگر از نویسندگان درباره حکم حکومتی می نویسد:

حکـم حکومـتی عبـارت است از حکمی که ولی جـامعه بر مبنـای ضوابـط پیش بینی شـده و طبـق مصالـح عمـومی برای حفظ سلامت جامعه تنظیم کنـد و آن برقراری روابط صـحیح بین سازمان های دولتی و غیردولتی با مردم، سازمان ها با یکـدیگر در مورد مسائل فرهنگی، تعلیماتی، مالیاتی، انتظامی، جنگ، صلح، بهداشت و... مقرر داشته است. (۳)

بنابراین، محور اصـلی در احکام حکومتی، وجود مصـلحت بوده و حکم حکومتی تابع مصـلحت است و ممکن است در زمانی که مصـلحت وجود داشـته باشد، چنین حکمی نیز از سوی فقیه و حاکـم اسـلامی صادر شود و در صورت نبود مصلحت، زمینه وجود این حکم نیز منتفی خواهد شد.

-تفاوت های احکام حکومتی با احکام اولیه:

۱. محور احکام حکومتی وجود مصالـح و مفاسـد متغیر اجتماعی است ولی محور صـدور احکام اولیه وجود مصالـح و مفاسـد ثابت واقعی است.

۲. احکـام اولیه، دائمی، ثـابت و همیشـگی ولی احکام حکومتی موقت و قابل تغییرنـد. به عبارت دیگر، احکام اولیه به صورت قضایای حقیقیه صادر می شوند و احکام حکومتی به صورت قضایای شخصیّه هستند.

۱- (۱) . ناصر مکارم شیرازی، انوار الفقاهه، ج ۱، ص ۵۴۰.

۲- (۲) . محمدحسین طباطبایی، مقالات ولایت و زعامت، مقاله مرجعیت و روحانیت، ص ۸۳.

۳- (۳) . ابوالقاسم گرجی، مقالات حقوقی، ج ۲، ص ۲۸۷.

۳. تشخیص مصالح و مفاسد در احکام اولیه بر عهده شارع مقدس است ولی در احکام حکومتی به عهده حاکم اسلامی است.

۴. مسلمانان در احکام حکومتی می بایست از حاکم جامع الشرایط اسلامی تبعیت کنند ولی در احکام اولیه تابع مراجع خویش هستند. به همین دلیل پیروی سایر فقها از حاکم اسلامی نیز لازم و واجب است. (۱)

با توجه به مطالب فوق به خوبی روشن می شود که احکام حکومتی با مصالح اجتماعی رابطه عمیق و وثیق دارد و آنچه دست فقیه را باز می سازد، وجود مصالح است. اقتضائات زمانه و شرایط خاص حاکم بر یک عصر و زمان، بروز و ظهور مشکلات اجتماعی، سوء استفاده بعضی از اشخاص از بعضی از احکام اولیه و همانند این امور، تعیین کننده مصالح و مفاسد اجتماعی است که بر اساس آنها فقیه حکم حکومتی را صادر می کند. (۲)

-دلایل قرآنی و روایی احکام حکومتی و مصلحتی:

در آیات و روایات زیادی حق انشاء احکام حکومتی از احکام سلطنتی و قضایی برای پیامبر و امام علیه السلام و حاکم جامع الشرایط اسلامی تأکید شده است که بعضی از آنها را اشاره می کنیم: در سوره نساء آیه ۵۹ آمده است: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ ؛ (۳) «ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا و رسول خدا و صاحبان امر اطاعت کنید.»

همان گونه که اطاعت از خداوند و پیامبر اطلاق دارد و بدون هیچ گونه قیدی بیان شده است، اطاعت از اولی الامر نیز از همان اطلاق برخوردار است. معنای این اطلاق این است که از هر کار، عمل و حکمی که از این مصدر صادر گردد بدون هیچ گونه قید و شرطی لازم الاجرا بوده و قابل عمل است.

بعضی از نویسندگان معتقدند که لفظ «الامر» بیانگر جنبه های اجتماعی و ابعاد عمومی جامعه است. (۴)

۱- (۱) . عبدالحسین خسروپناه، کنگره امام خمینی (رحمه الله) و حکومت اسلامی، (مقاله عبدالحسین خسروپناه)، ص ۲۵۵.

۲- (۲) . امام خمینی (رحمه الله) ، البیع، ج ۲، ص ۴۶۶.

۳- (۳) . نساء، ۵۹.

۴- (۴) . کنگره امام خمینی (رحمه الله) و حکومت اسلامی، ص ۲۵۴.

به دلایل زیر، عمل به مصالح به معنای عرفی شدن قوانین و بی نیازی از فقیه جامع الشرایط نیست:

۱. عمل به مصلحت مستند به دلایل شرعی، احکام حکومتی، احکام ثانویه و احکام اولیه را ثابت می کند و با توجه به ولایت و حق حاکمیتی که شارع مقدس به فقیه جامع الشرایط داده است، این مصالح مشروعیت پیدا می کند.

۲. شرط اساسی در عمل به مصالح این است که با احکام الهی مغایرت نداشته باشد و البته در صورت تزاحم و اهمیت مصلحت قطعیه، حق تقدم با مصلحت است. (۱)

امام خمینی (رحمه الله) در تفسیر آیه فوق می نویسد:

ولیس المراد بها اطاعتهما فی الاحکام الالهیه، ضروره أن إطاعه الاوامر الالهیه إطاعه الله لا إطاعتهما، فلو صلی قاصدا إطاعه رسول الله صلی الله علیه و آله أو الامام علیه السلام بطلت صلاته. (۲)

علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه می نویسد:

اما رسول، دارای دو جنبه است: اول: جنبه تشریع و رساندن آنچه بدون کتاب به وی وحی شده است که به تفصیل آنچه را که در قرآن مجمل است و هرآنچه بدان مرتبط (است) برای مردم بیان بفرماید... دوم: حکومت و قضاوت (صدور احکام حکومتی و مصلحتی) آن حضرت و آنچه دارای صواب بداند؛ قرآن می فرماید: لِتَحْكُمَ بَيْنَ النّاسِ بِما أَراكَ اللّهُ / ۳ این همان رأیی است که حضرت به ظاهر قوانین بین مردم قضاوت می فرمود و در کارهای مشکل حکم می کرد. (۳)

از نظر روایات نیز توقیع شریف حضرت ولی عصر(عج) احکام حکومتی را برای فقیه جامع الشرایط ثابت می کند. این توقیع از زمره دلایل ولایت سیاسی و اجتماعی فقیه به شمار می رود؛

واما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه احادیثنا فانّهم حجتی علیکم و انا حجه الله علیهم. (۴)

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . امام خمینی (رحمه الله) ، البیع، ص ۴۷۷.

۳- (۴) . المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمدرضا صالحی کرمانی و سید محمد خامنه ای، بنیاد فرهنگی علامه، ص ۳۶۶ - ۳۶۷.

۴- (۵) . وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹، باب ۱۱ از ابواب صفات قاضی؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۷۷؛ وسائل الشیعه، باب ۸ ح ۵۰.

مرسله فقیه نیز ولایت فقیه را ثابت می کند:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم ارحم خلفائی قیل یا رسول الله صلی الله علیه و آله ، و مَن خلفائک؟ قال: الذین یأتون من بعدی یروون عنّی و حدیثی و سنتی. (۱)

امام خمینی (رحمه الله) نیز در مقام تعیین و تشریع حدیث می نویسد:

«خلافت» اگر ظهور در معنای ولایت و حکومت نداشته باشد، دست کم این است که قدر متیقن از آن است.

-نمونه هایی از احکام حکومتی و مصلحتی در کلام فقها:

با مطالعه آرای فقیهان بزرگ شیعه درمی یابیم که حکم حکومتی و مصلحتی، همواره در تاریخ صدور فتوا از طرف فقهای شیعه جلوه گر بوده و آنان همواره با مطالعه و در نظرداشت شرایط و اوضاع فتاوی هایی داده اند که به طور قطع با حکم حکومتی و مصلحتی سازگار است. به نمونه هایی از آن توجه کنید: (۲)

۱. شیخ مفید: «حاکم اسلامی می تواند محتکر را بر فروش اجناس و اموالش مجبور سازد؛ و السلطان أن یکره المحتکر علی اخراج غلته و بیعها فی اسواق المسلمین، اذا کانت بالناس جاحه ظاهره الیها» . (۳)

۲. محقق حلی نیز در شرایع می نویسد: « ویجبر المحتکر علی البیع ؛ (۴) محتکر مجبور به فروش می شود».

۳. صاحب جواهر در موارد متعدد اعتقاد به نفوذ حکم حاکم در امور زیر دارد: ۱.امربه معروف و نهی ازمنکر؛ ۲. ثبوت هلال و اعیاد اسلامی؛ ۳. پرداخت زکات؛ ۴.حتی جهاد ابتدایی و امربه معروف و نهی ازمنکر. (۵)

۴. شیخ طوسی: اختیار اسیران جنگی در زمان غیبت به دست حاکم اسلامی است. (۶)

۵. جزیه: از مشرکان جزیه دریافت می شود و بر مسلمانان جایز نیست به مشرکان

۱- (۱) . امام خمینی (رحمه الله) ، البیع، ص ۶۲۷ - ۲۲۸.

۲- (۲) . ر.ک: مصطفی جعفر پیشه، پیشینه نظریه ولایت فقیه.

۳- (۳) . محمدبن حسن (شیخ مفید)، المقنعه، ص ۶۱۶.

۴- (۴) . محقق حلی، شرایع الاسلام، فی مسائل الحلال والحرام، ج ۲، ص ۱۴ - ۱۶.

۵- (۵) . ر.ک: محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۴؛ ج ۱۶، ص ۳۵۹؛ ج ۱۱، ص ۵۱۱.

۶- (۶) . محمدبن الحسن الطوسی، النهایه، فی مجرد الفقه والفتاوی، ج ۲، ص ۲۹۸.

جزیه پرداخت کنند؛ مگر اینکه ناگزیر باشند و یا مسلمانی در دست آنها اسیر باشد و مورد اهانت قرار بگیرد که دراین صورت می تواند با دادن مال او را آزاد کنند؛ زیرا این کار به مصلحت فرد مسلمان است. (۱)

۶. امام خمینی (رحمه الله) :

الافضل بل الاحوط دفع الزکاه إلی الفقیه فی عصر الغیبه سیما إذا طلبها، لانّه أعرف بمواقعها، وإن کان الاقوی عدم وجوبه إلا إذا حکم بالدفع إلیه لمصلحه الاسلام أو المسلمین، فیجب اتباعه وإن لم یکن مقلدا له ؛ (۲) افضل بلکه احتیاط واجب این است که در عصر غیبت، زکات را به فقیه بدهد؛ به ویژه اگر فقیه آن را بخواهد؛ چون فقیه بیشتر و بهتر موارد مصرف آن را می داند اگرچه اقوی این است که واجب نیست مگر اینکه حکم کند که به دلیل مصلحت اسلام و مسلمین زکات را به او بدهد؛ دراین صورت واجب است که به او بدهد اگرچه مقلد او هم نباشد.

امام خمینی (رحمه الله) در مدتی که در رأس نظام اسلامی قرار داشت، به عنوان فقیه جامع الشرایط در موارد متعددی احکام حکومتی و مصلحتی صادر کرد. امام خمینی (رحمه الله) در تاریخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۶ خطاب به رئیس جمهور وقت ضمن مطالبی به مصادیق احکام حکومتی و مصلحتی اشاره دارد: «مسئله جلوگیری از ورود و خروج ارز گمرکات، جلوگیری از پخش مواد مخدر، منع اعتیاد، مشروبات الکلی، حمل اسلحه، خیابان کشی که مستلزم تصرف در منزل باشد، اعزام الزامی نظام وظیفه به جبهه ها و...» (۳) همو می گوید:

باید عرض کنم حکومت شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله صلی الله علیه و آله و یکی از احکام اولیه اسلام و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز، روزه و حج است. حاکم اسلامی می تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است، خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند؛ حاکم می تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند؛ می تواند از حج که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صَلاح کشور اسلامی است، به طور موقت جلوگیری کند. (۴)

۱- (۱) . محمدبن الحسن الطوسی، المبسوط، ج ۲، ص ۵۲.
۲- (۲) . امام خمینی (رحمه الله) ، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۷۱.
۳- (۳) . همان، ص ۳۱۳.
۴- (۴) . امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۵۱.

۳ –نظریه مرحوم نائینی

اشاره

هرچند علامه نائینی درباره قلمرو دخالت دولت و یا عناوینی همچون حوزه عمومی و حوزه خصوصی بحث مستقلی ارائه نداده است؛ اما از لابه لای مطالب او در کتاب ارزشمند « تنبیه الامه » در مباحث مختلف به وضوح محدودیت قلمرو دخالت دولت به دست می آید. البته حکومتی که مدنظر مرحوم نائینی است یا حکومت تملیکیه و مطلقه است یا حکومت مشروطه و محدوده اما فراتر از آن و این است که یک فقیهی در رأس حکومت اسلامی قرار بگیرد، عصر نائینی اقتضای آن را نداشته است که دراین خصوص بپردازند. ازاین رو، جای خالی این بحث در مباحث نائینی همچنان مشهود است.

تعیین قلمرو دخالت دولت با نگاه به حکومت ولایتیه و تملیکیّه

اشاره

ویژگی هایی که علامه برای حکومت ولایتیه بیان می کند، به شرح زیر است:

امین نوع بودن حاکم، قیام به وظایف نوعیه، مشارکت و مساوات مردم و رعیت حتی با شخص سلطان، محدود بودن سلطنت، احترام اموال و آبروی مردم. مراقبت، مسئولیت، نظارت و مشورت کردن نیز از دیگر ویژگی هایی است که هرکدام به گونه ای، قلمرو دخالت دولت را محدود می کند. در این نوع حکومت، مردم از احترام زیادی برخوردارند و هیچ کس حق تعرض به حریم آنان را ندارد. شاه و سلطان هرگز فراتر از قانون نبوده و نیست و فلسفه وجود قانون، تحدید و قانون مند ساختن ولایت و سلطنت است. انسان و رعایا در این نوع حکومت کریم اند و همگان وظیفه دارند این کرامت را پاس دارند. حفظ حریم خصوصی در این نوع حکومت یک امر روشن و واضح است و بر خلاف نوع دومِ

حکومت (تملیکیه) که حکومت مطلقه و دلخواهانه است و چیزی به نام قانون در آن وجود ندارد و اراده سلطان خود قانون است و رعایا همچون گوسفندانی در اختیار حاکمان هستند و آنان به هر طریقی که بخواهند درباره آنها تصمیم گرفته و به مرحله اجرا خواهند گذاشت. تصرف دل خواهانه، تحکّم، خودسری، عدم مسئولیت، مراقبت و مواظبت از ویژگی های اصلی حکومت تملیکیه به شمار می آید. طبیعی است که حفظ حریم خصوصی و احترام مردم در این نوع حکومت معنا و مفهومی ندارد. بنابراین، با بیان ویژگیها و شاخصه های مربوط به این دو نوع حکومت، علامه با تصریح و کنایه درباره قلمرو دخالت دولت نظر خویش را بیان داشته است. اینک در ضمن بیان ویژگی های این دو نوع حکومت، به بیان نظریه علامه می پردازیم:

الف) ویژگی های حکومت ولایتیه

۱. امین نوع بودن:

مرحوم نائینی، حاکم را امین نوع می داند. ازاین رو، تصرفاتش را محدود به همان اندازه انجام وظیفه می داند:

به خلاف قسم دوم؛ چه حقیقت واقعیه و اصل آن عبارت است از ولایت بر اقامه وظایف راجعه به نظم و حفظ مملکت نه مالکیت و امانتی است نوعیه در صرف قوای مملکت نه قوای نوع است. در این مصارف نه شهوات خود از این جهت، اندازه استیلای سلطان به مقدار ولایت به امور مذکوره، محدود و تصرفش چه به حق باشد یا به اغتصاب به عدم تجاوز از آن حد، مشروط خواهد بود. (۱)

در ادامه می نویسد:

متصدیان امور، همگی امین نوع اند نه مالك و مخدوم و مانند سایر امنا و اجرا، در قیام به وظیفه امانت داری خود مسئول ملت و به اندك تجاوز مأخوذ خواهد بود. (۲)

۲. محدودیت:

مرحوم نائینی این قسم از سلطنت را محدود می داند. ازاین رو، دوری از هرگونه تصرفات دل خواهانه را از سوی سلطان و حاکم از اظهر ضروریات می داند و می نویسد:

۱- (۱) . محمدحسین نائینی، تنبیه الامه، و تنزیه الملله، تصحیح: سید جواد ورعی، ص ۴۴.

۲- (۲) . همان، ص ۴۵.

و علی کل حال، رجوع حقیقت سلطنت اسلامیه بلکه در جمیع شرایع و ادیان به امانت و ولایت احد مشترکین در حقوق مشترکیه نوعیه بدون هیچ مزیتی برای شخص متصدی و محدودیت آن... از اظهر ضروریات دین اسلام و بلکه تمام شرایع و ادیان است. (۱)

در جای دیگر فلسفه وجود قانون اساسی را محدود ساختن رفتار متصدیان دانسته می نویسد:

با وضوح آنکه اصل عقد دستور اساسی فقط برای ضبط رفتار متصدیان و تحدید استیلا و تعیین وظایف آنان... از ماعدای آن است. (۲)

۳. مساوات:

مرحوم نائینی درباره مساوات بحث زیبایی دارد و مساوات را مبنا و اساس عدالت و روح قوانین دانسته و هرگونه تصرف های خودسرانه حاکم را برای تعرض به مال و نوامیس و عرض و آبروی رعایا و ورود به حریم خصوصی آنان را در تضاد و تنافی با مساوات و روح قوانین دینی می داند و می نویسد:

قانون مساوات از اشرف قوانین مبارکه مأخوذه از سیاسات اسلامی و مبنا و اساس عدالت و روح تمام آن قوانین است. (۳)

علامه نائینی بر اساس ویژگی فقیهانه ای که دارد بر این نکته تأکید می کند که وقتی هر حکمی به هر موضوعی و عنوانی به صورت قانون و بر وجه کلی مترتب شود، در مرحله اجرا هیچ تفاوتی بین افراد نخواهد بود و جهات شخصیه به هیچ وجه دخالت نخواهد داشت. استفاده ای که نائینی از این کلام می کند این است که در اجرا و تطبیق قانون بین افراد متشخص و فرودست، عالم و جاهل و حتی مسلمان و کافر هیچ تفاوتی نخواهد بود:

و حقیقت آن در شریعت مطهر عبارت از آن است که هر حکمی که بر هر موضوعی و عنوانی به طور قانونیت و بر وجه کلیت مرتب شده باشد، در مرحله اجرا نسبت به مصادیق و افرادش بالسویه و بدون تفاوت مجری شود. جهات شخصیه و اضافات خاصه رأساً غیر ملحوظ و اختیار وضع و رفع و اغماض و عفو مسلوب و ابواب تخلف و رشوه گیری و دل بخواهانه حکمرانی حکما مسدود باشد. (۴)

۱- (۱) . همان، ص ۷۱.

۲- (۲) . همان، ص ۱۰۴.

۳- (۳) . همان، ص ۱۰۱.

۴- (۴) . همان، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

در ادامه به بحث عدم جواز ورود به حوزه خصوصی افراد پرداخته و می نویسد:

نسبت به عناوین اولیه مشترکه بین عموم اهالی مانند امنیت، عرض، مال، مسکن و عدم تعرض بدون سبب و تجسس نکردن از خفایا و حبس و نفی نکردن از خفایا و نفی نکردن بی موجب و ممانعت نداشتن از اجتماعات مشروعه و نحو ذالک از آنچه بین العموم مشترک و مخصوص فرقه خاصه ای نیست، به طور عموم مجری و در عناوین خاصه هم بین مصادیق و افراد آن عنوان نسبت به عموم اهل مملکت بعد از دخول در آن عنوان، اصلاً امتیاز و تفاوتی در بین نباشد مثلاً مدعی علیه وضیع باشد یا شریف، جاهل باشد یا عالم، کافر باشد یا مسلم، « أیّ مَن کان » . (۱)

شاید بتوان گفت یکی از روشن ترین مواردی که علامه نائینی به بحث گسترده قلمرو دخالت پرداخته است، همین مورد است؛ زیرا در این فراز نائینی به صورت جزئی با ذکر موارد و مصادیق به طور واضح به بحث قلمرو دخالت دولت پرداخته است. از نکات بسیار ارزشمندی که امروزه در مباحث مردم سالاری از اهمیت والایی برخوردار است، اصل حقوق شهروندی است. در این اصل، دین، نژاد و ملیت مطرح نیست. جای بسی افتخار است که علامه نائینی مدت ها قبل، به طرح این مباحث پرداخته و تصریح می کند که فرقی بین اهل مملکت (شهروند) وجود ندارد؛ جاهل باشد یا عالم، کافر باشد یا مسلم، أیّ مَن کان .

ب) ویژگی های حکومت تملیکیه

۱. عمل دل بخواهانه:

چه مبنای قسم اول (تملیکیّه) به جمیع مراتب و درجاتش به قهر و تسخیر مملکت و اهلش در تحت ادارات دل بخواهانه سلطان و صرف قوای نوع از مالیه و غیرها در نیل مرادات خود مسئول نبودن در ارتکابات، مبتنی و متقوم است، هرچه نکرد باید ممنون بود! اگر کُشت و مثله نکرد، یا قطعه قطعه بر خورد سگانش نداد و به نهب اموال قناعت و متعرض ناموس نشد، باید تشکر کرد. (۲)

۲. زورگویی و تحکّمات خودسرانه:

از آن قوای ملعونه، ارتکاز رذیله استبداد و استبعاد رقاب ضعفا و زیردستان است در جبلیت و فطرت نوع بزرگان و اقویای مملکت بطبقاتهم و طبیعی شدن زورگویی و معامله

۱- (۱) . همان، ص ۱۰۲.

۲- (۲) . همان، ص ۴۴.

استبدادیه و تحمیلات دل بخواهانه و تحکّمات خودسرانه فیمابین تمام طبقات و از این جهت است که نوع اقویای مملکت و خاصه ملاکین ایشان... با منشأ و اصل استبداد و همدرد و هم دست و نسبت به این شجره خبیثه به منزله فروع و اغصانند. اصل تأسیس سلطنت و ترتیب قوی و وضع خراج و غیرذلک، همه برای حفظ و نظم مملکت و شبانی گله و ترتیب نوع رعایت رعیت است نه از برای قضای شهوات و درک مرادات گرگان آدم خوار و تسخیر استعمار رقاب ملت در تحت ارادات خودسرانه... نه از باب تملّک دل بخواهانه و تصرف شخصی متصدی و از این جهت است که در لسان ائمه و علمای اسلام سلطان را به ولی والی و راعی و ملت را به رعیت تعبیر فرموده اند. (۱)

علامه نائینی تسخیر رقاب ملت را تحت تحکّمات خودسرانه از زشت ترین نوع ظلم دانسته و آن را با مقاصد انبیا علیهم السلام در تضاد می داند؛ و چون که دانستی قهر و تسخیر رقاب ملت در تحت تحکّمات خودسرانه علاوه بر آنکه زشت ترین شکل ظلم و طغیان و علو در ارض است... با اهم مقاصد انبیا علیه السلام هم منافی است. (۲)

۳. آزار و اذیت آزادی خواهان:

از آن قوای ملعونه، قوه ارهاب و تخویف و تعذیب است که به سیرت مأخوذه فراعنه و طواغیت سلف، دعات حریت موهوبه الهیه – عزاسمه – و برپادارندگان سیره مقدسه انبیا و اولیا علیهم السلام را به انواع عذاب های وارده بر آن انوار طیبه من الاسر و القتل و التنکیل و التمثیل و الحبس فی المضایق و دس السموم و هتک الاعراض و نهب الاموال و غیرها معذّب و بر احدی ابقاء و هیچ فروگذاری نشود. (۳)

۴. سرکوبی ملت:

از آن قوای ملعونه، اغتصاب قوای حافظه علّیه من المالیه و العسکریه و غیرهما و صرف آنها در سرکوبی خودشان است... آن بی خردانِ از همه چیز بی خبر و وظیفه

مقامیه نشناس است، از محافظت احکام شریعت و جسارت به قتل نفوس و هتک اعراض و نهب اموال ملت، تهریش عشایر و ایلات وحشیه هم، مکمل این قوه و سرآمد و علة العلل همه، همان نادانی و جهالت است. (۴)

۱- (۱) . همان، ص ۷۰ و ۷۱.

۲- (۲) . همان، ص ۷۰.

۳- (۳) . همان، ص ۱۵۵.

۴- (۴) . همان، ص ۱۵۸.

همان طور که گذشت، از لابه لای مطالب ذکرشده به روشنی می توان دریافت که قلمرو دولت و عدم جواز ورود آن به حوزه خصوصی و حریم شخصی افراد محدود است؛ زیرا شکستن حریم خصوصی افراد از مصادیق هتک اعراض و از مصادیق بارز آزار واذیت بوده، زورگویی و تحکّم شمرده می شود.

تمامی این امور از نظرعلامه نائینی أعمال غیر شرعی وضد انسانی است.

ص:۱۸۲

۴ -نظریه شهید صدر

اشاره

آیت الله شهید سید محمدباقر صدر نیز همانند علامه نائینی درباره حوزه دخالت دولت بحث مستقلی ارائه نداده است؛ اما وی عدالت، اخلاقی و انسانی بودن، غیر مطلقه بودن، ایجاد موازنه میان منافع و مصالح اجتماعی را از ویژگی های حکومت اسلامی می داند که با تحلیل و در نظرداشت این مؤلفه ها محدودیت قلمرو دخالت دولت در حوزه خصوصی روشن می شود. افزون بر این، وی معنای خلافت انسان را امین نوع بودن می داند و این خلافت را از سوی خداوند متعال دانسته اند که به طور طبیعی ورود به حوزه خصوصی افراد و شکستن حریم آنان بر خلاف این خلافت و امین بودن خواهد بود. بحث کرامت انسان، آزادی و اختیار داشتن، تساوی انسان ها در برابر قانون مباحث دیگری است که می توان با تحلیل و تبیین آنها زوایای بحث قلمرو دخالت دولت را از نظر شهید صدر دانست.

بحث منطقه الفراغ از مباحث دیگری است که نظر شهید صدر زوایای دیگر این بحث را مشخص می کند؛ زیرا شهید صدر درباره «منطقه الفراغ» می نویسد: اختیارات دولت منحصر در اجرای احکام ثابت شریعت نبوده بلکه فراتر از آن را در بر می گیرد، بدین معنا که دولت بنا بر ضرورت و در نظرداشت مصالح اجتماعی و طبق مقتضیات و احوال زمانه می تواند مقرراتی را وضع کند که حافظ منافع و مصالح عام اجتماعی باشد. ازاین رو، بحث احکام اولیه و ثانویه، بحث ضرورت و مانند آن مطرح می شود و بدین سان نظریه شهید صدر به طور کامل و جامع در این مبحث روشن خواهد شد.

ص:۱۸۳

با توجه به مطالب پیش گفته، نظریه شهید صدر را در سه مؤلفه زیر بررسی می کنیم:

الف) ویژگی های خلافت انسان؛

ب) ویژگی های حکومت اسلامی در قلمرو دخالت دولت؛

ج) منطقه الفراغ.

الف) ویژگی های خلافت انسان

۱- کرامت

از نظر شهید صدر اولین ویژگی خلافت انسان، کرامت انسانی است که از عقل، اراده، آزادی و کمال طلبی انسان سرچشمه می گیرد. در قرآن مجید آمده است:

وَ لَقَدْ کَرَّمْنا بَنِی آدَمَ وَ حَمَلْناهُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّیِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلی کَثِیرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضِیلاً ؛ (۱) «ما انسان را گرامی داشتیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشیدیم».

شهید صدر درباره اهمیت خلافت و کرامت انسان می نویسد:

ان الله سبحانه و تعالی شرف الانسان بالخلافه علی الارض فکان الانسان متمیزاً علی کل عناصر الکون فانه خلیفه الله علی الارض ؛ (۲) خداوند سبحان انسان را به خلافت بر روی زمین شرافت بخشید و بدین سان، انسان از همه عناصر روی زمین متمایز می شود.

در فرهنگ دینی، کرامت مطلق از آن خداوند و دارای مراتب و معنای ژرف و عمیقی است. (۳) کرامت یکی از اصول اساسی ادیان آسمانی به ویژه دین مبین اسلام است. در ادیان الهی نسبت به پاس داشت کرامت انسانی و تکریم آزادی های انسان به ویژه در حوزه خصوصی، تأکید فراوانی شده است؛ زیرا سرکشی و تجسس در زندگی خصوصی افراد به عنوان فعل حرام تلقی شده است.

بدون تردید نادیده گرفتن حریم خصوصی افراد بر خلاف کرامت انسانی است و حاکمی که این حدود را رعایت نکند، شایستگی حکومت بر جامعه اسلامی را ندارد؛ همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

۱- (۱) . اسراء، ۷۰.

۲- (۲) . الإسلام یقود الحیاه (خلافه الانسان و شهاده انبیا)، ص ۱۲۷.

۳- (۳) . جوادی آملی، ادب فِنای مقربان، ص۲۰۴.

امامت شایسته فردی است که دارای سه خصلت باشد: ورع و تقوایی که او را از معصیت خدا باز دارد؛ حلمی که با آن بتواند بر غضب خود مسلط شود و نیک حکومت کردن بر کسانی که حکومت آنان را بر عهده دارد تا جایی که برای آنان همانند پدری مهربان باشد. (۱)

زیرپا گذاشتن حریم خصوصی مردم بر خلاف ورع و تقوا است؛ زیرا این کار مصداق ظلم و نادیده گرفتن حرمت انسانی و خلاف رأفت و مهربانی حاکم است.

۲- خلافت و استخلاف

خلافت به معنای جانشینی است اما استخلاف از همان ریشه خلافت و مصدر باب استفعال و به مفهوم جانشین کردن و نیابت دادن است. بزرگ ترین شرافت برای انسان این است که خداوند او را به جانشینی خود برگزیده است؛ او که مالک همه هستی است.

شهید صدر با استناد به آیه شریف: وَ إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَهِ إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً ۲ می نویسد:

وقتی این آیه شریفه را مورد مطالعه قرار دهیم، درمی یابیم که خداوند متعال فرشتگان را آگاه می سازد که بنیاد جامعه ای را پی افکنده است، می خواهیم بدانیم با توجه به این عبارات قرآنی، عناصر این جامعه کدام است؟ به تعبیر قرآن سه عنصر اصلی انسان، زمین (طبیعت) و پیوند معنوی انسان با زمین و یا طبیعت که انسان را با زمین و یا طبیعت از یک سو و انسان را با انسان های دیگر به عنوان برادر از سوی دیگر مرتبط می سازد، عناصر این جامعه را تشکیل می دهد. قرآن این پیوند معنوی را «استخلاف» می نامد. (۲)

این رابطه بیانگر این است که انسان در برابر سرنوشت سه گروه مسئول است: سرنوشت خویش، سرنوشت طبیعت و سرنوشت اجتماع.

عناصر و ارکان استخلاف از دیدگاه شهید صدر

۱. مستخلِف (خداوند سبحان)؛

۲. مستخلَف (انسان ها روی زمین)؛

۱- (۱) . محمدبن یعقوب، کلینی، الکافی، ج۱، ص۴۰۷، «کتاب الحجه فی ما یجب من حق الامام علی الرعیه»، ح۸.

۲- (۳) . محمدباقر صدر، سنت های تاریخ در قرآن کریم، ترجمه: دکتر جمال موسوی، ص ۱۸۴.

۳. مستخلَف علیه (زمین، جامعه و طبیعت). (۱)

این نکته هم قابل ذکر است که از نظر شهید صدر، خلافتی که در قرآن مطرح شده است تنها برای شخص آدم نیست بلکه برای جنس آدم (بشریت) است؛ زیرا آن کس که در روی زمین فساد می کند، شخص آدم نبوده بلکه برای جنس بشر و در طول تاریخ است؛ (۲) و خلافت انسان در زمین بدین معناست که خداوند بشر را در زمین نایب خود قرار داده است. (۳)

آیت الله شهید صدر معتقد است که باید بین خلیفه و مستخلِفٌ عنه، سنخیت وجود داشته باشد. داشتن خُلق وخوی خدایی، شرطی برای حاکم اسلامی است که شهید آن را از «تشبّهوا باخلاق الله» به دست می آورد.

پرواضح است که شکستن حریم خصوصی افراد همان گونه که با کرامت انسانی سازگاری ندارد با خلافت انسان نیز ناسازگار است.

۳- امانت بودن حکومت

شهید صدر بر این نکته تأکید دارد که «استخلاف» و امامت انسان در زمین یک امانت است و رابطه انسان با جامعه «انسان های دیگر» رابطه امین با مورد امانت است:

إِنّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ كانَ ظَلُوماً جَهُولاً ؛ (۴) «ما امانت (تعهّد، تکلیف، و ولایت الهیّه) را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه داشتیم، آنها از پذیرش آن سر برتافتند و از آن هراسیدند امّا انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود (چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد)».

آیت الله شهید صدر می نویسد:

امانت همان صورت پذیرفته شده خلافت است؛ خلافت از سوی خدا عرضه می شود؛ او این پایگاه بلند را به انسان می بخشد، امانت و خلافت عبارت است از استخلاف و استیمان. (۵)

۱- (۱) . اندیشه های سیاسی شهید رابع، ص ۱۸۴.

۲- (۲) . همان، ص ۱۸۵.

۳- (۳) . الإسلام یقود الحیاه (خلافه الانسان و شهاده انبیا)، ص ۱۲۸.

۴- (۴) . احزاب، ۷۲.

۵- (۵) . سنت های تاریخ در قرآن، ص ۱۸۹.

بنابراین، منظور شهید صدر از خلافت حکومت است: این است مفهوم صحیحی که اسلام از خلافت انسان در زمین به ما می دهد یعنی خداوند بشر را نایب خود در حکومت قرار داده است... . (۱) معنای امانت بودن حکومت این است که انسان حاکم را امین خود می دانند و انسان امین، هرگز خلاف رضایت امانت دهنده عمل نمی کند. وقتی زمام امور حکومت را به دست حاکم می سپارد، با زبان بی زبانی بر حفظ حرمت خود و دیگران تأکید می کند و نادیده گرفتن حریم خصوصی افراد، شکستن این حرمت بوده و بر خلاف امانتداری و امین بودن است.

۴- مسئول بودن حاکمان

معنای خلافت انسان، امین بودن اوست. ازاین رو، قرآن کریم از آن به امانت تعبیر کرده است و امانت مسئولیت آور است. (۲)

شهید صدر برای پذیرش امانت الهی فرایند خاصی را ترسیم می کند. بدین معنا که در عصر حضور که نبی و امام - که معصوم است - عهده دار این امانت است؛ زیرا امامت و نبوت پیمان و عهد الهی است که به ستمگران نمی رسد.

پس هرگونه رفتار مبتنی بر جاهلیت یا شرکت ضمنی در گونه های ظلم، ستم، بهره کشی و انحراف، فرد را نسبت به عهد الهی، ناشایست می سازد. (۳)

در عصر غیبت حاکم اسلامی باید از ملکه عدالت برخوردار باشد و عدالت لازم برای حاکم اسلامی چیزی نزدیک به عصمت است و حاکم اسلامی، افزون بر عدالت از صفات نیک دیگر همانند علم، قدرت و رحمت نسبت به مستضعفان، انتقام از جباران، جود و سخاوت را دارا باشد؛ زیرا جانشین خداوند است. آیت الله شهید صدر می نویسد:

فصفات الله تعالی و اخلاقه من العدل و العلم و القدره و الرحمه بالمستضعفین و الانتقام من الجبّارین و الجود الذی لاحدّ له... فقد جاء فی الحدیث تشبّهوا باخلاق الله. (۴)

۱- (۱) . الإسلام یقود الحیاه (خلافه الانسان و شهاده انبیا)، ص ۱۲۸.

۲- (۲) . آیت الله سید محمدباقر صدر، سنت های تاریخ در قرآن، ص ۱۸۹.

۳- (۳) . الإسلام یقود الحیاه، ص ۱۳۱.

۴- (۴) . بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۱۲۹؛ الإسلام یقود الحیاه، ص ۱۳۳.

حکومت مطلوب و مورد نظر علامه شهید صدر در عصر غیبت، حکومتی است که در رأس آن مرجعیت رشیده قرار دارد، مرجعیت صالح همان انسان عادل، فرهمند، عالم و متقی است. چنین شخصی حکومت را امانت الهی دانسته و شانه های خود را زیر بار چنین امانت و مسئولیتی احساس می کند؛ اما امانت داری و مسئولیت پذیری شرایط و ویژگی های خاص خود را دارد که کمترین آن حفظ حرمت افراد در تمامی شرایط است. حاکمی که خود را در برابر خداوند و مردم مسئول بداند، به هیچ وجه حرمت خصوصی افراد را زیر پا نخواهد گذاشت.

۵- عدالت خواهی

این یک امر تصادفی نیست که عدل دومین اصل از اصول دین اسلام قرار گیرد و از میان صفات دیگر خداوند متمایز شود... این نشانه شدت و اهتمامی است که باید در رفتار و عمل خود نسبت به آن ابراز کنیم و نقش آن را در مسیر زندگی خود نشان دهیم. (۱)

از نظر شهید صدر عدالت، استقامت بر شرع و طریقت اسلام (۲) درباره عدالت اجتماعی می نویسد:

عدالتی است که مسئولیتی اجتماعی در خلافت عمومی انسان بر آن استوار است، همان وجهه اجتماعی عدل الهی است که پیامبران منادیش بودند (۳)

در ادامه با تأکید بیشتر به عدل الهی در بعد اجتماعی می نویسد:

اهتمام به عدل الهی و جدا کردن آن به عنوان اصلی مجزا و مستقل در بین صفات خداوند از علم و قدرت، شنوایی و غیره تنها به این دلیل است که این اصل دارای یک مدلول

اجتماعی است و با روح انقلاب های پیامبران در خارج یک ریشه عمیقی دارد. (۴)

بنابراین، اگر روابط اجتماعی بر خلاف عدالت باشد، اهداف خلافت زیر پا گذاشته می شود و تفاوت جامعه جاهلی و جامعه متمدن دینی زیر سؤال می رود. شهید صدر تأکید می کند که حاکم اسلامی باید عدالت خواه باشد:

۱- (۱) . همان، ص ۱۳۳.

۲- (۲) . سید محمدباقر صدر، الفتاوی الواضحه، وفقا لمذهب اهل البیت، ص ۱۲۰.

۳- (۳) . الإسلام یقود الحیاه (خلافه الانسان و شهاده الانبیاء).

۴- (۴) . سید محمدباقر صدر، تصویری از اقتصاد اسلامی، ترجمه: دکتر جمال موسوی، ص ۱۷.

حق و عدالت حقیقتی است که وجدان دولت اسلامی را پر کرده است و تنها عناوین صوری نیست که بر اساس مصالح خاصی بر زبان رانده شود. (۱)

نقطه مقابل عدالت ظلم است، نادیده گرفتن حریم خصوصی افراد و شکستن حوزه خصوصی افراد ظلم بزرگی است و با عدالت در تضاد کامل است؛ زیرا از نظر شهید صدر عدالت رفتار متعادلانه است:

فالعداله هی الوسیطه و الاعتدال فی السلوک الذی عبّر فی القرآن الکریم فی قوله تعالی و کذالک جعلناکم امّه وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس؛ (۲) عدالت رعایت حد وسط و اعتدال در سلوک و رفتار است؛ همان چیزی که قرآن کریم فرموده است: و این چنین شما را امت وسط قرار دادیم تا شاهدان مردم باشید.

رفتار متعادلانه، حفظ حرمت ها و رعایت حقوق شهروندان در ابعاد مختلف حوزه های عمومی و خصوصی است.

۶- آزادی و برابری انسان ها

از نظر شهید صدر، تمام انسان ها در حق خلافت با هم برابرند؛ همان گونه که گذشت، مردم صاحب حق و عهده دار حمل این امانت هستند و همه در پیشگاه قانون با هم برابرند و تمام آنها برای تحقق این حقوق، حق دارند... همان گونه که در انجام مراسم و شعایر دینی و مذهبی خود آزاد هستند.

آیت الله شهید صدر مفهوم آزادی را بسیار وسیع می داند و می نویسد:

آزادی در اسلام از بندگی خالصانه به خداوند شروع می شود و منتهی به رهایی او

از هر نوع و شکل بندگی اهانت آور می گردد؛ (۳) زیرا خداوند متعال انسان را به جانشینی خود برگزیده است. ازاین رو، باید این انسان آزاد و مختار باشد وگرنه لیاقت این خلافت را نخواهد داشت؛ خداوند موجود آزاد و مختار را به عنوان جانشین خود بر روی زمین قرار داده است. (۴)

۱- (۱) . مائده، ۴۴.

۲- (۲) . الإسلام یقود الحیاه (خلافه الانسان و شهاده الانبیاء)، ص۱۳۹.

۳- (۳) . سید محمدباقر صدر، مدرسه اسلامی، ترجمه: کاظمی خلخالی، ص ۱۳۰.

۴- (۴) . الإسلام یقود الحیاه (خلافه الانسان و شهاده الانبیاء)، ص ۱۳۱.

درباره اهمیت آزادی می نویسد: «بدون آزادی، لفظ انسانیت فاقد معناست». (۱)

بنـابراین، آزادی و برابری انسان ها ویژگی دیگری است که شـهید صـدر از آن یاد می کنـد. ورود به قلمرو خصوصـی افراد و شهروندان با آزادی انسان ها در تضاد کامل است؛ زیرا در دیکتاتورانه ترین نظام ها نیز افراد در قلمرو زندگی شخصی خود از آزادی هایی برخوردارند.

ب) ویژگی های حکومت اسلامی در قلمرو دخالت دولت

اشاره

مهم ترین ویژگی های حکومت اسـلامی، انسانی و اخلاقی بودن، غیر مطلقه بودن، محدودیت، اساس بودن عدالت، حرکت بر اساس موازین شـرع مقـدس اسـلام و موازنه میان منافع فردی و مصالح اجتماعی است که به هرکدام از این مؤلفه ها به صورت فشرده و بر اساس نظریه شهید صدر اشاره می کنیم:

۱- رعایت اخلاق

حکومت در دولت اسلامی، رعایت و حفظ شئون «امت» بر اساس شریعت اسلامی است و به همین دلیل بارها به حاکم «راعی» و بر فرمانبران «رعیت» اطلاق شـده است همان گونه که در حدیث شـریف «کلکم راع و کلکم مسـئول عن رعیّته» آمده است. (۲)

یکی دیگر از مؤلفه هـایی که شـهید صـدر دربـاره ویژگی هـای حکومت در مبـاحث خود بـدان پرداخته است، اخلاقی بودن حکومت است. معنای اخلاقی بودن این است که رفتار دولت مردان باید بر اساس شریعت اسلامی شکل بگیرد.

روشن است که شریعت مقدس اسلام نسبت به پاس داشت حریم خصوصی افراد توجه ویژه ای دارد؛ به همین دلیل تجسس در زنـدگی شخصـی افراد و اطلاع یابی از زوایای زنـدگی شخصـی افراد و بی احترامی و بی حرمتی در اشـکال مختلف ممنوع و حرام شـرعی است. ازاین رو، نادیـده گرفتن حـوزه خصوصـی افراد، هم به معنـای زیر پـا گذاشـتن حقوق آنـان و هم مصـداق تجسّس در زندگی خصوصی افراد و هم از مصادیق

۱- (۱) . سید محمدباقر صدر، اقتصاد ما، ترجمه اسپهبدی، ص۲۸۲.

۲- (۲) . الاسس الإسلامیه، ص ۶، ارس.

بـارزِ بی حرمـتی است که تمـام این امور، ضـد اخلاـقی است و این در حـالی است که شـهید صـدر بر اخلاـقی بودن حکومت اسلامی تأکید دارد؛ ازاین رو، معنای صریح این سخن، ممنوعیّت ورود به زندگی خصوصی افراد است.

۲- اساس بودن عدالت و شریعت

آیت الله شـهید صدر عدالت را این گونه تعریف می کند: «العداله هی الوسـیطه و الاعتدال فی السـلوک ؛ (۱) عدالت، رعایت حد وسط و اعتدال در سلوک و رفتار است.»

شهید صدر در مورد عدالت اجتماعی می نویسد:

عـدالتی که مسئولیت هـای اجتمـاعی در خلافت عمومی انسان بر آن اسـتوار است؛ همان وجهه اجتماعی عـدل الهی است که پیامبران منادیش بودند و رسالت آسمانی بر آن تأکید داشته است و این دومین اصل از اصول دین است. (۲)

شهید صدر دستورهای اسلام را مطابق با عدالت می داند و می نویسد:

عدالت استقامت بر شرع و طریقت اسلام است. (۳)

ازاین رو، رعایت عدالت را از سوی حاکم اسلامی ضروری می داند:

حق و عدالت حقیقتی است که وجدان دولت اسلامی را پر کرده است و تنها عناوین صوری نیست که بر اساس مصالح خاصی بر زبان رانده بشود. (۴)

در بحث مسئولیت های مرجعیت دینی سه مسئولیت عمده را این گونه بیان می کند.

۱. حفظ، نشر و گسترش پیام و رسالت اسلام؛

۲. به کارگیری اجتهاد برای درک احکام اسلام و تطبیق مسائل روز با آنها؛

۳. اشراف و مراقبت بر امت برای تحقق خلافت خود و اجرای دقیق قوانین در چارچوب اسلام در بین مردم. (۵)

همان گونه که قبلاً توضیـح داده شـد، زیرپا گذاشـتن حرمت افراد در حوزه های مختلف، خلاف عدالت است و هرچه خلاف عدالت باشد خلاف شریعت نیز هست؛ زیرا از نظر

۱- (۱) . الإسلام یقود الحیاه (خلافه الانسان و شهاده الانبیاء)، ص ۱۳۹.

۲- (۲) . تصویری از اقتصاد اسلامی، ترجمه: دکتر جمال موسوی، ص ۱۷.

۳- (۳) . الفتاوی الواضحه وفقا لمذهب اهل البیت، ص ۱۲۰.

۴- (۴) . الإسلام یقود الحیاه (منابع القدره فی الدوله الإسلامیه)، ص ۱۷۷.

۵- (۵) . الإسلام یقود الحیاه (لمحه فقهیه)، ص ۲۴.

شهید صدر، شریعت مطابق عدالت است و مرجع - که همان حاکم اسلامی است - وظیفه دارد نسبت به رعایت کامل عدالت همت گمارد و ورود به زندگی خصوصی افراد وشکستن این حرمت، بدون شک عمل خلاف عدالت و شریعت است.

۳- غیرمطلقه بودن

آیت الله شهید صدر در یک تقسیم بندی، دولت را به سه دسته مطلقه، کافره و دولت اسلامی تقسیم می کند.

نوع سوم، دولت اسلامی و آن دولتی است که بر اساس دین اسلام و مبانی آن در مورد وجود، زندگانی و جامعه شکل گرفته است. (۱)

درباره دولت کافره می نویسد:

دولتی که بر مبنای یک قاعده فکری مخالف اسلام ایجاد شده است مانند دولت کمونیستی... (۲)

اما دولت مطلقه را عاری از هر نوع چارچوب فکری می داند:

نوع دوم دولتی است که مبتنی بر قاعده فکری خاصی نیست و همچنان که این وضع در حکومت هایی که بر اساس و خواست شخص حاکم یا سرکوبی اراده و مصلحت امتی دیگر ایجاد شده اند، وجود دارد. (۳)

نقطه مقابلِ غیرمطلقه بودن، مطلقه بودن است که هیچ گونه حریمی در هیچ قسمت برای افراد قائل نباشد؛ چنین حکومتی بدون شک مورد قبول شهید صدر نخواهد بود.

۴- ایجاد موازنه میان مصالح فردی و اجتماعی

از نظر علامه شهید صدر، اسلام برای تأمین و ایجاد هماهنگی بین منافع شخصی و مصالح اجتماعی دست به دو نوع اقدام زده است: ۱. ارائه تفسیر واقع بینانه ای از حیات و زندگانی؛ ۲. تعهد بر تربیت اخلاقی انسان یعنی تغذیه فکری و رشد عواطف انسانی و گرایش اخلاقی در وجود او. (۴)

۱- (۱) . الاسس الإسلامیه، الاساس رقم ۴.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . سید محمدباقر صدر، مدرسه اسلامی، ترجمه: کاظمی خلخالی، ص ۱۰۶.

در راستای برقراری همین موازنه می نویسد:

دین می خواهد میان مبنای فطری حیات بشری و مبنایی که باید در عمل برای حیات وی تعیین شود، ارتباط عمیق برقرار کند تا بتواند سعادت، رفاه و عدالت انسان ها را در همه مراحل حیات تضمین کند. (۱)

با تحلیل «موازنه میان منافع فردی و مصالح اجتماعی» می توان نتیجه گرفت که نظر شهید صدر نیز همانند بسیاری از فقیهان دیگر اجازه ورود به زندگی خصوصی افراد را نمی دهند؛ زیرا مصالح عامه اجتماعی تهدید می شود؛ اما در صورتی که افراد بخواهند با سوءاستفاده از حریم خصوصی مصالح اجتماعی را تهدید کنند، هیچ فقیهی چنین اجازه ای را نخواهد داد. به طور مثال اگر فردی بخواهد منزل شخصی را تبدیل به شراب خانه کند و یا توطئه ای بر ضد حکومت اسلامی در حال شکل گیری باشد، در این موارد هیچ فقیهی چنین حرمتی را برای زندگی خصوصی افراد قائل نیست.

ج) منطقه الفراغ

آیت الله شهید سید محمدباقر صدر احکام و قوانین اسلامی را به سه دسته تقسیم می کند: ۱. احکام ثابت؛ ۲. احکام اجتهادی؛ ۳. احکام تصویبی (متغیر) که گاهی احکام اولی و ثانوی هم گفته می شود.

از دیدگاه شهید صدر حوزه ای که در اثر تأثیر متقابل روابط انسان ها با طبیعت به وجود می آید، منطقه ای است که احکام و قوانین مربوط به آن از جاودانگی برخوردار نیستند؛ ازاین رو، تابع اوضاع و احوال متغیر زمانه هستند. (۲)

۱- (۱) . ر.ک: همان، ص ۱۰۱ - ۱۰۳.

۲- (۲) . محمدحسین جمشیدی، اندیشه سیاسی شهید رابع، ص ۲۶۳.

شهید صدر، این حوزه اجتماعی - طبیعی را «منطقه الفراغ من التشریع» می نامد. (۱)

از نظر شهید صدر آنچه در این منطقه از سوی قوه مقننه تصویب می شود بر اساس اقتضای مصلحت و تشخیص اوضاع و احوال صورت می گیرد و نباید با احکام ثابت شرعی در تعارض باشد؛ اما معیار اصلی تصویب این گونه قوانین، مصلحت عمومی امت اسلامی و مصلحت عالیه اسلام است.

شهید صدر می نویسد:

ولی تعالیم و قوانین (نوع دوم) قوانین متغیری است که با تغییر مقتضیات دولت و حکومت، تغییر می کنند و منشأ تغییر و تطور آنها این است که نه تنها به وسیله نص شخصی در شریعت مطرح شده اند بلکه از احکام شریعت و بر اساس مقتضیات و احوال که میدان تغییر و تحول است، استنباط می گردند... که هیأت حاکم عادل باید بر اساس رعایت شئونِ امت و حفظ مصلحت عمومی و مصلحت عالیه اسلام آنها را وضع کند... . (۲)

آیت الله شهید صدر محدوده فراگیری حوزه «منطقه الفراغ» را بسیار وسیع می داند: محدوده آزادی اولی الامر شامل هر علمی است که به طور طبیعی در شرع مباح باشد. (۳) از نظر شهید صدر سنگ زیرین منطقه الفراغ، در نظرداشت تطور و تغییر اوضاع و احوال اجتماعی و در نظر گرفتن مصالح عالی اسلام و امت اسلامی است. بنابراین باید گفت: حفظ حریم خصوصی افراد تا جایی ارزشمند است که مصالح عامه امت اسلامی به خطر نیفتد و یا اینکه این آزادی عمل با مصالح عالیه اسلام در تضاد نباشد که در این صورت بحث احکام ثانویه پیش می آید و هیچ فقیهی از جمله شهید صدر چنین اجازه ای را نخواهد داد.

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . الاسس الإسلامیه، رقم ۸.

۳- (۳) . اقتصاد ما، ص۷۲۶.

۵–تطبیق و بررسی دو نظریه

اشاره

در بحث قلمرو دخالت دولت نیز همانند فصل های گذشته، نقاط مشترک زیادی بین نظریه مرحوم نائینی و شهید صدر می توان یافت؛ هرچند هرکدام از دو نظریه نقاط افتراق خود را نیز دارند که در ذیل به صورت جداگانه و ابتدا نقاط اجتماع و آنگاه نقاط افتراق را بیان می کنیم:

الف) نقاط اشتراک دو نظریه

۱. کرامت انسانی: اولین نقطه اشتراک دو نظریه تأکید فراوان بر داشتن کرامت انسانی است. هم مرحوم نائینی در لا‌به لای مباحث خود نسبت به پاسداشت کرامت انسانی از سوی حاکمان و فرمانروایان تأکید فراوان دارد و هم شهید صدر بر آن پای می فشارد. ازاین رو، نسبت به تحکمات خودسرانه و رفتار دل بخواهانه از سوی حاکمان، هر دو فقیه سخت متعرض اند و بر همین اساس هیچ کدام از دو فقیه، اجازه ورود به حریم خصوصی افراد و نادیده گرفتن کرامت انسانی را نمی دهند. تجسس، بی حرمتی و نادیده گرفتن حقوق شهروندان در ابعاد مختلف از سوی هر دو فقیه عملی خلاف شرع است.

۲. تأکید بر پایبندی بر اصول: اصولی همانند آزادی، مساوات، احترام به قانون، رعایت عدالت، مشورت با مردم، امور دیگری است که هر دو فقیه نسبت به رعایت و پایبندی بر آنها اصرار زایدالوصفی دارند که از لابه لای هرکدام از این مباحث و در

ضمن بحث، قلمرو دخالت دولت و محدودیت آن و ممنوعیت ورود به حریم خصوصی افراد به روشنی به دست می آید.

۳. امینِ نوع دانستن حاکمان : هم مرحوم نائینی و هم شهید صدر اصرار دارند که حکومت یک امانت در دست حاکمان است. با توجه به شاخصه های فرد «امین» و «امانت داری» فرایند قلمرو دخالت دولت نیز از لابه لای مباحث هر دو فقیه آشکار می گردد.

۴. مسئول دانستن حاکمان : حکمرانی یک مسئولیت است و شخص والی و حاکم مسئول و پاسخ گو در برابر مردم است. بر همین اساس هر دو فقیه تأکید دارند که به دلیل امانت بودن حکومت، حاکمان مسئول هستند و کمترین تفاوتی در این پاسخ گویی بین عامه مردم و حاکمان قائل نیستند. مستندات هر دو فقیه در این موارد، سیره مبارکه امیرالمؤمنین علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که این مستندات، نیز مشترک است.

۵. عدم تفاوت بین رعایا : بین مسلم و کافر، عالم و جاهل، وضیع و شریف، حاکمان و رعایا در تمام مسائل و قضایایی که مربوط به چگونگی حکمرانی می گردد، هیچ تفاوتی وجود ندارد. این سخن نقطه اشتراکِ دیگری است که می توان به عنوان وجه اشتراک بین دو نظریه بیان کرد.

۶. تقسیمات حکومت و بیان ویژگی های هرکدام : آخرین مطلبی که ما به عنوان وجه اشتراک دونظریه از آن یاد می کنیم، تقسیم حکومت ها است. هم مرحوم نائینی و هم شهید صدر حکومت را به دسته های خاصی تقسیم می کنند ولی نائینی تقسیم جامع و کاملی را تحت عنوان حکومت ولایتیه و تملیکیه بیان می کند. ویژگی حکومت قابل قبول اسلامی را نائینی در حکومت ولایتیه یافته است؛ چنان که شاخصه های حکومت های ضد مردمی را حکومت تملیکیه بیان داشته است. مرحوم شهید صدر دولت ها را به دولت مطلقه و کافره و دولت اسلامی تقسیم می کند. البته وی تقسیمات دیگری نیز درباره دولت ها بیان می کند؛ همانند دولت اقلیمی و دولت فکری که به همان تقسیم اولی باز می گردد. از لابه لای مباحث مربوط به حکومت به ویژه، ویژگی های حکومت ها، قلمرو دخالت دولت از دیدگاه هر دو فقیه آشکار می گردد.

ص:۱۹۶

ب) نقاط اختصاصی نظریه مرحوم نائینی

۱. مرحوم نـائینی حکومـتی را که در رأس آن یـک فقیه قرار داشـته باشـد، تصور نکرده است؛ زیرا شـرایط عصـر نـائینی چنین اقتضایی را نداشته است.

۲. تقسـیم حکومت به دو دسـته خاص ولایتیه و تملیکیّه و بیان ویژگی های هرکـدام، تقسـیم بدیع و ابتکاری است که از سوی مرحوم نائینی ارائه شـده است. البته در ضـمن بیان ویژگی های مربوط به هرکـدام از دو دسـته، قلمرو دخالت دولت روشن می شود.

۳. مرحوم نـائینی، بحث فقیهـانه ای دارد؛ هر حکمی که بر هر موضوعی و عنوانی به طور قـانونی و بر وجه کلیت مـترتب شـده باشـد، در مرحله اجرا نیز به مصـادیق و افرادش به صورت مساوی و بـدون تفاوت جریان دارد و جهات شخصـیه در نظر گرفته نمی شود. مرحوم نائینی در قلمرو دخالت دولت می نویسد:

نسبت به عنـاوین اولیه مشـترکه بین عموم اهـالیماننـد امنیت بر نفس و عِرض و مـال و مسـکن و عـدم تعرض بـدون سـبب و تجسس نکردن از خفایا و حبس نکردن بی موجب... بعد از دخول در آن عنوان، هیچ امتیاز و تفاوتی در بین نباشد.

این سـخن نائینی روشن ترین و صریح ترین بحث قلمرو دخالت دولت به شمار می رود. نقطه برجسته و گویای دیگر در قلمرو دخالت دولت از دیدگاه مرحوم نائینی، مثال های اوست که به جزئیات و بررسی این قلمرو از زوایای مختلف پرداخته است.

ج) نقاط اختصاصی نظریه آیت الله شهید صدر

۱. تأکید بر عدالت و عدالت خواهی: شهید صدر درباره عدالت اجتماعی می نویسد:

عـدالتی است که مسـئولیت هـای اجتمـاعی در خلافـت عمومی انسان بر آن اسـتوار است [و در حقیقت] همان وجهه اجتماعی عدل الهی است که پیامبران منادی آن بودند؛ حق و عدالت حقیقتی است که وجدان دولت اسلامی را پر کرده است...

در جای دیگر می نویسد:

اهتمام به عدل الهی و جداکردن آن به عنوان اصل مجزا و مسـتقل در بین صـفات خداوند از علم و قدرت، شنوایی و غیره تنها به این دلیـل است که این اصـل دارای یـک مـدلول اجتمـاعی است و با روح انقلاب های پیامبران در خارج یک ریشه عمیقی دارد.

این تأکید فراوان بر عدالت اجتماعی به بحث قلمرو دخالت دولت برمی گردد؛ زیرا شهید صدر عدالت را رفتار متعادلانه و اعتدال در سلوک و رفتار می داند و رفتار متعادلانه را می توان حفظ حریم خصوصی افراد و رعایت حقوق شهروندان نامید. این تأکید بر عدالت اجتماعی به عنوان یک نقطه برجسته در دیدگاه شهید صدر به شمار می رود.

۲ .نظریه خلافت : این نظریه زیبا، عالی، ابتکاری و منحصر به فرد است که تنها شهید صدر بدین صورت برجسته بدان پرداخته است و با توجه به معنای وسیعی که دارد، قلمرو دخالت دولت را نیز شامل می شود.

۳. تقسیم های متعدد درخصوص دولت : شهید صدر درباره دولت، تقسیم بندی های متعددی دارد که از لابه لای آنها بحث گستره دخالتِ دولت نیز استفاده می شود؛ اما انصاف این است که کم گویی و گزیده گویی در تقسیم مرحوم نائینی بسیار مشهود است و اما زوایای بیشتر مباحث را در تقسیم بندی شهید صدر می توان جست وجو کرد.

۴. منطقه الفراغ : بحث ابتکاری و جدیدی است که اولین بار از سوی شهید صدر ارائه می شود. زوایای مختلف این بحث درباره گستره و قلمرو دخالت دولت، می تواند آزادی افراد در شرایط خاص اجتماعی و در زندگی خصوصی را محدود کند؛ زیرا بحث مصلحت اجتماعی و موازنه میان منافع فردی و مصالح اجتماعی پدید می آید که پرداختن به این مباحث زوایای مختلف بحث گستره دخالت دولت را به خوبی روشن می کند.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

احکام حکومتی و مصلحت ، صرامی، سیف الله، تهران، نشر عبیر، ۱۳۸۰.

۱. اخلاق فردی و اجتماعی در خرد سیاست ، راسل برتراند، ترجمه: فولاد وند، عزت اله، تهران، طرح نو، ۱۳۷۷.

۲. ادب فنای مقربان ، جوادی آملی، عبدالله، قم، مرکز نشر اسراء، دوم، ۱۳۸۱.

۳. از مبانی حزب دعوت اسلامی ، صدر، سید محمدباقر، ترجمه حزب دعوت اسلامی، تهران، حزب دعوت اسلامی، بی تا.

۴. الأسس الإسلامیه ، صدر، سید محمدباقر، بیروت، دارالفرات، ۱۹۸۹.

۵. اسلام و دموکراسی مشورتی ، میراحمدی، منصور، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴.

۶. الاسلام والخلافه فی عصر الحدیث ، رئیس، محمدضیاءالدین، قاهره، دارالحدیث، ۱۹۷۶.

۷. الاسلام یقود الحیاه ، صدر، سید محمدباقر، قم، مرکز الابحاث والدراسات التخصّصیه للشهید صدر، ۱۳۷۹.

۸. اصطلاحات الأصول ، مشکینی، علی، قم، دارالهادی، سوم، ۱۳۷۳.

۹. اصول العامه للفقه المقارن ، حکیم، محمدتقی، بیروت، دارالاندلس، ۱۹۶۳.

۱۰. اطلاعات سیاسی اقتصادی ، رحیمی، مصطفی، اجمالی درباره سیر دموکراسی، شماره های ۱۷۰-۱۶۹ مهر و آبان ۱۳۸۰.

۱۱. اعیان الشیعه ، امین، سید محسن ، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۸۶.

۱۲. اقتصاد ما ، صدر، سید محمدباقر، ترجمه ع.اسپهبدی، تهران، انتشارت اسلامی،

ص:۱۹۹

.۱۳۶۰

۱۳. اندیشه سیاسی از افلاطون تا ناتو ، برایان، ترجمه مرتضی کافی، اکبر افسری تهران، سوم، ۱۳۷۷.

۱۴. اندیشه سیاسی در اسلام معاصر ، عنایت، حمید، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۵.

۱۵. اندیشه سیاسی صدرالمتألهین ، لک زایی نجف، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

۱۶. اندیشه سیاسی گفتمان علوی ، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴.

۱۷. اندیشه سیاسی محقق حلی ، شریعتی، روح الله، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰.

۱۸. اندیشه سیاسی نائینی ، بهشتی، احمد، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۲.

۱۹. اندیشه های سیاسی شهید رابع ، جمشیدی، محمد حسین، تهران، چاپ و انتشار وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷.

۲۰. انسان سیاسی ، لیپست، سیمور، مارتین.

۲۱. أنوار الفقاهه ، مکارم شیرازی ناصر، قم، مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام ، ۱۴۱۱ق.

۲۲. آموزش دانش سیاسی، بشریه، حسین، تهران، نگاه معاصر، چهارم، ۱۳۸۴.

۲۳. آیین حکمرانی ، ماوردی، ابوالحسن، ترجمه حسین صابری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.

۲۴. بازخوانی هابر ماس ، نوروزی، حسین علی، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۱.

۲۵. بایسته های حقوق اساسی ، قاضی، ابوالفضل، تهران، میزان، بیست و نهم، ۱۳۸۶.

۲۶. بحار الأنوار ، مجلسی، علامه محمدباقر، بیروت، داراحیاءالتراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۲۷. بنیادهای علم سیاست ، عالم، عبدالرحمن، تهران، نشر نی، هفدهم، ۱۳۸۶.

۲۸. البیع ، خمینی امام ، روح الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.

۲۹. پرسش ها و پاسخ ها، مصباح یزدی، محمدتقی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمه الله) ، هفدهم، ۱۳۸۱.

۳۰. پژوهشی در اندیشه نائینی ، ورعی سید جواد، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان، ۱۳۸۴.

۳۱. پیشینه نظریه ولایت فقیه ، جعفرپیشیه فرد، مصطفی، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان، ۱۳۸۰.

۳۲. تاج العروس من جواهر القاموس ، حسینی، سید محمد مرتضی، بی جا، دارالهدایه، ۱۳۸۵.

۳۳. تاج العروس ، زبیدی، محمد مرتضی، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۳۴. تاریخ المرسل والملوك (تاریخ الطبری) ، الطبری، ابوجعفر محمدبن جریر، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۷۹.

۳۵. تاریخ تمدن ، دورانت، ویل، ترجمه ضیاء الدین علایی طباطبایی، تهران، شر کت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.

۳۶. تاریخ طبری ، طبری محمدبن جریر، دارالمعرفه، بیروت، سوم، ۱۹۷۸.

۳۷. تاریخ فلسفه سیاسی غرب ، عالم، عبدالرحمن، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۴.

۳۸. تاریخ فلسفه ، دورانت، ویل، ترجمه عباس زریاب، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، هفدهم، ۱۳۸۴

۳۹. تاریخ مختصر فلسفه جدید ، اجراسکترون، ترجمه اسماعیل سعادتی خمسه، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۲.

۴۰. تاریخ هردوت ، ترجمه هادی هدایتی، دانشگاه تهران، بی تا.

۴۱. تاریخ یعقوبی ، احمد بن ابی یعقوب، ترجمه محمدابراهیم آیتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، پنجم، ۱۳۶۶.

۴۲. تحریر الوسیله، خمینی امام، روح الله، قم، مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۳۶۳.

۴۳. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ، مصطفوی، حسن، تهران، بنگاه ترجمه نشر کتاب، ۱۳۶۰.

۴۴. تصویری از اقتصاد اسلامی ، صدر، سید محمدباقر، ترجمه دکتر جمال موسوی، تهران، روزبه، بی تا.

۴۵. تصویری از حکومت اسلامی در افغانستان ، محسنی، آصف، اسلام آباد، بی نا، ۱۳۷۱.

۴۶. تفسیر المیزان ، طباطبایی، محمدحسین، ترجمه موسوی همدانی، تهران، بنیاد فکری علامه، ۱۳۶۳.

۴۷. تفسیر مجمع البیان ، طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، داراحیاءالتراث العربی، بیروت، ۱۳۳۹.

۴۸. تنبیه الامه وتنزیه المله ، نائینی، محمدحسین، تصحیح: سید جواد ورعی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

۴۹. تنبیه الامه وتنزیه المله ، نائینی، محمدحسین، مقدمه سید محمود طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشار، هشتم، ۱۳۶۱.

۵۰. تئوری شناخت ، صدر، سید محمدباقر، ترجمه، سیدحسین حسینی، نشر کوکب،

۱۳۵۹.

۵۱. ثقافه الدعوه الإسلامیه ، الاصلاح و التغییر الاجتماعی ...، تهران، زندگی، ۱۳۶۵.

۵۲. جایگاه مصلحت در حکومت ولایی ، خسروپناه، عبدالحسین، کنگره امام خمینی (رحمه الله) و حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار، ۱۳۷۸.

۵۳. جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، نجفی، محمدحسن، تحقیق: محمود قوچانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، هشتم، ۱۹۸۱.

۵۴. چالش سیاست دینی و نظم سلطانی با تأکید بر اندیشه و عمل سیاسی علمای شیعه در عصر صفویه ، لک زایی، نجف، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دوم، ۱۳۸۶.

۵۵. حقوق حریم خصوصی ، انصاری، باقر، تهران، سمت، ۱۳۸۶.

۵۶. حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان ، ورعی، سیدجواد، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان، ۱۳۸۱ .

ص:۲۰۱

۵۷. حقوق و وظایف غیر مسلمان در جامعه اسلامی ، شریعتی، روح الله، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

۵۸. حکمت و حکومت ، حائری یزدی، مهدی، بی جا، انتشارات شادی، ۱۹۹۵.

۵۹. الحکومه الإسلامیه ، خمینی، امام روح الله، مؤسسه تنظیم و نشر تراث الامام الخمینی، تهران، ۱۹۹۶.

۶۰. حکومت اسلامی و ولایت فقیه ، مصباح یزدی، محمدتقی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.

۶۱. حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، نوبهار، رحیم، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۸۷.

۶۲. خطمش های سیاسی نهج البلاغه ، ماندگار، محمدمهدی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

۶۳. خلافه الانسان وشهاده الانبیاء، صدر، سید محمدباقر، تهران، جهادالبنأ، ۱۳۹۹ق.

۶۴. الخلافه والملوکیه ، مودودی، ابوالعلاء، ترجمه:خلیل احمد حامدی، تهران، بیان، ۱۴۰۵ق.

۶۵. خلافت و ملوکیت ، مودودی، ترجمه خلیل احمد حامدی، تهران، بیان، ۱۴۰۵ق.

۶۶. دانشنامه سیاسی ، آشوری، داریوش، تهران، مروارید، یازدهم، ۱۳۸۴.

۶۷. دائره المعارف دموکراسی، لیپست، سیمور، مارتین، کتابخانه تخصصی وزارت خارجه، ۱۳۸۳.

۶۸. درآمدی بر اندیشه سیاسی امام خمینی (رحمه الله) ، اخترشهر، قم، پاد اندیشه، ۱۳۸۳.

۶۹. درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی، نقیب زاده، احمد، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰.

۷۰. درس های دموکراسی برای همه ، بشیریه، حسین، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۰.

۷۱. دموکراسی قدسی ، رشاد، علی اکبر، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دوم، ۱۳۸۲.

۷۲. دموکراسی گفت وگویی ، میخایل باختین و یورگس هابرماس، ترجمه دکتر منصور انصاری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴.

۷۳. دموکراسی واعتبار رأی اکثریت دراسلام ، صالحی محمد جواد، تهران، مرکز پژوهش های اسلامی صدا وسیما، ۱۳۸۳.

۷۴. دموکراسی، آربلاستر، آنتونی، ترجمه مرتضوی، تهران، آشیان، ۱۳۷۹

۷۵. دموکراسی ، کوهن،کارل، ترجمه فریبرز (مجید)، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۳.

۷۶. دین و دموکراسی ، عظیمی، محمداکرم، تهران، میزان، دوم، ۱۳۸۴.

۷۷. الرايد ، جبران، مسعود، ترجمه دکتر رضا انزابی نژاد، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، پنجم، ۱۳۸۶.

۷۸. الرد علی الباطنیّه.

۷۹. رسالت ما ، صدر، سید محمدباقر، ترجمه محمدتقی رهبر، تهران، روزبه، بی تا.

۸۰. رساله درباره حکومت ، لاک، جان، ترجمه عضدآنلو، تهران، نشرنی، ۱۳۸۷

ص:۲۰۲

۸۱. رساله درباره دین و دولت ، اسپینوزا،

۸۲. ریحانه الأدب ، مدرسی، میرزا محمد علی، تبریز، خیام، دوم، بی تا.

۸۳. زوال اندیشه سیاسی در ایران ، طباطبایی، سید جواد، گفتار در مبانی نظری انحطاط ایران، تهران، کویر ششم، ۱۳۸۵.

۸۴. سنت های تاریخ در قرآن ، صدر، سید محمدباقر، ترجمه دکتر سید جمال الدین موسوی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، بی تا.

۸۵. سی سال پس از پیامبر صلی الله علیه و آله ، صدر، سید محمدباقر، ترجمه سید علی علوی تهران، انتشارات بدر، ۱۳۶۶.

۸۶. سیاست تطبیقی ، طیب علی رضا، تهران، مرکز آموزشی مدیریت دولتی، ۱۳۷۶.

۸۷. سیاست ، ارسطو، ترجمه حمید عنایت، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، کتاب

سوم، ششم، ۱۳۸۶.

۸۸. سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی ، لک زایی، نجف، تهران، پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی، هفتم، ۱۳۸۶

۸۹. السیره النبویه ، ابن هشام، مکتبه قاهره، محمدعلی صبیح، ۱۹۶۳.

۹۰. سیرت رسول الله صلی الله علیه و آله ، ابن هشام، ترجمه رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی، (قاضی ابرقوه) تهران نشر مرکز، ۱۳۸۳.

۹۱. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، ابی القاسم، نجم الدین، جعفر بن الحسن، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۰ق.

۹۲. شرح المقاصد، تفتازانی، مسعود بن عبدالله ، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۷۰.

۹۳. شرح المواقف ، ایجی، عضدالدین، عبدالرحمن، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۵ق.

۹۴. شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید، عزالدین ابی حامد عبدالحمید، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۹۵۹.

۹۵. الشهید الصدر بین ازمه التأریخ و ذمه المؤرخین ، اسدی، مختار، بی جا، ۱۹۹۷.

۹۶. الصحاح تاج اللغه العربیه، جوهری، اسماعیل ابن حمّاد، تهران، گویا، ۱۳۶۸.

۹۷. صحیفه امام خمینی (رحمه الله) ، خمینی امام ، روح الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چهارم، ۱۳۸۵.

۹۸. صحیفه نور، خمینی، امام روح الله، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.

۹۹. عسکری، سید مرتضی، مصاحبه با شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران، که در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۲۵. به مناسبت سومین سالگرد رحلت علامه پخش شد.

۱۰۰. علمای مجاهد ، رجبی، محمدحسن، تهران مرکزاسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

ص:۲۰۳

۱۰۱. عواید الایام ، نراقی، احمد ابن محمدمهدی، قم، مکتب الاعلام اسلامی، ۱۳۷۵.

الغدیر فی الکتاب والسنه والآداب ، امینی، عبدالحسین، دارالکتب الاسلامیه، دوم، ۱۳۶۶.

۱۰۲. الغیبه ، طوسی، ابی جعفر محمدبن الحسن، تحقیق: عباد الله الطهرانی، علی احمد ناصح، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۵ق.

۱۰۳. الفتاوی الواضحه وفقا لمذهب اهل البیت ، صدر، سید محمدباقر، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.

۱۰۴. فرهنگ جامع سیاسی ، طلوعی، محمود، تهران، نشر علم، دوم، ۱۳۸۵.

۱۰۵. فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد ، ایان مک لین، ترجمه دکتر حمید احمدی، تهران، میزان، ۱۳۸۱.

۱۰۶. فرهنگ علوم سیاسی ، آقابخشی علی، تهران، تندر، ۱۳۶۳.

۱۰۷. فرهنگ معین ، معین، محمد، تهران، سپهر، هشتم، ۱۳۷۵.

۱۰۸. فرهنگ واژه ها ، بیات، عبدالرسول با همکاری جمعی از نویسندگان، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، دوم، ۱۳۸۱

۱۰۹. فقه سیاسی ، عمید زنجانی، عباس علی، تهران امیرکبیر، سوم، ۱۳۸۳.

۱۱۰. فقه و مصالح عرفی ، صابری، حسین، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴.

۱۱۱. فلسفه سیاست، نوروزی محمدجواد، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، دهم، ۱۳۸۵.

۱۱۲. القاموس المحیط ، فیرز آبادی، محمدبن یعقوب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق

۱۱۳. قدرت و مشروعیت در اندیشه سیاسی اسلام ، فیرحی، داود، تهران نشرنی، دوم، ۱۳۸۲.

۱۱۴. قرارداد اجتماعی ، رسو، ژان ژاک، ترجمه مرتضی کلانتریان، آگه، تهران، سوم، ۱۳۸۴.

۱۱۵. کاپیتالیسم، سوسیالیسم، دموکراسی ، جوزف شومپیتر، ترجمه حسن منصور، بی جا، نشر مرکز، دوم، ۱۳۷۵.

۱۱۶. الکافی فی الفقه ، حلبی ، ابوالصلاح، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام ، ۱۴۱۱ق.

۱۱۷. الکافی ، کلینی، محمد بن یعقوب، بیروت، دارالتعارف، چهارم، ۱۴۰۱ق.

۱۱۸. الکامل فی التاریخ ، ابن الاثیر، عزالدین، ابوالحسن علی بن محمد، المعروف، بیروت دارالمعارف، ۱۳۸۵ق.

۱۱۹. کشف المحجّه، ابن طاووس رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی، لثمرالمهجه، تحقیق محمدالحسون، قم، مرکزالنشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۵ق.

۱۲۰. کشف المراد ، حلی (علامه)حسن بن یوسف، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۹۷۹.

۱۲۱. گفتمان جهانی شدن در اسلام سیاسی در افغانستان پس از طالبان ، سجادی، سید عبدالقیوم، قم دانشگاه مفید، ۱۳۸۸.

.۱۲۲

گلشن ابرار ، قم، سازمان تبلیغات اسلامی و پژوهشگاه باقرالعلوم، ۱۳۸۲.

۱۲۳. لسان العرب ، ابن منظور محمد بن مکرم، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۳۶۳،

۱۲۴. لغت نامه دهخدا، دهخدا، علی اکبر، زیر نظر:محمد معین، جعفر شهیدی، تهران،

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سازمان لغت نامه دهخدا، ۱۳۸۰.

۱۲۵. مبانی فقهی حکومت اسلامی ، منتظری، حسین علی، ترجمه محمود صلواتی، قم، نشر تفکر، ۱۳۶۹.

۱۲۶. مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه ، کواکبیان، مصطفی، تهران، نشر عروج، ۱۳۷۸.

۱۲۷. مبانی و گستره آزادی سیاسی در اندیشه و رفتار حضرت علی علیه السلام ، محسنی، علی، پایان نامه دوره دکتری علوم سیاسی جامعه شناسی سیاسی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام ، ۱۳۸۲.

۱۲۸. المبسوط ، طوسی، ابی جعفر محمدبن الحسن، المکتبه المرتضویه، دوم، بی تا.

۱۲۹. مجله حکومت اسلا می، ورعی، سید جواد شماره ۲۲، سال چهارم مقاله مشورت حق مردم و وظیفه حکومت.

۱۳۰. مجله حوزه، شماره ۳۰، سال ۱۳۷۶.

۱۳۱. مجمع البحرین ، طریحی، فخرالدین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.

۱۳۲. مدرسه اسلامی ، صدر، سید محمدباقر، ترجمه کاظمی خلخالی، تهران، آرمان، ۱۳۶۲.

۱۳۳. مدل های دموکراسی ، هلد، دیوید ترجمه عباس مخبر، تهران، مروارید، ۱۳۶۴.

۱۳۴. مرجعیت طبیعت استبداد ، کواکبی، عبدالرحمن، ترجمه عبدالحسین، میرزاقا جار، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۳.

۱۳۵. مردم سالاری دینی ، پورفرد، مسعود، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۴.

۱۳۶. مردم سالاری دینی ، قاضی زاده، محمدکاظم، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی (رحمه الله) ، ۱۳۸۴.

۱۳۷. المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ، طبری، محمد بن جریر، تحقیق: احمد المحمودی، تهران، مؤسسه الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۵ق.

۱۳۸. مشارکت سیاسی در اسلام ، غلام رضا، تهران، امام صادق علیه السلام ، ۱۳۶۶.

۱۳۹. المصباح المنیر ، فیومی، احمد محمد، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۵ق.

۱۴۰. مصلحت در فقه شیعه و سنی ، توکلی، اسدالله، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.

۱۴۱. معجم مفردات القرآن ، الراغب،اصفهانی ابوالقاسم الحسین بن محمد، قاهره، مطبعه الکتب المصریه، بی تا.

۱۴۲. معجم مقاییس اللغه ، ابن فارس، احمد ، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

۱۴۳. المفردات فی غریب القرآن ، راغب اصفهانی، تهران، نشر الکتاب، ۱۴۰۴ق.

ص:۲۰۵

۱۴۴. مقالات حقوقی ، گرجی، ابوالقاسم، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشار و چاپ، ۱۳۸۵.

۱۴۵. مقالات ولایت و زعامت ، طباطبایی، محمدحسین.

۱۴۶. مقاله مشروعیت چیست ، نشریه عصرما، ش۶۴.

۱۴۷. مقاله مشروعیت حکومت ولایی کتاب نقد، خسروپناه، عبدالحسین، ش۷.

۱۴۸. مقدمه ابن خلدون ، ابن خلدون، عبدالرحمن، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.

۱۴۹. مقدمه درس های از تاریخ، دورانت، ویل،

۱۵۰. المقنعه ، ابوعبدالله، محمدبن محمد بن نعمان، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، دوم، بی تا.

۱۵۱. المکاسب ، انصاری، شیخ مرتضی، قم، مجمع الفکر السلامی، ۱۴۱۵ق.

۱۵۲. من لایحضره الفقیه ، صدوق محمدبن علی بن حسین، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ق.

۱۵۳. منهاج الصالحین، وبهامشه التعلیق علیه ، صدر، سید محمدباقر، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۶ق.

۱۵۴. منیه الطالب ، نائینی، میرزاحسین ، تهران، المکتبه المحمدیه، ۱۳۷۳ق.

۱۵۵. ندای بیداری، نورالدین، علی لو، میرزای نائینی، سازمان تبلیغات، ۱۳۷۴.

۱۵۶. نظارت بر قدرت سیاسی ، ایزدهی، سید سجاد، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸

۱۵۷. النظام السیاسی فی الاسلام ، قریشی، باقر شریف، بیروت، دارالمرتضی، ۱۹۹۴.

۱۵۸. نظام سیاسی و دولت اسلامی ، فیرحی، داود، تهران، سمت، پنجم، ۱۳۸۶

۱۵۹. نظریه های دولت در فقه شیعه ، کدیور، محسن، تهران، نشر نی، ۱۹۷۹.

۱۶۰. نظریه های دولت ، وینست، اندرو، ترجمه حسین بشیریه، تهران نشر نی، ۱۳۷۵.

۱۶۱. النظم الاسلامیه، عرجی، محمد عبدالله، قاهره، مؤسسه سجل العربی، بی تا.

۱۶۲. نقد و دینداری مدرنیسم ، لاریجانی، محمدجواد، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۲.

۱۶۳. نوزده ستاره و یک ماه ، استادی، رضا، قم، نشر قدس، ۱۳۸۲.

۱۶۴. النهایه فی غریب الحدیث ، ابن اثیر، عزالدین، ابوالحسن علی بن محمد

المعروف، تحقیق: طاهر احمد الزادی، محمود محمد الطناحی، قاهره، دارالکتب المصری، بی تا.

۱۶۵. النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی ، طوسی، ابی جعفر محمدبن الحسن، بیروت دارالکتب العربی، ۱۴۰۰ق.

۱۶۶. نهج الحق و کشف الصدق، الحسن بن یوسف المطهر الحلّی (علامه حلّی)، قم، دارالهجره، ۱۴۰۷ق.

۱۶۷. نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه ، محمودی، محمدباقر، بیروت، مؤسسه الاعلمی، للمطبوعات، مؤسسه التضامن الفکری، ۱۳۹۷ ق.

ص:۲۰۶

۱۶۸. الوجیز فی تفسیرالکتاب العزیز ، ابن العطیه، ابی محمـد، عبـدالحق المحرر، تحقیق: عبـدالله بن ابراهیم انصاری و عبدالعال سید ابراهیم، دوحه، ۱۴۰۲ق.

۱۶۹. وسائل الشیعه ، حر عاملی، محمد بن حسن، تحقیق: ربانی شیرازی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چهارم، ۱۳۹۱.

۱۷۰. ولایت فقیه و حکومت صالحان ، صالحی نجف آبادی، نعمت الله، قم، مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۶۳.

۱۷۱. ولایت فقیه: فراقانونی یا «چارچوب قانون»، نوبهار، رحیم، از مجموعه آثار کنگره امام خمینی (رحمه الله) و اندیشه حکومت اسلامی، قم، مؤسسه نشر آثار، ۱۳۷۸.

۱۷۲. ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت ، جوادی آملی، عبدالله، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۹.

۱۷۳. ولایت و دیانت، هادوی تهرانی، مهدی، قم، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، ۱۳۸۱.

ص:۲۰۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹